

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- ۵ **۱- بررسی خوانش دل‌بستگی مکانی بر مبنای عناصر هویتی معماری مسکونی**
(مطالعه موردی: معماری مسکونی دوره پهلوی دوم بین شهروندان تهرانی)
دکتر معصومه قیمتی
دکتر ایرج اعتصام
دکتر علی علانی
- ۱۹ **۲- بررسی الگوی شکلی هندسی مجموعه نقش جهان اصفهان به واسطه ساختار حرکتی اقشار مردم از منظر مکتب شکل‌گرایی**
مهندس هیراد حسینیان
دکتر جمال‌الدین سهیلی
دکتر فریبا البرزی
- ۳۵ **۳- تبیین تاثیر الگوی کالبدی بافت‌های مسکونی بر تعاملات همسایگی در محلات**
(مطالعه موردی: شهرک مسکونی نفت، نیوسایت، زیتون کارمندی و کیانپارس در شهر اهواز)
دکتر حامد حیاتی
مهندس ندا ارزانی بیرگانی
- ۵۱ **۴- نقش هویت بومی و محلی در ارتقاء برندسازی شهر خلاق**
(مطالعه موردی: شهر رشت)
دکتر علی اکبر سالاری پور
مهندس آرمان حمیدی
مهندس محمد نوری پور سدهی
مهندس محمدحسین مغرور
مهندس عرفان خانی
- ۶۵ **۵- معماری معاصر ایران و مسئله هویت، بازنمایی رئالیستی از خوانش انتقادی پست‌مدرنیسم در معماری**
دکتر امیرداود مصلحت‌جو
دکتر مریم قاسمی سیچانی
دکتر وحید قبادیان
دکتر بیژن عبدالکریمی
- ۸۷ **۶- بررسی هندسه حیاط دبستان‌های دخترانه شهر اصفهان با هدف تأمین بیشترین ساعت آسایش حرارتی**
مهندس غزاله چهرازی
دکتر نرگس دهقان
دکتر هانیه صنایعیان
دکتر امیر گندمکار
- ۹۹ **۷- تحلیل دست‌نگاره‌های مفهومی دانشجویان معماری بر اساس تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعات در فرایند طراحی**
دکتر فرهاد کاروان
- ۱۱۱ **۸- ارزیابی مؤلفه‌های محیطی و غیرمحیطی موثر بر تاب‌آوری اجتماعی در محلات مسکونی**
(مطالعه موردی: محلات منتخب بابل)
مهندس سوگند وثوقی
دکتر روح اله رحیمی

راهنمای نویسندگان

راهنمای تهیه و شرایط ارسال نوشته های علمی در مجله «هویت شهر»

- هدف مجله هویت شهر انتشار نتیجه پژوهش ها و تجربه های علمی در زمینه های معماری و شهرسازی است.
- نوشتارهای پژوهشی، تحلیلی، گزارش های علمی در زمینه های معماری، شهرسازی برای درج در مجله پذیرفته شده و پس از داوری و تصویب هیئت تحریریه به چاپ می رسند.
- نوشتارهای ارسالی نباید قبلاً در هیچ مجله ای به چاپ رسیده باشند. ضمناً مقاله های ارائه شده به مجله هویت شهر برای بررسی و چاپ نباید همزمان به مجله های دیگر ارائه شده باشند. مقاله باید واجد بخش های چکیده (فارسی و انگلیسی)، کلید واژه ها، مقدمه، روش تحقیق، پیشینه تحقیق، بدنه تحقیق شامل موضوعات مختلف، نتیجه، پی نوشت ها و فهرست مراجع باشد. اندازه این نوشتارها باید بین حداقل ۷ و حداکثر ۱۲ صفحه مجله (با احتساب تمام بخش های مقاله به غیر از چکیده انگلیسی) با فونت B Mitra شماره ۱۲ و فاصله خطوط ۱۸cm باشد. نوشتارها از حاشیه ها از بالا به اندازه ۳cm، پایین ۲cm، از چپ و راست ۲/۵cm فاصله داشته باشد.
- چکیده مقاله باید شامل بیان مسئله، هدف، روش پژوهش، نکته ها، یافته های مهم و نتیجه باشد. این بخش باید به تهرایی بیان کننده تمام مقاله و به ویژه نتایج به دست آمده باشد. اندازه چکیده فارسی دقیقاً ۱۵۰ کلمه و چکیده انگلیسی دقیقاً ۵۰۰ کلمه است. چکیده فارسی و انگلیسی باید در صفحه ای جداگانه تایپ شوند. در صفحه چکیده انگلیسی، عنوان مقاله و واژه های کلیدی نیز به انگلیسی ارائه گردد.
- در نوشتارهای پژوهشی و تحلیلی لازم است واژه های کلیدی مربوط به متن و عنوان مقاله بلافاصله بعد از چکیده و بین ۶۴ کلمه نوشته شود.
- مقدمه نوشتار، ارائه کننده مسئله، هدف تحقیق و معرفی کلی مقاله است.
- نتیجه نوشتار باید به گونه ای منطقی و مفید که روشن کننده بحث و ارائه یافته های تحقیق باشد، ارائه گردد.
- در بخش تشکر و قدردانی، راهنمایی و کمک های دیگران یادآوری شده و به طور اجمالی از آنها سپاسگزاری می گردد.
- پی نوشت های مقاله (اصطلاحات و معادل های واژه ها، توضیحات و غیره) باید در متن به ترتیب شماره گذاری شده و در پایان مقاله و قبل از فهرست مراجع، تحت عنوان پی نوشت ها گنجانده شوند.
- تمام ارجاعات درون متنی در فهرست مراجع ذکر شود و بالعکس.
- از ارجاع دهی در بخش های چکیده، بیان مسئله و نتیجه گیری خودداری گردد.
- ارجاعات مربوط به مراجع، در متن شامل نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار و شماره صفحه پس از نقل مطلب در داخل پرانتز می آید.
- فهرست مراجع به ترتیب الفبایی نام نویسندگان در انتهای مقاله به تفکیک فارسی و انگلیسی یا سایر می آید.
- ترتیب عناصر اطلاعات کتاب شناختی در مورد مقالات، کتب، گزارش ها و سایر مراجع به شرح زیر است:
مقالات: نام خانوادگی و نام نویسنده مقاله، (سال انتشار)، «عنوان کامل مقاله»، نام مجله،

جلد، شماره...

کتب: نام خانوادگی و نام نویسنده (سال انتشار) «عنوان کتاب»، نام مترجم یا مصحح، نام ناشر، محل انتشار.

- صفحه اول مقاله باید شامل نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان، عنوان، رتبه علمی)، آدرس، تلفن، فکس و Email نویسنده (نویسندگان) به فارسی و انگلیسی باشد. همچنین چنانچه مقاله مستخرج از طرح پژوهشی یا رساله باشد، عنوان طرح پژوهشی یا رساله نیز در صفحه اول درج گردد. صفحه دوم باید بدون نام و مشخصات نویسنده (نویسندگان) و فقط شامل عنوان مقاله، چکیده فارسی و واژه های کلیدی باشد. عنوان نوشتار باید موجز، گویا و بیان کننده محتویات نوشتار باشد.
- عکس ها، نگاره ها، جداول و غیره در حداقل میزان و با کیفیت مناسب تهیه شوند (عکس ها به صورت JPEG ارائه شوند و کیفیت آنها کمتر از ۲۰۰ dpi نباشد)، دارای شماره و توضیح باشند و حتماً مأخذ مربوطه ذکر گردد (در فهرست مراجع نیز ذکر گردد) و در متن به آنها استناد شده باشد. تمامی تصاویر، نقشه ها و نمودارها با عنوان شکل ارائه گردد. شماره و عنوان جداول در بالای جدول و شماره و عنوان شکل ها در پایین شکل قید شود. (مطابق ذیل)

جدول ۱. توضیح جدول (مأخذ: نام خانوادگی نویسنده، سال، صفحه)

شکل ۱. توضیح شکل (مأخذ: نام خانوادگی نویسنده، سال، صفحه)

- چنانچه مقاله دارای چند نویسنده باشد، ارائه مقاله و تمام مکاتبات باید توسط نویسنده اول انجام شود. در غیر این صورت، نویسندگان می بایست کتباً یک نفر را به عنوان نماینده جهت ارائه مقاله و انجام مکاتبات به دفتر مجله معرفی نمایند.
- چنانچه مقاله ای خارج از ضوابط راهنمای تهیه نوشتارهای علمی مجله به طریق مزبور باشد، قبل از ارائه به هیئت تحریریه و داوران به نویسنده برگشت داده خواهد شد.
- مجله هویت شهر، نقد کتاب های علمی و مقاله های ارزنده در زمینه های مختلف معماری و شهرسازی را جهت بررسی و چاپ می پذیرد.
- نوشتارها و مقاله ها باید به صورت تایپ شده با نرم افزار Word ۲۰۰۳، نامه ای به عنوان سردبیر مجله هویت شهر و فرم شماره ۳ در سایت مجله هویت شهر به نشانی hoviatshahr.srbiau.ac.ir ثبت گردد.
- صحت نوشتارهای علمی با نویسنده/ نویسندگان است.
- چاپ نوشتارهای مجله هویت شهر بدون ذکر مأخذ در مجله های دیگر ممنوع می باشد.
- مجله در ویرایش مقالات آزاد است.
- مقالات دریافتی به هیچ وجه بازگردانده نخواهد شد.

بررسی خوانش دل‌بستگی مکانی بر مبنای عناصر هویتی معماری مسکونی

(مطالعه موردی: معماری مسکونی دوره پهلوی دوم بین شهروندان تهرانی)*

دکتر معصومه قیمتی**، دکتر ایرج اعتصام***، دکتر علی علایی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

مکیده

دوره پهلوی دوم سرآغاز فراگیر شدن جنبش مدرن و تغییر شکل در سبک‌های معماری و ارائه الگوهای نوین در آن بوده است. این امر سبب شده است که بناهای معماری شاخص و برجسته‌ای خصوصاً در معماری مسکونی طراحی و اجرا شوند که پس از گذشت چند دهه از اجرای آن‌ها، هنوز دارای جذابیت‌های کالبدی، معنایی و عملکردی باشند. در همین راستا، این پژوهش در پی بررسی خوانش ادراکات شهروندان تهرانی از این بناها با در نظر گرفتن عوامل دل‌بستگی مکانی و بر مبنای عناصر هویتی توسط شهروندان با استفاده از روش پیمایش پرسشنامه‌ای و مدلسازی معادلات ساختاری بوده است. خوانش ادراکات شهروندان تهرانی از سه مجتمع مسکونی اکباتان، بهجت آباد و اسکان نشان دادند که که مرحله اول خوانش این بناها، ویژگی‌های عملکردی آنان است که این امر موجب اثرگذاری بر عامل وابستگی مکانی در تصورات ذهنی افراد شده و در درجات بعدی به شکل‌گیری هویت و دل‌بستگی مکانی منجر شده است.

واژه‌های کلیدی

دل‌بستگی مکانی، هویت مکانی، وابستگی مکانی، معماری پهلوی دوم، معادلات ساختاری.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی معماری نگارنده اول با عنوان «تبیین شاخصه‌های هویتی معماری مسکونی دوره پهلوی دوم در تهران» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌المللی کیش انجام گرفته است.

** دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.
Email: Masoumeh.gheimati@gmail.com

*** استاد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران (مسئول مکاتبات).

Email: i.ettessam@srbiau.ac.ir

*** استادیار، عضو هیات علمی آموزشکده فنی حرفه‌ای سما، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

Email: Alia.archi@gmail.com

مقدمه

برد (Proshansky, 1978; Proshansky et al., 1983). مفهوم دلبستگی مکانی در حوزه ی روانشناسی محیطی و مدیریت محیطی طی دو دهه ی اخیر بسیار مورد توجه بوده است. با این حال یک وفاق جمعی راجع به مفهوم دلبستگی مکانی تا به حال وجود نداشته است (Trentelman, 2009). دلبستگی مکانی در دسته ی مفاهیم مشابهی قرار میگیرد نظیر هویت مکانی (Proshansky et al., 1983) و حس مکان. در سال ۲۰۰۹، ترنتمن^۲ با تاکید بر جنبه های اجتماعی فرهنگی دلبستگی مکان پیشنهاد کرد که ابعاد زمینه های اجتماعی و طبیعی مبنای تشکیل دهنده ی مفهوم دلبستگی مکان هستند (Gheitarani et al., 2019; Trentelman, 2009). محققان دیگری نیز دلبستگی مکان را از نظر بیوفیزیکی مورد توجه قرار داده اند (Williams & Vaske, 2003). هویت مکانی و وابستگی مکانی دو سازه ای هستند که از چنین مطالعاتی برای دلبستگی مکانی پیشنهاد گردیده اند (Raymond et al., 2010). دلبستگی مکانی نیز به عوامل عملکردی و ارتباطات کارکردی در مکان برای کاربر اشاره دارد. به عبارت دیگر این مفهوم را میتوان معادل درجه ای از عوامل فیزیکی که شرایط مکان برای کاربر فراهم میکند تعریف کرد (Kim & Kaplan, 2004). با توجه به نکات گفته شده، با مقایسه های موردی و مطالعات اولیه، به راحتی می توان پی برد که معماری مسکونی تهران در حال حاضر، تفاوت چشمگیر و بنیادین با معماری مسکونی در گذشته نه چندان دور این شهر، پیدا کرده است. معماری مسکونی تا قبل از شروع قرن حاضر، چیزی که به عنوان معماری سنتی شناخته شده است، تفاوت ماهوی و روبنایی با معماری مسکن معاصر و اخیر دارد و هر چه از گذشته به امروز نزدیکتر می شویم، این تفاوت فاحش تر می شود. تفاوت معماری مسکونی اخیر تهران با معماری مسکونی سنتی این شهر، محصول تحولی است که در طی زمان های خاصی اتفاق افتاده است. این تحول نیز خود متأثر از عوامل اصلی و فرعی بسیاری بوده است که ریشه های آن هم از داخل و هم از خارج کشور نمایان می باشد. تهران به عنوان پایتخت ایران همواره الگوی سایر شهرهای این کشور پهناور بوده است و خصوصاً معماری هر تحولی در تهران یافته همان تحول عیناً به شهرهای دیگر نیز منتقل گشته است (دنبلی و همکاران، ۱۳۹۷).

این امر بدان جهت دارای اهمیت است که مطالعات پیشین کمتر به این امر توجه داشته اند. به طور مثال، یاران و بهرو (۱۳۹۵) در پژوهش خود، به عناصر هویتی ساختمان های مسکونی معاصر تهران پرداخته اند و به طور خاص به تفکیک این ساختمان ها در دوران پهلوی مبادرت نورزیده اند. پورجعفر و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی کامل و

امروزه با رشد تکنولوژی و افزایش چشمگیر ارتباطات جمعی، تعریف بشر از مسائل روانی و ادراکی تا حد زیادی دست خوش تغییر قرار گرفته است. از جمله این مفاهیم که در ارتباط با علوم محیطی، به ویژه معماری و شهرسازی است، مقوله هویت مکانی است. ویلیامز و واسکا^۱ (۲۰۰۳) نقش احساسات و روابط معنایی را در شکل گیری هویت مکانی مطرح می کند و از اثرات آن ایجاد عزت نفس و احساس تعلق به اجتماع را برمی شمرد. در واقع هویت مکانی که به تدریج در طی زمان در فرد شکل گرفته است موجب خواهد شد که پیوندی ناگسستنی بین احساسات و ویژگی شخصی فرد با مکانی که در آن زندگی می کند پدید آورد (Davis, 2016).

از طرفی، همان طور که بیان شد در دنیای امروز با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی که متأثر از فراگیر شدن تکنولوژی به وجود آمده است شاهد گسیختگی احساسات و عواطف بین فرد و محیط پیرامونی می باشیم (Khanian et al., 2018). این امر سبب شده است که با بحران های اجتماعی و روانی متعددی که سرچشمه گرفته از این گسستگی هستند مواجه شویم که بسیاری از صاحب نظران و پژوهشگران به تفصیل آن ها را مورد مطالعه قرار داده اند (Bohleber, 2018, 231).

در رویکردی دیگر، راپپورت تمامی عناصر و جنبه های کالبدی و اجتماعی توسعه محیطی را متأثر از فرهنگ افراد مرتبط با آن مکان و ظرفیت هایش می داند. او همچنین بیان می کند که انسان در قالب فرهنگ تعریف میشود و هویت مییابد (مطلبی، ۱۳۸۸). او در روند شناخت و واکاوی هویت مکانی به دنبال شناخت اجتماع و فرهنگ است (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین چنگیزی و احمدیان (۱۳۹۲) در تحقیق خود اذعان داشته اند که هویت شهری توسط فرهنگ هایی که در آن شهر در طی تاریخ می زیسته اند شکل گرفته است. از نگاه آن ها فرهنگ مجموعه ای پیچیده از دانش ها، باورها، هنر و آداب و رسوم جامعه است که مبتنی بر ارزش هایی است که گروهی به آن پایبندی دارند و در ساختار اجتماعی از آن پیروی می کنند. نولان و لنسکی (۱۳۸۳) نیز فرهنگ را نظام های نمادینی از گنجینه های شناختی اجتماع که توسط انسان های گذشته بنا نهاده شده است و تا به امروز ادامه داشته است و به ما رسیده است معرفی می کند.

از طرفی بررسی مفاهیم مرتبط با هویت مکانی بیان گر این امر است که نقش دلبستگی مکانی نیز در این مطالعات غیر قابل انکار است. به طور کلی، زمانی که مکان از نظر تجربیات شخص افراد مورد بررسی قرار می گیرد، می توان از هویت و دلبستگی مکانی نام

جامع مفهوم دل‌بستگی مکانی پرداخته‌اند، ولیکن از نظر تاریخی و چگونگی اثرپذیری این مفهوم از معماری دوره‌های مختلف همچون دوره پهلوی اشاره‌ای نداشته‌اند. همچنین، در پژوهشی که **رهبری منش و دانش کار آراسته (۱۳۹۷)** در رابطه با چرایی جذب افراد به نماهای ساختمانی رومی داشته‌اند، مشخص شد که عوامل اقتصادی و اجتماعی نقش اثرگذاری در شکل‌گیری تصورات افراد نسبت به این نماهای مسکونی داشته‌اند که این امر می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد دل‌بستگی مکانی در افراد ایجاد کند.

همچنین در تحقیقی که توسط **یغمایان و همکاران (۱۳۹۷)** انجام شده است، مشخص شد که بر پایه مدل اسکنل و گیفورد، دل‌بستگی به مکان بر پایه تعامل فرد و مکان به وجود خواهد آمد که رخداد این فرایند در انسان معاصر نیز شکل جدیدی به خود گرفته است، که سامانه‌های حمل و نقل و شبکه‌های اجتماعی مجازی، نقش چشم‌گیری در این بخش خواهند داشت. همچنین، در سنجش دل‌بستگی به هر مکان، سلسله مراتبی از دل‌بستگی کالبدی و اجتماعی از مقیاس کل تا جز در مکان مورد نظر، می‌بایست مدنظر قرار بگیرد تا سنجش با معیار مطلوب‌تری صورت پذیرد.

در همین راستا و با بیان اهمیت هویت مکانی، این پژوهش در پی خوانش ادراکات ذهنی شهروندان از میزان دل‌بستگی مکانی آن‌ها بر مبنای عناصر هویتی معماری مسکونی دوره پهلوی دوم می‌باشد. درواقع، هدف اصلی این پژوهش دستیابی به سازوکار و مکانیسمی است که ویژگی‌های هویتی معماری مسکونی دوره پهلوی در ذهن شهروند امروز تهرانی ساخته، پرداخته و ادراک می‌شود. به بیانی دیگر، استخراج بحرانی‌ترین مسیرهای ذهنی اداراکات هویتی از این بناها با استفاده از روش‌های مدل‌سازی معادلات ساختاری مد نظر قرار خواهد گرفت. برای رسیدن به این امر، ابتدا با استفاده از مرور ادبیات پژوهش، مدل مفهومی چگونگی درک و ذهنی سازی دل‌بستگی مکانی و هویت مکانی تبیین و تعریف خواهد شد و در مرحله بعدی با استفاده از روش پیمایش پرسشنامه‌ای و بکارگیری نرم‌افزار مدل‌سازی معادلات ساختاری، این مدل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

معماری بناهای مسکونی دوره پهلوی دوم تهران معاصر

در دوره ی معماری پهلوی اول بر اثر تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اصول معماری طراحی تغییر کرد و بدلیل حسنه شدن ارتباطات با کشورهای غربی فرهنگ غرب وارد معماری شد و کارهایی به وجود آمد که در آن عناصر معماری مدرن و اروپایی در هم آمیخت.

استفاده از مهندسان نو گرا باعث ورود سبک و ایده به معماری و عناصر ساختمانی شد و ساختمان‌ها بر اساس فرهنگ غربی که فرهنگ معماری روز بود ساخته شدند. گرچه در اوایل این دوره برای ساختمان سازی مسکونی همچنان معماری سنتی نزدیک به دوره ی قاجاریه استفاده می شد شیفتگی دستگاه حاکم به تجدد و مدرنیته باعث تلاش برای ایجاد شهر هایی مشابه کشورهای پیشرفته غربی شد. در نتیجه در آغاز دوره پهلوی اول مهمترین خصلت گذشته ایران را تغییر داد و بنا ها در همه حوزه ها و دسته بندی های ساختمانی به ناگهان از درون به بیرون چرخش داده شدند (**کیانی، ۱۳۸۳**).

در دوره پهلوی دوم، بیش از دوره قبل طرحهای سنتی و شیوه ها و مصالح سنتی به حاشیه رانده شد و طرحهای مدرن و تکنولوژی جدید جایگزین شد (**قبادیان و کیانی، ۱۳۹۲**). هر چند در این دوره طرحهای سنتی به حاشیه رانده شد ولی با همه این احوال باعث حذف سنت در معماری دوره اخیر نشد. ورود مستمر تکنولوژی و تجهیزات مدرن، به حذف ابنیه با کارکرد و منسوخ شدن شیوه های سنتی اجرا شدت بیشتری بخشید. ولی کماکان بناهایی جدید با عملکرد سنتی مانند بناهای مذهبی و بازار و همچنین ساختمانهایی با عملکرد نوین به سبک سنتگرایی طراحی و اجرا شدند. دوره سلطنت پهلوی دوم مقارن با معماری مدرن متاخر در غرب بود. معماری مدرن در این زمان سبک غالب و آوانگارد در اقصی نقاط جهان و منجمله در ایران محسوب میشود. تعداد بسیار زیادی از ساختمانهای مهم در ایران در این دوره به سبک معماری مدرن طراحی و اجرا شدند. معماری مدرن متعالی و متاخر دارای سبکهای متعددی است (**قبادیان و کیانی، ۱۳۹۲**).

با توجه به نکات گفته شده، در این تحقیق دیدگاه و تصورات شهروندان تهرانی نسبت به بناهای مسکونی این دو دوره اثرگذار با تاکید بر دل‌بستگی مکانی مد نظر قرار گرفته است.

مبانی نظری و تبیین مدل مفهومی

اولین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی بود که مفهوم دل‌بستگی مکانی با توجه به تمرکز صاحب‌نظران بر مقوله‌های مرتبط با تجارب حسی مطرح شد، با این حال، اولین تعاریف تخصصی از مفهوم دل‌بستگی مکانی توسط استوکولز و شوماکر^۲ (۱۹۸۱) ارائه شده است. آن‌ها برآوردن نیازهای فرد توسط مکان را به عنوان عامل اصلی شکل‌دهی به دل‌بستگی مکان برشمرده‌اند که بعدها پژوهشگران دیگر از آن عامل اثرگذار وابستگی مکانی یاد کرده‌اند (**Stokols & Schumaker, 1981** به نقل از: **Scannell & Gifford, 2017**).

با این وجود، تعابیر دل‌بستگی مکانی و حس مکان را به اشتباه

منابع طبیعی به شدت به ایجاد وابستگی کمک نموده و اغلب بازدید مکرر از یک مکان را افزایش می دهد (Vaske & Kobrin, 2001). هویت محل تاثیر ویژگی های جسمی و نمادین مکان ها در هویت فرد را نشان می دهد (DevineWright, 2013). تحقق این امر از طریق یک پروسه طولانی مدت و پیچیده امکان پذیر است که در آن، یک محل به بخشی مناسب از هویت فرد تبدیل خواهد شد (Lewicka, 2008).

بسیار دیگری از صاحب نظران عوامل دیگری را نیز مرتبط با مفهوم دلبستگی مکانی ارائه کرده اند که از جمله آن ها می توان به عامل «هویت مکانی» اشاره کرد (Devine-Wright, 2013; Khanian et al., 2013). در ضرورت بررسی هویت مکانی، مطالعات نشان دادند که بین این عامل و وابستگی مکانی نیز رابطه نسبتاً پایداری وجود دارد (Bernardo & PalmaOliveira, 2016). لویکا^۸ (۲۰۰۸) در تعریف هویت مکانی سعی داشته است که آن را با تجربه شخصی افراد در مکان مرتبط کند. همچنین بهزادفر (۱۳۸۶) معتقد است که برقراری رابطه متعادل بین محیط بیرونی که فرد در آن زندگی می کند با تجربه های شخصی فرد را می توان به عنوان هویت مکانی در نظر گرفت. با در نظر گرفتن این امر که دلبستگی مکانی نیز بنابر تعاریف مرتبط با آن، در نتیجه تعامل مردم با مکان و عوامل و زیرساخت های مرتبط با آن به وجود می آید، می توان بیان کرد که رابطه قابل توجهی بین هویت مکانی و دلبستگی مکانی وجود دارد (Rowles, 2017). جدول ۱ ابعاد اثرگذار و اثرپذیر دلبستگی مکانی را نشان می دهند. همان طور که مشخص است غالب پژوهشگران ۳ بعد هویت مکانی، وابستگی مکانی و پیوندهای اجتماعی را به عنوان ابعاد مرتبط با

به جای یکدیگر به کار می برند. حس مکان اشاره به رابطه فرد با محیط، و رابطه حسی بین فرد و مکان دارد و مفهومی است که جنبه های نمادی و احساسی را دربرمی گیرد (Eisenhauer et al., 2000). حس مکان وابستگی ها و تعلقات یک فرد یا گروه از محیط زندگی شان را دربرمی گیرد (Naghdi et al., 2016; Stedman, 2002) و نیز شرح و توصیفی از فضای اطراف یک مکان و کیفیتی از محیط و امکان جذب به وسیله ی یک حس ناشناخته که باعث بازگشت افراد به آن مکان می گردد را شامل می شود. (Khanian et al., 2019; Rahmani et al., 2013). به عبارتی حس مکان یک ساختار چند بُعدی است که اعتقادات، هیجانات و روابط مشترک از رفتارها را در یک جایگاه جغرافیایی خاص نشان می دهد (Jorgensen & Stedman, 2006). این در حالیست که دلبستگی مکانی را انرژی برای مشارکت، وجود تمایل برای مشارکت معنی دار و وجود مشخصه های مشابه یا مکمل بر شمرده اند و معتقدند پیش از شکل گیری دلبستگی مکانی وجود این سوابق در افراد الزامی است. این پیش نیازها در مطالعات کمبود دلبستگی مکانی و اتخاذ تصمیمات بعدی برای حل این معضل عواملی کلیدی به شمار می روند (Moulay et al., 2018).

دلبستگی مکانی به ارتباط عاطفی و مثبتی اشاره دارد که معمولاً با مکان و یا مناظر خاص اعم از عناصر جسمانی و اجتماعی ایجاد می شود (DevineWright, 2013). این ارتباط ممکن است به اقدامات فردی و جمعی خاص منجر شود (DevineWright, 2013; Manzo & Perkins, 2006). در واقع، دلبستگی مکانی به ویژگی های عملکردی یک مکان اشاره دارد که فعالیت های خاص و ارتباطات احساسی را تسهیل می نماید (Alitajer et al., 2013). تنظیمات

جدول ۱. تعاریف عملی برای چهار معیار پیشنهادی دلبستگی مکان

متون حمایتگر	تعریف	ابعاد
Proshansky et al., 1983; Williams & Vaske, 2003.	این ابعاد، مانند ترکیبی از احساسات در مورد تنظیمات فیزیکی خاص و اتصالات نمادین به مکان، که ما را تعریف می کنند.	هویت مکانی
Schreyer et al., 1981; Williams et al., 1992; Williams & Vaske, 2003.	اتصال کارکردی به طور خاص بر روی اتصال فیزیکی فرد به یک محیط تنظیم می شود؛ برای مثال، این نشان دهنده درجه ای است که در آن، تنظیمات فیزیکی شرایطی را برای حمایت از استفاده مورد نظر فراهم خواهند آورد.	وابستگی مکانی
Perkins & Long, 2002; Hidalgo & Hernandez, 2001; Stedman, 2002; Trentelman, 2009.	احساس وابستگی و یا عضویت در یک گروه از افراد، مانند دوستان و خانواده، و همچنین ارتباطات عاطفی بر اساس تاریخ مشترک، منافع یا نگرانی.	پیوند اجتماعی

99)، بر اساس مدل جان پانتر سه مؤلفه «محیط کالبدی»، «فعالیت» و «معنا» در خلق حس مکان دخیل هستند که به نحو قابل ملاحظه ای با سه مؤلفه پیشنه‌ادی کانتر یعنی «محیط کالبدی»، «فعالیت» و «تصور ذهنی» تشابه دارند (گلکار، ۱۳۸۰)، که در شکل ۱ آورده شده است.

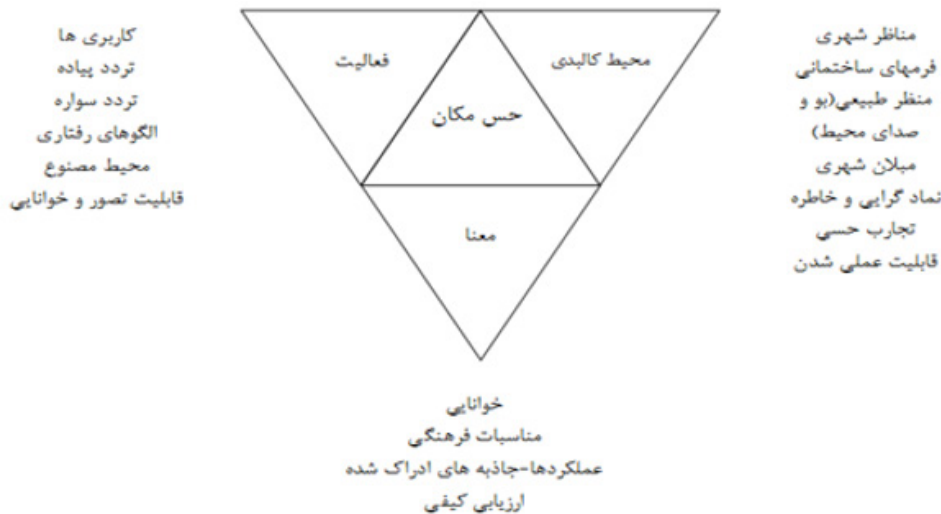
با توجه به نکات گفته شده، مشخص شد که عوامل «هویت مکانی»، «وابستگی مکانی»، «سرمایه فرهنگی»، «کالبد مکان»، «عملکرد مکان» و «معنای مکان» به عنوان متغیر مستقل بر عامل «دل‌بستگی مکانی» که در نقش متغیر وابسته این تحقیق است اثر می‌گذارند. با توجه به سلسله مراتب روابط طرح شده در بالا، می‌توان مدل مفهومی چگونگی اثرگذاری عناصر مکانی هویتی بر عامل دل‌بستگی مکانی را به صورت شکل ۲ تدوین و ارائه کرد.

همچنین با توجه به ماهیت و اهداف تحقیق حاضر، روش مدلسازی معادلات ساختاری به عنوان روشی برای تحلیل مدل مفهومی تحقیق در نظر گرفته شد و بر مبنای اصول و تعاریف موجود در این روش که بسیاری از محققان از جمله شوماخر (۲۰۱۷)^۶ و مارکوس (۲۰۱۲)^۷ به آن اشاره کرده‌اند، می‌توان متغیرها و مسیرهایی بر مبنای نمونه مورد مطالعه تحقیق و بسستر تحقیق به آن اضافه کرد. بر همین مبنای عامل «درک اجتماعی معماری پهلوی دوم» نیز با در نظر گرفتن این امر که الزامات و ضرورت اجتماعی موجود نیز ممکن است بر هویت مکانی

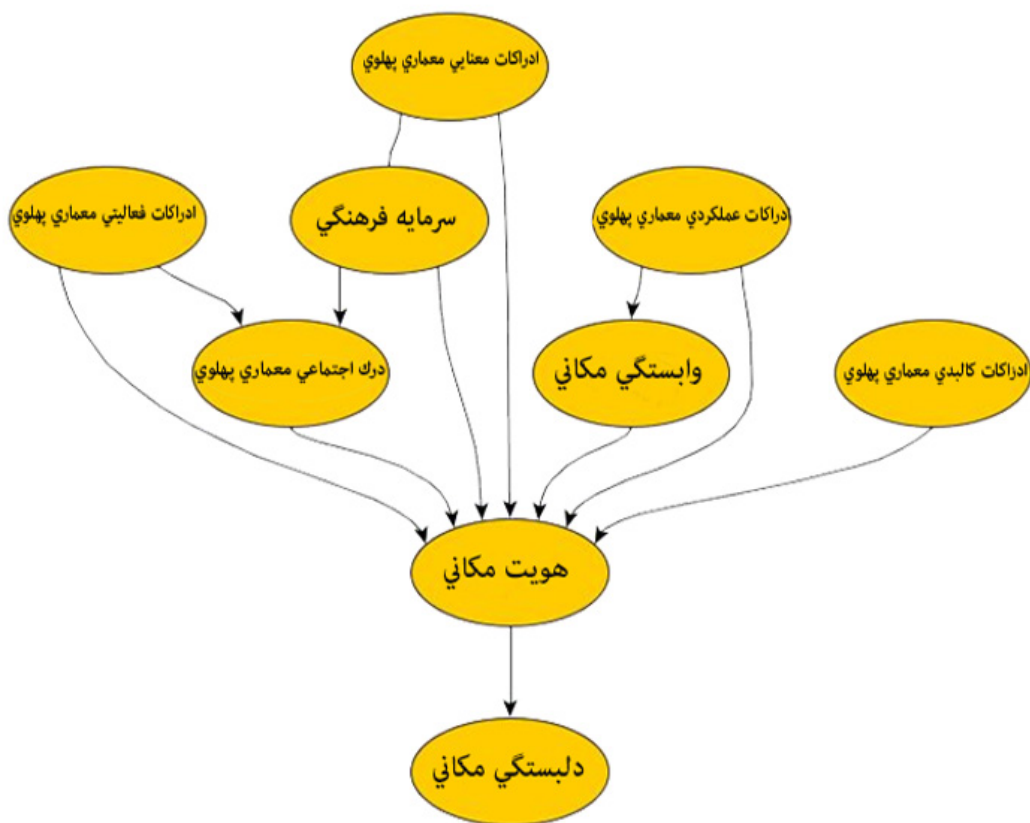
دل‌بستگی مکانی نام برده‌اند.

همچنین، بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های علوم محیطی به طور کلی و روانشناسی محیط به طور خاص معتقدند که رابطه معناداری بین هویت مکانی و سرمایه فرهنگی غالب در آن جامعه وجود دارد (Holtkamp, 2018, 57). در واقع، آن‌ها بر این عقیده هستند که تجربه‌های فردی افراد از محیط پیرامون خود قبل از ادراک توسط فیلتر فرهنگ پالایش می‌شود و سپس هویت مکانی را شکل می‌دهد (Knez & Eliasson, 2017). در تعریف سرمایه فرهنگی می‌توان بیان کرد که سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که افراد حاضر در یک محیط یا جامعه، در تلاش برای کسب یا نگهداری از یک جایگاه اجتماعی از آن استفاده می‌کنند (صالحی امیری، ۱۳۸۶، ۵۹). همچنین، در تعریفی دیگر، سرمایه فرهنگی را مجموعه‌ای که دربرگیرنده تمایلات و عادات پایا و به ثبت رسیده یک جامعه در طول فرآیند جامعه‌پذیری و نیز صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی است تعریف می‌کنند (نوغانی، ۱۳۸۴).

در ادامه بررسی عوامل اثرگذار بر دل‌بستگی مکانی، می‌توان به جان پانتر^۵ اشاره کرد، او سه عامل را در خلق دل‌بستگی مکانی و ایجاد حس مکان دخیل می‌داند. مدل «حس مکان» جان پانتر را که بر سه گانه بودن مؤلفه‌های دخیل در خلق دل‌بستگی مکانی دلالت دارد، می‌توان مرتبط با مدل کانتر دانست (Carmona et al., 2007).



شکل ۱. مدل پانتر برای حس مکان (Carmona et al., 2007, 99)



شکل ۲. مدل مفهومی چگونگی اثرگذاری عناصر هویتی بناهای دوره پهلوی دوم بر دلبستگی مکان شهروندان به این بناها

ساختاری، می‌توان بیان کرد که چنین مدلی از دو بخش تشکیل شده است: یک مدل ساختاری که ساختار علی بین متغیرهای پنهان را مشخص می‌کند و یک مدل اندازه‌گیری که روابطی بین متغیرهای پنهان و متغیرهای مشاهده شده را تعریف می‌کند. معادلات ساختاری از جمله تحلیل‌های همبستگی، تحلیل ماتریس کوواریانس یا ماتریس همبستگی است. با توجه به هدف تحقیق و تحلیل‌هایی که روی این ماتریس صورت می‌گیرد به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: تحلیل عاملی و مدل معادلات ساختاری هر دو این تحلیل‌ها از طریق نرم افزارهای ذکر شده قابل انجام است. مدل معادلات ساختاری یا یک ساختار علی خاص بین مجموعه‌ای از سازه‌های غیرقابل مشاهده است (Bagozzi & Fornell, 1982).

برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ای ۲۷ سوالی بر مبنای طیف

شکل گرفته در ذهن افراد اثر گذار باشد و از سرمایه فرهنگی نیز سرچشمه گرفته باشد، در مدل مفهومی تحقیق اعمال شد.

روش پژوهش

روش این پژوهش ماهیتاً توصیفی تحلیلی است که هدف اصلی در بخش تحلیل، بررسی مکانیسم و سازوکار شکل‌گیری دلبستگی مکان به بناهای مسکونی دوره پهلوی دوم می‌باشد. گردآوری اطلاعات به دو صورت اسنادی و پیمایش کمی و به وسیله پرسشنامه انجام گردید. برای انجام آمارهای توصیفی و آمار استنباطی مطالعه حاضر، از نرم افزار SPSS23 و Smartpls با به‌کارگیری روش مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد.

با توجه به اصول و قوانین حاکم بر روش مدلسازی معادلات

برای آشنایی و درک فضایی از این سه مجتمع، عکس‌های کلی آن‌ها نیز ضمیمه پرسشنامه قرار داده شد. شکل‌های ۳ تا ۵ وضعیت کلی کالبدی و محیطی این ۳ مجتمع مسکونی متعلق به دوره پهلوی دوم را نشان می‌دهد که ضمیمه پرسشنامه‌ها نیز شده است. بر مبنای جامعه آماری و جمعیت شهر تهران نمونه آماری با توجه به فرمول کوکران برابر ۳۸۴ عدد انتخاب شد که این تعداد پرسشنامه صحیح توسط پرسشگران بین شهروندان تهرانی به طور متناسب در همه مناطق شهری تهران توزیع شد.

در باب علت انتخاب این سه مجتمع به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه در این تحقیق، می‌توان بیان کرد که با توجه به این امر که این مجتمع‌های مسکونی، بارزترین نماد معماری مسکونی در دوره پهلوی دوم می‌باشند و با توجه به موقعیت قرارگیری آن‌ها در شهر

پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده. در واقع، با در نظر گرفتن اصول و معیارهای روش مدلسازی معادلات ساختاری، متغیرهای «ادراکات معنایی معماری پهلوی دوم»، «ادراکات فعالیت‌های معماری پهلوی دوم»، «ادراکات عملکردی معماری پهلوی دوم»، «ادراکات کالبدی معماری پهلوی دوم»، «سرمایه فرهنگی»، «درک اجتماعی معماری پهلوی دوم»، «وابستگی مکانی»، «هویت مکانی» و «دلبستگی مکانی» به عنوان متغیرهای پنهان و برای هر یک از این متغیرها سه پرسش پنج گزینه‌ای به عنوان متغیرهای آشکار یا گویه‌های پژوهش در نظر گرفته شد.

همچنین، جامعه آماری پژوهش مردم شهر تهران در نظر گرفته شد که قبلاً از سه مجتمع مسکونی اکباتان، بهجت آباد و اسکان که از بناهای مسکونی دوره پهلوی است بازدید کرده‌اند. همچنین



شکل ۳. وضعیت کالبدی و محیطی مجتمع مسکونی اکباتان



شکل ۴. وضعیت کالبدی و محیطی مجتمع مسکونی بهجت آباد



شکل ۵. وضعیت کالبدی و محیطی مجتمع مسکونی اسکان

معیار روایی همگرا بودن این است که میانگین واریانس های خروجی (AVE) بیشتر از ۰/۵ باشد (Chou & Chen, 2009). همچنین در این پژوهش جهت تعیین پایایی ابزار از دو معیار ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی مرکب (CR) استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ تمامی متغیرها می بایست حداقل مقدار ۰/۷ بیشتر باشد. پایایی مرکب بر خلاف آلفای کرونباخ که به طور ضمنی فرض می کند هر شاخص وزن یکسانی دارد، متکی بر بارهای عاملی حقیقی هر سازه است، بنابراین معیار بهتری را برای پایایی ارائه می دهد. پایایی مرکب نیز باید مقداری بیش از ۰/۷ را به دست آورد تا بیانگر ثبات درونی سازه باشد (Fornell & Larcker, 1981). بررسی این مقادیر در مدل تحقیق نشان داد که مدل پیشنهادی دارای روایی همگراست و همچنین پایا می باشد.

ارزیابی مدل ساختاری پژوهش (آزمون فرضیات)

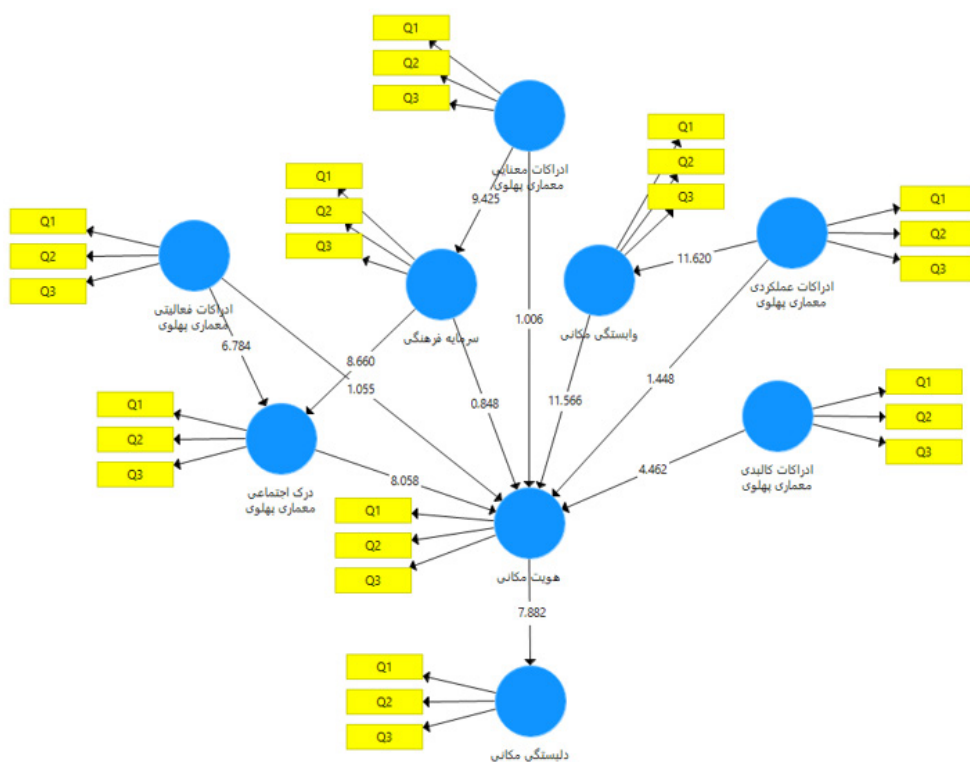
در ادامه جهت آزمون فرضیه ها و سنجش معنادار بودن روابط متغیرها در مدل ساختاری از آماره تی^۱ استفاده شد که در نرم افزار پی.ال. اس^۲ با استفاده از الگوریتم راه اندازی خودکار^{۱۰} به دست می آید (آذر و همکاران، ۱۳۹۱، ۳۹). آماره t معنی دار بودن اثر متغیرها را بر هم نشان می دهد به طوری که مقادیر بیشتر از ۱/۹۶ حاکی از معنادار بودن رابطه بین متغیرها دارد. همچنین جهت سنجش شدت این رابطه ها می بایست از ضرایب مسیر استفاده شود. شکل های ۶ و ۷ به ترتیب نتایج آزمون تی و ضرایب ساختاری مدل را نشان می دهد. در جدول ۲ مسیرهای کلی تاثیرگذار بر دلپستگی مکانی در مدل پژوهش آورده شده است.

تهران، غالب شهروندان تهرانی با آن ها آشنا می باشند. همچنین این ۳ مجتمع، با وجود این امر که در یک دوره زمانی ساخته شده اند، ولیکن، ساختار، پیکربندی فضایی و نوع مصالح در آن ها متفاوت است که این نکته می تواند عامل مهمی در پراکندگی پاسخ ها و روایی یافته ها داشته باشد

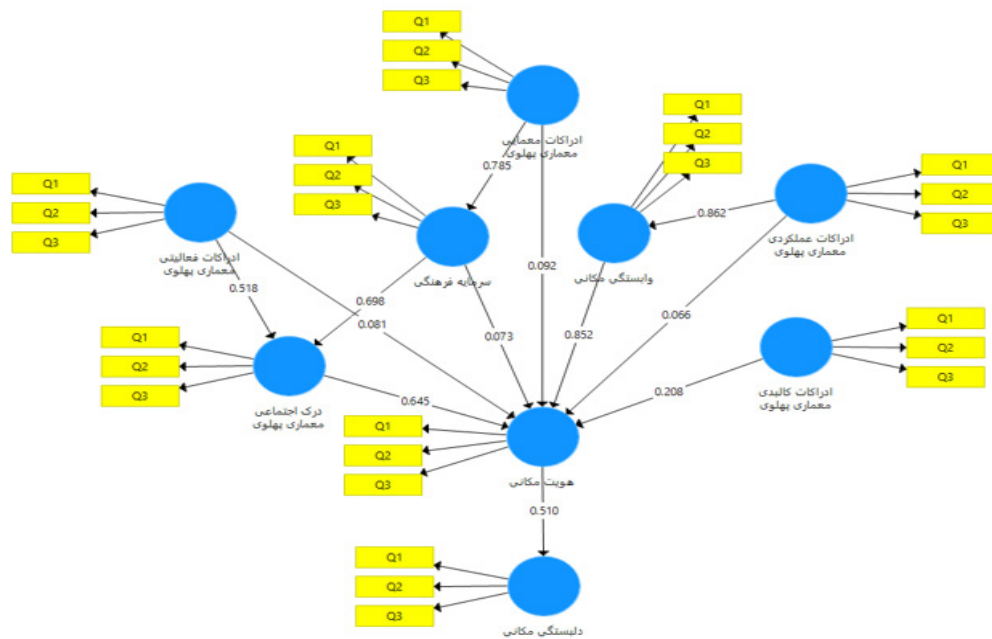
یافته های پژوهش

در روش شناسی مدل معادلات ساختاری، ابتدا به ساکن لازم است تا روایی سازه مورد مطالعه قرار گرفته تا مشخص شود نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه گیری سازه های مورد نظر خود از دقت لازم برخوردار هستند. به این شکل که بار عاملی هر نشانگر با سازه خود باید دارای مقداری بالاتر از ۰/۴ باشد. در این صورت مدل پیشبینی مورد مطالعه، از دقت لازم برای اندازه گیری آن سازه یا صفت مکنون برخوردار است. در صورتی که نشانگرهای سازه های مورد مطالعه دارای مقدار بار عاملی کمتر از ۰/۴ باشند از اهمیت لازم برای اندازه گیری برخوردار نیستند و بایستی از فرآیند تحلیل کنار گذاشته شوند؛ (Gefen & Straub, 2005). از اینرو روایی سازه که برای بررسی دقت و اهمیت نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه گیری سازه ها، انجام شد نشان می دهد تمامی نشانگرها، ساختارهای عاملی مناسبی را جهت اندازه گیری ابعاد مورد مطالعه در مدل پژوهش فراهم آورده اند.

در ادامه برای تأیید روایی ابزار اندازه گیری از روایی همگرا استفاده شد. روایی همگرا به این اصل بر می گردد که شاخص های هر سازه با یکدیگر همبستگی میانه ای داشته باشند. بر مبنای نظر پژوهشگران،



شکل ۶. نتایج آزمون t



شکل ۷. ضرایب ساختاری مدل

(Larcker, 1981 & همکاران، ۱۳۸۰). همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقادیر R2 که نشان دهنده توانایی مدل در توصیف هر سازه است، برابر با مقدار متوسط و بالا بدست آمد. در نهایت این نتایج نشان دهنده آن است که مدل ارائه شده از برازش مناسبی برخوردار است و مولفه های پژوهش توانسته اند پیش‌بینی مناسبی از تغییرات شاخص دل‌بستگی مکانی داشته باشند.

نتیجه‌گیری

با توجه به ماهیت رشد و توسعه تکنولوژی در جهان که محیط

با توجه به ضرایب مسیر بدست آمده برای هر یک از مسیرهای مدل پژوهش، مسیر ادراکات عملکردی معماری پهلوی دوم، وابستگی مکانی، هویت مکانی، دل‌بستگی مکانی به عنوان بحرانی ترین مسیر در راستای ارتقاء دل‌بستگی مکانی می باشد.

در نهایت جهت اندازه‌گیری برازندگی مدل ساختاری از R2 استفاده شد که در جدول ۳ آورده شده است. معیار ضروری برای سنجش الگوی ساختاری ضریب تعیین (R2) متغیرهای مکنون وابسته است. پژوهشگران اندازه R2 ۰/۱۹ و ۰/۳۳ و ۰/۶۷ در الگوی مسیر PLS را به ترتیب ضعیف، متوسط و قابل توجه توصیف نموده است (Fornell

جدول ۲. ضرایب مسیر و وضعیت مسیرهای موجود در مدل مفهومی

وضعیت	ضریب مسیر	آماره t	مسیر
پذیرش	۰/۸۶۲	۱۱/۶۲۰	ادراکات عملکردی معماری پهلوی دوم ← وابستگی مکانی ← هویت مکانی ← دل‌بستگی مکانی
	۰/۸۵۲	۱۱/۵۶۶	
	۰/۵۱۰	۷/۸۲۲	
پذیرش	۰/۷۸۵	۹/۴۲۵	ادراکات معنایی معماری پهلوی دوم ← سرمایه فرهنگی ← درک اجتماعی معماری پهلوی ← هویت مکانی ← دل‌بستگی مکانی
	۰/۶۹۸	۸/۶۶۰	
	۰/۶۴۵	۷/۸۸۲	
	۰/۵۱۰		
پذیرش	۰/۵۱۸	۶/۷۸۴	ادراکات فعالیتی معماری پهلوی دوم ← درک اجتماعی معماری پهلوی ← هویت مکانی ← دل‌بستگی مکانی
	۰/۶۴۵	۸/۰۸۵	
	۰/۵۱۰	۷/۸۸۲	
پذیرش	۰/۲۰۸	۴/۴۶۲	ادراکات کالبدی معماری پهلوی دوم ← هویت مکانی ← دل‌بستگی مکانی
	۰/۵۱۰	۷/۸۸۲	

جدول ۳. برازش مدل ساختاری

متغیر	R ²
سرمایه فرهنگی	۰/۴۲۱
درک اجتماعی معماری پهلوی	۰/۳۹۶
وابستگی مکانی	۰/۴۱۳
هویت مکانی	۰/۶۲۰
دل‌بستگی مکانی	۰/۶۵۷

این وابستگی در اثر تکرار به فرایند این همانی فضا و نتیجتاً دلبستگی مکانی ختم شده است.

دومین مسیری که شکل‌گیری و ایجاد دلبستگی مکانی را در شهروندان تهرانی در بناهای مورد بررسی سبب شده است مسیر ادراکات معنایی معماری پهلوی سرمایه فرهنگی درک اجتماعی معماری پهلوی هویت مکانی دلبستگی مکانی می‌باشد. علیرغم مسیر اول کارایی و عملکرد به عنوان عوامل عینی مد نظر شهروندان قرار گرفت، در این مسیر عوامل ذهنی به عنوان محرکه شکل‌گیری هویت و دلبستگی مکانی موثر بوده است. به عبارتی، می‌توان بیان کرد که معنای شکل گرفته از این بناها در ذهن شهروندان، پس از گذر از فیلترهای فرهنگی و اجتماعی موجب بازتولید مفاهیمی چون هویت و دلبستگی مکانی می‌شوند.

در رابطه با سطح معنایی موارد مورد بررسی می‌توان بیان کرد که با توجه به این امر که معنای مسکن طی نیم قرن گذشته به طور معناداری برای شهروندان تهرانی تغییر نکرده است، پس هنوز سطوح معنایی یک مکان که اشاره به ماهیت شکل‌گیری آن مکان دارد، قادر هستند که در نقش عامل هویت ساز و تولید کننده دلبستگی مکانی سبب شوند.

همچنین مسیرهای ادراکات فعالیتی معماری پهلوی درک اجتماعی معماری پهلوی هویت مکانی دلبستگی مکانی و ادراکات کالبدی معماری پهلوی هویت مکانی دلبستگی مکانی نیز در مراحل بعدی اثرگذاری هستند، با این وجود، میزان تاثیر این مسیرها بر شکل‌گیری دلبستگی مکانی با توجه به ضریب‌ها به دست آمده ناچیز است. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد عدم اختلاف معنادار بین فعالیت‌ها و کالبد رایج در مسکن معاصر با نمونه‌های آن در ساختمان‌های مسکونی دوران پهلوی دوم سبب شده است که این دو مقوله نیز پس از سطوح عملکردی و معنایی به عنوان متغیرهایی جذاب در راستای ایجاد دلبستگی مکانی در افراد مورد مطالعه عمل کرده باشند.

پی‌نوشت‌ها

1. Williams & Vaske
2. Carla Trentelman
3. Stokols & Schumaker
4. Maria Lewicka
5. Punter, John
6. Schumacker
7. Markus
8. T Test

پیرامونی بشر را پیوسته تغییر می‌دهد، لزوم توجه به بحث‌های مرتبط با هویت به طور کلی و هویت مکانی و کالبدی، به طور خاص بیش از پیش ضرورت پیدا کرده است. در همین راستا، تحقیق حاضر با هدف بررسی چگونگی شکل‌گیری دلبستگی مکانی با توجه به عناصر هویتی موجود در معماری مسکونی دوره پهلوی دوم شکل گرفت. همان‌طور که بیان شد، این نوع معماری مسکونی که از اواسط سال‌های دهه ۳۰ تا انقلاب اسلامی در جریان بوده است دارای ویژگی‌های خاصی است که بسیاری آن را نماد ورود مدرنیته به تهران به عنوان ویتترین معماری کشور می‌دانند. برای رسیدن به این هدف، ابتدا مفاهیمی چون دلبستگی مکانی، هویت مکانی، سرمایه فرهنگی و عوامل کالبدی، معنایی، عملکردی و فعالیتی مورد به عنوان شاخص‌ها و متغیرهای اثرگذار در پژوهش تعریف و تدقیق شد.

در مرحله بعدی، بر مبنای این متغیرها، مدل مفهومی پژوهش تبیین شد. با توجه به هدف اصلی پژوهش و همچنین ماهیت مدل مفهومی تحقیق، روش مدلسازی معادلات ساختاری به عنوان روش تحلیل معماری مسکونی مجتمع‌های اکباتان، بهجت آباد و اسکان به عنوان نمونه‌های مورد مطالعه در دوره پهلوی دوم انتخاب شد. با توجه به مدل مفهومی پژوهش، پرسشنامه ساختاریافته پژوهش طراحی شد و میان نمونه تحقیق که شهروندان تهران بودند با تمرکز در سه مجتمع مورد نظر توزیع شد.

داده‌های به دست آمده با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری و نرم افزار Smartpls تحلیل و ارزیابی شدند. نتایج نشان دادند که بحرانی‌ترین مسیر در شکل‌گیری عوامل مرتبط با دلبستگی مکانی در بناهای مورد بررسی، از نظر ادراکات شهروندان تهرانی مسیر ادراکات عملکردی معماری پهلوی وابستگی مکانی هویت مکانی دلبستگی مکانی است. در واقع، بر مبنای این یافته‌ها به نظر می‌رسد که پله اول درک از بناهای مورد نظر ویژگی‌های عملکردی آنان است که این امر موجب اثرگذاری بر عامل وابستگی مکانی در تصورات ذهنی آنان خواهد شد و در درجات بعدی به شکل‌گیری هویت و دلبستگی مکانی منجر می‌شود. بنابراین، به نظر می‌رسد کارایی و عملکرد و برآورده شدن انتظارات و نیازها از این بناها مهم‌ترین عامل ایجاد متغیرهای مرتبط هویتی و دلبستگی در شهروندان می‌باشد.

در رابطه با سطح عملکردی اثرگذار بر شکل‌گیری دلبستگی مکانی می‌توان بیان کرد که با توجه به این امر که نمونه‌های ساختمانی مورد بررسی، علیرغم گذر زمان، از نظر عملکردی هنوز دارای کارایی و بازدهی مناسبی می‌باشند، قادر بوده‌اند که سطح مناسبی از دلبستگی را در افراد ایجاد کند. در واقع، به نظر می‌رسد عملکرد مناسب این بناها در طول زمان وابستگی ساکنان آن‌ها را نتیجه داده است که

۱۳. نولان، پاتریک؛ و لنسکی، گرهارد. (۱۳۸۳). *جامعه های انسانی: مقدمه ای بر جامعه شناسی کلان*. (ترجمه ناصر موفقیان). چاپ دوم، تهران: نشر نی.

۱۴. یغماییان، شیوا؛ حبیب، فرح؛ ذبیحی، حسین؛ و پناهی، سیامک. (۱۳۹۷). *تیین مدل دلبستگی به مکان در بستر جهانی شدن. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۱۳ (۳۳)، ۲۶۱۴.

15. Alitajer, S., Khanian, M., & Sharifi, A. (2013). Measure and Analyze How Continuity in Place Influence Place Attachment Case Study: Abadian Residential Community, Hamedan, Iran. *Research Journal of Environmental and Earth Sciences*, 5(11), 645650.

16. Bagozzi, R. P., & Fornell, C. (1982). Theoretical concepts, measurements, and meaning. *A second generation of multivariate analysis*, 2(2), 523.

17. Bernardo, F., & PalmaOliveira, J. M. (2016). Urban neighbourhoods and intergroup relations: The importance of place identity. *Journal of Environmental Psychology*, 45, 239251.

18. Bohleber, W. (2018). *Destructiveness, intersubjectivity and trauma: The identity crisis of modern psychoanalysis*. Routledge.

19. Carmona, M., Heath, T., Tanner, O. C., & Tisdell, S. (2007). *Public Place Public Space: The Urban Design Dimension*. Cambridge University Press.

20. Choua, Sh. W., & Chen, P. Y. (2009). The influence of individual differences on continuance intentions of enterprise resource planning (ERP). *Human Computer Studies*, 67(6), 484-496.

21. Davis, A. (2016). Experiential places or places of experience? Place identity and place attachment as mechanisms for creating festival environment. *Tourism management*, 55, 4961.

22. Devine-Wright, P. (2013). Rethinking NIMBYism: The role of place attachment and place identity in explaining place-protective action. *Journal of community & applied social psychology*, 19(6), 426441.

9. PLS Algorithm

10. Bootstrappi

فهرست مراجع

۱. آذر، عادل؛ غلامزاده، رسول؛ و قنواتی، مهدی. (۱۳۹۱). *مدلسازی مدل سازی مسیری ساختاری در مدیریت: کاربرد نرم افزار Smart PLS*. تهران: نگاه دانش.
۲. پورجعفر، محمدرضا؛ ایزدی، محمد سعید؛ و خبیری، سمانه. (۱۳۹۴). *دلبستگی مکانی؛ بازنشاسی مفهوم، اصول و معیارها*. هویت شهر، ۹ (۲۴)، ۵۴۴۳.
۳. چنگیزی، نگار؛ و احمدیان، رضا. (۱۳۹۲). *بررسی شاخص های هویت فضای شهری در بافت تاریخی (نمونه موردی: بازار کرمان)*. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۱۱، ۶۳۵۳.
۴. دانشپور، سید عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور؛ و چرخچیان، مریم. (۱۳۸۸). *تیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن*. *نشریه ی هنرهای زیبا*، ۱ (۳۸)، ۴۸۳۷.
۵. دنبلی، سارا؛ کلانتری خلیل آباد، حسین؛ و آقاصفری، عارف. (۱۳۹۷). *بازشناسی مولفه های هویت منظر شهری در شهرهای ایرانی اسلامی، نمونه موردی شهر تهران*. *فصلنامه نقش جهان*، ۸ (۴)، ۲۳۰-۲۲۳.
۶. رهبری منش، کمال؛ و دانش کارآراسته، مدیا. (۱۳۹۷). *بررسی عوامل موثر بر شکل گیری تصورات ذهنی مثبت افراد نسبت به نماهای رومی (نمونه موردی: ناحیه یک از منطقه یک کرج)*. *پنجمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی ایران در گذار آثار و اندیشه ها*. قزوین.
۷. صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۶). *مفاهیم و نظریه های فرهنگی*. تهران: انتشارات ققنوس.
۸. قبادیان، وحید؛ و کیانی، مصطفی. (۱۳۹۲). *خاستگاه معماری مدرن در تهران (بررسی و شناخت اولین بنای سبک معماری مدرن در پایتخت کشور)*. *نشریه معماری و شهرسازی*، ۶ (۱۱)، ۵۸۳۹.
۹. کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *معماری معاصر ایران و مکتب مدرن، نشریه معماری و فرهنگ*، ۵ (۱۵ و ۱۶)، ۴۷۳۵.
۱۰. گلکار، کوروش. (۱۳۸۰). *مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری*. *فصلنامه صفا*، ۱۱ (۳۲)، ۶۵۳۸.
۱۱. مطلبی، قاسم. (۱۳۸۸). *رویکرد انسانی به توسعه پایدار محله ای، مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله ای*. تهران.
۱۲. نوغانی، محسن. (۱۳۸۴). *سرمایه فرهنگی و ورود به آموزش عالی*. *فصلنامه ی فرهنگ و هنر خراسان*، ۱۳ (۱۳)، ۲۶۱۴.

23. Eisenhauer, B. W., Krannich, R. S., & Blahna, D. J. (2000). Attachments to special places on public lands: An analysis of activities, reason for attachments, and community connections. *Society & Natural Resources*, 13(5), 421441.
24. Fornell, C., & Larcker, D. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39–50.
25. Gefen, D., & Straub, D. (2005). A practical guide to factorial validity using PLSGraph: Tutorial and annotated example. *Communications of the Association for Information systems*, 16(1), 5.
26. Gheitarani, N., ElSayed, S., Cloutier, S., Budruk, M., Gibbons, L., & Khanian, M. (2019). Investigating the Mechanism of Place and Community Impact on Quality of Life of RuralUrban Migrants. *International Journal of Community WellBeing*, 3(1), 2138.
27. Hidalgo, M. C., & Hernandez, B. (2001). Place attachment: Conceptual and empirical questions. *Journal of environmental psychology*, 21(3), 273281.
28. Holtkamp, C. (2018). *Social Capital, Place Identity, and Economic Conditions in Appalachia. Doctoral dissertation, Texas State University*. Retrieved from: digital.library.txstate.edu.
29. Jorgensen, B. S., & Stedman, R. C. (2006). A comparative analysis of predictors of sense of place dimensions: Attachment to, dependence on, and identification with lakeshore properties. *Journal of environmental management*, 79(3), 316327.
30. Khanian, M., Bolouhar, B., Gheitarany, N., & Nezhad, S. M. (2013). Studying the causes of vitality in traditional markets of Iran (Case Study: Shoemaking Order of Central Market of Hamadan). *World Applied Sciences Journal*, 22 (6), 831835.
31. Khanian, M., Marshall, N., Zakerhaghighi, K., Salimi, M., & Naghdi, A. (2018). Transforming agriculture to climate change in Famenin County, West Iran through a focus on environmental, economic and social factors. *Weather and climate extremes*, 21, 5264.
32. Khanian, M., Serpoush, B., & Gheitarani, N. (2019). Balance between place attachment and migration based on subjective adaptive capacity in response to climate change: the case of Famenin County in Western Iran. *Climate and Development*, 11(1), 6982.
33. Kim, J., & Kaplan, R. (2004). Physical and psychological factors in sense of community: New urbanist Kentlands and nearby Orchard Village. *Environment and behavior*, 36(3), 313340.
34. Knez, I., & Eliasson, I. (2017). Relationships between personal and collective place identity and wellbeing in mountain communities. *Frontiers in psychology*, 8, 79.
35. Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of environmental psychology*, 28(3), 209231.
36. Manzo, L. C., & Perkins, D. D. (2006). Finding common ground: The importance of place attachment to community participation and planning. *Journal of planning literature*, 20(4), 335350.
37. Markus, K. A. (2012). *Principles and practice of structural equation modeling* by Rex B. Kline.
38. Moulay, A., Ujang, N., Maulan, S., & Ismail, S. (2018). Understanding the process of parks' attachment: Interrelation between place attachment, behavioural tendencies, and the use of public place. *City, Culture and Society*, 14, 2836.
39. Naghdi, A., Khanian, M., & Rucentan, M. (2016). The urban dilemmas in Iran marginal urban area; A case study of Kermanshah city. *Journal of Civil Engineering and Urbanism*, 1, 1623.
40. Perkins, D. D., & Long, D. A. (2002). *Neighborhood sense of community and social capital. In Psychological sense of community* (pp. 291318). Springer, Boston, MA.
41. Proshansky, H. H., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). *Placeidentity: Physical World Socialization of the Self. In The People, Place, and Space Reader* (pp. 111115). Routledge.
42. Proshansky, H. M. (1978). The city and selfidentity. *Environment and behavior*, 10(2), 147169.

43. Rahmani, A., Khanian, M., & Mosalsal, A. (2013). Prioritize and location finding land for housing development in the satellite cities of using the AHP model (case study: Bahar city in Hamadan province). *Journal of Basic and Applied Scientific Research*, 3(1), 148160.
44. Raymond, C. M., Brown, G., & Weber, D. (2010). The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *Journal of environmental psychology*, 30(4), 422434.
45. Rowles, G. D. (2017). *Being in place: Identity and place attachment in late life*. In *Geographical Gerontology* (pp. 203215). Routledge.
46. Scannell, L., & Gifford, R. (2017). Place attachment enhances psychological need satisfaction. *Environment and Behavior*, 49(4), 359389.
47. Schreyer, R., Jacobs, G. R., & White, R. G. (1981). Environmental meaning as a determinant of spatial behaviour in recreation. In *Proceedings of Applied Geography Conferences*, Volume 4. (pp. 294300). Department of Geography, State University of New York.
48. Schumacker, R. E. (2017). *Interaction and nonlinear effects in structural equation modeling*. Routledge.
49. Stedman, R. C. (2002). Toward a social psychology of place: Predicting behavior from placebased cognitions, attitude, and identity. *Environment and behavior*, 34(5), 561581.
50. Stokols, D. (1981). People in places: A transactional view of settings. *Cognition, social behavior, and the environment*, 441488.
51. Trentelman, C. K. (2009). Place attachment and community attachment: A primer grounded in the lived experience of a community sociologist. *Society and natural resources*, 22(3), 191210.
52. Vaske, J. J., & Kobrin, K. C. (2001). Place attachment and environmentally responsible behavior. *The Journal of Environmental Education*, 32(4), 1621.
53. Williams, D. R., & Vaske, J. J. (2003). The measurement of place attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach. *Forest science*, 49(6), 830840.
54. Williams, D. R., Patterson, M. E., Roggenbuck, J. W., & Watson, A. E. (1992). Beyond the commodity metaphor: Examining emotional and symbolic attachment to place. *Leisure sciences*, 14(1), 2946.

بررسی الگوی شکلی هندسی مجموعه نقش جهان اصفهان به واسطه ساختار حرکتی اقشار مردم از منظر مکتب شکل‌گرایی*

مهندس هیراد حسینیان**، دکتر جمال‌الدین سهیلی***، دکتر فریبا البرزی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

مکیده

الگوی شکلی هندسی ترکیب اشکال در مفهوم هندسه پنهان را معنا بخشیده که نیاز اقشار به واسطه حرکت در میدان نقش جهان منجر به شناسایی آن می‌شود. چنانچه از منظر مکتب شکل‌گرایی، عناصر اولیه بصری دوران تا شناسایی اشکال پایه بصری کریر و نیز ابزار نقطه تا حجم هردگ را احصا می‌نماید. شناسایی این ابزار منجر به دسته‌بندی و کدگذاری ساختار شکلی حرکتی اقشار (فرد، اجتماع، حاکمیت) در مجموعه شده که روند ساختار شکلی هندسی مجموعه نقش جهان را در ادوار مختلف توجیه می‌نماید. لذا بهره از روش تفسیری تاریخی، توصیف مدل مفهومی و جداول شکلی تحلیلی به فراخور استدلال قیاسی استقرایی منجر به شناسایی الگوی نام‌برده از طریق ساختار حرکتی اقشار می‌شود که پرسش: «چگونه می‌توان از طریق بررسی الگوی هندسی و روش ساختار شکلی حرکتی اقشار برآمده از آن به پیشبرد همزمان فرم و عملکرد در مجموعه دست‌یافت؟» می‌تواند به ترکیب ابزار بصری و کدگذاری ساختار شکلی حرکتی از منظر عملکرد لایه‌ای فرد تا حاکمیت به الگوسازی ساختار شکلی هندسی مجموعه نقش جهان دست‌یابد که به پیشبرد همزمان فرم و عملکرد نیز مبدل می‌گردد.

واژه‌های کلیدی

میدان نقش جهان اصفهان، مکتب شکل‌گرایی، الگوی شکلی هندسی، ساختار شکلی حرکتی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری هیراد حسینیان تحت عنوان «شناسایی و تبیین هندسه و عملکرد معماری دوره صفویه در میدان نقش جهان اصفهان و بناهای پیرامونی آن» می‌باشد.

** دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

*** دانشیار، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (مسئول مکاتبات)

**** دانشیار، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

مقدمه

31) و از نظر مکتب شکل‌گرایی در ارتباط با ساختار شکل (برآمده از عناصر اولیه تا عناصر پایه بصری) می‌تواند دلیلی بر تکامل دوره‌های مجموعه نقش جهان باشد. لذا در امتداد تفکر شکل‌گرایان و ابزار بصری برآمده از دیدگاه هردگ به دسته‌بندی ساختارشکلی حرکتی اقصاثر مختلف مردم در مجموعه پرداخته شد که مسبب همپوشانی الگوی هندسی مجموعه با ساختار شکل متصل به آن می‌شود، به نحویکه با پاسخ به پرسش: «چگونه می‌توان از طریق بررسی الگوی هندسی و روش ساختارشکلی حرکتی اقصاثر برآمده از آن به همزمانی پیشبرد فرم و عملکرد در مجموعه نقش جهان دست‌یافت؟» بتوان از طریق دسته‌بندی و کدگذاری ترکیب ساختار شکلی حرکتی با عملکرد لایه ای فرد، اجتماع و حاکمیت به شکلی همزمان به ارتباط فرم و عملکرد نائل شد.

پیشینه پژوهش

در این بخش با التفات به عنوان جستار حاضر و اهمیت میدان نقش جهان به عنوان نمونه‌موردی قابل بررسی، در ابتدا به سبقه‌ای از مطالعات انجام شده در این باب پرداخته می‌شود که مقاله‌ی «چهار منبع درباره ساخته‌های شاه‌عباس در اصفهان» (۱۳۸۵)، نوشته مک چسنی و به ترجمه قیومی بیدهدنی از شاخص‌ترین این مطالعات بشمار می‌آید و در آن سعی شده به اثری چون نقاوه‌الآثار اثر محمودبن هدایت‌الله افوشته‌ای نطنزی پرداخته شود و از لحاظ تاریخی خصوصاً تاریخ آغاز احداث میدان نقش جهان، بسیار دارای اهمیت است که به زعم خود می‌تواند به نحوه تدوین کالبد میدان اشاره نماید به قسمیکه مراحل شکل‌گیری و پیکره‌بندی میدان از پروسه اولیه تا اقدامات‌نهایی آن در این اثر مشهود و قابل رویت است. چنانچه در ادامه گالدیری نیز برچند مرحله‌ای بودن میدان اشاره دارد به شکلی که او کشف کرده بود در مرحله نخست، ابعاد میدان شش‌متر درازتر و چهارمتر پهن‌تر بوده است. شاردن نیز از ۲۰۰ حجره چنین سخن می‌گوید: در آن زمان که حجره‌ها را افزودند دیوار را نیز تا دو اشکوب بلندتر کردند و بالاخانه‌هایی بر بالای حجره‌های جدید افزودند. در این امتداد می‌توان به «سفرنامه‌ی اوژن فلاندن به ایران» (۱۳۵۳)، به ترجمه نورصادقی که نویسنده در آن به توصیفات عمیق و ریزبینانه‌ای از مراحل شکل‌گیری و ساخت ابنیه‌ای همچون؛ بازار، میدان و نحوه چیدمان آنها به منظور گردهمایی اقصاثر مختلف در کنار یکدیگر اشاره داشت، توجه نمود که این خود گواهی بر تدارکات حکومتی به منظور پاسخ به نیازهای عامیانه قشر اجتماعی آن زمان بوده‌است. در امتداد این مهم و در زمان معاصر؛ شهایی‌نژاد در مقاله خود تحت عنوان «سیر شکل‌گیری میدان نقش جهان اصفهان» (۱۳۹۸)، با پژوهش‌های متعدد

فرایند ساختار شکل در درک و تبیین زبان بصری اشکال پایه می‌تواند در برگیرنده‌ی عناصر مختلف بصری چون؛ خط، سطح، حجم، بافت و غیره باشد. این عناصر بیان شفاف‌تری از ساختار شکل را به نمایش می‌گذارند که از یکسو در ارتباط با انسان و مسئله نیاز او در اثر معماری تبیین شده و از سوی دیگر در برخی از آراء در نسبت با خود اثر معماری، مجموعه نیروهای موجود در بنا و ساختار شکل را تعریف می‌نماید. برای درک این نیروها در ساختار شکل باید به الگوی هندسی و ارتباط میان آن با این عناصر پرداخته شود. از این‌رو که هندسه ابزاری مناسب جهت نظم بخشیدن و برقراری روابط آگاهانه میان اجزاء شکلی بنا با یکدیگر است، تا جاییکه ابن‌سینا هندسه را علم شناخت وضع خطوط، اشکال، سطوح و نسبت‌ها می‌داند و تعاریف مشابه دیگری را نیز اندیشمندان اسلامی ارائه داده‌اند که همگی بر رابطه هندسه با ترکیب اشکال و نسبت‌ها تاکید دارند (خوشروی، ۱۳۹۸: ۵۳). با توجه به مفهوم هندسه و تاثیر الگوی آن در ساختار شکل می‌توان این اصول را در میدان نقش جهان رویت نمود زیرا این میدان یکی از نوادر فضاهای شهری نسبتاً دست‌نخورده ایرانی محسوب می‌شود و از زمان احداثش، در مقیاس شهر و حتی فراتر از آن عمل‌نموده است. این میدان در زمان شاه‌عباس اول صفوی توسعه یافته که طول آن ۵۰۵ متر و عرض آن ۱۵۸ متر می‌باشد. مجموعه دارای چهار بنای؛ مسجد جامع عباسی، کاخ عالی‌قاپو، مسجد شیخ لطف‌الله و سردر قیصریه می‌باشد که چهار ضلع این میدان را نیز غرفه‌های دو اشکوبه احاطه کرده است (دویست حجره دو طبقه در میدان وجود دارد) و از نظر شکل‌گیری دارای تقدم و تاخر میباشد که این موضوع بر چند مرحله‌ای بودن ساخت آن دلالت دارد، از جمله بازار که در مرحله اول با یک طبقه و یک‌ردیف بازار بود و پس از آن بصورت دو ردیف بازار همراه با طبقه دوم درآمد (شهایی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۲۷). این مهم دلیلی بر درک مولفه‌ای چون حرکت فرد با شتر در راسته‌بازار است که مسئله «فرم تابع عملکرد» را نیز معنا می‌بخشد (مک چسنی، ۱۳۸۵: ۵۲) که در روند طراحی و شکل‌گیری میدان و حرکت اقصاثر بابتی از ساختارشکلی موجود و بواسطه درک الگوی هندسی به فضا حرکت و به چشم آرامش می‌بخشد. این موضوع به مفهوم هندسه پنهان از دریچه نیاز اقصاثر مردم و در جهت رشد و بالندگی اجتماعی به تولید تعاملات اجتماعی منجر می‌گردد. از این رو که فضاهای اجتماعی بانی گسترش حیات و تعاملات اجتماعی شهروندان محسوب می‌شوند (Hillier & Hansson, 1984: 71-78). چنانچه از طریق شناسایی نیاز افراد در تعامل با ساختار حرکتی برآمده از الگوی شکلی مجموعه (Froymsen et al., 2009: ۱۴۰۲)

درباره روند و تاریخچه شکل‌گیری میدان نقش جهان، سعی داشت به پرسش‌های متعدد در این زمینه و شرح ادوار مختلف شکل‌گیری مجموعه نقش جهان با استناد به اسناد و برداشت‌های میدانی بپردازد تا نظام شکل‌گیری میدان را بر مبنای نوعی تکامل تدریجی به منصفه‌ظهور برساند و سعی در توجیه هم‌پیوندی بیشتر مردم با حاکمیت دارد که این خود می‌تواند در تقویت فعالیت‌های اجتماعی گوناگون تشکیل‌دهنده مجموعه میدان از مردم تا حاکمیت و از طریق تحکیم ساختار شکلی قدم بردارد. همچنین در پژوهش دیگری «خاستگاه نظری میدان نقش جهان» (۱۳۹۴)، آقابزرگ و متدین به کاربرد و نقش میدان از دیرباز در بافت شهر پرداخته‌اند و در راس آنها می‌توان ویژگی‌های میدان نقش جهان را جستجو نمود. میدان نقش جهان بعنوان یک میدان حکومتی ایرانی با در برداشتن سه جز اصلی شهر (اقتصاد، مذهب و حکومت) سعی در پیوند با مردم دارد، بنابراین با طبقه‌بندی و تحلیل و بررسی ویژگی این بناها و جانمایی آنها به منظور تدوین تعاملات اجتماعی میتوان به معنا و خاستگاه نظری آنها نیز دست‌یافت. بدین ترتیب با گذار از نحوه تشکیل و ساختار شکلی مجموعه میدان نقش جهان که تا حدودی مستلزم شناخت ساختار شکلی نیز می‌باشد و در این راستا، در زمینه ارتباط میان مجموعه نقش جهان و صاحب‌نظران مکتب شکل‌گرایی نیز میتوان به کتابی چون «مبانی نظری معماری» (۱۳۸۹)، پرداخت که نقره‌کار در بخشی از آن به توصیف مفهوم هندسه و مکتب شکل‌گرایی پرداخته است تا با تعریف صحیح معماری و فضا به توصیف کالبد و پس از آن درک هندسه و تناسبات در معماری ایرانی دست‌یابد که در این مسیر از دیدگاه نظریه‌پردازان مکتب شکل‌گرایی چون؛ دوران، کریر و هردگ استفاده نموده و به بررسی نوع ساختار شکل از دیدگاه آنها پرداخته است. سپس در جایی دیگر کریر در کتاب خود تحت‌عنوان «فضای شهری» (۱۳۹۶)، به ترجمه هاشمی نژاد شکل‌شناسی فضاهای شهری چون میادین را هدف اصلی خود قرار داده و در باب روند شکل‌گیری ساختار کالبد میدان، فضاها و نحوه ترکیبات امکان‌پذیر از آنها را توصیف نموده و همچنین به رابطه ساختار کالبدی و اجتماعی و تاثیرهای فعالیتی در طراحی ساختار شکلی میادین پرداخته و معتقد است که سبک‌های مختلف در تاریخ همواره با ساختار اجتماعی حاکم، هویت یافته‌اند؛ بنابراین این ساختار شکلی منجر به تدوین روشی در جهت شناخت نظام دسته‌بندی فرایند شکل‌گردید، بدین ترتیب که هر کدام از اجزا را تبدیل و تجزیه نمود و سعی داشت علیرغم بی‌توجهی به لامکانی و هویت‌زمان، به عناصر پایه هندسی نهفته در ابنیه و اشکال پایه دست‌یابد که در امتداد این دیدگاه بابه‌ها از الگوی هندسی مجموعه میدان و باتوجه به روند شکل‌گیری آن و همسویی با نظریه شکل‌گرایان نام‌برده

به ویژه هردگ که این همپوشانی را وارد طبقات اجتماعی از فرد تا روحانیت می‌کند که به نوبه‌خود حلقه اتصالی میان شکل و نحوه نگرش اقصاثر مختلف به آن می‌باشد. از این رو در کتاب «ساختار شکل در معماری اسلامی ایران و ترکستان» (۱۳۷۶)، به ترجمه تقی زاده مطلق به بررسی روند شکل در معماری ایران و ترکستان از فضاهای بزرگ شهری چون میادین گرفته تا یک اتاق کوچک می‌پردازد و با تحلیل نمونه‌های شاخص معماری چون؛ میدان نقش جهان، در جستجوی درک و فهم نگرش‌هایی در باب لایه بندی ترکیب اشکال در معماری است. از این رو وی میدان را از دید جامع بیان می‌کند و در امتداد آن برش‌هایی از لایه‌های مختلف اثر میزند (بالا، میانی و پایانی) که خود گواه بر دسته‌بندی اجزا تشکیل‌دهنده مجموعه دارد. در ارتباط با جستار پیش‌رو نیز سعی شد با بررسی و درک ساختار شکل مجموعه نقش جهان بابه‌ها از تفکر شکل‌گرایانی چون؛ دوران، کریر و هردگ به فصل اشتراک لایه‌های کالبدی از منظر ابزار بصری برآمده از دیدگاه آنها و در امتداد درک مولف به دسته‌بندی ساختار حرکتی لایه‌های فرد تا حاکمیت در مجموعه به ارزش همپوشانی لایه‌های عنوان شده از منظر ارتباط ساختار شکلی حرکتی در قالب الگوی هندسی پی برد تا به‌واسطه آن به هم‌نویایی الگوی هندسی میدان با نظام برگرفته از ساختار شکلی مجموعه از طریق شناسایی نظام حرکتی اقصاثر و نقش عملکردی آن به تدوین روشی مبین دست‌یافت که به‌واسطه کدگذاری ساختار شکلی حرکتی اقصاثر و نقش عملکردی آن بتوان به هم‌ارزی پیشبرد فرم و عملکرد در مجموعه نیز نائل آمد.

روش پژوهش

این جستار از نظر ماهیت و نوع شکل‌گیری و متغیرهای موجود همچون الگوی شکلی هندسی و ساختار حرکتی اقصاثر مردم در ابتدا بر مبنای روش تفسیری تاریخی بوده و با گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای در میان کتب، مجلات، مقالات و سفرنامه‌ها به بررسی ارتباط تفسیری سیاحان از میدان نقش جهان و پس از آن بر مبنای ارتباط این متون تاریخی و بابه‌ها از استدلال استنتاجی به تجزیه و تحلیل داده‌ها از منظر ماهیت کیفی می‌پردازد. لذا باتوجه به داده‌های برآمده از استنتاج اولیه و تحلیل و سپس توصیف آنها بر مبنای تصاویر برخاسته از مجموعه نقش جهان و در امتداد آن بابه‌ها از استدلال قیاسی استقرایی سعی در تفسیر و ارتباط متغیرهای برآمده از ساختار شکل و الگوی هندسی مجموعه می‌نماید که با استفاده از ابزاری چون؛ مدل مفهومی و جداول شکلی تحلیلی برخاسته از الگوی شکلی هندسی بتواند در درجه اول از منظر ساختار شکل به تفکر شکل‌گرایان و در امتداد آن بابه‌ها از ابزارشناسی پایه بصری به روشی مدون در جهت هم‌ارزی حرکت

قیصریه و عمارت نقاره‌خانه نیز شکل گرفته بودند (شهابی نژاد، ۱۳۹۸، ۱۲۷۱۲۱). با عنوان عقبه‌ای از نحوه شکل‌گیری و ادوار زمانی گوناگون در میدان نقش‌جهان، مفهوم هندسه (شکل ۱) در این مجموعه پر رنگ‌تر می‌شود (خوشروی، ۱۳۹۸، ۵۴).

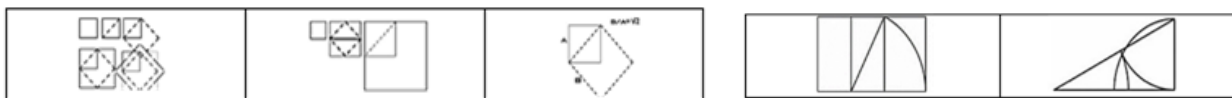
در طراحی میدان نقش‌جهان که از نمونه فضاهای اجتماعی است و توانسته به مکانی برای ارتباط افراد جامعه با یکدیگر مبدل شود، امکان ارتباط افراد از طریق شناسایی الگوهای هندسی (Moulay, 2017): چون: تقارن، انعکاس، تکرار، تلفیق و تداوم و نیز نظم هندسی معنا می‌یابد به قسمیکه در میدان نقش‌جهان اتصال محور میدان با ارسن (فضای پیرامونی میدان) بر پایه تقارن و تناسب‌طلایی و در بطن آن نسبت‌زین (۱.۶۱۸) است؛ و در الگوهای هندسی که با «ساختار مربع با نسبت ۲» باشد، این برتری را نسبت به الگوهای هندسی دارد که علاوه بر ایجاد نسبتی ثابت بین اجزا، در عین حال خاصیت رشد و گسترش‌پذیری را نیز به‌همراه دارد تا بتواند میان اجزای خرد و کلان در طراحی، هماهنگی و همخوانی ایجاد کند (بختیاری نصرآبادی، ۱۳۹۴، ۴۸). همچنین تحلیل هندسی فضا^۵ در معماری مسجد شیخ لطف‌الله برخی‌از مبانی‌فکری مؤثر در طراحی این بنای ارزشمند را آشکار می‌سازد. به شکلی که موقعیت مسجد شیخ لطف‌الله در ضلع شرقی میدان نقش‌جهان که بر اساس تناسب‌طلایی مقرر شده است و شعاع نمازخانه اصلی با نیمی از محور ورودی آن یکسان است (دهار و علی‌پور، ۱۳۹۲، ۳۸). همچنین در بنای عمارت عالی‌قاوو کاربرد نسبت‌زین به وضوح دیده می‌شود. چنانچه عرض ساختمان به عنوان واحد در نظر گرفته شود، نقاط مهم نظیر؛ گوشه‌های ورودی اصلی به ساختمان و ارتفاع‌های طبقات مختلف نمونه‌ای از نسبت زین را نشان می‌دهد و همچنین در آن تمایل فضای جانبی به فضای مرکزی را می‌توان مشاهده کرد، بطوریکه در این سازماندهی، فرم فضای مرکزی، منظم و وحدت‌دهنده است و بزرگی آن به‌حدی است که می‌تواند تعدادی فضای فرعی را حول فرم خود جمع نماید. در ساختار عالی‌قاوو به عنوان یک سازمان‌دهی مرکزی، فضاهای فرعی از لحاظ شاخص اندازه و در نتیجه کارکرد باهم مشابه‌اند و ترکیبی کلی را بوجود آورده‌اند که دارای نظم هندسی و تقارن نسبت به یک یا چند محور می‌باشند، به شکلی که نسبت زین در این بنا با کلیت بنا همگن است.

هندسی اشکال پایه با نظام ساختار شکلی حرکتی لایه‌ای افشار (فرد تا حاکمیت) بهره‌مند از مجموعه دست‌یابد به نحویکه این مهم به پیشبرد همزمان فرم و عملکرد در مجموعه نیز پاسخگو است.

مبانی نظری

الگوی هندسی شکل‌گیری میدان نقش جهان

با بهره از اسناد تاریخی مکتوب از جمله کتب نقاوة الآثار، تاریخ عباسی و روضه الصفویه پیداست، میدان نقش‌جهان که بازاریایی در اطراف آن قرار دارد نخستین طرح مهمی بوده که شاه عباس برای توسعه اصفهان بدان اهتمام کرده‌است. زیرا شاردن^۱ سیاح فرانسوی و همچنین اوژن فلاندن^۲ که در سال ۱۸۴۰ میلادی اصفهان را دیده است و می‌نویسد: «بدون اغراق اصفهان یکی از بزرگترین شهرهای عالم است که بیش از ۴۰ کیلومتر محیط آن است» در طی قرون ۱۱ تا ۱۹ آن را وصف کرده‌اند و نیز ائوجنیوگالدیری^۳ که میدان را در دو مرحله جداگانه و برپایه نظامی کالبدی بیان کرده بود (مک چسنی، ۱۳۸۵، ۵۸ و ۵۹). همچنین شاردن از ۲۰۰ حجره سخن می‌گوید؛ در همان زمان که حجره‌ها را افزودند دیوار را نیز تا دو اشکوب بلندتر کردند و بالاخانه‌هایی به بالای حجره‌های جدید افزودند (Galdieri, 1970, 6068). همینطور ترتیب شکل‌گیری اولیه عناصر اصلی میدان عبارتند از: سردر قیصریه، کاخ عالی‌قاوو، بازار پیرامون میدان، مسجد شیخ لطف‌الله و مسجد جامع عباسی که در خصوص دو مسجد موجود در میدان نیز به منظور تکمیل بدنه میدان ابتدا سردر این مساجد ساخته می‌شود و سپس تکمیل بنای اصلی در پشت سردر مربوطه (۱۰۲۸) تکمیل مسجد شیخ لطف‌الله و تکمیل مسجد جامع عباسی پس از فوت شاه عباس در ۱۰۴۷ ه.ق) شکل می‌گیرد (سعیدی، ۱۳۹۱، ۲۸۸). همینطور پیترو دل‌واله^۴ در سال ۱۰۲۶ ه.ق، هنگام ورود به اصفهان، میدان را بیانگر دو نکته اساسی میدان: اول آنکه او به پیوستگی کامل بدنه میدان اشاره می‌کند که نشان از تکمیل ساخت سردر مسجدامام دارد و دوم اینکه به ادامه عملیات ساختمانی در مسجدشاه اشاره دارد که بیانگر عدم تکمیل سایر بخش‌های مسجد است. همچنین سخنان دل‌واله حکایت از آن دارد که در سال ۱۰۲۶ ه.ق بجز مسجد جامع عباسی سایر عناصر میدان شامل مسجد شیخ لطف‌الله، سردر



شکل ۵. مقایسه وضعیت تاب‌آوری اجتماعی در محلات مورد مطالعه
Figure 5. Comparison of the social resilience status in the studied neighborhoods

شکل ۵. مقایسه وضعیت تاب‌آوری اجتماعی در محلات مورد مطالعه
Figure 5. Comparison of the social resilience status in the studied neighborhoods

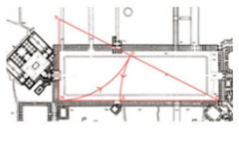
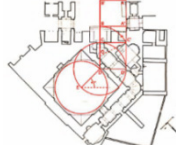
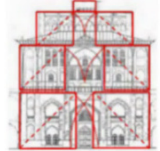

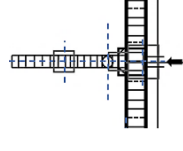
پیچیده و از طریق درک روابط هندسی قابل تعریف می‌باشد و همواره شبکه‌های ملموس و قابل رویت نبوده بلکه نظامی است که وظیفه تنظیم و کنترل فضاهای مختلف را در یک دستگاه واحد بر عهده دارد. لذا باید توجه داشت که هندسه در مورد اشکال پایه می‌تواند زمینه‌ساز فضاهای مشترکی شود که بر مبنای ساختار شکل و اصول تولیدکننده بر پایه مجموعه‌ای از قاعده‌های شکلی به زایش طرح منجر شود و این زایش از یک شکل پایه حادث گردیده که آن بهره از حضور مادی اشکال پایه است و تاجایی پیش می‌رود که کمپوزیسیون را به معنای واقعی بنا کند (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۳، ۲۵۸). این کمپوزیسیون در رابطه با اشکال پایه معنا می‌یابد که به نوبه خود می‌تواند در سه شکل هندسی مربع، مثلث و دایره احصا گردد. بطور مثال؛ مربع که شکلی ایستا، باثبات و متعادل است و از ترکیب خطوط عمودی و افقی به یک اندازه حاصل می‌شود و یا دایره که از گستردگی یک نقطه آغاز و در تعریف اولین چندضلعی حاصل از این شکل نیز سه دایره در خارجی‌ترین نقاط خود مثلث را بوجود می‌آورند و در اینصورت راه‌های اصلی سازمان‌دهی یک بنا بر مبنای ساختار اشکال پایه عنوان شده و بر مبنای درک یگپارچگی فضا را می‌توان مورد بررسی قرار داد (پیردوری، ۱۳۹۴، ۴۶۱). به نحوی که شرایط خاصی برای اینگونه فضاهای برگرفته از اشکال وجود دارد که از جمله آن می‌توان به: ۱ فضایی درون یک فضا ۲ فضاهای متداخل ۳ فضاهای مجاور و ۴ فضاهای مرتبط شده توسط یک فضای مشترک، اشاره نمود (دی، کی‌چینگ، ۱۳۹۱، ۴۱ و ۱۹۴). لذا در ارتباط با بهره‌گیری از ترکیب اشکال پایه نیز می‌توان این مجموعه را در قالب پنج روش دسته‌بندی نمود؛ (توازی و تعامد ۲ داخل ۳ استفاده از قابلیت‌های فرمی اشکال ۴ ایجاد یک استعداد در اشکال برای ترکیب بهتر ۵ ترکیب با استفاده

همچنین در مسجد امام اصفهان نیز میان محور سردر که رو به میدان نقش جهان ساخته شده و محور مسجد که روبه قبله است، زاویه‌ای پدید آمده که معمار آن را به بهترین وجه برطبق زاویه‌ای نسبت به افق و بر مبنای سنجه‌عددی پاسخ داده است (بمانیان، ۱۳۹۵، ۱۵۰). براساس شواهد تاریخی موجود نیز با توجه به آنکه بازار کهن شهر و مرکز تجاری حکومتی میدان کهنه در قسمت شمال شرقی محدوده میدان جدید قرار داشت، ساخت سردر قیصریه به نوعی گواهی بر تلاش برای شکل‌گیری اجزای اولیه میدان در مجاورت هسته قدیم شهر و بازار بوده است (شهبازی‌نژاد، ۱۳۹۸، ۱۲۷) که می‌توانست ارتباط محدوده میدان با بخش‌های فعال و موجود شهر را برقرار سازد. لذا در ارتباط با درک روابط هندسی (جدول ۱) باید گفت میدان‌ها فضاهایی هستند که با جداره و ابنیه کالبدی قاب شده‌اند (قربانی، ۱۳۹۸، ۲۳).

ساختار شکل

در ارتباط با ساختار شکل می‌بایست به بررسی نحوه تشکیل فرم از طریق ساختار شکل پرداخت که در این بین با بکار بردن ترکیب اشکال پایه در هندسه و نیز با بهره از الگوهای نظام ساختار شکلی و با استفاده از برش‌هایی چون؛ برش عمودی، افقی و مورب و نیز استفاده از تغییر تناسبات و تغییر فاصله و نحوه چیدمان، می‌توان به نوعی آمیختگی بدیع مابین اجزاء شکلی دست یافت و همچنین شیوه‌ای پایه‌ریزی کرد که در نهایت بتواند در کاربری‌های متفاوت نیز بکار برده شود که این خود در تاثیر هدفمند ساختار شکل مجموعه بسیار حائز اهمیت است و این ساختار برآمده از عناصری همچون؛ خط، سطح، حجم، رنگ و غیره می‌باشد (معماریان، ۱۳۹۸، ۱۱۰ و ۱۱۲). همچنین بهره‌گیری از اثر منوط بر شناخت شکل که از طریق اصولی از ساده به

جدول ۱. روابط هندسی ارکان تشکیل‌دهنده میدان نقش جهان
Table 1. Geometric relations of the constituent elements of Naqsh Jahan field

الگوی هندسی نقش جهان و ابنیه پیرامونی	میدان نقش جهان (تقسیم پاره خط به نسبت طلایی و ساخت نسبت طلایی با استفاده از مربع طلایی)	مسجد شیخ لطفاله	عمارت عالی قاپو (ایجاد شبکه شطرنجی بر پایه بهره از سنجه ای با نسبت ۷۲) (نسبت زرین در نمای عمارت عالی قاپو)	مسجد امام	سردر قیصریه
اصول هندسه					
منابع	شکل ۳. ماخذ: (خوشروی و عسکری زاد، ۱۳۹۸، ۵۵)	شکل ۴. ماخذ: (دهار و علی پور، ۱۳۹۲، ۳۷)	شکل ۵. ماخذ: (مهدی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، ۴)	شکل ۶. ماخذ: (بمانیان، ۱۳۹۵، ۱۵۰)	شکل ۷. ماخذ: (حسینیان و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۲)

تبدیل واقعیت‌های موجود به شکل‌های هندسی و دسته‌بندی نمودن آنها در گروه‌های مختلف است (معماریان، ۱۳۹۸، ۶۹). وی معتقد بود، علم معماری همواره از یک فرایند ذهنی از سوی طراح و خطوط طراحی که از اصول هندسی نشأت می‌گیرد تبعیت می‌کند، بنابراین کاربرد الگوهای هندسی در پلان به‌عنوان نقشه بنا، در نما به‌عنوان ظاهر و سیمای آن و در حجم به‌عنوان کالبد و پیکره‌بنا حائز اهمیت است و در نتیجه شناخت اشکال پایه و نحوه تلفیق هندسی آنها به جهت بازشناسی الگوهای پیشین بکار رفته انتظاری دور از ذهن نیست. مبنای کار دوران دست‌بندی بناها براساس شکل نقشه آنها بود و از نظر او تبدیل واقعیت‌های موجود به اشکال هندسی و دسته‌بندی آنها در گروه‌های مختلف است که برای دسته‌بندی عناصر، از اجزای مرکب و محصول نهایی به شکل‌هایی با ویژگی‌های مشترک از شکل‌های پایه مانند مربع، مستطیل و دایره بهره‌گرفت و براساس خواص مشترک هندسی مانند محور تقارن ترکیب‌های جدیدی را بدست‌آورد (سیدیان و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۷). همچنین دوران اعتقاد داشت که میتوان این دسته‌بندی را در بناها از روند تغییر ساده به پیچیده برطبق عوامل سازنده بنا و نمونه‌هایی از آثار تاریخی پیشین انتخاب و از نظر ارکان اصلی معماری دسته‌بندی کرد و در آنها از بکارگیری علومی چون؛ زیست‌شناسی و هندسه در جهت علمی نمودن معماری و معرفی روند شکل‌گیری ساختار اشکال هندسی قدم برداشت، از نگاه وی آنچه در ساختار شکلی مهم است، واقعیت‌های موجود در گروه‌های گوناگون و نحوه دسته‌بندی آنها می‌باشد. از این‌رو برای بدست آوردن اشکال متنوع از خواصی چون؛ تناوب، تکرار، دوران و تقارن استفاده کرده‌است. در امتداد تفکر شکل‌گرایان در دو دهه اول قرن بیستم نیز با شکل‌گیری معماری مدرن، آلدوروسی و راب کریر ظهور کردند که به نو مدرنیست‌ها معروف بودند، که از این میان کریر در بخشی از مطالعات خود به شکل‌شناسی میادین در معماری می‌پردازد. بررسی‌های کریر نشان می‌دهد که طراحان در نهایت آزادی انواع شکل‌های فضایی را تجربه کرده‌اند و در هر دوره تاریخی ارزش‌های فضایی جدیدی به میدان افزوده‌اند. کایر با بررسی شکل‌شناسانه میادین در اروپا، آنها را در سه گروه اصلی؛ ۱- مربع ۲- دایره و ۳- مثلث تقسیم بندی می‌نماید. وی معتقد است همه فضاهای موجود و فرم‌های آنها را در طی پنج مرحله تغییر، زاویه‌دار کردن، قطعه‌قطعه کردن، الحاق و ادغام شدن، تداخل یا ترکیب عناصر و تغییر شکل یافتن، از سه فرم فوق میتوان به شکل‌های موجود در میادین تبدیل نمود. وی عنوان می‌کند این عوامل قادرند اکثر فرم‌ها را بصورت منظم و نامنظم شکل دهند. لذا از دیدگاه نگرش شکلی کریر، در مقیاس فضاهای معمارگونه، ابتدا گونه‌های فضایی به اشکال پایه (مربع، مثلث، دایره) تبدیل شده و به

از اتصالات که می‌تواند فرمی جدید در قالبی مدولار در عصر امروزش را ایجاد نماید، به نحویکه با استفاده از؛ ۱ تغییر فاصله ۲ تغییر تناسبات و مقیاس ۳ تغییر چیدمان و وضعیت قرارگیری که به این منظور، بابه‌ره از الگوی هندسی می‌توان در توسعه و ترکیب اصولی که براساس آن طراحی اثر شکل گرفته است، همچون تحلیل زمینه اثر، بهره‌گیری از ارزش اثر و سپس برنامه‌ریزی ساختار شکل اثر و دیگرام اثر که بر مبنای آن و تشریح عقل به اصول اشکال پایه منجر می‌گردد، دست‌یافت. همینطور در ارتباط با اصول و روند فرایند ترکیب شکل بتوان بر مبنای الگوی پایه به کلی در واحدی یکسان دست‌یافت که این الگو همان ترکیب در ساختار شکلی اثر است (سیلویا، ۱۳۹۱، ۵۷). لذا بهره‌گیری از ترکیب اشکال پایه منوط بر بکارگیری قواعد شکل‌پذیری بوده که سیستم‌های تولید کننده‌ای هستند و بر اساس مجموعه‌ای از قاعده‌های شکلی به زایش طرح منجر می‌شوند و این مسیر، ساختن اشکال پیچیده را از عناصر ساده ممکن می‌سازد که در جهت شناخت ساختار شکلی منجر به نگرشی عینی در کالبد می‌گردد، به نحوی که طرح توسعه اثر در گرو شناخت اشکال اولیه و به منظور بهره‌گیری از ساختار شکل می‌تواند به استیلای خود در تمامیت این فرایند دست‌یابد. باید توجه داشت که الگوهای عددی در جهت ترکیب این فرایند از منظر هندسی معنا می‌یابند که حتی در مجموعه میدان نیز به نحوی هدفمند به منصف ظهور می‌رسند. بدین ترتیب هر اندام معماری قابل دسته‌بندی در گروهی وابسته به یک شکل پایه می‌باشد که برای تجزیه اشکال پیچیده از الگوی هندسی به عنوان ابزاری تجزیه‌گر و برای تولید فرم‌های پیچیده از یک شکل ساده به عنوان ابزاری ترکیب‌گر بکار گرفته می‌شود (حسنی، ۱۳۹۵، ۶۸).

مکتب شکل‌گرایی

در مکتب شکل‌گرایی بر اساس تشابه شکلی، گروه زیادی از بناهای نقاط مختلف جهان را می‌توان دسته‌بندی کرد که توجه به شکل و ساختار آن از دیدگاه نظریه‌پردازان مکتب شکل‌گرایی حائز اهمیت است. در واقع آنچه از نظر یک محقق شکل‌گرا مهم است، شاخصه‌های مشترک شکلی عناصر معماری است که در این باب اشخاصی چون؛ دوراند^۷، کریر^۸، هردگ^۹ و... صاحب‌نظر بودند. از این‌رو در نگرش شکلی^{۱۰} معماری غرب نگرش دوراند، از معماران اواخر قرن ۱۸ مطرح است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۲۵). بر این اساس نقل‌قولی از دوراند که عنوان میدارد: «معماری هنر ترکیب و اجزای ساختمان‌های عمومی و خصوصی است» بیان گشته که این عبارت بخوبی نگاه او به معماری را نشان می‌دهد. با این نگاه و بوسیله یک فرایند شکلی که از گذشته آغاز می‌گردد و برای حال و آینده طراحی می‌شود، لذا آنچه مهم است

بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۳۱ و ۳۲). بطورمثال؛ از منظر اقدار مختلف جامعه نظیر؛ روحانیون، کارکنان دولت، توریست‌ها، شهروندان معمولی و همینطور از دیدگاه خانواده سلطنتی و نیز نهاد حاکمیت و درواقع برداشت آنها از میدان نقش جهان که بر پایه یک دید تکاملی شکل گرفته است، پرداخته و معتقد است برداشت از میدان مطابق با فعالیت‌های مردمی، نیازهای انسانی و نهایتاً شیوه زندگی فرد در میدان بوده و نگرش آنها با یکدیگر متفاوت خواهد بود، چنانچه ریتم حرکت این اقدار به واسطه نیاز خود در مجموعه قابل تعریف می‌باشد که (شکل ۸) نیز بر این مطلب صحه می‌گذارد. همچنین از منظر نظام و طبقه‌بندی لایه‌های کالبدی نیز از نظر وی حائز اهمیت می‌باشد (معماریان، ۱۳۹۸، ۱۱۴-۱۱۶).

در (شکل ۹) علاوه بر شکل‌گیری نهاد اقدار مختلف جامعه، از نظر لایه‌های کالبدی میدان نیز می‌توان به ترتیب از چپ به راست ابتدا به لایه‌هایی از بالاترین دید، دید میانی و درنهایت دید پایانی دست‌یافت که در بالاترین لایه عناصر: گنبدها و گلدسته‌ها و کارشیوهای بام دیده می‌شود و در دید میانی، لایه‌هایی مفصل‌گونه که ارتباط دیگر لایه‌ها را با یکدیگر ایجاد می‌کنند و در نهایت در پایین‌ترین لایه که نمایانگر دسترسی‌ها است و همگی بر مبنای نظام شکلی برآمده از ابزار بصری عنوان شده می‌باشند (معماریان، ۱۳۹۸، ۱: ۱۲۱).

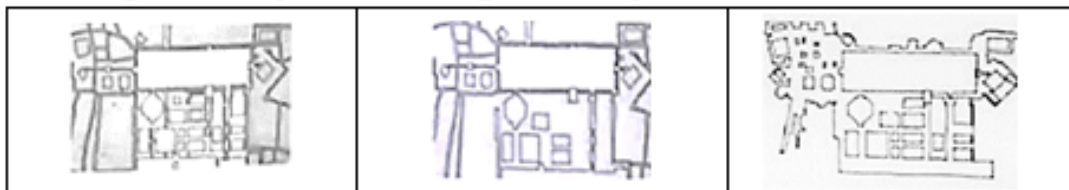
مدل مفهومی

شش حالت زاویه، قطاعی، افزودنی، ادغامی، همپوشانی و تغییرشکل و با بهره از فصل اشتراکشان تغییر می‌یابند و به دو شکل منظم یا نامنظم با مقاطع ساختمان‌های مجاور جمع می‌شوند و سپس به گونه‌های باز یا بسته تبدیل می‌شوند (Krier, 1979: 29). در ادامه می‌توان به نظریات هردگ نیز التفات ویژه‌ای نمود زیرا از نظر وی شاخصه‌های مشترک‌شکلی عناصر معماری دارای اهمیت است چرا که تاحدودی به لایه‌های مختلف میدان نقش جهان از جنبه شناخت زبان و ابزار بصری توجه داشته و به بررسی روند شکل‌شناسی در معماری ایران و ترکستان از فضاهای بزرگی چون میدانی گرفته تا یک اتاق کوچک می‌پردازد و با تحلیل نمونه‌های شاخص معماری همچون میدان نقش جهان، در جستجوی درک و فهم نگرش‌های گوناگونی در باب مراحل شکل‌گرایی و خلق‌شکل‌ها است (معماریان، ۱۳۹۸، ۱۱۳-۱۱۶). همچنین هردگ از آن دسته از محققان شکل‌گرایی است که با ابزار بصری خود معماری ایران را تحلیل و تفسیر نموده‌است، وی شهر اسلامی را متشکل از اجزای منفصل و پراکنده نمی‌داند، بلکه مانند امت اسلامی اجزای آن را در هم تنیده و متصل بهم در قالب یک کلیت (گشتالت) می‌داند. ابزارهای اصلی او؛ نقطه، خط، سطح، حجم، رنگ، بافت، نور و نقشه‌های هندسی از بناها است. از این‌رو ساختار شکلی میدان نقش جهان از نگاه کلاوس هردگ که با تغییر بافت و خطوط ترسیم حالات نشان داده شده است، قابل توجه بوده به این‌صورت که وی میدان را از دیدگاه یک فرد تا افراد گوناگون جامعه

(روحانیون)	(کارکنان دولت)	(شهروندان معمولی)	(خانواده سلطنتی)	(توریست‌ها)

شکل ۸. مفهوم میدان مطابق با شیوه زندگی اقدار مختلف جامعه (Herdeg, 1990: 19)

Figure 8. The concept of the square according to the way of life of different sections of the society



شکل ۹. ویژگی‌های ساختار شکل لایه‌های مختلف کالبدی میدان (Herdeg, 1990: 19)

Figure 9. Features of the shape structure of different physical layers of the field

الگوی هندسی، تلفیقی گسست‌ناپذیر میان ارکان ساختار شکل ایجاد نمایند که به شهود در میدان نقش جهان قابل تفهیم است. لذا از اشتراک‌گذاری الگوی هندسی در میدان با اصول برخاسته از مکتب شکل‌گرایی به تفسیر واژه «قابلیت فرمی شکل» دست یافته می‌شود که در هم‌ارزی با واژه قواعد شکل‌پذیری است که منجر به ظهور گستردگی شکل از ساده به پیچیده در دستگاهی واحد می‌شود. همانطور که از دیدگاه شکل‌گرایی چون؛ دوران این قواعد شکل‌پذیری در راستای عناصر اولیه بصری دیوار و کف معنا می‌یابد و همچنین از منظر کریر که از طریق فصل‌اشتراک اشکال پایه بصری احصا می‌گردد و در نهایت از دیدگاه هردگ که از طریق ابزار بصری یعنی نقطه تا حجم قابل تبیین می‌باشد و توسط اصول و قواعد تعریف شده در نظام شکل‌گرایی

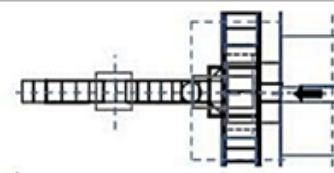

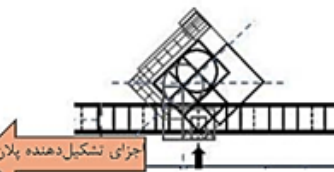

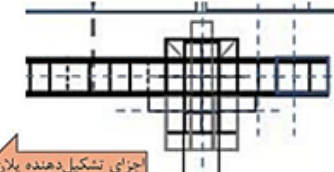



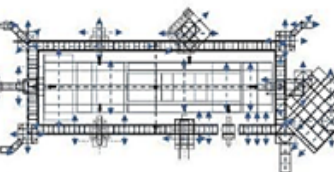
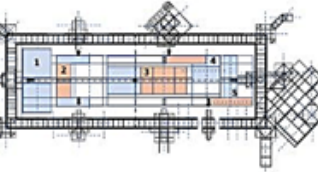
با توجه به دسته‌بندی سه‌گانه (شکل ۱۰)؛ ساختار شکل، الگوی هندسی شکل‌گیری میدان و مکتب شکل‌گرایی که از درون مبانی نظری استخراج شده است واژگانی چون؛ اشکال پایه، اجزای شکلی تا یکپارچگی فضا و از سوی دیگر نظام کالبدی^{۱۱} تا تداوم و تلفیق عناصر در میدان نقش جهان و در نهایت شکل‌شناسی تا تغییر شکل که از دید مکتب شکل‌گرایی احصا گردیده شده است. حال با اشتراک‌گذاری این مولفات می‌توان به واژه ای چون؛ «قواعد شکل‌پذیری» که خود منجر به تدوین ارتباط اشکال پایه بر مبنای قوانین تعریف شده در روابط هندسی که با تخصص در آن میتوان به شناخت الگویی دست یافت که این الگو یا به بیانی دیگر الگوها، می‌توانند منجر به میل استعداد ترکیب اشکال و تدوین ساختار شکلی حرکتی آنها شوند که به نوبه خود و با توجه به نقش



شکل ۱۰. مدل مفهومی مولفه‌های خروجی حاصل از اشتراک‌گذاری ساختار شکل و الگوی هندسی شکل‌گیری میدان نقش جهان با نظریات شکل‌گرایی
Figure 10. The conceptual model of the output components resulting from the sharing of the shape structure and the geometric pattern of the formation of the role field of the world with the theories of formalists

تشخیص لایه‌های ساختاری میدان استفاده نموده است و به‌واسطه دسته‌بندی و شناخت الگوهای عملکردی از منظر اقدار بهره‌مند از مجموعه به گسترش‌پذیری ساختار شکلی اقدار مردم دست می‌یابد که حاصل جمع نیاز آنها منجر به تولید اصلی چون گشتالت شده و به

منجر به تدوین الگوی شکلی پایه در قالب الگوی هندسی می‌گردد که شناخت الگوها، منجر به خلق صحیح ساختار شکلی مجموعه نیز خواهد شد. همچنین بر مبنای اشتراک موازینی چون؛ تلفیق هندسی و استعداد ترکیب شکل که خود در دل ابزار بصری نقطه، خط، سطح و حجم به منته‌ظهور می‌رسند، به شکلی که هر دو از آن در

عناصر میدان:	اجرای تشکیل دهنده ترکیب شکل	تیپ‌بندی انواع دیوارها	تیپ‌بندی دیوارها در ترکیب شکل
سردر قیصریه	 اجزای تشکیل دهنده پلان	<ul style="list-style-type: none"> ۱. — ۲. — ۳. — ۴. — 	 نحوه پیکره‌بندی (شکل‌گیری) سردر قیصریه با بهره‌گیری از ۴ تیپ دیواره مشخص شده
مسجد شیخ لطف‌الله	 اجزای تشکیل دهنده پلان	<ul style="list-style-type: none"> ۱. — ۲. — ۳. — ۴. — 	 نحوه پیکره‌بندی (شکل‌گیری) مسجد شیخ لطف‌الله با بهره‌گیری از ۴ تیپ دیواره مشخص شده
عمارت عالی - قابو	 اجزای تشکیل دهنده پلان	<ul style="list-style-type: none"> ۱. — ۲. — ۳. — ۴. — 	 نحوه پیکره‌بندی (شکل‌گیری) عمارت عالی قابو با بهره‌گیری از ۴ تیپ دیواره مشخص شده
مسجد امام	 اجزای تشکیل دهنده پلان	<ul style="list-style-type: none"> ۱. — ۲. — ۳. — ۴. — 	 نحوه پیکره‌بندی (شکل‌گیری) مسجد امام با بهره‌گیری از ۴ تیپ دیواره
میدان نقش جهان	 اجزای تشکیل دهنده پلان	<p>انواع تیپ‌بندی کف:</p> <ul style="list-style-type: none"> ۱. — ۲. — ۳. — ۴. — ۵. — 	 نحوه پیکره‌بندی (شکل‌گیری) میدان نقش جهان با بهره‌گیری از ۵ تیپ کف‌سازی

شکل ۱۱. ترکیب شکل میدان نقش جهان و بناهای پیرامونی آن با بهره از دیدگاه دوراند
Figure 11. The composition of Naqsh Jahan Square and its surrounding buildings is based on Durand's point of view

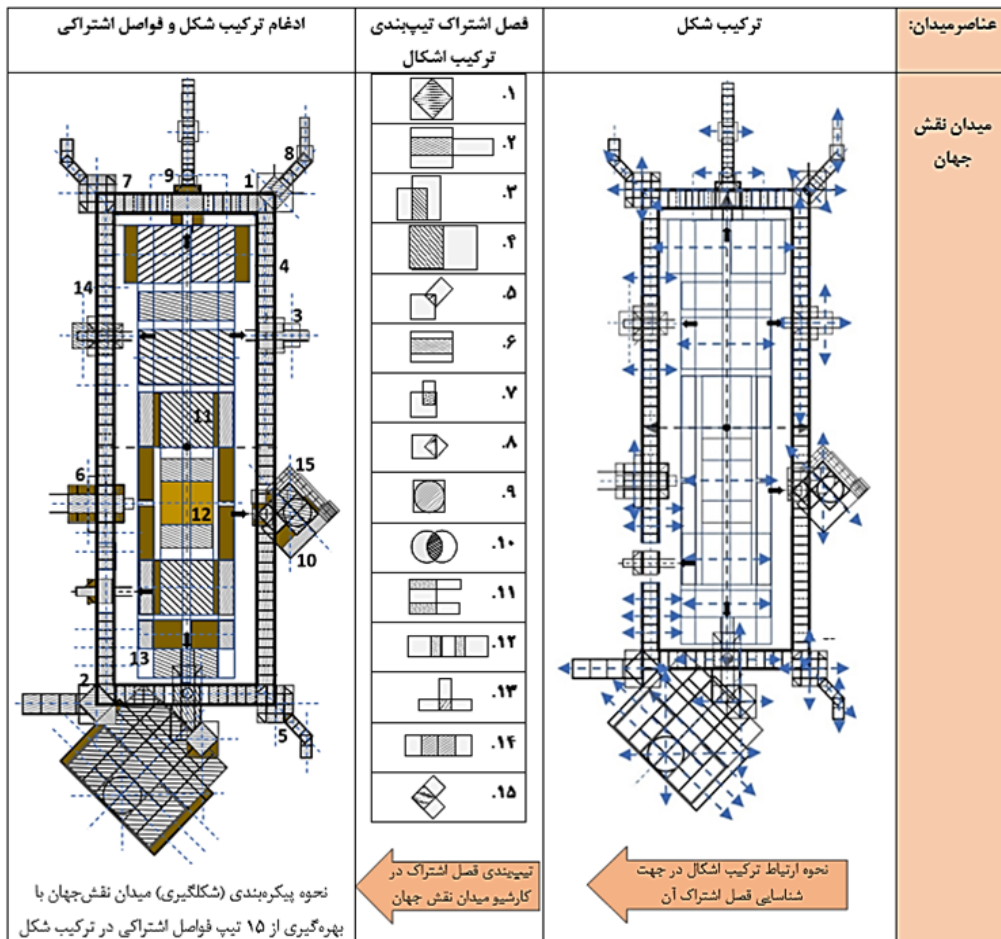
آن ترکیب بندی ساختار شکل ارسن و میدان مشخص شد. از جمله خصیصه‌های مهم در این روند توجه به میزان همپوشانی عناصر مزبور با نحوه ساختار حرکتی اشکال در مجموعه نقش جهان بوده است که به واسطه دسته‌بندی شکلی عناصر اولیه بصری تعریف شده به میزان این همپوشانی در قسمت‌هایی از مجموعه نیز دست یافته شد. لذا توجه به هم ارزی حرکت هندسی اشکال پایه با ساختار شکل مجموعه از منظر دسته بندی عناصر عنوان شده در بعضی از نواحی قابل تحلیل نمی باشد؛ بطور مثال در پیش‌خوان و ورودی به بناهایی نظیر؛ سردر قیصریه، مسجد شیخ لطف‌الله، مسجد امام، عمارت عالی قاپو و همچنین خیابان چهارباغ که با توجه به ملحوظ نمودن ضوابط هم بندی عناصر اولیه در جهت تفهیم ترکیب شکل قابل تدقیق نمی باشد. در امتداد تحلیل تصاویر پیشین، حال با بهره از دیدگاه کریر (شکل

این منظور مولفه استخراجی آن در واژه الگوسازی شکلی هندسی احصا می‌گردد.

یافته‌ها

الگوسازی شکلی هندسی که به واسطه تعریف این مولفه و حاصل جمع آن با تصاویر ذیل که برخاسته از منظر شکل‌گرایانی چون؛ دوراند، کریر و هردگ است می‌تواند به هم‌ارزی الگوی هندسی مجموعه با ساختار شکلی آن منجر شود که این سیر تکاملی در شناسایی ساختار شکلی حرکتی افشار متصل به آن حادث می‌گردد.

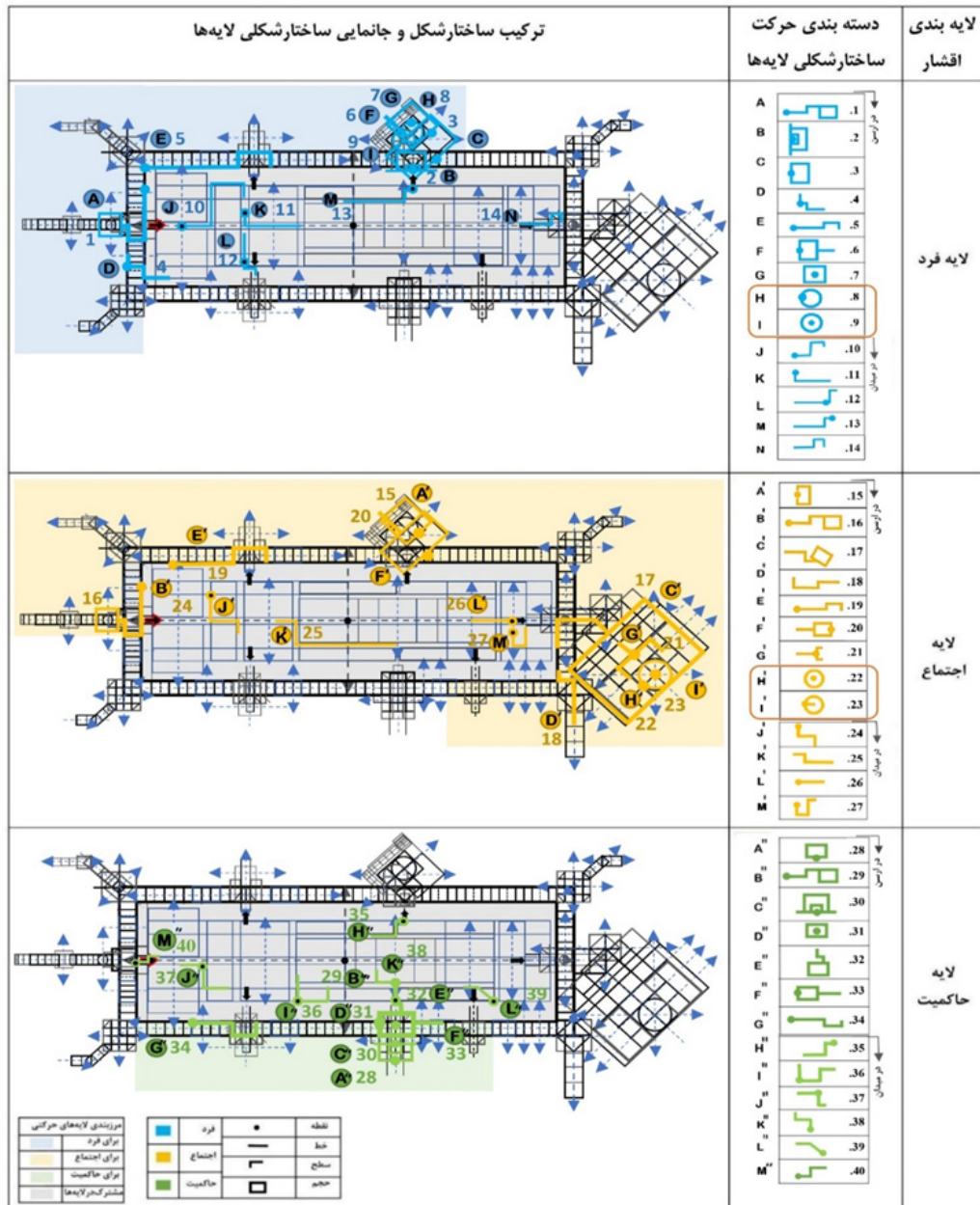
با بهره از تفکر دوراند (شکل ۱۱) و نحوه چیدمان عناصر اولیه بصری دیوار و کف که در هم‌ارزی با حرکت هندسی ترکیب اشکال پایه و در هم پوشانی با ساختار شکل مجموعه قرار گرفت و به واسطه



شکل ۱۲. ترکیب شکل میدان نقش جهان و بناهای پیرامونی آن با بهره از دیدگاه کریر
Figure 12. Combining the shape of Naqsh Jahan Square and its surrounding buildings with the benefit of Carrier's point of view

نمی‌توان به تطابق صد درصدی ترکیب و همپوشانی فصول اشتراکی با الگوی شکلی هندسی مجموعه دست یافت اما تدوین و نوع قرارگیری ترکیبات حاصله مسیری تعریف شده در جهت شناسایی دقیق نواحی نا متجانس ایجاد نمود تا در این سیر تکاملی از منظر هر دگ (شکل ۱۳) و با بهره از ابزار بصری چون؛ نقطه، خط، سطح و حجم که از حاصل جمع این ابزار و در امتداد تفکر مولف و دسته‌بندی ساختار

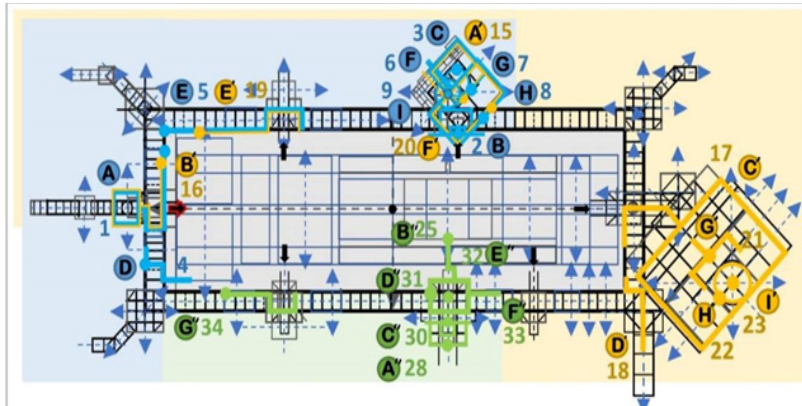
(۱۲) در چارچوب نحوه ترکیب‌بندی اشکال و دستیابی به فصل اشتراک میان ترکیبات حاصله بر مبنای روش‌های؛ ادغام، توازن، تعادل، زاویه‌ای و چرخشی می‌توان به این موضوع دست یافت که در بسیاری از نقاط از منظر ترکیب شکل همپوشانی فصول اشتراکی با کلیت الگوی هندسی در میدان هم‌راستا بوده ولی به دلیل عدم همخوانی در بعضی از نقاط به واسطه تنوع حرکت هندسی اشکال پایه بصری



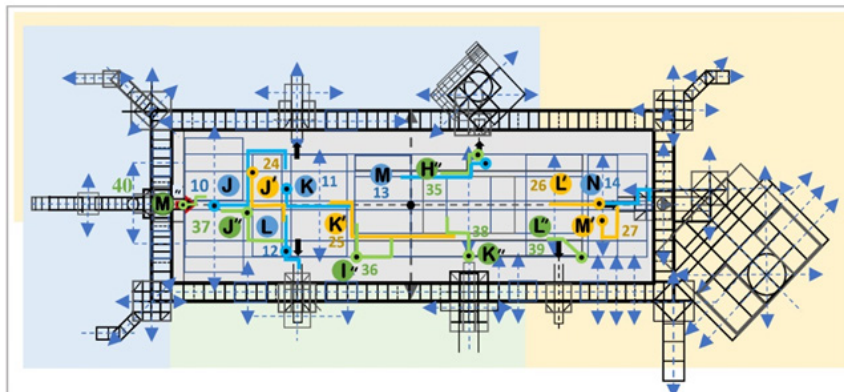
شکل ۱۳. ترکیب ساختار شکل مجموعه نقش جهان و تدوین و جانمایی ساختار شکلی حرکتی قشامردم بر مبنای ابزار بصری برآمده از دیدگاه هر دگ
Figure 13. The combination of the structure and form of the role of the world and the compilation and placement of the form-movement structure of the people's strata based on the visual tool emerging from Herdag's point of view.

شناسایی بوده که در بخش‌های ارسن (فضای پیرامون میدان)، میدان و حاصل جمع آنها یعنی مجموعه نقش جهان نمود می‌یابد که در تصاویر ذیل میزان این همپوشانی در جهت الگوسازی ساختار شکلی هندسی مجموعه نیز مشهود می‌باشد: (شکل ۱۴) (شکل ۱۵) (شکل ۱۶).

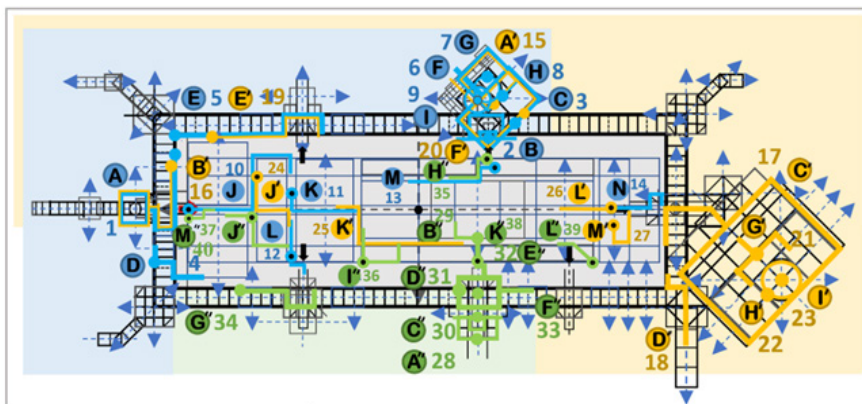
شکلی حرکتی افشار(فرد،اجتماع و حاکمیت) و کدگذاری این ساختار به میزان همپوشانی آن با ساختار شکلی مجموعه نقش جهان دست یافت که در جدول ذیل قابل ارجاع می‌باشد. این کدگذاری به‌واسطه همپوشانی ساختار شکلی حرکتی لایه‌ها قابل



شکل ۱۴. همپوشانی ساختار شکلی حرکتی افشار از فرد تا حاکمیت در ارسن میدان نقش جهان
Figure 14. Overlapping the shapemovement structure of the layers from the individual to the government
In Arsen Meydan Naqsh-e Jahan



شکل ۱۵. همپوشانی ساختار شکلی حرکتی افشار از فرد تا حاکمیت در میدان نقش جهان
Figure 15. Overlapping of the shapemovement structure of the layers from the individual to the sovereignty in the field of the role of the world



شکل ۱۶. همپوشانی ساختار شکلی حرکتی افشار از فرد تا حاکمیت در مجموعه نقش جهان
Figure 16. Overlapping of the shapemovement structure of the layers from the individual to the sovereignty
in the role of the world

تخلیل یافته‌ها

شناسایی فصل اشتراک میان آنها در جهت هم‌ارزی با ساختار شکل و رفع این حد انفصال از منظر نواحی نامتجانس در مجموعه گام برداشت. به قسمیکه به واسطه ابزار بصری هر دوگ و دسته‌بندی نمودن ساختار شکلی حرکتی اقشار از منظر عملکرد لایه‌ای متصل به آن به شناسایی ساختار الگوی شکلی هندسی مجموعه دست یافت. لذا از حاصل جمع لایه‌بندی شکلی حرکتی اقشار بر مبنای نیاز خود توانست به ساختار شکلی کلیت مجموعه از منظر گسترش‌پذیری لایه‌ای نیز پاسخ دهد که خود منجر به تدوین لایه‌های ترکیبی نوین از منظر نوع نیاز اقشار در مجموعه شده است (جدول ۲).

باتوجه به ارکان تشکیل‌دهنده ارسن نقش جهان به انضمام میدان که کلیت مجموعه را تبیین می‌نماید، مولف به واسطه درک الگوی هندسی و تدوین نوع ترکیب اشکال به شناسایی ساختار شکلی هندسی مجموعه دست‌یافت. از این رو از طریق ابزار شناسایی بصری برآمده از دیدگاه شکل‌گرایان توانست از طریق دسته‌بندی و جانمایی عناصر اولیه بصری دوراند (کف و دیوار) با حرکت هندسی اشکال پایه به حد انفصال این همپوشانی با نظام ساختار شکل مجموعه دست یابد. سپس با بهره از دیدگاه کریر و دسته‌بندی ترکیب اشکال پایه بصری در مجموعه و

جدول ۲. الگوی شکلی هندسی مجموعه نقش جهان و نقش عملکردی ساختار شکلی حرکتی اقشار اعم از؛ فرد تا حاکمیت
Table 2. The shapegeometric pattern of the world's role and the functional role of the shapemovement structure of the layers, including; Individual to sovereignty

ترکیب شکل مسجد شایخ لطف‌الله	ترکیب شکل عالی قاپو	ترکیب شکل مسجد امام	ترکیب شکل سردر قیصریه
نحوه شکل‌گیری فرم برخواسته از ترکیب شکل ارکان ارسن نقش جهان با بهره از ساختار شکلی - حرکتی اقشار			
نحوه شکل‌گیری فرم برخواسته از ترکیب شکل میدان نقش جهان با بهره از ساختار شکلی - حرکتی اقشار			
نمونه الگوی هندسی مجموعه نقش جهان از منظر ساختار شکلی - حرکتی اقشار			
<div style="display: flex; justify-content: space-around;"> <div style="text-align: center;"> <p>(1) AB'</p> <p>تناسب طلایی + مستطیل طلایی + سنجه عددی</p> </div> <div style="text-align: center;"> <p>(2) MH''</p> <p>تناسب طلایی + نسبت زرین + مستطیل طلایی</p> </div> </div>			

نتیجه‌گیری

بصری و حاصل جمع آن با تلفیق‌سازی عملکردی او به شکلی همزمان و در جهت پیشبرد همزمان فرم و عملکرد توجیه و اثبات نماید. این مهم در ادوار آتی و به منظور بافت‌گردانی نوین شکلی مجموعه نقش جهان و طراحی فضاهای معماری و میادین نوین شهری می‌تواند ایفای نقش نموده تا روند همزمانی فرم و عملکرد را به شکل مکمل و در عرصه‌های زمانی مختلف ممکن سازد و حاصل این روند پاسخی است به پرسش مطرح شده جستار که به واسطه الگوسازی و تدوین کدگذاری لایه‌های شکلی حرکتی اقشار به آن دست یافته شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ژان شاردن، سیاح فرانسوی ۵۰ سال بعد از دلاوله در زمان شاه عباس دوم از اصفهان دیدن کرد (کاتب، ۱۳۹۶: ۱۱۹).
۲. سیاح فرانسوی که در سال ۱۸۴۰ میلادی اصفهان را دیده است (هنرفر، ۱۳۹۰: ۴). (Flandin)
۳. معمار و مرمت‌گر ایتالیایی (Eugenio Galdieri)
۴. پیتر دلاواله با دیدن میدان نقش‌جهان و بناهای اطراف، آن را با مشهورترین میدان شهر رم «ناوونا» مقایسه می‌کند و آنرا برتر می‌یابد (قبادیان، ۱۳۹۸: ۳۵). (Pietro Della Valle)
۵. در تحلیل هندسی فضا می‌توان به انواع سازماندهی‌های فضایی دست یافت و به کمک آن الگوهای روابط فضایی و عرصه‌های مختلف بنا را یافت و از این طریق چهره‌ای از معماری را رونمایی کرد (شاهزمانی سیجانی، ۱۳۹۶: ۱۳۹).
۶. اشکال پایه (معماریان، ۱۳۹۸: ۷۷). (Basic forms)
۷. از معماران اواخر قرن هجدهم (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۵). (Durand)
۸. از معماران معاصر (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۵). (Rob Krier)
۹. در سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۶ در کتاب ساختار شکل در معماری اسلامی ایران و ترکستان معماری ایران مرکزی و ترکستان را مورد تحلیل و بررسی قرار داد (طباطبایی، ۳۹۳: ۲۵). (Klaus Herdeg)
۱۰. نگرش شکلی در تعریف عمومی آن در معماری «کمیتی دو بعدی و سه بعدی»، هم به عنوان ابزار و هم به عنوان نگرش به کل معماری مطرح شده است. آنچه در اینجا مورد نظر است آن وجه از شکل‌گرایی است که معماری را برابر ترکیب اشکال و یا روندی شکلی می‌بیند (معماریان، ۱۳۹۸: ۶۵).
۱۱. مشخصات کالبدی شامل؛ عناصر کالبدی، موقعیت شهری، ساختار و بافت شهری، دسترسی‌ها و... (اهری، ۱۳۸۵: ۷۱).

نقش نویسندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول تحت عنوان: «شناسایی و تبیین هندسه و عملکرد معماری دوره صفویه در میدان نقش جهان اصفهان و

الگوی شکلی هندسی مولفه‌ای است که چهارچوب شکل‌گیری مجموعه نقش جهان را در قالب روابط هندسی معنا می‌بخشد. به شکلی که در الویت روند این جستار با بهره از ترکیب ساختار شکلی مجموعه نقش جهان که حاصل جمع میدان و فضای پیرامونی آن می‌باشد، سعی در تدوین لایه‌شناسی ساختار شکلی مجموعه شد. به نحویکه با تحلیل نظریات شکل‌گرایان و ابزار شناسایی بصری برآمده از آن مولف توانست با بهره از عناصر سازنده اولیه بصری تا فصل اشتراک ترکیب اشکال پایه بصری و ابزار متصل به آن پی به نقاط عطف حرکت هندسی اشکال پایه در جهت شناسایی ساختار شکلی مجموعه ببرد. به قسمیکه به واسطه تحلیل عناصر اولیه برآمده از نظر دوران پی به میزان همپوشانی ترکیب شکلی آنها با ساختار شکلی هندسی مجموعه برده و پس از آن با بهره از شناسایی ترکیب اشکال پایه بصری از منظر فکری کریر به میزان فصل اشتراک میان آنها دست یافت که حاصل جمع همپوشانی ساختار حرکتی اشکال با الگوی هندسی مولف را در شناسایی ساختار شکلی مجموعه رهنمون ساخت. در نهایت نیز به واسطه ابزار بصری شکل‌گرایی چون هردگ به تدوین و دسته‌بندی نمودن آن در قالب ساختار شکلی حرکتی اقشار (فرد، اجتماع و حاکمیت) بهره‌مند از مجموعه پرداخت و توانست به واسطه آن به همپوشانی ساختار شکلی حرکتی با ساختار شکلی مجموعه به شکل تدقیق یافته‌ای دست یابد. به نحویکه در این مسیر از منظر لایه‌شناسی برای هر دسته از اقشار همچون حرکت لایه‌ای فرد که به واسطه نیاز او و گذر از سردر قیصریه و راسته بازار تا مسجد شیخ لطف‌الله و پیشخوان ورود به مسجد امام و در لایه اجتماع نیز حرکت در راسته بازار و مسجد شیخ لطف‌الله و تمامیت مسجد امام و همچنین لایه حاکمیت که به واسطه بهره از عمارت سلطنتی عالی قاپو و حضور خود در راسته بازار از طریق میدان به حوزه‌بندی و هم‌ارزی ساختار شکلی حرکتی با الگوی شکلی هندسی مجموعه معنا بخشید. این الگو از طریق درک گسترش‌پذیری نیاز اقشار از منظر غیر قابل پیش‌بینی بودن روابط شکلی حرکتی متصل به آن و به واسطه درک عملکرد لایه‌ای اقشار در ادوار مختلف زمانی از طریق تدوین ساختار نوین شکلی حرکتی نیز احصا می‌گردد. چنانچه بهره از ترکیب‌های دوگانه و سه‌گانه شکلی و کدگذاری آنها منجر به پیشبرد ساختار شکلی هندسی مجموعه می‌شود، به نحویکه ترکیب حرکتی اقشار و گسترش‌پذیری به واسطه لایه‌شناسی، همانطور که در جدول ۲ نیز آورده شده منوط به شکل‌گیری فرم مجموعه نیز می‌شود. لازم به ذکر است ترکیبات شکلی حرکتی در راستای الگوی هندسی می‌تواند درک ارتباط ساختار شکلی حرکتی فرد را به واسطه ترکیب‌سازی ابزار

۱۰ دی. کی. چینگ، فرانسیس. (۱۳۹۱). معماری: فرم، فضا و نظم. علیرضا تخابانی و صدیقه قوی‌دل، تهران: کتاب وارش.

۱۱ سعیدی، علی‌اصغر. (۱۳۹۱). سفرنامه و خاطرات اوژن اوبن سفیر فرانسه در ایران در آستانه جنبش مشروطیت. تهران: علم.

۱۲ سیدیان، سیدعلی؛ علی‌نیا، سعید؛ و حیدرناج، وحید. (۱۳۹۶). گونه‌شناسی بافت نمای شهری (با رویکرد شکلی) (نمونه موردی: میدان امام خمینی). *باغ نظر*، ۱۴ (۵۳)، ۱۵-۳۲.

۱۳ سیلویا، سونیا؛ دانشجو، خسرو؛ و فرمیهن فراهانی، سعید. (۱۳۹۱). هندسه در معماری ایرانی پیش از اسلام و تجلی آن در معماری معاصر ایران. *نقش جهان*، ۳ (۱)، ۵۵-۶۶.

۱۴ شاهزمانی سیچانی، لادن؛ و قاسمی‌سیچانی، مریم. (۱۳۹۶). تحلیل هندسه پلان مسکن‌های آغاز سده معاصر در اصفهان بر پایه سازمان‌دهی فضایی. *مدیریت شهری*، (۴۹)، ۱۳۳-۱۴۹.

۱۵ شهبازی‌نژاد، علی. (۱۳۹۸). سیر شکل‌گیری میدان نقش جهان اصفهان. *مطالعات معماری ایران*، (۱۵)، ۱۱۳-۱۳۱.

۱۶ طباطبایی، ملک. (۱۳۹۳). *مبانی نظری معماری*. تهران: انتشارات فاطمی.

۱۷ قبادیان، وحید؛ احمدی، حسن؛ و علیمزادی، علی. (۱۳۹۸). تحلیل آموزه‌های شهرسازی در شکل‌گیری کالبد شهر (مطالعه موردی: دوره صفویه، شهر اصفهان). *برنامه‌ریزی شهرسازی*، ۳ (۱)، ۳۳-۵۵.

۱۸ قربانی، ابوالفضل؛ و دانشپور، سید عبدالهادی. (۱۳۹۸). تحلیل بصری سازه‌های تاقی در منظر میدان‌های تاریخی ایران با تاکید بر میدان‌های دوران صفوی و قاجاری. *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۷ (۲۵)، ۲۱-۴۷.

۱۹ مک‌چسپنی، رابرت دی. (۱۳۸۵). چهار منبع درباره ساخته‌های شاه عباس در اصفهان. *مهرداد قیومی بیدهندی، گلستان هنر*، (۶)، ۴۶-۷۵.

۲۰ کاتب، فاطمه. (۱۳۹۶). تصویرشناسی میدان نقش جهان اصفهان از منظر سفرنامه‌های دوره صفوی. *مبانی نظری هنرهای تجسمی*، (۴)، ۱۱۱-۱۲۱.

۲۱ کرپر، راب. (۱۳۹۶). *شکل‌شناسی فضاهای شهری*. (خسرو هاشمی نژاد، مترجم)، اصفهان: خاک.

۲۲ معاریان، غلامحسین. (۱۳۹۸). *سیری در مبانی نظری معماری*. تهران: سروش دانش.

۲۳ نقره کار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). *مبانی نظری معماری*. تهران: پیام نور.

۲۴ نورصادقی، حسین. (۱۳۵۳). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. تهران: اشراقی.

۲۵ هردگ، کلاوس. (۱۳۷۶). *ساختار شکل در معماری اسلامی ایران و ترکستان*. (محمدتقی مطلق‌زاده، مترجم)، تهران: بوم.

۲۶ هنرفر، لطف‌الله. (۱۳۹۰). *اصفهان*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

بناهای پیرامونی آن» می‌باشد که با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین در سال ۱۴۰۲ به اتمام رسیده است.

تقدیر و تشکر

پژوهش حامی مالی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچگونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

فهرست مراجع

۱ آقابزرگ، نرگس؛ و متدین، حشمت‌الله. (۱۳۹۴). *خاستگاه نظری میدان نقش جهان*. مرکز پژوهش‌های هنر معماری نظر، ۱۲ (۳۳)، ۲۳-۴۰.

۲ اهری، زهرا. (۱۳۸۵). *مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان طراحی شالوده شهری*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳ بختیاری نصرآبادی، آمنه؛ پورجعفر، محمدرضا؛ و تقوایی، علی‌اکبر. (۱۳۹۴). تحلیلی بر نقش زیباشناسانه هندسه در شکل‌گیری فضای شهری چهار باغ عباسی. *مطالعات شهری*، (۱۷)، ۴۱-۵۴.

۴ بمانیان، محمدرضا؛ جلوانی، متین؛ و ارجمندی، سمیرا. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط میان پیکره‌بندی فضایی و حکمت در معماری اسلامی مساجد مکتب اصفهان (نمونه موردی: مسجد آقانور، مسجد امام اصفهان و مسجد شیخ لطف‌الله). *مطالعات معماری ایران*، (۹)، ۱۴۱-۱۵۷.

۵ پیرداوری، محمد. (۱۳۹۴). *کاربرد الگوهای حجمی در آفرینش فرم معماری*. تهران: فکر نو.

۶ تبریزی، امید؛ مختاباد امری، سید مصطفی؛ و فیضی، محسن. (۱۳۹۳). اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی. *مدیریت شهری*، ۱۳ (۳۷)، ۲۵۷-۲۷۱.

۷ حسنی، کیانوش؛ نوروز برازجانی، ویدا؛ و نصیرسلامی، محمدرضا. (۱۳۹۵). بازخوانی فرم حیاط و فضاهای وابسته آن با استفاده از دستور زبان شکل در معماری در یک‌صد خانه دوره قاجار شهر کاشان. *باغ نظر*، ۱۳ (۱۴)، ۶۵-۷۶.

۸ خوششروی، مهرا؛ و عسکری زاد، رضا. (۱۳۹۸). تحلیل هندسی پلان مسجد جامع اصفهان با تاکید بر سیر تحول کالبدی آن در دوره‌های مختلف. *شبک*، ۵ (۴)، ۵۳-۶۰.

۹ دهار، علی؛ و علیپور، رضا. (۱۳۹۲). تحلیل هندسی معماری مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان جهت تعیین ارتباط هندسی نمازخانه با جلوخان ورودی بنا. *باغ نظر*، ۱۰ (۲۶)، ۳۳-۴۰.

27_ Efroymson, D. (2009). *Thi Kieu Thanh Ha, Tran. Thu Ha, Pham. Public Spaces: How They Humanize Cities*. Dhaka: HealthBridge WBB Trust.

28_ Galdieri, E. (1970). *Two building phases of the of Shah Abbas 1 in the Maydani Shah of Isfahan*, Preliminary Note, in: East and West, N.S.

29_ Herdeg, K. (1990). *Three Gardens Formal structured in Islamic Architecture of Iran and Turkistan*. Preface by Oleg Grabar, Rizzoli International publications, INC United States

of America.

30_ Hillier, B. & J. Hanson. (1984). *The Social Logic of Space*. Cambridge: Cambridge University Press.

31_ Krier, R. (1979). *Urban Space: Exploring the semantics Brief overview on various modeles, theories, interpretations and experiential exponents*. Published in London: Rizzoli.

32_ Moulay Amine, N. (2017). Ujang, Said Ismail. Legibility of neighborhood parks as a predicator for enhanced social interaction towards social sustainability. *Cities*, Vol. 61, 58–64,

تبیین تاثیر الگوی کالبدی بافت‌های مسکونی بر تعاملات همسایگی در محلات (مطالعه موردی: شهرک مسکونی نفت، نیوسایت، زیتون کارمندی و کیانپارس در شهر اهواز)

دکتر حامد حیاتی*، مهندس ندا ارزانی بیرگانی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴

چکیده

همسایگی و تعامل همسایه‌ها در محله از دیرین یکی از بنیادی‌ترین پندارهای بستر در معماری و شهرسازی بوده است. پرسمانی که ساختار بنیادی این پژوهش را برپا داده است کاستی تعاملات همسایگی و تغییر سبک زندگی و الگوی رفتاری ساکنین در شهرها شده است. هدف از نگارش این پژوهش جستن رابطه بین کالبد یا فرم محله و میزان تعاملات چهره به چهره در محله است. پژوهش موجود از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت و گردآوری داده‌ها توصیفی تحلیلی و از نوع کمی کیفی است که از روش تحقیق همبستگی استفاده شده است. جمع آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) صورت گرفته است. دستاوردهای کاوش موجود روشنگر آن است که یافته‌های حاصل از پرسشنامه در محلات ویلایی و آپارتمانی تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین در محله‌های ویلایی رابطه چهره به چهره افزایش می‌یابد و برعکس در مناطق آپارتمانی رابطه چهره به چهره کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی

محلات، بافت‌های مسکونی، روابط همسایگی، کلان‌شهر اهواز.

Email: hamed.hayaty@yahoo.com

*استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه قم، قم، ایران. (مسئول مکاتبات)

ORCID: 0000000262490549

Email: neda.arzani.birgani72@gmail.com

**دانشجو دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه اهواز، اهواز، ایران.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های برجسته شهرها در کشورهای در حال پیشرفت این است که میزان شهرنشینی به سرعت و تمایل مردم به زندگی در شهرها به طور فزونی در حال گسترش است (رازقی و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۰) که گسترش شهرنشینی، افزایش تراکم جمعیتی شهرها و تنش‌های ایجاد شده ناشی از آن‌ها، باعث شده است تا فضاهای شهری و شهروندان با مشکلات بسیاری دست به گریبان باشند (بهزاد زاده حقیقی و فنائی، ۱۳۹۹، ۵۲). به روال همدادی که خانه‌گزیدن در شهرها باعث دگرگونی فراوانی در روابط اجتماعی و زندگی یومیه افراد شده است. این دگرگونی‌های بسط در قلمرو شهری باعث دگرگونی در سبک زندگی و الگوی رفتاری ساکنین مناطق شهرنشین و بویژه شبکه روابط اجتماعی و همسایگی شده است (رازقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۱). واحد همسایگی به عنوان عنصری که ما بین فضای عمومی و فضای خصوصی خانه ارتباط برقرار کرده و خود مکانی نیمه عمومی محسوب می‌شود، یاد کرد. هر انسانی برای زندگی یکسری نیازهایی دارد که به منظور پاسخگویی به آن‌ها فضایی در جامعه وجود دارد، واحد همسایگی نیز به عنوان مکانی برای پاسخ به نیازهای افراد ایجاد شده است. واحد همسایگی صرفاً با گشودگی جلوی درب خانه‌ها ایجاد نمی‌شود بلکه علاوه بر گشودگی باید بستر روابط اجتماعی برای افراد مهیا شود. چرا که این روابط می‌توانند معنی بخش فضای همسایگی باشند و روح و روان شهر را شکل دهند (کریمی، ۱۳۹۳، ۲). روابط همسایگی را می‌توان زیر مجموعه‌ای از روابط اجتماعی که میان دو یا چند خانواده کنار هم ایجاد می‌شود تعریف کرد (عباسی هرفته و همکاران، ۱۳۹۸، ۶) و این روابط بخشی از کیفیت زندگی است که در شرایط پیشامدرن پاسخگوی بسیاری از نیازها بوده است. اکنون نیز اغلب در شهرها و محله‌هایی که روابط همسایگی عمیق و گسترده‌ای دارند، چنین احساسی وجود دارد. اینکه در کنار چه کسانی زندگی کنیم، از نظر اجتماعی و فرهنگی مهم است زیرا بر کیفیت زندگی ما تاثیر می‌گذارد (گلابی و زارع زاده، ۱۳۹۲، ۲۰). می‌توان گفت نهاد همسایگی، پس از نهاد خانواده دومین نهادی است که افراد به واسطه آن، روابط اجتماعی خود را گسترش می‌دهند. برقراری روابط همسایگان با یکدیگر، درون ظرف اجتماعی محله، صورت می‌گیرد و دارای آثار مثبت فراوانی است، وقتی افراد با هم رابطه چهره به چهره داشته باشند، هم دیگر را بهتر خواهند شناخت و هم از زندگی در محله و تعامل با دیگران احساس رضایت خواهند داشت (رستگار و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۷۸). مفهوم محله را می‌توان در تعاریف گوناگونی نشان داد، همانند یک واحد از جغرافیای شهری و یا گروهی از مردم که در یک محیط مشخص و آشنا زندگی می‌کنند (ذوالفقار زاده و

همکاران، ۱۳۹۸، ۳۶). محله جایگاه بسیار مهمی در شهرهای اسلامی داشته و واحدهای منسجم اجتماعی درون مرزهای مشخص شکل گرفته است. زندگی ساکنین در محله و روابط اجتماعی منبعث از آن در گذشته بر مبنای فرهنگ ایرانی اسلامی بوده است (سالاری پور و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۶). تعالیم اسلامی، قرآن و حدیث‌ها ارج بسیاری برای روابط همسایگی دارا شده و بر نکویی و حرمت بر همسایه پیوسته سفارش شده و از مسلمان‌ها خواسته که در روابط با همسایگان خود با سهش رفتار کنند (رازقی و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۱). این نهاد در مورد اندیشمندان غربی نیز صادق است و آن‌ها هم به اهمیت واحد های همسایگی و محیط فیزیکی محله پی برده‌اند به طوری که بسیاری از اندیشمندان و معماران مطرح غربی نظریاتی در باب واحد همسایگی و ویژگی‌های کالبدی محلات مطلوب ارائه کرده‌اند (رئیس و خلیفه شوستری، ۱۴۰۱، ۱۱۸). از معروف‌ترین اندیشمندان در این زمینه کلرنس پری بود که نظریه واحدهای همسایگی را مطرح نمود. او محلات سنتی را یکی از پایه‌های برنامه‌ریزی شهرهای جدید، محدوده‌های شهری و گسترش مجدد معرفی کرد (میرکتولی، ۱۳۹۴، ۲). خانه ایرانی مهم‌ترین عنصر شکل‌گیری شهر است. شهر ایرانی با تمام زیبایی و شکوه، عظمت و وقار خود را مدیون هویت خانه‌ها و نحوه چینش و رابطه آن‌ها در کنار یکدیگر در سازمان کالبدی محلات می‌باشد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۴، ۳۴۴). در چند دهه اخیر، پژوهش‌های متعددی نقصان روابط همسایگی در محیط‌های مسکونی معاصر را گزارش کرده‌اند (سرعلی و پوردیهیمی، ۱۳۹۵، ۱۱) که امروزه در محلات جدید ایران فضاهای عمومی مشترک تقریباً از بین رفته و فقدان حس مکان و همچنین کاهش تعاملات اجتماعی از آثار آن است (farkisch, 2020, 111). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی در محله‌ها و واحدهای همسایگی، بر ایجاد هویت مکان تاثیرگذار است (Bernardo et al., 2016, 249). از نگر بسیاری از کارشناسان، روابط و همکنش‌های اجتماعی می‌توان جزء عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت مکانی در محله‌های مسکونی باشد (ابراهیمی و مظفر، ۱۴۰۱، ۱۱). یکی از عامل‌های گرانمایه در گسترش مستدام محلات نیز مربوط به بعد فرهنگی اجتماعی و تعاملات بین ساکنین یک محله است. پاره‌ای از تحقیقات در زمینه تعاملات میان همسایگان در فضاهای اجتماعی که به همین غرض طراحی شده‌اند نشان می‌دهد شهروندانی که در این قسم فضاها در تعاملات اجتماعی شرکت می‌کنند تنها بخشی از جمعیت ساکن در محله می‌باشند و بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی در مکان‌های دیگر انجام می‌شود. از نمونه این مکان‌ها می‌توان به بالکن‌ها یا تراس‌ها دیده‌ور به معابر، پله‌های ورودی ساختمان‌ها و... نمارش کرد. برای اینکه این فضاها ساکنان را

خصوص ارتباط تعاملات همسایگی با ساختار کالبدی محله و مقایسه تطبیقی این گونه تعاملات در دو نوع ساختار کالبدی محلات ویلایی و آپارتمانی در شرایط فرهنگی شهر اهواز انجام نشده است و این پژوهش درصدد پرداختن به همین خلاء می‌باشد.

پیشینه پژوهش

و را از عرضه مبادی همسایگی به وسیله پری در دهه ۱۹۲۰، بازجست‌های فراوانی در این مرسوم فرجام گرفت و پژوهشگران فراوانی به بسط و تفسیر وجوه این نگره پرداختند و با گذر زمان تجارب خود را به آن افزودند که در ذیل به به گزیده‌ای از این مطالعات اشاره می‌شود. (جدول ۱)

در حالی که با عابرن و یا دیگر افراد محله ارتباط برقرار می‌کنند از محدوده بر پا شده برای خویش لذت ببرند و احساس آسایش و امنیت شخصی داشته باشند (ferguson & ferguson, 2016, 196). افت کیفی روابط همسایگی در محلات شهرهای معاصر ایران به عنوان مساله اصلی این پژوهش است، بر همین اساس، به این سوال اصلی در این پژوهش پرداخته می‌شود که بین ساختار کالبدی بافت‌های مسکونی و روابط همسایگی چه ارتباطی وجود دارد؟ با توجه به ادبیات موضوع در رابطه با روابط همسایگی، چنین به نظر می‌رسد که ساختار کالبدی محله، ارتباط معناداری با روابط میان همسایگان در آن محله دارد و این پژوهش در دوره معاصر در شهر اهواز، درصدد پرداختن به همین فرضیه است. بنا بر توضیحات یاد شده، تاکنون پژوهشی در

جدول ۱. پیشینه پژوهش
Table 1. Research background

نویسندگان	عنوان	اهداف و دستاوردها
باقری و همکاران (۱۴۰۱)	تعامل اجتماعی همسایگی، مسئله‌ای شهری	مشکلات مانند عدم تعاملات همسایگان، محدودیت روابط، ضعف تعاملات گرم و سرد، شناخت محدود همسایگان، و کمبود اعتماد میان همسایگان در جامعه ایران شناسایی شده است.
رئیس‌پور، شوشتری (۱۴۰۱)	تحلیل رابطه ساختار کالبدی بافت‌های مسکونی و تعاملات همسایگی	بین ساختار کالبدی بافت‌های مسکونی در شهر قم و تعاملات اجتماعی، به ویژه تعاملات چهره به چهره با همسایگان، ارتباط منطقی و معناداری وجود دارد.
سرعلی، پوردیهیمی (۱۴۰۰)	یک مدل نظری برای مطالعه روابط همسایگی در محیط‌های مسکونی	عوامل فردی و اجتماعی اقتصادی مانند ویژگی‌های شخصیتی، وضعیت تأهل، جنسیت، مدت زمان سکونت، مالکیت و قومیت نژاد، اولویت اصلی در تشکیل روابط همسایگی دارند. همچنین، ویژگی‌های فیزیکی محیط مسکونی نیز ممکن است تأثیرگذار بر شکل‌گیری و دوام روابط اجتماعی همسایگان باشد.
مظفر، ابراهیمی مجرد،	رابطه پیوندهای اجتماعی و معنایی با احساس هویت مکانی در محله‌های مسکونی (مورد مطالعاتی: محله سپه قزوین)	انطباق اجتماعی فرهنگی، به عنوان یکی از پیوندهای اجتماعی و معنایی، تأثیر بیشتری بر بعد تناسب محیطی در شکل‌گیری هویت مکانی ساکنان محله دارد.
حیدری (۱۴۰۰)	تحلیل میزان نمودپذیری معانی مختلف خانه در الگوهای آپارتمانی و مستقل حیاطدار، نمونه موردی: شهرشیراز	معانی همچون آزادی، تعلق، ریشه‌داری، تفاوت، داوم، هویت‌مندی، و امنیت در میان ساکنان خانه‌های مستقل حیاطدار بیشتری نمود داشته‌اند.
عباسی هرفته، صادقان (۱۳۹۸)	الگوهای کالبدی همسایگی در بافت تاریخی یزد، شاخصه‌ها، ابزارهای معمارانه و اصول معماری همسایگی	با استفاده از ابزارهای معماری، مانند دگرگونی مصالح کف، مسقف کردن، جداره‌ها، تغییر تناسبات و...، سه الگوی اساسی همسایگی در فضای نیمه عمومی بافت تاریخی یزد شکل گرفته است: الگوی ورودی، در بند محور و ساباط محور. این الگوها با رعایت مجاورت مکانی و کیفیت بخشی فضایی تأثیرگذار بر روابط همسایگی بوده‌اند.
قره‌خانی و همکاران (۱۳۹۷)	بررسی نقش فضاهای تعاملات اجتماعی بر کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی	طراحی مجتمع‌های مسکونی بر اساس اصول اجتماعی و فرهنگی، به خصوص اصول همسایگی و اجتماع‌پذیری، می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی ساکنین ایفا کند.
رویان، کهزادی سیف آباد (۱۳۹۷)	بازشناسی مفهوم همسایگی در بافت‌های مسکونی	همسایگی به عنوان یک مفهوم اجتماعی و فرهنگی، با تأکید بر کالبد و کیفیت فضای پهنه‌ای، می‌تواند برای ایجاد یک فضای شهری دینامیک و پویا با ارتقاء هویت و عینیت محیط، تأثیرگذار باشد.

ادامه جدول ۱. پیشینه پژوهش
Continuie of Table 1. Research background

نویسندگان	عنوان	اهداف و دستاوردها
سالاری پور و همکاران (۱۳۹۷)	بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دلبستگی به مکان	در محله‌های سنتی، همسایگی نقش اجتماعی مهمی داشته و باعث ایجاد حس تعهد عمیق نسبت به همسایگان و محله می‌شود.
رازی و همکاران (۱۳۹۶)	بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان روابط همسایگی	اعتماد اجتماعی به عنوان عامل اساسی تاثیرگذار بر روابط همسایگی معرفی شده و دین، احساس امنیت، و حمایت اجتماعی نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر میزان روابط همسایگی اثر دارند.
سرعلی، پوردیهیمی (۱۳۹۵)	همسایگی و همسایه بودن	تحقیقات انجام شده تاکید دارد که مفهوم همسایگی و همسایه بودن ابعاد مختلفی از جمله کالبدی، اجتماعی و تجربی ادراکی را دربرمی‌گیرند. با این حال، تعریف مرتبط با همسایگی به بعد کالبدی در مقیاس‌های محدود تاکید دارد، در حالی که مفهوم همسایه بودن به کیفیت روابط اجتماعی میان ساکنان همجوار در سطوح و مقیاس‌های مختلف تأثیر می‌گذارد.
منابع خارجی		
Farkisch (2020)	ارزیابی تعامل اجتماعی در مفهوم مکان: باز اندیشی در طراحی مرکز محله در فضای شهری، مورد مطالعه: شهر بشرویه	فرم محله تأثیرگذار بر ایجاد تعامل در مرکز محله است و همچنین تعاملات اجتماعی با همسایگان در افزایش حس مکانی ساکنان نقش دارد.
Hele.Caglar (2019)	تاثیر محیط ساخته شده بر روابط همسایگی در زمینه تعامل اجتماعی	روابط اجتماعی در مناطقی با خانه‌های مجزا قوی‌تر است. با این حال در مناطق دارای ساختمان‌های بلند، روابط اجتماعی ضعیفتر است.
Lenzi & et al (2013)	ارتباط اجتماعی محله و مشارکت مدنی نوجوانان	نتایج این تحقیق نقاط مهمی را برای برنامه‌های تحقیقاتی و پیشگیری آینده ارائه می‌دهد که هدف آن اثرگذاری بر سیستم‌های اجتماعی برای ترویج مشارکت مدنی نوجوانان است.
william pell (2012)	تعامل اجتماعی محله در جا به جایی مسکن عمومی	ساکنان قبل از جابه‌جایی در جوامع مسکونی عمومی در جوانب منطق ایده‌آل مشارکت در محیط محله و صحنه اجتماعی متفاوت بودند. این نتایج نشان می‌دهد که با ایجاد تناسب بهتری میان ساکنان و محله توسط مقامات مسکن، می‌توان در کل فرآیند جابه‌جایی به نتایج اجتماعی مفیدتری دست یافت.
Carvajal (2011)	بررسی رابطه بین تعامل اجتماعی محله و گسترش شهری در مناطق شهری ایالات متحده	وجود ارتباط آماری معنی‌داری بین استفاده از فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، میدان‌ها، کتابخانه‌ها و گاهی اوقات مراکز اجتماعی با نوع تعاملات همسایگی در بین شرکت‌کنندگان موجود است.
خلاء پژوهش‌های پیشین		به نظر می‌رسد بر اساس پیشینه‌ای که ارائه شد، هنوز پژوهشی در خصوص ارتباط و تعاملات همسایگی با ساختار کالبدی محله و مقایسه تطبیقی این گونه تعاملات در دو نوع ساختار کالبدی محلات ویلایی و آپارتمانی در شرایط فرهنگی شهر اهواز انجام نشده است. این پژوهش می‌تواند به عنوان یک مطالعه مهم در زمینه تعاملات همسایگی و ساختار کالبدی محله در شهر اهواز، مفید باشد.

مبانی نظری

روابط همسایگی

در اثرپذیری و اثرگذاری فرد و جامعه نقشی بسیار مهم دارد. رابطه همسایگی در شهرهای سنتی ایران ذیل روابط محله‌ای (در ظرف معماری محله) و بالاتر از روابط خانوادگی (در ظرف معماری خانه) رخ می‌دهد. در واقع همسایگی، جامعه‌ای کوچک مقیاس مکان‌اند با روابط محدود اما منسجم است و سلول بنیادین محلاتی تلقی می‌شده است که واحد پایه و ساختار و شالوده سازمان فضایی و اجتماعی شهرهای تاریخی ایران بوده‌اند و دو رکن (مجاورت مکانی و انسجام اجتماعی) را دارا بوده است (عباسی هرفته و صادقیان، ۱۳۹۸، ۷). به تبع امنیت روابط همسایگی، ظرف تحقق آن یعنی معماری همسایگی

همسایگی در فرهنگ لغت دهخدا به معنی هم دیوار و دو تن است و همسایه به معنی دو خانواده است که مجاور و قرین یکدیگر زندگی می‌کنند (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۸۷). ویر همسایگی را عبارت از روابط متقابل اجتماعی مبتنی بر مساعدت‌های متقابل در وضعیت‌های مختلف اضطراری و بحرانی می‌داند (میرکتولی، ۱۳۹۴، ۶). اگر خانه را به مثابه‌ی درون و جامعه را به مثابه‌ی محیط بیرون در نظر بگیریم، همسایگی در واقع فضای انتقال است که این تداوم از درون به بیرون

موضوعیت جدی دارد. اساساً معماری ظرف تحقق روابط معنادار انسانی است و معماری همسایگی پاسخی برای پوشش دادن به این وجه از روابط مورد نیاز انسان‌ها است. بنابراین همسایگی علاوه بر بعد اجتماعی (دلبستگی‌ها، روابط و مبادلات اجتماعی) دارای بعد فضایی کالبدی نیز هستند (David & Herbert, 1994, 527). به گفتار دیگر، واحد همسایگی، ظرف یا کالبد مشخص برای بروز رفتارها و تعاملات همسایگی است که به عنوان مظروف آن ظرف می‌باشد. بر همین قاعده، هدف بسیاری از نظریه پردازان معماری و شهرسازی، منطبق بر ساختن رفتار شهروندان بر کالبد محله است (رئیس و خلیفه شوشتی، ۱۴۰۱، ۱۱۹). از مهم‌ترین عوامل زمینه در تعاملات اجتماعی شایسته میان همسایگان، تعامل چهره به چهره آن‌ها است. عموماً شروع یک رابطه سالم و بر اساس تعاون در یک واحد همسایگی، از تعاملات چهره به چهره آغاز می‌شود. در مدل لوینگر و اسنوآک در یک فرآیند سه مرحله‌ای از صفر به سه، اولین مرحله برای ملاقات دو سوویه و عمیق، وجود تعاملات چهره به چهره است. مرحله صفر مرحله‌ای است که افراد از وجود هم بی‌اطلاع هستند. در مرحله یک اولین برخوردها رخ می‌دهد و هر یک از طرفین برداشت خود را از طرف مقابل شکل می‌دهد اما هنوز ارتباط عمیقی شکل نگرفته است. یعنی با حضور اشخاص در واحد همسایگی و روبه رو شدن و تماس چشمی، امکان آشنایی اولیه افراد با یکدیگر فراهم می‌آید که این امر مستلزم وجود قرارگاه‌های رفتاری مشترک است (سرعلی و پوردیهیمی، ۱۳۹۵، ۱۶) در این مرحله است که روابط چهره به چهره سبب پیوند جدی انسان به مکان می‌شود و می‌توان موجب شود که انسان دارای حس تعلق به فضا شود (لنگ، ۱۳۸۱، ۱۷۹).

محلات شهری

در چند دهه گذشته ایده واحد همسایگی نقش و جایگاه ویژه‌ای را در اقدامات بازسازی مراکز شهری و ایجاد محیط‌های شهری جدید در سراسر جهان داشته است. بررسی تاریخ معماری و شهرسازی ایران نشان می‌دهد که محله یا کوی به مشابه واحد جغرافیایی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عنصر اصلی سازه‌ی شهر و تقسیم کننده آن به بخش‌های متفاوت بوده است (سرعلی، پوردیهیمی، ۱۳۹۵، ۶). ساختار شهرهای ایرانی برمدار جوامعی، در مقیاس‌های مختلف از شهرها، محله و همسایگی استوار بوده که در آن‌ها انسجام اجتماعی حرف اول را می‌زده است. هرچند مجاورت مکانی عامل بسیار مهمی در شکل‌گیری روابط اجتماعی است، همسایگی در گذشته علاوه بر نزدیکی مکانی از انسجامی اجتماعی و روابطی قوی بین افراد بهره برده است که حاصل همگنی اجتماعی و صفات مشترک بین همسایگان بوده که شرط

روابط اجتماعی مطلوب است (هرفته و صادقیان، ۱۳۹۸، ۷). محله به عنوان تبلور فضایی شرایط اجتماعی اقتصادی جامعه، از انسجام و همگنی خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر شکل اجتماعی است (رویان و کهزادی، ۱۳۹۷، ۳). در شهرهای تاریخی ایران، پایه سازمان فضایی کالبدی و اجتماعی شهر بر آراستگی محله بندی پایدار بوده است و محله به نام واحد اساسی و نظم دهنده از ساختار فضایی و اجتماعی شهر آن چنان کارایی در شکل‌گیری شهرداشته که شهرها بر اساس هویت محله تعریف می‌شده‌اند (میرکتولی، ۱۳۹۴، ۶) و سازمان فضایی شهرها بر پیوستگی مابین مرکز شهر و مراکز محله‌ها از راه گذرهای اصلی و میدان‌ها برقرار بوده است (نقه الاسلامی، ۱۳۹۰، ۳۵). در شهر اسلامی، محله‌ها واحدهای کالبدی و اجتماعی مستقلی بوده‌اند و بسیاری از نیازهای روزمره ساکنین در محیط محله تامین می‌شده است. انسجام مقیاس و تناسب‌های انسانی از ویژگی‌های محله‌های ایرانی اسلامی بودند که موجب نزدیکی ساکنان و بالا رفتن ارتباط‌های چهره به چهره و رابطه‌های متقابل اجتماعی و تقویت و پایداری این رابطه‌ها و سرانجام باعث جو صمیمی و اجتماعی و برطرف شدن بسیاری از مسائل و مشکل‌ها از سوی همسایگان در محله‌ها می‌گردد (سالاری و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۸).

ساختار محلات در شهر اهواز

شهر اهواز فاقد ساختار محله‌ای به معنای سنتی آن است. محلات اهواز بر اساس آمیزه‌ای از نیازهای مسکونی، تجاری، اداری یا صنعتی شکل گرفته‌اند (جدول ۲) (مجتهدزاده، نام‌آور، ۱۳۹۱، ۵۳).

ویژگی‌های بافت شهری در اهواز

بافت شهری اهواز بافتی چندپاره است و این چند پارگی باعث شده تا مناطقی با ویژگی‌های گوناگونی در آن شکل گیرد. این مناطق به طور عمده شامل: بافت قدیمی شهر، بافت مناطق شرکتی و سازمانی، بافت مناطق شهری جدید و بافت مناطق حاشیه ای است (مجتهدزاده، نام‌آور، ۱۳۹۱، ۵۶) که در جدول ۳ خصوصیات عمده این مناطق بر شمرده می‌شود.

در محله‌های سنتی ایران روابط چهره به چهره و تعاملات اجتماعی را می‌توان به وفور نگریست که عواملی همانند بافت جمعیتی محلات یا عدم وجود ارتباطات مجازی بر این موضوع موثر بوده است ولی از عوامل مهم‌تر دیگر، کالبد(ظرف) محلات بوده که توانایی این تعاملات چهره به چهره را پیشرفت می‌داده است. به طور مثال محله‌های قدیمی دارای یک مرکزیت بودند و مرکز محله بیش‌ترین تعاملات و تجمع‌های افراد محله را پیرامون خود شکل می‌داد. این مرکز محلات شامل

جدول ۲. محلات در اهواز، (ماخذ: اقتباس از مجتهدزاده و نام‌آور، ۱۳۹۱)
Table 2. Localities in Ahvaz, (Source: Adapted from Mojtahezadeh & NamAvar, 2013)

در قالب یک طرح کلی و بر اساس نیازهای کارکردی عملکردی با انگیزه اقتصادی شکل می‌گیرد. مانند محله‌هایی همچون: پادادشهر، امانیه، کیانپارس، زیتون کارمندی.	گروه اول
محله‌هایی هستند که بر اساس نیازهای اداری و سازمانی، سامان یافته‌اند و ساختار درونی آنها مبتنی بر نظام سازمانی و سلسله مراتب اداری است. مانند محله‌هایی هم مانند: خرمکوشک، صنایع فولاد، شهرک نفت، کوی بوستان، نیوسایت.	گروه دوم

جدول ۳. ویژگی‌های بافت شهری اهواز، (ماخذ: اقتباس از مجتهدزاده و نام‌آور، ۱۳۹۱)
Table 3. Characteristics of the urban fabric of Ahvaz, (Source: Adapted from Mojtahezadeh & NamAvar, 2013)

در این بخش که مرکز فعلی هر اهواز است، تراکم ساختمانی زیاد و سرعت نوسازی نیز بالاست. کیفیت معابر و خیابان‌ها نسبتاً پایین است. هرچه از خیابان‌های اصلی فاصله بگیریم و به درون بافت نفوذ کنیم، قدمت بناها بیشتر می‌گردد. به طور کلی در این منطقه می‌توان خانه‌ها و یا ساختمان‌های عمودی را دید که معماری و گذشته شهر را نشان می‌دهند.	بافت قدیم شهر
مناطق شرکتی و سازمانی شهر اهواز به طور عمده تحت تاثیر الگوی انگلیسی شرکت نفت ساخته شده است. که به صورت باغ ویلایی هستند. قدیمی‌ترین این مناطق در شهرک خرمکوشک و نیوسایت قابل مشاهده است. اما مناطق بعدی نظیر شهرک نفت، شهرک آب و برق و شهرک صنایع فولاد و... نیز به گونه‌ای مشابه ساخته شده‌اند.	مناطق شرکتی و سازمانی
مناطق شهری جدید به طور عمده در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شکل گرفته است. ویژگی اصل این مناطق شبکه شطرنجی و قطعه‌بندی بزرگ زمین و تناسب عریض معابر است. این مناطق شامل: منطقه امانیه، کیانپارس، زیتون کارمندی، ملی راه، پادادشهر، گلستان و... می‌باشد.	مناطق شهری جدید
شامل شهرک‌های کارگری و مناطقی است که به صورت غیرمجاز در توسعه‌های دهه ۵۰ و ۶۰ با ویژگی‌های زاغه‌نشین شکل گرفته‌اند. تراکم بالا و کیفیت پایین از مهم‌ترین ویژگی‌های این مناطق است. بخش‌هایی نظیر حصیرآباد، منبع آب، کیان، زیتون کارگری و... جز این مناطق از شهر است.	مناطق حاشیه‌ای

رابطه بین الگوی کالبدی بافت مسکونی محلات و تعاملات چهره به چهره پیمایش شود. (جدول ۴)

این پرسشنامه در چهار محله شهر اهواز (شهرک نفت، نیوسایت، زیتون کارمندی، کیانپارس) توزیع شد که به صورت بسته و طیف لیکرت ارائه شده است که طبق چارچوب پژوهش، پرسش‌ها در زمینه اندازه‌گیری تعاملات اجتماعی و روابط چهره به چهره طراحی شده است. جمعیت این مناطق به تفکیک در جدول ۵ آورده شده است. به تعبیری دیگر، پرسش‌ها منوط به میزان شناخت از همسایه و میزان تعاملات بین آن‌ها می‌باشد که پس از پاسخ، برآیند پرسش‌نامه‌ها با نرم افزار آماری SPSS، کاوش و پردازش گردیده است.

برای جمع آوری اطلاعات حدود ۴۳۰ پرسشنامه بین ۴ محله ذکر شده (جدول ۵) توزیع شد که از این تعداد، ۳۹۴ پرسش‌نامه قابل تحلیل بود و برای برآورد آن، از جدول مورگان استفاده شده است. حجم نمونه برابر با ۹۵۵۵۵ نفر بوده که طبق جدول مورگان برای تعمیم پذیری نتایج باید پرسشنامه حداقل میان ۳۸۴ نفر توزیع می‌شد. بدین سبب به تعداد ۳۹۴ نفر پرسشنامه‌ای که مبنای تحلیل یافته‌های پژوهشی قرار گرفته است. تعداد پرسشنامه ۱۰ عدد بیشتر از تعداد لازم برای تامین اعتبار نتایج بود.

برای سنجش از کافی بودن نمونه از آزمون KMO و بارتلت استفاده شده است که این دو آزمون روش‌های علمی برای حصول اطمینان

مسجد، بازار، حمام و... بوده است و این امکان‌ها احتمال مواجهه و تعامل همسایگان بیش تر می‌شد. با توجه به موارد بالا، در این پژوهش سعی شده است که تاثیر یکی از ویژگی‌های کالبدی محله یعنی ویلایی یا آپارتمانی بودن بافت مسکونی محله بر عملکرد تعاملات چهره به چهره مورد بررسی قرار گیرد. (شکل ۱)

روش پژوهش

همان‌گونه که پیش‌تر نمارش شد هدف از این پژوهش، جستن رابطه بین کالبد یا فرم محله و میزان تعاملات اجتماعی چهره به چهره در محله است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت و گردآوری داده‌ها توصیفی تحلیلی و از نوع کمی کیفی است. که از روش تحقیق همبستگی استفاده شده است که در آن اهتمام می‌شود رابطه بین دو یا چند متغیر شهود شود به نحوی که متغیرها تحت کنترل محقق نبوده و یا به دلایلی محقق قادر به کنترل آن‌ها نمی‌باشد. در تحقیق همبستگی اندازه‌گیری و سنجش رابطه بین دو متغیر اهمیت بیش‌تری نسبت به تحلیل و تفسیر آن دارد و هدف، سنجش ارتباط بین متغیر مستقل و متغیر وابسته است، به همین دلیل، این نوع تحقیق را از تحقیق کیفی متباین می‌کند. در این پژوهش، متغیر وابسته روابط همسایگی و به طور ویژه، روابط چهره به چهره در یک محله است. بر همین پایه، پرسش‌نامه‌هایی طرح گردید و کوشش شد



شکل ۱. فرآیند انجام پژوهش
Figure 1. Research process

جدول ۴. گویه‌ها و شاخص‌ها
Table 4. Objects and indicators

نوع متغیر	شاخص	گویه	هدف
	زمان	چه مدت زمان (سال) در محل زندگی خود سکونت دارید؟	سنجش مدت سکونت
مستقل	کالبد محله	در چه مکانی (ویلایی یا آپارتمان) زندگی می‌کنید؟	سنجش کالبد یا فرم محله
وابسته	تعاملات اجتماعی	روابط اجتماعی شما با دیگر همسایگان چقدر است؟	سنجش میزان سطح فرهنگی ساکنین
وابسته	هویت	وسعت لابی ورودی ساختمان (آپارتمان) یا کوچه (ویلایی) شما چقدر با هویت اجتماعی شما مطابقت دارد؟	سنجش میزان هویت
وابسته	هویت	چه میزان از همسایگان خود راضی و خشنود هستید؟	سنجش رضایتمندی از همسایگان
وابسته	سازگاری با گروه‌های مختلف	چقدر در نگهداری و ایجاد امنیت در مجتمع مسکونی (آپارتمان) و یا کوچه (ویلایی) با دیگر همسایگان مشارکت و هماهنگی دارید؟	سنجش میزان امنیت
وابسته	آسایش	همکاری و رسیدگی همسایگان شما نسبت به فضاهای مشترک و عمومی چقدر در آسایش روانی شما مؤثر است؟	سنجش آسایش محیطی
وابسته	شرایط اقتصادی	هم‌سنخی و تشابه اجتماعی اقتصادی همسایگان با شما چقدر در برقراری ارتباط شما با همسایگان مؤثر است؟	سنجش موقعیت اجتماعی و قدرت اقتصادی
وابسته	امنیت	همسایگان خود را در طول روز به چه میزان ملاقات می‌کنید؟	سنجش امنیت و محله قابل کنترل
وابسته	خاطره انگیزی	تا به چه اندازه در فضاهای ساختمان (آپارتمان) و یا کوچه (ویلایی) با همسایگان به فعالیت‌های مختلف می‌پردازید؟	سنجش میزان مشارکت و فعالیت همسایگان
وابسته	هویت	به چه میزان همسایگان در احساس تعلق به محیط پیرامون و خانه خود، تأثیرگذار هستند؟	سنجش احساس تعلق

پرسش‌نامه‌ها در محلاتی توزیع گردد که به لحاظ این نوع شرایط کمابیش مشابه یکدیگر باشند تا بتوان با یقین بیشتری به پیمایش رابطه میان نوع الگوی بافت مسکونی و تعاملات چهره به چهره پرداخت. فرآیند می‌توان گفت که انگیزش و ایجاد شرایط تعاملات اجتماعی و روابط چهره به چهره برای ساکنین آن محله از مختص‌های یک محله مطلوب می‌باشد و آماج این پژوهش پیمایش این ویژگی در دو قسم الگوی محله‌ی ویلایی و آپارتمان است. (جدول ۷)

یافته‌های پژوهش

در این بخش به معرفی محله‌های مورد مطالعه این پژوهش و تحلیل یافته‌های حاصل از نظرات ساکنین این محله‌ها پرداخته شده است.

یافته‌های توصیفی پژوهش

از مجموع پاسخگویان مورد مطالعه ۵۱/۸ درصد از افراد نمونه آماری مرد و ۴۸/۲ درصد زن هستند. حداقل سنی افراد ۱۷ سال و حداکثر ۷۶ سال دارند و میانگین سن نمونه آماری برابر با ۳۷/۸۱ می‌باشد.

از کفایت نمونه منتخب می‌باشد. مقدار شاخص KMO در بازه ۰ تا ۱ تغییر می‌کند، بزرگ بودن این مقدار نشان دهنده قدرت یا بهبود درجه پیش‌بینی هر متغیر توسط سایر متغیرها است. مشخص است که نزدیکی این مقدار به عدد صفر نشانگر ضعیف بودن مدل پیش‌بینی بوده است. به منظور شرایط کفایت نمونه‌گیری در تحلیل، این شاخص باید بالای ۰/۷ باشد.

میزان آمار KMO برابر با ۰/۸۸۰ بدست آمده است، و مقدار معناداری آزمون بارتلت نیز ۰/۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد نتایج بدست آمده معنادار است. بنابراین حجم نمونه برای تحلیل کفایت می‌کند. (جدول ۶)

متغیر مستقل این پژوهش الگوی کالبدی محلات است که مقصود، نوع بلوک‌های مسکونی محله به دیدگاه ویلایی و یا آپارتمانی می‌باشد. در گزینش محلات و نمونه‌ها سعی شده است متغیرهای مستقل دیگر که بر روی متغیر وابسته یعنی تعاملات چهره به چهره تاثیر دارند کنترل گردد که از جمله آن می‌توان به شرایط مالی افراد و مدت سکونت آن‌ها اشاره کرد. بنابراین کوشش گردید

جدول ۵. منطقه بندی مناطق مورد بررسی

Table 5. Zoning of the studied areas

منطقه	فراوانی	جمعیت	تعداد نمونه
شهرک نفت	۶/۲۲	۶۴۲۹	۸۹
نیوسایت	۴/۲۷	۲۱۲۶	۱۰۸
زیتون کارمندی	۹/۲۶	۴۰۰۰	۱۰۶
کیانپارس	۱/۲۳	۴۷۰۰	۹۱
کل	۱۰۰	۹۵۵۵۵	۳۹۴

جدول ۶. آزمون KMO و بارتلت

Table 6. KMO and Bartlett test, source

KMO	۰/۸۸۰
Approx. chisquare	۹۱۴/۹۱۳
DF	۵۵
Sig	۰/۰۰۰

جدول ۷. متغیر وابسته و مستقل پژوهش

Table 7. Dependent and independent variable of the research

متغیر مستقل	تیپ بلوک‌های مسکونی آپارتمانی، ویلایی
متغیر وابسته	تعامل چهره به چهره در محلات

جدول ۸. پاسخ دهندگان
Table 8. Respondents

	Frequency	Percent	Vaid Percent	Cumulative Percent
مرد	۲۰۴	۸/۵۱	۸/۵۱	۸/۵۱
زن	۱۹۰	۲/۴۸	۲/۴۸	۱۰۰
Total	۳۹۴	۱۰۰	۱۰۰	

(جدول ۸)

محله شهرک مسکونی نفت

شهرک مسکونی نفت واقع شده در ناحیه ۳ شهرداری شهر اهواز می‌باشد، که مساحت آن به چیزی در حدود ۲۲۸ هکتار می‌باشد که متعلق به شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب بوده و با داشتن ۲۰۰۰ واحد مسکونی به همراه ۱۲۰۰۰۰ متر مربع به همراه مراکز آموزشی، اداری، درمانی و فرهنگی در ۶ فاز مختلف یکی از بزرگترین شهرک‌های واقع در استان خوزستان و ایران می‌باشد. منازل شهرک مسکونی نفت در ۳ تیپ طراحی شده که شامل منازل آپارتمانی ۸ واحده در یک طبقه با زیر بنای هر واحد ۱۲۰ متر مربع، ویلایی ۴ اتاقه تیپ B با زیربنای ۳۱۵ مترمربع و منازل ویلایی ۳ خوابه تیپ C با زیربنای ۲۴۱ مترمربع می‌باشد. از دیگر خصوصیات این شهرک دارا بودن فضاهای سبز متنوع پرتراکم در فازهای مختلف است به طوری که دمای محیط‌های باز این شهرک نسبت به مسانگین کلی در شهر اهواز همواره ۲ تا ۳ درجه پایین‌تر می‌باشد و به نوعی یکی از سرسبزترین شهرک‌های مسکونی در استان خوزستان می‌باشد (امیرجانی، ۱۳۹۲، ۳۰). ساختار این محله به صورت شبکه‌ای می‌باشد.

معرفی نمونه‌ها

در این پژوهش چهار نمونه از محلات مسکونی در شهر اهواز انتخاب شده است که دو مورد آن، محله با الگوی مسکن ویلایی می‌باشد و دو مورد دیگر محله با الگوی مسکن آپارتمانی است، سعی شده است نمونه‌ها طوری انتخاب شوند که متغیرهای مستقل ثانویه، مانند وضعیت اقتصادی، قومیت، مرتبه اجتماعی و... کم‌ترین تأثیر را بر متغیر وابسته یعنی تعاملات و روابط همسایگی بگذارند، به بیان دیگر نمونه‌ها و محله‌های مورد مطالعه، متغیرهای مستقل ثانویه تأثیر یکسانی را روی متغیر وابسته داشته باشند. بنابراین محلاتی که گزینش شده‌اند از لحاظ قدمت (چه نوع ویلایی و چه نوع آپارتمانی) از کهن‌ترین نوع محلات در نوع خود هستند و ساکنین آن مدت زمان زیادی در محله ساکن بوده‌اند. هر چهار محله انتخاب شده در مناطق مرغوب و گران اهواز قرار دارند و وضعیت مالی نسبتاً خوبی دارند و این ویژگی در هر چهار محله انتخاب شده تا حدود زیادی وجود دارد. در ادامه و قبل از تبیین یافته‌های تحقیق، این چهار نمونه معرفی می‌گردد. (شکل ۲)

(جدول ۹)



شکل ۲. چهار مورد مطالعه در پژوهش
Figure 2. Four cases studied in the research



شکل ۴. سیمای خیابانی از محله شهرک نفت

Figure 4. A street scene from Shahrak Naft neighborhood



شکل ۳. نقشه محله شهرک نفت

Figure 3. Map of Sharak Naft neighborhood

محله زیتون کارمندی

زیتون کارمندی در ناحیه شمال شرق رودخانه کارون و یکی از محله‌های اهواز است که در ابتدا اساساً توسط شرکت ملی نفت ایران، برای کارمندان این شرکت بنا گردید و امروزه منازل این محله واگذار گردید، و آپارتمان‌سازی چهره‌ی این محله قدیمی را تغییر داده، گرچه هنوز تعداد انگشت شماری از منازل سازمانی نفت که به سبک معماری آن‌ها هستند باقی مانده اما به منطقه‌ای نسبتاً مدرن تبدیل شده است و مراکز تجاری و تفریحی زیادی در این منطقه به چشم می‌خورد. مساحت آن حدود ۱۷۵ هکتار می‌باشد. سازمان‌دهی این محله به صورت شبکه‌ای (شطرنجی) می‌باشد. البته این محله دارای سلسله مراتب اندکی است و خیابان‌های شطرنجی آن نسبت به شهرک نفت دارای عرض و تردد بیشتری می‌باشد هم چنین بافت شطرنجی خیابان‌ها و راه داشتن مستقیم تمام خیابان‌ها به هم این امر را تشدید می‌کند (شوئنوئر، ۱۳۸۰، ۵۵۱۱۵). (شکل ۷.۸)

کیانپارس

کیانپارس یکی از محلات اهواز می‌باشد و در غرب رودخانه کارون و منطقه ۳ شهرداری شهر اهواز قرار دارد. مساحت آن حدوداً ۴۰۸ هکتار می‌باشد که به صورت شرقی و غربی نام گذاری شده است. چهره قدیم این محله در هنگام تاسیس در دهه ۵۰، دارای خانه‌های

سازماندهی شبکه‌ای شامل فرم‌ها و فضاهایی است که مکانشان در فضا و روابطشان با یکدیگر به وسیله یک محدوده یا شبکه‌ای سه بعدی تنظیم می‌شوند. قدرت سازماندهی یک شبکه حاصل از نظم تداوم شکل آن است که اجزا سازماندهی شوند را فرا می‌گیرد. (شکل ۳.۴)

محله نیوسایت

شهرک مسکونی نیوسایت در شمال شرق رودخانه کارون و در منطقه هفت شهرداری اهواز قرار دارد. مساحت آن ۱۹۳ هکتار می‌باشد. تعداد منازل مسکونی این شهرک ۳۴۱ واحد با زیربنای ۷۰ تا ۳۰۰ متر مربع است و مشتمل از فضاهای مذهبی، ورزشی، آموزشی، درمانی، تفریحی است. این شهرک حدوداً ۷۰ سال کهنگی دارد، ویلسون مجموعه نیوسایت را بر اساس طراحی خانه‌های انگلیسی بام شیب‌دار و اندیشه‌های عملکردی در آن زمان طراحی و اجرا کرده است (ماجدی و همکاران، ۲۷، ۱۴۰۰). ساختار این محله به صورت خوشه‌ای می‌باشد، سازمان بندی خوشه‌ای نوعی از سازمان بندی است که فضای گروه بندی شده بر اساس مجاورت یا سهم بودن در یک رابطه یا خصیصه بصری مشترک می‌باشد (دی، کی، چنگ، ۱۳۸۸، ۲۳۰). این مسئله سبب به وجود آمدن کوچه‌های باریک و پرپیچ و خم و نیز کوچه‌های بن‌بست شده است و نوعی سلسله مراتب در محله مذکور به وجود آورده است. (شکل ۵.۶)



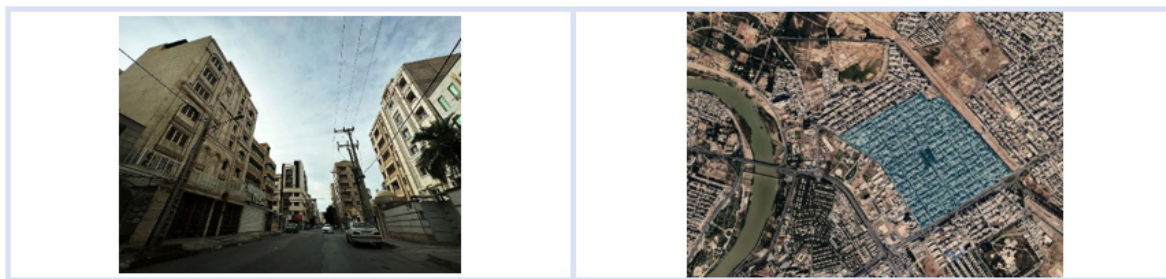
شکل ۶. سیمای خیابانی از محله نیوسایت

Figure 6. Street view of Newsite neighborhood



شکل ۵. نقشه محله نیوسایت

Figure 5. Map of Newsite neighborhood



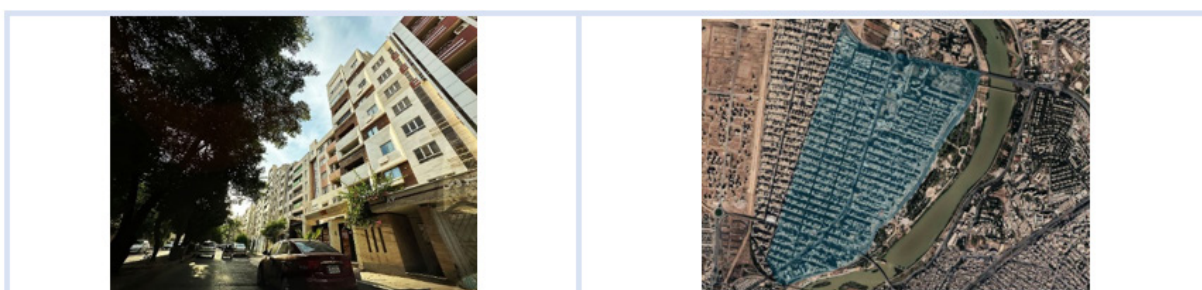
شکل ۷. نقشه محله زیتون کارمندی

Figure 7. Map of Zaytoun Karmandi neighborhood



شکل ۸. سیمای خیابانی از محله زیتون کارمندی

Figure 8. A street scene from Zaytoun Karmandi neighborhood



شکل ۹. نقشه محله کیانپارس

Figure 9. Map of Kianpars neighborhood



شکل ۱۰. سیمای خیابانی از محله کیانپارس

Figure 10. Street scene from Kianpars neighborhood

جدول ۹. مشخصات کالبدی نمونه‌های مورد مطالعه،
Table 9. Physical characteristics of the studied samples

نام محله	نوع مسکن	سازماندهی فضایی	مرکز محله
شهرک نفت	ویلايي	شبکه‌ای	فضای مسکونی و فضای سبز
نیوسایت	ویلايي	خوشه‌ای	فضای مسکونی و فضای سبز
زیتون کارمندی	آپارتمانی	شطرنجی	پارک و فضای سبز
کیانپارس	آپارتمانی	شطرنجی	تجاری

برای رد و یا تایید فرضیه پژوهش (حاکمی بر انتساب بین الگوی مسکن در بافت‌های مسکونی محلات و تعاملات چهره به چهره در محلات) می‌توان به جدول آزمون واریانس اشاره کرد. این جدول بیان‌کننده آن است که آیا تباین معناداری بین متغیرهای تعریف شده در پژوهش وجود دارد. قسمت برجسته جدول سطح معنی‌داری یا "significance" می‌باشد که به اختصار با نماد "sig" نمایش داده می‌شود. سطح معناداری، میزان یا معیاری است که به عنوان پایه‌ی معنی‌داری شناخته می‌شود که با خطای نوع اول مقایسه می‌شود. این میزان عموماً در تحقیقات ۰/۰۵ باشد، احتمال اتفاقی بودن این تفاوت یا رابطه خیلی کم است و در نتیجه می‌توان گفت تفاوت یا رابطه مورد نظر معنی‌دار می‌باشد، اما در صورتی که بیش‌تر از ۰/۰۵ باشد، احتمال

ویلايي با متراژ بالا و کوچه‌هایی سرسبز بوده که به مرور آپارتمان‌سازی، چهره این منطقه را کاملاً تغییر داده است. سازماندهی این محله به صورت شطرنجی می‌باشد. (شکل ۹، ۱۰)

یافته‌های استنباطی پژوهش

قبل از تجزیه و تحلیل یافته‌ها، قابلیت اتکایی پرسشنامه و سوالات ارزیابی شد و اعتبار آن مورد سنجش قرار گرفت. برای تحلیل روایی گویه‌های پژوهش از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ استفاده شده است که با توجه به ضریب اتکایی استاندارد که ۰/۷ می‌باشد می‌توان این نتیجه را گرفت که سوالات و پرسشنامه موجود قابل اتکا می‌باشد. (جدول ۱۰)

می‌دهد تفاوت میانگین بین دو محله (آپارتمانی با ویلایی) معنادار است. به طور مثال می‌توان گفت بین محله شهرک نفت (ویلایی) با زیتون کارمندی (آپارتمان) و یا محله نیوسایت (ویلایی) با کیانپارس (آپارتمانی) تفاوت معناداری بین آن‌ها در پاسخگویی به گویه‌ها وجود دارد.

همان گونه که در **جدول ۱۲** بالا مشخص است محلات شهرک نفت و نیوسایت با محلات زیتون کارمندی و کیانپارس تفاوت معنی‌داری با هم دارند به عبارتی در پاسخگویی به سوالات پرسشنامه در مقایسه بین محلات ویلایی نشین و آپارتمان نشین تفاوت معناداری وجود دارد ولی این تفاوت در پاسخگویی بین محلات آپارتمان نشین با هم و نیز ویلایی نشین با هم دیده نمی‌شود و جواب‌های مردم در محلات ویلایی نشین با هم دیده نمی‌شود و جواب‌های مردم در محلات ویلایی نشین و همین‌طور آپارتمان نشین تقریباً به هم شبیه بوده است. برای اثبات فرضیه پژوهش می‌توان به آزمون همبستگی پیرسون که در **جدول ۱۲** آمده است نیز اشاره کرد. بعد از تحلیل داده‌ها از روش همبستگی به دست می‌آید. در پژوهش‌های همبستگی پس از بازشناسی وجود همبستگی و معین سازی جهت آن، می‌توان مقدار و ضریب همبستگی را محاسبه کرد. ضریب همبستگی دارای دامنه دگرگونی از +۱ تا ۱ است، به این معنی که اگر همبستگی وجود نداشته باشد، ضریب همبستگی محاسبه شده، صفر است و از عدم همبستگی بین دو متغیر خبر می‌دهد. اگر ضریب همبستگی بین صفر تا +۱ باشد، بیان می‌کند که جهت مثبت و تغییرات متغیرها همسو هستند. هر چه مقدار آن به صفر نزدیک‌تر باشد همبستگی مثبت ضعیف‌تر و هر چه به سمت +۱ گرایش پیدا کند، همبستگی مثبت شدیدتر خواهد بود. اگر ضریب همبستگی بین صفر تا ۱ باشد، بیان می‌کند که جهت همبستگی منفی بوده و تغییرات متغیرها همسو نیستند. هر

تصادفی بودن نتیجه زیاد است و رابطه یا تفاوت متغیرها معنی‌دار نیست. بدین سبب با توجه به سطح معنی‌داری پژوهش که در جدول ۰/۰۰۱ می‌باشد می‌توان چنین استنباط کرد که یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه در محلات مختلف دارای تفاوت معنی‌داری است و ساکنین در محلات مختلف، پاسخ‌های متفاوت به پرسش‌های مطرح شده، داده‌اند. بدین معنا که بین محله‌های ویلایی (نیوسایت، شهرک نفت) و آپارتمانی (زیتون کارمندی و کیانپارس) تفاوت معناداری وجود دارد. (**جدول ۱۱**)

در **جدول ۱۲** نیز به ضریب تفاوت معنادار بین محلات مختلف مورد پژوهش، اشاره شده است که ستون سوم از جدول، تفاوت بین میانگین پاسخ‌های هر محله را به صورت دو به دو با هم مقایسه می‌کند و محلاتی که تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین میانگین پاسخ‌نامه‌ها در آن‌ها وجود دارد با ستاره مشخص شده است. در ستون پنجم نیز ضریب معنی‌داری بین محلات به صورت دو به دو مقایسه شده است و در هر جفت محله ای که این عدد کمتر از ۰/۰۵ باشد می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری بین آن‌ها در پاسخگویی به پرسش‌ها وجود دارد. اما چنانچه این سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ بزرگ‌تر باشد، تفاوت میانگین بین ۲ محله مورد نظر معنادار نیست. بدین معنا که محله‌های ویلایی (شهرک نفت، نیوسایت) یا محله‌های آپارتمانی (زیتون کارمندی، کیانپارس) که رو به روی یکدیگر (محله آپارتمانی با محله آپارتمانی، محله ویلایی با محله ویلایی) قرار می‌گیرند، سطح معناداری آن‌ها با یکدیگر بزرگ‌تر ۰/۰۵ می‌باشد، که نشان دهنده آن است تفاوت میانگین بین محله مورد نظر معنادار نیست و همانطور که محله ویلایی (نیوسایت، شهرک نفت) و آپارتمانی (زیتون کارمندی، کیانپارس) رو به روی یکدیگر (محله آپارتمانی با محله ویلایی) قرار می‌گیرند، سطح معناداری آن‌ها با یکدیگر کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، که نشان

جدول ۱۰. ضریب آلفای کرونباخ
Table 10. Cronbach's alpha coefficient

Cronbach's Alfa	N
0/751	10

جدول ۱۱. فرض آزمون میانگین‌ها
Table 11. Assumption of means test

تحلیل واریانس					
	Sum of squares	df	Mean square	F	Sig
Between Groups	۶۹/۲۹۳	۳	۲۳/۰۹۸	۹۰/۶۵۹	۰/۰۰۱
Within Groups	۹۹/۳۶۳	۳۹۰	۰/۲۵۵		
Total	۱۶۸/۶۵۶	۳۹۳			

جدول ۱۲. ضریب تفاوت معنی‌دار تعاملات چهره به چهره در محلات مختلف
Table 12. Significant difference coefficient of facetoiface interactions in different localities

مقایسه‌های چندگانه						
محله (I)	محله (J)	Mean Difference (IJ)	Std. Error	sig	95% Confidence Interval	
					Lower Bound	Upper Bound
شهرک نفت	نیوسایت	۰/۰۶۶۲۴	۰/۰۷۲۲۶	۰/۳۶۰	۰/۲۰۸۳	۰/۰۷۵۸
	زیتونکارمندی	۰/۸۵۵۴۳*	۰/۰۷۲۵۷	۰/۰۰۰	۰/۹۹۸۱	۰/۷۱۲۸
	کیانپارس	۰/۸۹۴۱۴*	۰/۰۷۵۲۵	۰/۰۰۰	۱/۰۴۲۱	۰/۷۴۶۲
نیوسایت	شهرک نفت	۰/۰۶۶۲۴	۰/۰۷۲۲۶	۰/۳۶۰	۰/۰۷۵۸	۰/۲۰۸۳
	زیتون کارمندی	۰/۷۸۹۱۹*	۰/۰۶۹۰۱	۰/۰۰۰	۰/۹۲۴۹	۰/۶۵۳۵
	کیانپارس	۰/۸۲۷۹۱*	۰/۰۷۱۸۲	۰/۰۰۰	۰/۹۶۹۱	۰/۶۸۶۷
زیتونکارمندی	شهرک نفت	۰/۸۵۵۴۳*	۰/۰۷۲۵۷	۰/۰۰۰	۰/۷۱۲۸	۰/۹۹۸۱
	نیوسایت	۰/۷۸۹۱۹*	۰/۰۶۹۰۱	۰/۰۰۰	۰/۶۵۳۵	۰/۹۲۴۹
	کیانپارس	۰/۰۳۸۷۱	۰/۰۷۲۱۳	۰/۵۹۲	۰/۱۸۰۵	۰/۱۰۳۱
کیانپارس	شهرک نفت	۰/۸۹۴۱۴*	۰/۰۷۵۲۵	۰/۰۰۰	۰/۷۴۶۲	۱/۰۴۲۱
	نیوسایت	۰/۸۲۷۹۱*	۰/۰۷۱۸۲	۰/۰۰۰	۰/۶۸۶۷	۰/۹۶۹۱
	زیتونکارمندی	۰/۰۳۸۷۱	۰/۰۷۲۱۳	۰/۵۹۲	۰/۱۰۳۱	۰/۱۸۰۵

جدول ۱۳. آزمون ضریب پیرسون
Table 13. Pearson coefficient test

		تعاملات چهره به چهره	محله
تعاملات چهره به چهره	Pearson correlation	۱	۰/۵۸۶**
	Sig(2tailed)		۰/۰۰۱
	N	۳۹۴	۳۹۴
محله	Pearson correlation	۵۸۶/۰**	۱
	Sig(2tailed)	۰/۰۰۱	
	N	۳۹۴	۳۹۴

برعکس در مناطق آپارتمانی (زیتون کارمندی، کیانپارس) رابطه چهره به چهره کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

امروزه محله‌های شهری به عنوان مکان‌هایی که اکثر مردم در آن زندگی می‌کنند، تأثیر بسزایی بر رفتار انسان دارند. تغییرات قابل توجهی در فضای زندگی مردم در دهه‌های اخیر تجربه شده است. مطالعات نشان می‌دهد که الوی شهری تأثیر قابل توجهی بر روابط همسایگی، کمک‌رسانی و پیوندهای اجتماعی دارد. بی‌شک تحول روز افزون در زندگی شهری و شهرنشینی، روابط همسایگی را تحت

چه مقدار عددی به صفر گرایش کند، همبستگی منفی ضعیف‌تر و هر چه به سمت ۱ گرایش پیدا کند، همبستگی منفی شدیدتر خواهد بود (حافظنیا، ۱۴۰۱: ۷۹). پس با توجه به نتایج بدست آمده (جدول ۱۳) می‌توان گفت با اطمینان ۹۹٪ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ بین فرم محله (متغیر مستقل) و رابطه چهره به چهره (متغیر وابسته) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر چون sig بین دو متغیر، کوچک‌تر از ۰/۰۱ است می‌توان گفت بین دو متغیر (وابسته و مستقل) رابطه وجود دارد. از طرفی شدت رابطه (Pearson correlation) برابر ۰/۵۸۶ و به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. در محله‌های ویلایی (نیوسایت، شهرک نفت) رابطه چهره به چهره افزایش می‌یابد و

منفی بر روابط اجتماعی و فضاهای باز محله‌های شهری داشته باشد. این تغییر باعث کاهش فضاهای عمومی و خدماتی محله می‌شود که ممکن است منجر به افزایش مشکلات اجتماعی شود. علاوه بر این، تبدیل خانه‌های ویلایی به آپارتمان‌ها، باعث کاهش کیفیت زندگی و استفاده از فضاهای خصوصی می‌شود و روابط اجتماعی در محله را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، لازم است قوانین و اصلاحاتی در سازمان‌دهی فضای محله‌ها اجرا شود تا این مشکلات اجتماعی جلوگیری شوند. شهر اهواز در منطقه جنوب غربی ایران و در اقلیم گرم و نیمه مرطوب قرار دارد. برای بهبود تعاملات چهره به چهره در محله‌های شهر اهواز، ایجاد فضاهای عمومی مناسب با توجه به اقلیم شهر است که در تطبیق یافته‌های علمی و نظری و نتایج پژوهش حاضر، جهت نیل به بهسازی محله‌ها و روابط چهره به چهره همسایگی در شهر اهواز راهکارهای پیشنهادی در ذیل ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است که این راهکارهای پیشنهادی می‌تواند تعمیم‌پذیر برای سایر شهرها نیز باشد.

برای بهبود تعاملات چهره به چهره در شهر اهواز، ایجاد فضاهای عمومی با کیفیت و مناسب است. این فضاها می‌توانند شامل پارک‌ها، میدان‌ها، محل‌های تفریحی و فضای سبز باشند. افراد در این فضاها می‌توانند با یکدیگر صحبت کنند، بازی کنند و زمان خود را باهم به اشتراک بگذارند. این فضاها باید به صورت مناسب طراحی شده و دارای امکانات مختلفی مانند نشیمن‌گاه‌ها، بنچ‌ها، مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه سواری باشند. همچنین، ایجاد فضاهای باز برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری نیز می‌تواند به تعاملات چهره به چهره کمک کند. در مناطق گرمسیری مانند اهواز، ایجاد سایه برای محافظت از افراد در برابر آفتاب مهم است. بنابراین در فضاهای عمومی باید درختان و سایه‌دارها به طور مناسب کاشته شوند تا افراد بتوانند در آنجا به راحتی تعامل کنند.

ضرورت توسعه و احیای بازارهای محلی، جایگاه مهمی در زندگی روزمره افراد دارند و مکان‌های مناسبی برای تعاملات چهره به چهره هستند. ایجاد فضاهای باز در بازارها، می‌تواند به تعاملات افراد کمک کند و فرصت‌های بیشتری برای ایجاد روابط دوستانه و تجاری فراهم کند. در فصل تابستان شهر اهواز، دمای بسیار بالایی وجود دارد، بنابراین فضاهای عمومی باید دارای سیستم‌های سرمایشی مانند فن‌های آبی یا ایجاد آلاچیق‌ها با سقف‌های خنک‌کننده باشد و همچنین در فصل زمستان دما بسیار پایین است بنابراین فضاهای عمومی باید دارای سیستم‌های گرمایشی مانند گرمایش کف باشند تا افراد بتوانند در این فضاها به راحتی تعامل کنند.

قرار دادن امکانات عمومی مانند مسجد، مدرسه و بازار در نزدیکی

تأثیر قرار داده است. از نظر بسیاری از کارشناسان روابط و تعاملات اجتماعی می‌تواند جزء عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت مکانی در محله‌های مسکونی باشد. آنچه در پیشینه تحقیق بررسی شد این است که طبق نظر کارشناسان ارتباطات و تعاملات اجتماعی بین ساکنین در شکل‌گیری هویت مکانی در محله‌های مسکونی تأثیرگذار است. هدف از انجام این پژوهش جستن رابطه بین کالبد یا فرم محله و میزان تعاملات چهره به چهره در محله و پی پاسخ به این پرسش بوده است که چه پیوستگی بین الگوی مسکن در بافت‌های مسکونی محلات و روابط چهره به چهره همسایگان وجود دارد؟

با پرداختن به واکاوی و گدازش داده‌ها درباره‌ی متغیر وابسته پژوهش (تعاملات چهره به چهره همسایگان) می‌توان بیان کرد در محله‌های ویلایی نسبت به آپارتمانی، بین این دو متغیرها ناهم‌سویی معناداری وجود دارد و از نگرش آماری، پاسخ محله‌های ویلایی نشین به محله آپارتمان نشین ناهمگون است. به نحوی که در محله‌های ویلایی نشین، ساکنین محله با همسایگان خود روابط چهره به چهره بیشتری دارند. بنابراین بدین‌گونه برداشت می‌شود در محله‌های ویلایی، تعاملات همسایگی بیشتری در مقابل محله‌های آپارتمان نشین وجود دارد، که سبب این تعاملات اثرگذاری از نوع ساختار کالبدی بافت مسکونی است. هرچند با وجود امکاناتی که در محله‌های آپارتمان نشین مورد مطالعه در این پژوهش وجود دارد که به برقراری تعاملات اجتماعی کمک می‌کند (مانند فضای سبز، مرکز خرید) ولیکن این امکانات منتهی به برتری نسبی بافت‌های آپارتمانی در قیاس با بافت‌های ویلایی به لحاظ تعاملات چهره به چهره نشده است. بدان جهت می‌توان بیان کرد با نگرش به تجزیه و تحلیل داده‌ها، تعاملات چهره به چهره در محلات ویلایی نشین بیشتر از آپارتمان نشین است و ویلایی بودن محلات سبب می‌شود که همسایگان تعاملات چهره به چهره‌ی بهتری داشته و همدیگر را بیش‌تر بشناسند. این نتیجه با نتایج تحقیق داخل کشور مانند احمدشوشتری، محمدمنان رئیسی (۱۴۰۱) و سرعلی، شهرام پوردیپیمی (۱۴۰۰) و خارج کشور همانند هال وانسل (۲۰۱۹) مطابقت دارد. همانا در این پژوهش به دیده می‌رسد که تراکم ناخالص مسکونی در بافت‌های آپارتمانی در قیاس با محله‌های ویلایی بیشتر بوده است که از برهان‌های افزون‌تر بودن تعامل چهره به چهره در محله‌های ویلایی مورد مطالعه، وجود حریم‌های خصوصی و نیمه خصوصی بیشتر در محله‌های ویلایی نسبت به آپارتمان بوده است. این نتیجه با نتایج خارجی لیلینا کارواجیل (۲۰۱۱) و نتایج داخلی کمال قره‌خانی و همکاران (۱۳۹۷) و کیمیا رویان و همکاران (۱۳۹۷) همسو است.

تغییر الگوی سکونت از خانه ویلایی به آپارتمانی می‌تواند تأثیرات

۳. ابراهیمی مجرد، مانا؛ مظفر، فرهنگ؛ حسینی، باقر؛ و صالح صدق پور، بهرام. (۱۴۰۰). رابطه پیوندهای اجتماعی و معنایی با احساس هویت مکانی در محله مسکونی، مورد مطالعاتی: محله سپه شهر قزوین. *نشریه پژوهش‌های روان‌شناسی/اجتماعی*. ۴۴، ۹۳۱۲۲.

۴. بهزاد زاده حقیقی، نیلوفر؛ و فنائی، ساناز. (۱۳۹۹). اصول طراحی واحد همسایگی سرزنده مبتنی بر رویکرد بایوفیلیک، نمونه موردی: محله شهرک آزمایشگاه، منطقه دو شهر تهران. *نشریه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری*. ۲، ۵۱۶۲.

۵. باقری، مهدیه؛ صدیقی اورعی، غلام‌رضا؛ فرزانه، احمد؛ و یوسفی، علی. (۱۴۰۱). تعامل اجتماعی همسایگی، مساله‌ای شهری. *نشریه مطالعات جامعه شناختی شهری*. ۴۲، ۱۳۳.

۶. ثقه‌السلامی، عمیدالاسلام؛ و امین‌زاده، بهناز. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی. *نشریه هویت شهر*. ۱۳، ۳۳۴۵.

۷. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۴۰۱). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی.

۸. حدیری، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). تحلیل میزان نمودپذیری معانی مختلف خانه در الگوهای آپارتمانی و مستقل حیاطدار، نمونه موردی: شهر شیراز. *نشریه دو فصلنامه اندیشه معماری*. ۹، ۱۳۵۱۴۹.

۹. دی.کی. چینگ، فرانسیس (۱۳۸۸). *معماری فرم فضا نظم*. (زهره فراگوزلو، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. تهران: انتشارات روزنه.

۱۱. ذوالفقارزاده، حسن؛ جعفری‌ها، رضا؛ و دل زنده، علی. (۱۳۹۸). الگوی پیشنهادی معماری محله اسلامی ایرانی بر مبنای مدل نگره‌های زندگی ساز حکمت اسلامی. *نشریه اندیشه معماری*. ۵، ۳۳۵۵.

۱۲. رازقی، نادر؛ شارع‌پور، محمود؛ و ابراهیمی گنابی، حسن. (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان روابط همسایگی، مطالعه موردی: شهروندان ساکن شهر بابل. *نشریه جامعه‌شناسی ایران*. ۳، ۴۹۷۷.

۱۳. رستگار خالد، امیر؛ آران دشتی آرانی، سمیه؛ و صادقی آرانی، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و پیامدهای اصلی مرتبط با آن، مطالعه موردی: شهر آران و بیدگل، منطقه آران. *نشریه فصلنامه مطالعات توسعه/اجتماعی فرهنگی*. ۴، ۱۷۷۲۱۵.

۱۴. رئیس‌ی، محمد منان؛ و خلیفه شوشتری، احمد. (۱۴۰۱). تحلیل رابطه ساختار کالبدی بافت‌های مسکونی و تعاملات همسایگی، مورد مطالعاتی: رابطه الگوی مسکن و تعاملات چهره به چهره در محلات سمیه، باجک و فرهنگیان در شهر قم. *نشریه آرمان شهر*. ۴۰، ۱۱۷۱۲۷.

۱۵. رویان، کیمیا؛ و کهزادی سیف‌آباد، عمران. (۱۳۹۷). بازشناسی مفهوم

محل سکونت، ارتباطات را تسهیل می‌کند. این امکانات باعث می‌شود افراد به راحتی به همدیگر دسترسی داشته باشند و در نتیجه تعاملات بیشتری را تجربه کنند.

طراحی خیابان‌ها و کوچه‌ها نیز تأثیر زیادی در تعاملات چهره به چهره دارد. خیابان‌های گسترده و بزرگ، فرصت‌های بیشتری برای تعامل با همسایگان فراهم می‌کنند، درحالی‌که خیابان‌های باریک و کوچک ممکن است محدودیت‌هایی را در این تعاملات ایجاد کنند. ایجاد فضاهای شهری مناسب برای دیدار و گفتگو افراد نیز می‌تواند به بهبود تعاملات چهره به چهره کمک کند. ایجاد کافه، رستوران‌ها و فضاهای عمومی با محیط‌های دلنشین و صمیمی، مکان مناسبی برای دیدار و گفتگو افراد هستند.

کالبد محله تأثیر زیادی در احساس امنیت و همسایگی در جامعه دارد، محله‌هایی که فضاهای عمومی و امکانات اجتماعی دارند، افراد را به احساس امنیت و تعلق به جامعه تشویق می‌کنند.

با توجه به این پیشنهادها، می‌توان در کالبد بافت‌های مسکونی محله‌ها در شهر اهواز فضاهایی را ایجاد کرد که تعاملات همسایگی را تقویت کند و به تعاملات چهره به چهره و همبستگی در محله‌ها کمک کند.

۱- نقش نویسندگان

این پژوهش به عنوان فعالیت کلاسی مهندس ندا ارزانی بیرگانی در مقطع دکتری صورت گرفته است. که با راهنمایی جناب دکتر حامد حیاتی در سال ۱۴۰۲ به اتمام رسیده است.

۱- تعارض منافع نویسندگان

نویسندگان به طور کامل از اخلاق نشر تبعیت کرده و از هر گونه سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دو گانه، پرهیز نموده‌اند و منافعی تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسندگان در قبال اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند.

۱- فهرست مراجع

۱. ابراهیمی مجرد، مانا؛ و مظفر، فرهنگ. (۱۴۰۱). شناسایی ابعاد شکل‌گیری هویت مکانی در محله‌های مسکونی مبتنی بر دیدگاه متخصصان با کاربری تحلیل عامل. *دو فصلنامه اندیشه معماری*. ۱۴، ۱۴۱.

۲. امیرجانی، رحمت اله. (۱۳۹۲). *بررسی معماری منازل مسکونی شهرک نفت اهواز بر اساس رویکرد پاسخده‌ای*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران.

۵. همسایگی در بافت‌های مسکونی، نشریه علمی تخصصی معماری شناسی. ۱۹، ۵.
۱۶. سرعلی، رضا؛ و پوردیپیمی، شهرام. (۱۳۹۵). همسایگی و همسایه بودن. نشریه علمی پژوهشی صفا. ۱، ۵۲۴.
۱۷. سرعلی، رضا؛ و پوردیپیمی، شهرام. (۱۴۰۰). یک مدل نظری برای مطالعه روابط همسایگی در محیط‌های مسکونی. نشریه دو فصلنامه معماری ایرانی. ۲۰، ۲۳۹۲۵۸.
۱۸. سالاری پور، علی اکبر؛ رضانی، حمیدرضا؛ زالی، نادر؛ و صفای کارپور، مریم. (۱۳۹۷). بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دل‌بستگی به مکان، مطالعه موردی: محله ساغریسان شهر رشت. نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۳۴، ۳۵۸۸.
۱۹. شوئنوتر، نوربرت. (۱۳۸۰). مسکن حومه و شهر. (شهرام پوردیپیمی، مترجم). تهران: انتشارات روزنه.
۲۰. عباسی هرفته، محسن؛ و صادقیان، علی. (۱۳۹۸). الگوهای کالبدی همسایگی در بافت تاریخی یزد، شاخص‌ها، ابزارهای معمارانه و اصول معماری همسایگی. نشریه علمی باغ نظر. ۸۰، ۱۶۵.
۲۱. قره‌خانی، کمال؛ دژدار، امید؛ و جلیلیان، سارا. (۱۳۹۷). بررسی نقش فضاهای تعاملات اجتماعی بر کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی، مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی سعیدیه، کاشانی، بوعلی و امام رضا در شهر همدان. نشریه هویت شهر. ۴۰، ۱۲۰۱۰۹.
۲۲. کریمی، منیره. (۱۳۹۳). طراحی واحد همسایگی با تاکید بر مسئله‌ی حریم و حیات اجتماعی در بافت قدیم شهرستان شاهرود. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود.
۲۳. گلابی، فاطمه؛ و زارع زاده اردشیر، لیلا. (۱۳۹۲). روابط همسایگی و احساس امنیت اجتماعی. فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی. ۱۲، ۱۹۳۶.
۲۴. لنگ جان. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه‌های معماری. (علیرضا عینی‌فر، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. میرکتولی، جعفر. (۱۳۹۴). تحلیل شکل‌گیری واحدهای همسایگی به عنوان محور تشکیل و توسعه شهرهای ترکمن نشین، مطالعه موردی: شهر آق قلا. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. ۲۰، ۱۱۶.
۲۶. مهدی‌زاده، میثم؛ دشتی، فرشاد؛ و علیشیری، سکینه. (۱۳۹۴). هم پیوستاری خانه و شهر، خان‌های ایرانی جزئی از نظام همسایگی و محله با تاکید بر ارزش‌های شهر اسلامی. نشریه مدیریت شهری. ۴۳، ۳۴۳۳۶۶.
۲۷. ماجدی، حمید؛ موسی‌ئی جو، اکبر؛ و ذبیحی، حسین. (۱۴۰۰). نقش مولفه‌های کالبدی در حس مکان مجموعه‌های مسکونی، مقایسه دو مجموعه مسکونی کوی استادان و شهرک نیوسایت اهواز. نشریه مطالعات محیطی هفت حصار. ۳۶، ۱۹۳۴.
۲۸. مجتهدزاده، روح‌الله؛ و نام‌آور، زهرا. (۱۳۹۱). در جستجوی هویت شهری اهواز. انتشارات مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
- 29bernardo, F., & manuel palma oliveria, J. (2016). urban neighborhood and intergroup relations: the importance of place identity. *journal of environmental psychology*. 45, 239251.
- 30carvajal, L. (2011). *exploring the relationship between neighborhood social interactions and urban sprawl in U.S metropolitan regions*. master of regional planning, University of Massachusetts Amherst.
- 31davies, W., & Herbert, D. (1993) *communities within cities: an urban social geography*. London: Belhaven.
- 32farkisch, H.(2020). assessment of social interaction in sense of place: rethinking the design of neighborhood center in urban space, case study: boshrooyeh city. *Creative city design*. 3, 110121.
- 33ferguson, B., & ferguson, D. (2016). architectural and personal inflaenced on neighboring behaviors. *frontiers of architectural research*. 5, 194201.
- 34hele, O., & Caglar, M. (2019). *The Effect of Built Environment on Neighborhood Relations in the Context of Social Interaction*. Dissertation for Ph.D.
- 35lenzi, M., & Vieno, A. Pastore, M. Santinello, M. (2013). neighborhood social connectedness and adolescent civic engagement: an integrative model. *Journal of environmental psychology*. 34, 4554.
- 36 Manuela mendes, M., Jao, C., & Sa, T.(2017). *architecture and the social sciences (inter and multidisciplinary approaches between society and space)*. Berlin: springer international publishing.
- 37william pell, C.(2012). *neighborhood social interaction in public housing relocation*. Dissertation for Ph.D, Georgia State University.

نقش هویت بومی و محلی در ارتقاء برندسازی شهر خلاق (مطالعه موردی: شهر رشت)

علی اکبر سالاری پور*، آرمان حمیدی**، محمد نوری پور سدهی***، محمدحسین مغرور****، عرفان خانی*****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱

چکیده

برندسازی شهرخلاق رویکردی مهم در توسعه گردشگری شهری بوده که امروزه این رویکرد ذیل شناسایی ابعاد هویتی و فرهنگی شهرها مورد توجه است. هدف از این پژوهش شناسایی موثرترین مؤلفه‌های هویتی و بومی در ارتقاء برندسازی شهر خلاق رشت است. برای دستیابی به هدف تحقیق، براساس مطالعات مبانی نظری، چهار شاخص کلیدی در زمینه هویت‌های بومی محلی شهر رشت مشخص شدند و تأثیر هر کدام در برندسازی شهر خلاق مورد تحلیل قرار گرفت. اطلاعات به‌دست‌آمده از ۳۸۴ پرسشنامه، توسط نرم‌افزار SPSS و SmartPLS3 پردازش شد و نتایج پژوهش نشان داد که به‌ترتیب جاذبه‌های طبیعی و فرهنگ غذایی، جذابیت بیشتری در بین گردشگران و بازدیدکنندگان این شهر داشته‌اند؛ اما از سویی دیگر نتایج مدل‌سازی و بررسی تأثیر شاخص‌های مطرح‌شده، نشان از تأثیر بالای فرهنگ غذایی این محدوده بر برندسازی شهر رشت دارد. همچنین آداب و رسوم بومی و معماری و شهرسازی بومی در جایگاه بعدی شاخص‌های مؤثر بر برندسازی قرار می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی

برندسازی شهری، هویت بومی، شهر خلاق، گردشگری، شهر رشت.

Email: salaripour@guilan.ac.ir

* دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (مسئول مکاتبات)

** دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: armanhamidi@phd.guilan.ac.ir

*** دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: Mohammadnouripour93@gmail.com

**** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: mohammad.maqroor@gmail.com

***** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: Erfankhani41@yahoo.com

مقدمه

شهر رشت در سال ۲۰۱۵ به شبکه شهرهای خلاق خوراکی‌شناسی یونسکو پیوسته است (جعفری مهرآبادی و همکاران، ۱۳۹۶، ۶۸۱). اتخاذ این عنوان به دلیل تنوع بالای غذاها و خوراک در استان گیلان و شهر رشت بوده که نمایانگر هویت بومی و فرهنگ غذایی غنی شهر رشت است؛ اما سیاست‌های اتخاذ شده در جهت توسعه این قابلیت تا حد زیادی منفعل بوده است. این شهر علاوه بر داشتن فرهنگ متنوع خوراکی‌شناسی، دارای مؤلفه‌های هویت‌مدار بومی متعددی است که در رقابت‌پذیری شهر رشت با سایر شهرها، استفاده از آن‌ها همواره مورد غفلت واقع شده است؛ که از آن‌ها می‌توان به آداب و رسوم بومی، مشاغل بومی و صنایع دستی، معماری و شهرسازی و جاذبه‌های طبیعی شهر رشت اشاره کرد. بکارگیری هویت‌های بومی و ریشه‌دار محلی در راستای توسعه شهر خلاق و برندسازی برای آن‌ها، می‌تواند بر رشد اقتصادی و جذب گردشگر و سرمایه‌گذار و نیز احیاء مؤلفه‌های هویتی در شهر رشت اثرگذار واقع شود. بنابراین در راستای بهره‌برداری از هویت‌های بومی و محلی شهر رشت در ارتقاء برندسازی شهر خلاق، مهم‌ترین هدف پژوهش آن است که مؤثرترین مؤلفه‌های هویتی و بومی در راستای برندسازی شهر خلاق از دیدگاه گردشگران شناسایی شوند تا بتوان شاخص‌ها و گویه‌هایی که در انتخاب مقصد گردشگری شهر خلاق رشت اثرگذارند را شناسایی کرد. لذا پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این پرسش‌های اصلی است که، مهم‌ترین شاخص‌های هویت بومی شهر رشت در ایجاد و ارتقا برند شهر خلاق کدامند؟ و وضعیت هر یک از شاخص‌های هویت بومی در راستای ارتقا برندسازی شهر خلاق چگونه است؟

مبانی نظری

برندسازی شهری

بسیاری معتقدند برندسازی به ویژه در شهرها به عنوان ابزاری است که ادراک یک مکان، هویت و فرصت‌های آن را منعکس می‌کند (Gomez et al., 2015, 2). شهرها در رقابت با یکدیگر تلاش می‌کنند به وسیله قابلیت‌های جاذب و نمایش فرهنگ و هویت خاص خود تصویر ذهنی مثبتی برای گردشگران برجای گذارند. بر این اساس برنامه‌ریزان شهری برای بهره‌گیری از این مزایا به سمت رویکرد نوینی چون برندسازی گام برداشته‌اند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۶۲). تصویری که یک مقصد ارائه می‌دهد خلاصه‌ای از ادراکات، برداشت‌ها، انتظارات و احساسات هیجانی است که یک فرد نسبت به آن مقصد دارد که در موفقیت یا عدم موفقیت توسعه گردشگری مؤثر است؛ به این معنا که هر مکانی می‌تواند یک تصویر کلی داشته باشد. بنابراین برندها ارزش خاصی به محصولات می‌دهند، چرا که در ساخت هویت

در چند دهه اخیر با تغییر الگوهای مصرف و توسعه جهانی‌سازی، شهرها بیش از پیش شبیه به یکدیگر شده‌اند و ویژگی‌های منحصربه‌فرد شهرها رو به افول رفته است. امروزه شهرها به‌عنوان مقاصد گردشگری به‌طور فزاینده‌ای در حال رقابت با یکدیگر هستند و تلاش می‌کنند تا تصویر مقصد خود را از نظر توریستی متمایز کنند. بنابراین شهرها برای توسعه اقتصادی و جذب مخاطبان بیشتر، مزیت‌های ویژه و ارزشمند خود را از طریق استراتژی‌های مختلف نمایان می‌سازند تا با افزایش جذابیت، چشم‌انداز روشنی از توسعه بر پایه قابلیت‌های بالقوه برای خود فراهم آورند (Dudek Mankowska & Grochowski, 2019). شهر نه تنها از نظر مادی و اقتصادی، بلکه در افکار اجتماعی و از طریق تغییر شیوه‌های بازنمایی فرهنگی تولید می‌شود (Greenberg, 2000, 228). استفاده از رویکرد برندسازی شهر جهت بازنمایی الگوهای فرهنگی شهر علاوه بر توسعه اقتصادی می‌تواند متضمن احیاء فرهنگ‌ها و هویت‌های خاص و بومی هر شهری شود و در شکل‌گیری و باززنده‌سازی فضاهای معنادار شهری و گردشگری اثرگذار باشد (Nagaynay & Lee, 2020, 3). هویت‌های بومی بخش ناگسستنی از تاریخچه شهرها هستند. شهرهای هویت‌مند با جذابیت منحصربه‌فرد خود گردشگران بیشتری را جذب می‌کنند، به‌ویژه با ارائه محصولات گردشگری ناملموس با ویژگی‌های غنی محلی، که مورد علاقه گردشگران است (Su et al., 2020, 258). در شهرهای هویت‌مدار، ظرفیت رقابت‌پذیری هر شهر ارتباط مستقیمی با مؤلفه‌های بومی و هویتی آن مناطق دارد و عدم توجه به ظرفیت‌های بومی در سرمایه‌گذاری‌ها، به تضعیف هویت و تهدید حیات آن منتهی می‌شود (مولائی، ۱۳۹۸، ۱۳۰). در دوره‌ای که محصولات گردشگری به‌طور کامل تجاری شده است و گردشگران آن‌ها را نوعی محصولات گردشگری کم‌ارزش در نظر می‌گیرند، تنها یک فرهنگ بومی با اصالت می‌تواند نیازهای معنوی گردشگران را برآورده کند (Su et al., 2020, 258; Zhu, 2015).

با توسعه رویکرد نسبتاً نوظهور برندسازی شهری به‌عنوان یک استراتژی، رویکرد شهر خلاق و کاربست آن برای توسعه برندسازی شهری بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. استراتژی شهر خلاق با تشکیل گفتمان جدیدی برای به‌کارگیری از امکانات فرهنگی شهر و رویکردهای برنامه‌ریزی فرهنگی، به‌عنوان پاسخی به بحران شهری، ارزش پیدا کرده است (Grodach, 2017, 85). ایجاد محیطی خلاق که ارائه‌کننده‌ی پروژه‌های خلاقانه در راستای برندسازی شهر است، موجب توسعه اقتصادی و ورود شهر به عرصه رقابت‌پذیری می‌شود (محمودی‌آذر و داوودپور، ۱۳۹۷، ۱۲۳).

که استعدادها و قابلیت‌های موجود را شناسایی، پرورش و جذب کند و زمینه را برای تداوم آن فراهم آورد (Landry, 2006, 16). شهرخلاق از جدیدترین رویکردها در برنامه‌ریزی شهری است که چگونگی تفکر، برنامه‌ریزی و عمل خلاقانه مردم را توضیح می‌دهد و این موضوع بیانگر این است که چگونه می‌توان شهرها را با بهره‌گیری از تفکرات و استعدادهای افراد، زیست‌پذیر و سرزنده کرد (Landry, 2012, 11). به نظر می‌رسد با استفاده از هنر برای نمایش مزیت‌ها و ساخت درک بین مردم، ایجاد اقتصاد و صنایع خلاق و حتی اتخاذ یک رویکرد خلاق برای حل مسائل مدنی در ارتباط است (حمیدی و همکاران، ۱۴۰۰، ۴۴۲). پایه‌های شهرخلاق را در سه زمینه اقتصاد، فرهنگ و مکان می‌توان در نظر گرفت، که با استفاده از برنامه‌ریزی یکپارچه بین مکان، اقتصاد و فرهنگ تولید ثروت نمایند. این مسئله با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگ بومی شهرها نمود می‌یابد (Baeker & Murray, 2008, 21). زیرا این فرهنگ و خلاقیت است که بیش از پیش به ارزش‌های اصلی مکان تبدیل و قابل درک برای شهروندان می‌شود (Mankowska & Grochowski, 2019, 275).

خلاقیت و گردشگری

خلاقیت براساس کارکرد خود طیف وسیعی از تفاسیر دارد که اخیراً، تأکید بر بعد هویتی و فرهنگی در آن نمود بیشتری یافته، در نتیجه تفاسیر اجتماعی از خلاقیت در گردشگری آشکارتر شده است (AlAbabneh, 2019). فرهنگ و خلاقیت اغلب ارزش‌های اصلی برندسازی مکان هستند. برندسازی به فرهنگ و خلاقیت به‌عنوان یک دارایی مکان می‌نگرد؛ چیزی که مکان دارد، به جای چیزی که در آن مکان است (Ashworth & Kavaratzis 2015, 131). این بحث که مکان‌های خلاقانه افراد خلاق را جذب می‌کنند، چنان به طور گسترده پذیرفته شده است که «فرهنگ و خلاقیت تقریباً به عنوان یک شعار در توسعه شهری در سراسر جهان ظاهر شده است». بنابراین خلاقیت به طرق مختلفی در گردشگری مورد استفاده قرار گرفته است، از جمله (Richards, 2014):

توسعه محصولات و تجربیات گردشگری.

احیاء محصولات موجود.

ارزش‌گذاری دارایی‌های فرهنگی و خلاق.

ارائه دستاوردهای اقتصادی برای توسعه خلاق.

استفاده از تکنیک‌های خلاقانه برای افزایش تجربه گردشگری

افزودن هیاهو و جو به مکان‌ها.

سه شکل خاص از توسعه خلاق مرتبط با گردشگری همچون مکان‌های خلاق، رویدادهای خلاق و گردشگری خلاق در شهرها

سهیم هستند و مصرف‌کننده را با جامعه کاربران برند پیوند می‌دهند. تا زمانی که شهرها به دنبال رقابت با یکدیگر هستند، برندسازی شهری آگاهانه یا ناآگاهانه انجام می‌شود (Tsaur et al., 2016, 3). برندسازی جریانی را در ذهن گردشگر نمایان کرده و وی را خواهان بازدید از مکانی می‌کند که به واسطه‌ی تصویر ذهنی شکل گرفته است و در واقع با این تصمیم خود، کالای غیرملموسی را خریداری می‌کند (منوریان و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۲). کاواواتزیس استدلال می‌کند که شهرها شبیه برندهای شرکتی هستند زیرا آن‌ها موجودیت‌های پیچیده‌ای هستند که با هویت‌های مختلفی سروکار دارند، ذی‌نفعان مختلف را مورد خطاب قرار می‌دهند و مسئولیت‌های اجتماعی دارند. برندسازی شهری رویکردی نوین به سمت توسعه شهرهای پایدار است. بیشتر شهرها با تلفیق عناصر هویت‌ساز خود از طریق برخی راهبردهای جدید سعی در تقویت تصویر بصری خود برای دستیابی به تصویر شهری پایدار دارند (Rehan, 2014, 8). این نوع رویکرد، به منظور افزایش گردشگری و سرمایه‌گذاری در شهرها و دستیابی به مزیت رقابتی و همچنین ترویج توسعه اجتماعی و تقویت هویت محلی برای اجتناب از محرومیت اجتماعی و ناآرامی گسترش داده می‌شود (Fahmi et al., 2021, 5). راهبردهای توسعه در مکان‌های خلاقانه باید با نوآوری اقتصاد خلاق و به‌عبارتی ترویج خلاقیت و ارزش آفرینی در کسب و کارهای خلاق همسو باشند؛ اما راهبردهای خلاقانه ممکن است صرفاً مربوط به ترویج نوآوری نباشند، بلکه می‌توان گفت در برخی مواقع راهبردها بر برجسته‌سازی هویت فرهنگی و محلی متمرکز شده‌اند (Fahmi et al., 2021, 5).

شهر خلاق

نخستین بار عنوان شهر خلاق توسط یونسکو مطرح شد. اما مفهوم امروزی شهر خلاق با آنچه سازمان یونسکو در آن دوره عنوان کرد متفاوت است. در سال ۲۰۰۲ یونسکو اعلام کرد: «هرچند تاکنون به آثار تاریخی و باستانی کشورها اهمیت داده‌ایم اما از این پس باید به فرهنگ شهری هم توجه کنیم» (حمیدی و همکاران، ۱۴۰۰، ۴۴۲). شهر خلاق بر تولیدات فرهنگی متمرکز است؛ یعنی تولید کالاها و خدمات فرهنگی با فعالیت‌هایی در ارتباط قرار می‌گیرند که مرکز خلاقیت محسوب می‌شوند. مفاهیم شهر خلاق و گردشگری خلاق هم‌اکنون نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی فرآیند برنامه‌ریزی توسعه شهری داشته‌اند (سالاری‌پور و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۲۸). فلسفه شهر خلاق این است که در یک مکان، همیشه قابلیت خلاق وجود دارد که مردم می‌توانند درباره آن فکر کنند و در بهره‌برداری از این فرصت‌ها برنامه‌ریزی و ابتکار عمل داشته باشند. همچنین شهری خلاق است

خلق مزه‌های مختلف توسط مردم گیلان به شبکه شهرهای خلاق خوراکی‌شناسی یونسکو پیوست (جعفری مهرآبادی و همکاران، ۱۳۹۶، ۴۸۱)؛ و دیگری، جاذبه‌های موسیقیایی شهر خلاق سنندج است که به واسطه‌ی موسیقی غنی فولکلور و محلی، اخیراً در شبکه شهرهای خلاق یونسکو به ثبت رسیده است (بسته‌نگار و قمری، ۱۳۹۹، ۲۸۰). در این دو شهر، دو مؤلفه‌ی پرواضح از هویت‌های برخاسته از زیست‌بوم در جهت توسعه رویکرد شهر خلاق و برندسازی مورد توجه قرار گرفته‌اند، و آن‌ها را به هویتی قابل عرضه مبدل نموده‌اند.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش ابتدا با مرور مقالات یکی از مهم‌ترین محققان در عرصه برندسازی شهر، یعنی میکالیس کاوارتزیس و همکارانش آغاز می‌شود؛ تحقیقات چندین‌ساله‌ی وی در این عرصه موجب بسیط‌شدن رویکرد برندسازی و ادغام آن با سایر رویکردها از جمله رویکرد شهر خلاق شده و سبب بنیان بسیاری از تحقیقات دیگر از سایر محققان و پژوهشگران است. در ادامه، سایر پژوهش‌های مرتبط با موضوع در پژوهش‌های خارجی و داخلی در جدول ۱ بررسی می‌شوند.

مستندسازی شاخص‌ها

با مطالعه مبانی نظری و پیشینه تحقیق، شاخص‌های قابل استفاده و بهره‌برداری از مؤلفه‌های هویتی بومی و محلی شهر رشت در راستای ارتقاء برندسازی شهر خلاق شناخته شدند که در جدول ۲ آمده‌است. این شاخص‌ها ابتدا با مرور مهم‌ترین مقالات منتشرشده و شاخص‌های مورد استفاده در مطالعات جهان انتخاب شدند و سپس شاخص‌ها با شرایط زمینه‌ای و مؤلفه‌های بومی در شهر رشت انطباق داده و انتخاب شدند تا بتوان استنتاج کرد که از دیدگاه گردشگران، به ترتیب کدام یک از مؤلفه‌های بومی و هویتی شهر رشت می‌تواند به‌عنوان عاملی برای مقصد سفر تاثیر بیشتری داشته باشد و از این راه به ارتقاء برند خلاق شهر رشت بیافزاید. شکل ۱، چهارچوبی مفهومی از این پژوهش است. با توجه به پرسش‌های پژوهش، شناسایی و ارزیابی وضعیت شاخص‌های بومی و هویتی شهر رشت اهمیت می‌یابد که در مدل مفهومی بدان اشاره شده است؛ چرا که شناخت و میزان اهمیت هر یک از شاخص‌های بومی و هویتی در راستای ارتقاء برندسازی شهر خلاق رشت، هدف اصلی این پژوهش بوده است. همچنین طبق مدل مفهومی، انطباق برندسازی و رویکرد شهر خلاق در حضور هویت‌های بومی و محلی، موجب ارتقاء کیفیت برندسازی، افزایش انتخاب شهر به‌عنوان مقصد سفر و در نتیجه، موجب توسعه اقتصادی و فرهنگی شهر می‌شود.

مورد توجه قرار گرفته است. این دسته‌بندی را نباید به‌طور مجزا انگاشت چرا که روابط ادغام‌شده‌ای بین آنها وجود دارد. برای مثال، رویدادها در حال تبدیل شدن به قطب‌هایی در شبکه‌های جهانی هستند که خلاقیت را در مکان‌های خاص متمرکز می‌کنند و فضاهای فرهنگی، محلی لازم برای توسعه گردشگری خلاق را فراهم می‌کنند (Richards & Wilson, 2006). بنابر مطالب عنوان شده، جلب توجه و رضایت خاطر گردشگران، با استفاده از قابلیت‌های خلاق شهر می‌تواند منجر به افزایش بازدیدکنندگان شود؛ چرا که بدون وجود گردشگر، جذب سرمایه‌گذاری و نیز توسعه اقتصادی در مکان‌های شهری میسر نمی‌شود یا به عبارتی، توسعه اقتصادی بدون وجود گردشگر در برنامه‌ها و طرح‌های شهر خلاق، بی‌معنا است.

هویت بومی؛ هویت شهری

لینچ هویت را عاملی تعریف می‌کند که فرد می‌تواند مکانی را از مکان‌های دیگر متمایز کند، تشخیص دهد یا به یاد بیاورد. (لینچ، ۱۳۹۵). هویت شهر نوعی شکل‌گیری اجتماعی است که طی یک دوره زمانی طولانی با ویژگی‌های جغرافیایی، فرهنگی، معماری، آداب و رسوم و سنت‌های محلی و سبک زندگی شکل می‌گیرد (Ongul, 2012). پس می‌توان گفت که هویت یک شهر، پدیده‌ای تاریخی است و در طول زمان تغییر یا تکامل یافته است. همچنین هر شهر باید شخصیت و هویت خاص و بارز خود را داشته باشد (وئوقی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۰). در شهرهای گردشگرپذیر حضور گردشگران موجب آگاه شدن ساکنان محلی از ارزش سنت‌های خود شده و در آن‌ها نوعی حس غرور ایجاد می‌کند که سبب تعلق خاطر فرد به شهر خود می‌شود (Cancen, 2014, 108). علاوه بر این، عناصری نظیر نمادها و جنبه‌هایی که یک شهر از شهر دیگر متمایز می‌کنند، هسته اصلی استراتژی برند شهری است. چرا که ارتباط نزدیکی بین هویت یک شهر و مزیت‌های رقابتی و برند شهری وجود دارد (محمدپور زرندی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۲۳).

بخش مهمی از عوامل هویت‌ساز شهرها، خصوصاً شهرهای قدیمی، هویت‌های بومی‌ای بوده است که برخاسته از اقلیم و جغرافیای طبیعی، خرده فرهنگ‌ها، آداب و رسوم و سایر مؤلفه‌های خاص و منحصربه‌فرد سکونتگاه‌های انسانی هستند که سبب ایجاد زمینه‌های رقابت‌پذیری و تشخیصی برای مکان شده‌اند و برای جامعه‌ی بیرون و درون آن معنادار است. دو نمونه از نمود بهره‌برداری از هویت‌های خاص بومی به‌منظور برندسازی شهر خلاق در داخل کشور، یکی شهر رشت به‌عنوان اولین شهر ایران است که در سال ۲۰۱۵ به دلیل وجود ۲۲۰ نوع خوراک محلی، تنوع خوراک و فرآورده‌های غذایی محلی و

جدول ۱. پیشینه پژوهش
Table 1. Background of the research

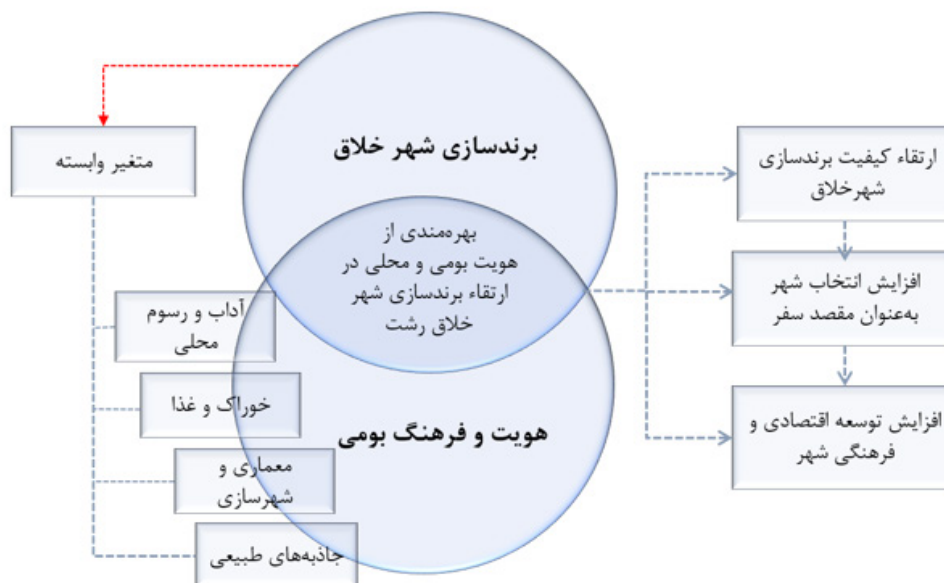
محقق / سال	عنوان	یافته‌های تحقیق
Kavaratzis, & Hatch, (2013)	The dynamics of place brands: An identitybased approach to place branding theory	ابتدا مفهوم غالب هویت در برندسازی مکان ارزیابی شده و استدلال می‌شود که درک بهتر رابطه بین هویت مکان و برندهای مکان ممکن است نظریه برندسازی مکان را ارتقاء دهد.
Kavaratzis (2017)	The Participatory Place Branding Process for Tourism: Linking Visitors and Residents Through the City Brand	پیشنهاد اصلی مطرح شده، «فرایند برندسازی مشارکتی مکان» به‌ویژه در محیط گردشگری است که مشارکت به عنوان ابزاری ارزشمند برای برندسازی مکان پیشنهاد می‌شود.
Campbell, (2010)	Creative tourism providing a competitive edge	با ایجاد اشکال مختلفی از گردشگری خلاق می‌توان منجر به ایجاد فرصتی جهت افزایش تجارب فرهنگی موجود و ارائه تمایز در رقابت با سایرین، فرصت‌هایی برای ارائه تجربیات محلی و منافع اقتصادی شد.
Herezniak & Anders-Morawska, (2015)	City brand strategy evaluation: in search of effectiveness indicators	هر شهری برای برندسازی ایده‌های خلاقانه را با کلیشه‌های مشابهی به نمایش نمی‌گذارد. در واقع خلاقیت فی‌نفسه دارای اصل تنوع است و به منظور موفقیت در رویکردهای برندسازی، می‌توان با ایده‌پردازی‌های خلاقانه تصویر منحصری را برای مخاطبان خلق کرد.
Grodach, (2017)	Urban cultural policy and creative city making	هنر و فرهنگ علت توسعه دارایی‌ها و صنایع دانش شناخته می‌شود و سیاست‌های شهر خلاق و سیاست‌های فرهنگی به‌عنوان شکلی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌های توسعه شهری، نقش مهمی در برنامه‌ریزی‌های برندسازی شهری دارد.
Kakiuchi, (2016)	Culturally creative cities in Japan: Reality and prospects	در این پژوهش مشخص می‌شود که چگونه ارتقاء و ترویج صنایع دستی سنتی و سایر اقدامات ظرفیت‌ساز، به افزایش جذابیت یک شهر کمک می‌کند و به‌طور غیرمستقیم از صنایع خدمات‌محور از جمله گردشگری فرهنگی حمایت می‌شود که این امر منجر به افزایش بازدیدکنندگان و گردشگران از این شهر می‌شود.
Gatean & et al, (2020)	The role of urban food networks in city branding: A qualitative inquiry	با تحقیق اکتشافی مبتنی بر مصاحبه‌های کیفی در مورد نقش شبکه‌های خوراکی شهر در برندسازی شهری نشان می‌دهند که جذب بازدیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و ایجاد کسب و کارهای خلاق، فرصت‌هایی برای شکل‌گیری هویت برند متمایزتر ایجاد می‌کند. همچنین ناامیدی از سطوح اداری و بروکراسی موجب عقب‌گرد در شکل‌گیری شبکه‌های خلاق و توسعه برندسازی شهر می‌شود.
Miftahuddin & et al, (2021)	City branding and its variables: The evidence from Indonesia	با استفاده از روش پیمایشی از نوع ارائه پرسش‌نامه و ابزار تحلیل حداقل مربعات جزئی (PLS)، متغیرهای مؤثر بر گردشگری در مقصد مکان برند مورد ارزیابی قرار گرفتند و به این نتیجه رسیدند که تأثیر معیار جذابیت برند شهر، اولویت اصلی گردشگران به مقصد گردشگری است.
Rodrigues, & Schmidt, (2021)	How the Creative Class Cocreates a City's Brand Identity: A Qualitative Study	با اتخاذ روش کیفی مبتنی بر مصاحبه و توسعه نظریه زمینه‌ای، نتیجه گرفتند که طبقه خلاق یک ذینفع مهم در فرایند شکل‌گیری هویت مکان و همچنین سازمان‌های بازاریابی مقصد است.
وثوقی و همکاران (۱۳۹۹)	واکاوی ظرفیت برندسازی شهری و عناصر برند در مقصد گردشگری مبتنی بر رویکرد هویت مینا	با رویکرد مبتنی بر هویت به استفاده از عناصر نمادین برند و مؤلفه‌های گردشگری شهری همچون فرهنگ، هویت و تصویر مقصد پرداخته‌اند. با توجه به نتایج یافته‌ها متغیرهای فرهنگ و تصویر مقصد تأثیر بسزایی بر عناصر نمادین برند و برندسازی شهری داشته است.
وثوقی و همکاران (۱۳۹۷)	ارزیابی تأثیر هویت شهر بر رضایت و وفاداری گردشگران (مطالعه موردی: شهر کرمان)	هویت شهر عامل مهمی در ارتباط میان گردشگر و مقصد است و بر رضایت و وفاداری گردشگر نسبت به مقصد اثر مستقیم و معناداری دارد.
دوستی و همکاران (۱۳۹۸)	سنجش ظرفیت‌های گردشگری خلاق در کلان‌شهر تبریز	شهر تبریز نه تنها دارای ظرفیت گردشگری خلاق است، بلکه با سرمایه‌گذاری در امور فرهنگی و غنای فضاهای شهری می‌تواند در کنار تبدیل شدن به مکانی برای جذب طبقه خلاق، سرمایه‌های ارزشمندی را پرورش داده و سرانجام به شهری خلاق تبدیل شود.

ادامه جدول ۱. پیشینه پژوهش
Continuie of Table 1. Background of the research

محقق / سال	عنوان	یافته‌های تحقیق
محمودی آذر و داوودپور (۱۳۹۷)	برندسازی شهری برای تحقق شهر خلاق؛ ارائه نظریه ای داده بنیاد (مطالعه موردی: شهر ارومیه).	به ارائه مدل برندسازی شهری برای تحقق مفهوم شهر خلاق با استفاده از تئوری داده‌بنیاد در شهر ارومیه پرداختند. در این پژوهش مهم‌ترین قابلیت‌های شهر ارومیه زمینه‌های طبیعی و تاریخی است که تاکنون بهره چندانی از این قابلیت‌ها صورت نگرفته است.
محمودی آذر و داوودپور (۱۳۹۸)	بررسی نقش برندسازی شهری در تحقق مفهوم شهر خلاق؛ (مورد مطالعه: ارومیه)	میزان اعتبار و آوازه شهر نقش اساسی در تصویرسازی شهر در تداعی و اذهان عمومی و در نتیجه تبدیل کردن شهر به یک برند مقصد را برعهده خواهد داشت.

جدول ۲. شاخص‌های مؤثر بر برندسازی شهر خلاق برگرفته از پیشینه پژوهش
Table 2. Effective indicators on creative city branding taken from the background of the research

منابع	شاخص‌ها
Tsaur et al., 2016; Chen & Phou, 2013; Barani, 2021.	آداب و رسوم بومی
Suna & Alvarez, 2021; Lin et al., 2011.	خوراک و غذا
Ellisa, 2011; Tsaur and et al, 2016; Barani, 2021.	معماری و شهرسازی
Jegdic & Gradinac, 2016; Barani, 2021; Chen & Phou, 2013.	جاذبه‌های طبیعی



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش
Figure 1. Conceptual model of the research

روش پژوهش

غذایی» به ترتیب میانگین ۳/۹۳ و ۳/۵۵ به خود اختصاص داده‌اند. همچنین گوپه «علاقه‌مندی به جاذبه‌های طبیعی رشت» با کسب میانگین ۴/۱۲ و از سویی دیگر گوپه «آشنایی با بناهای تاریخی و قدیمی رشت» با کسب میانگین ۲/۶۸، به ترتیب بالاترین و کمترین میانگین را در بین تمامی گوپه‌های پژوهش به خود اختصاص داده‌اند. در این بخش با بهره‌گیری از نرم‌افزار Smart PLS3 ضمن ارزیابی و سنجش نقش کلی متغیرها، مدل مطلوب برای این تحقیق ارائه شده‌است. در این شیوه مدلسازی مقادیر بارهای عاملی هر یک از متغیرها باید حداقل ۰/۴ باشند. به این صورت که اگر بار عاملی هر متغیر بیش از حد استاندارد ۰/۴ باشد، در این صورت این گوپه از دقت لازم برای سنجش آن سازه یا صفت مکتون برخوردار است و می‌توان این گوپه یا سوال مورد نظر را حفظ کرد. همچنین از شاخص آلفای کرونباخ (Cronbach's Alpha) و شاخص پایایی ترکیبی (Composite reliability) به منظور بررسی پایایی و ارزیابی قابلیت اطمینان سازگاری درونی متغیرهای مدل اندازه‌گیری بهره گرفته شده‌است. در همین راستا برای این شاخص‌ها مقادیر بالای ۰/۷ قابل قبول است و هرچه این مقدار به ۱ نزدیک‌تر باشد نتایج به‌دست‌آمده مطلوب‌تر خواهد بود. در ادامه از شاخص متوسط واریانس استخراج شده (AVE) به‌منظور سنجش و بررسی روایی همگرایی مدل پژوهش استفاده شده‌است. روایی همگرا به‌منظور بررسی اینکه هر متغیر دارای بیشترین همبستگی با سازه خود نسبت به سایر متغیرها باشد مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شاخص به بررسی تبیین واریانس نشانگرها توسط متغیر پنهان می‌پردازد، به بیانی دیگر به سنجش و بررسی میزان همبستگی یک‌به‌یک متغیرهای پنهان با سوالات مربوط به خودشان می‌پردازد که حداقل مقدار قابل قبول برای این شاخص، ۰/۵ است. در انتها نیز از ضریب Rho بهره گرفته شده است که مهم‌ترین آزمون برای اندازه‌گیری همگرایی و تک‌بعدی بودن متغیرهای پنهان در برآورد حداقل مربعات جزئی است و مقادیر بالای ۰/۷ برای این شاخص قابل قبول هستند.

همانطور که در **جدول ۴** قابل مشاهده است، مقادیر پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ، متوسط واریانس و Rho بدست آمده برای تمامی متغیرها قابل قبول و مطلوب است. بر همین اساس پایایی و همسانی درونی گوپه‌های پژوهش و روایی همگرایی مورد تأیید قرار می‌گیرند. از شاخص فورنل و لاکر به جهت بررسی روایی و اگرایی (روایی تشخیصی) مدل اندازه‌گیری تحقیق استفاده شده‌است. جذر میانگین واریانس استخراج شده هر متغیر پنهان باید بیشتر از حداکثر همبستگی آن متغیر با دیگر متغیرهای پنهان مدل باشد. به بیانی

این پژوهش از لحاظ ماهیت از نوع کمی، و از لحاظ هدف کاربردی به‌شمار می‌آید. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی تحلیلی است که جمع‌آوری اطلاعات از طریق پیمایش و ابزار پرسشنامه انجام شده است؛ که سوالات پرسشنامه با مطالعه مبانی نظری و پس از مستندسازی شاخص‌ها (از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای) تدوین شده است. پنج شاخص مستخرج از مبانی نظری با استفاده از چند گوپه مورد بررسی قرار گرفت و جامعه آماری در این پژوهش افرادی هستند که گردشگر محسوب شده و بومی یا ساکن شهر رشت نبوده‌اند. در محاسبه حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شده که تعداد آن ۳۸۴ محاسبه شده است. همچنین اطلاعات حاصل از پرسشنامه جهت تأیید صحت به‌صورت کمی وارد نرم‌افزار SPSS شد، تا مقدار آلفای کرونباخ آن محاسبه شود که این ضریب با مقدار ۰/۹۳۲ نشانگر اعتبار درونی و پایایی خوب پرسشنامه است. سپس با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS3 به تحلیل یافته‌ها پرداخته شده است.

نمونه مورد پژوهش

شهر رشت از دوره صفوی تاکنون مرکز گیلان بوده است (محمودپور و همکاران، ۱۳۹۶، ۹۸). این شهر با قابلیت‌های تاریخی و گردشگری فراوان خود یکی از مهم‌ترین شهرهای توریستی کشور شناخته می‌شود (فریدی فستمی و همکاران، ۱۳۹۹، ۷۲). که با توجه به سبقه تاریخی یاد شده، لایه‌های متعدد اجتماعی با وقوع رویدادهای مختلف سیاسی، فرهنگی و... در ظرف زمانه رفته رفته سبب شکل‌گیری هویت و ارزش‌های خاصی در این شهر شده‌اند. از خیل مؤلفه‌های گوناگون هویتی و فرهنگی شهر رشت، چهار مؤلفه‌ی مهم هویت‌مدار این شهر یعنی آداب و رسوم محلی، خوراک و غذا، معماری و شهرسازی، و جاذبه‌های طبیعی شهر مورد مطالعه قرار گرفتند.

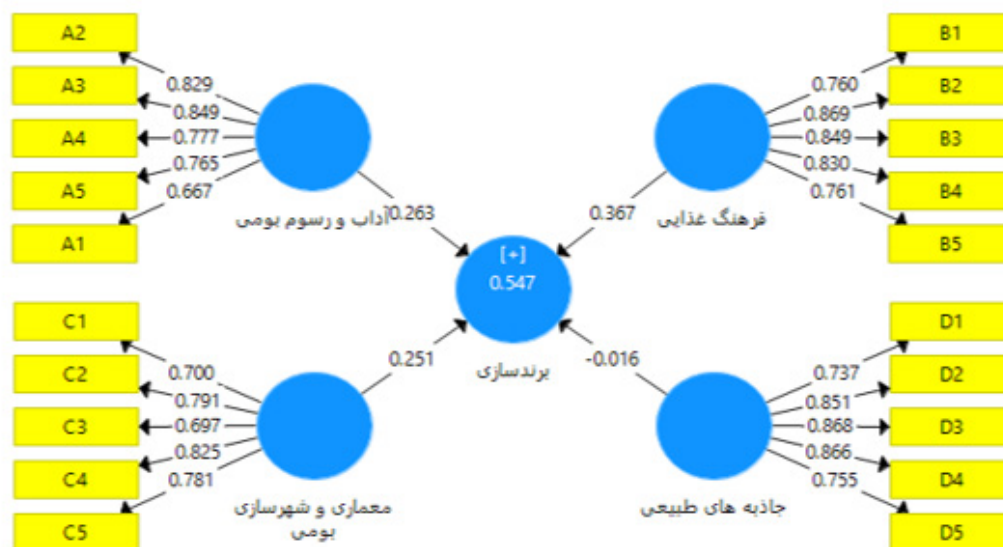
یافته‌های پژوهش

پس از بررسی اطلاعات جمعیت شناختی، در این بخش در **جدول ۳** به بررسی میانگین گوپه‌ها و شاخص‌ها و همچنین کدبندی گوپه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه شهر رشت دارای برند شهر خلاق خوراک است، لذا در این پژوهش برندسازی شهر خلاق به‌عنوان متغیر وابسته در این پژوهش مطرح شده است، تا بررسی شود که کدامیک از مؤلفه‌های هویتی و بومی می‌توانند تاثیر بیشتری بر برندسازی شهر خلاق رشت داشته باشند.

براساس **جدول ۳**، شاخص‌های «جاذبه‌های طبیعی» و «فرهنگ

جدول ۳. انحراف از معیار و میانگین شاخص‌ها و گویه‌های پژوهش
Table 3. Deviation from the standard and average of indicators and research subjects

شاخص‌ها	کد گویه‌ها	گویه‌ها	میانگین	انحراف از معیار	بار عاملی
آداب و رسوم بومی	A1	آشنایی با فرهنگ بومی و محلی شهر رشت	۲/۷۷	۱/۰۴۷	۰/۶۶۷
	A2	جذابیت فرهنگ و هویت بومی مردم این شهر	۳/۷۸	۰/۹۱۶	۰/۸۲۹
	A3	علاقه‌مندی به فرهنگ و هویت بومی شهر رشت	۳/۷۱	۰/۹۵۳	۰/۸۴۹
	A4	انتخاب این شهر به‌عنوان مقصد گردشگری به‌دلیل فرهنگ و هویت ویژه آن	۳/۶۲	۱/۰۲۶	۰/۷۷۷
	A5	فرهنگ و هویت بومی مردم این شهر به‌عنوان نماد اصلی شهر	۳/۶۶	۱/۰۸۶	۰/۷۶۵
		کل	۳/۵۱	۰/۷۷۹	
فرهنگ غذایی	B1	آشنایی با غذاهای بومی و محلی شهر رشت	۳/۳۳	۱/۲۱۴	۰/۷۶۰
	B2	جذابیت غذاهای بومی و محلی شهر رشت	۳/۷۴	۱/۱۰۵	۰/۸۶۹
	B3	علاقه‌مندی به غذاهای محلی و بومی شهر رشت	۳/۸۴	۱/۰۲۶	۰/۸۴۹
	B4	انتخاب این شهر به‌عنوان مقصد گردشگری به دلیل غذاهای محلی ویژه آن	۳/۲۰	۱/۱۳۹	۰/۸۳۰
	B5	غذاهای محلی این شهر نماد اصلی این شهر است	۳/۶۴	۱/۰۷۳	۰/۷۶۱
		کل	۳/۵۵	۰/۹۰۴	
معماری و شهرسازی بومی	C1	آشنایی با بناهای تاریخی و قدیمی شهر رشت	۲/۶۸	۱/۱۵۵	۰/۷۰۰
	C2	جذابیت معماری بناهای تاریخی این شهر	۳/۳۳	۰/۹۷۳	۰/۷۹۱
	C3	علاقه‌مندی به بازدید از بناهای تاریخی شهر رشت	۳/۹۱	۰/۹۷۹	۰/۶۹۷
	C4	انتخاب این شهر به‌عنوان مقصد گردشگری به دلیل معماری ویژه و بناهای تاریخی آن	۳/۲۸	۱/۰۹۸	۰/۸۲۵
	C5	بناهای نمادین و تاریخی این شهر نماد اصلی این شهر است	۳/۴۲	۱/۰۶۳	۰/۷۸۱
		کل	۳/۳۲	۰/۷۹۹	
جاذبه‌های طبیعی	D1	آشنایی با جاذبه‌های طبیعی شهر رشت	۳/۳۹	۱/۰۶۹	۰/۷۳۷
	D2	جذابیت جاذبه‌های طبیعی این شهر	۴/۰۷	۰/۹۲۷	۰/۸۵۱
	D3	علاقه‌مندی به جاذبه‌های طبیعی شهر رشت	۴/۱۲	۰/۸۹۹	۰/۸۶۸
	D4	انتخاب این شهر به‌عنوان مقصد گردشگری به دلیل جاذبه‌های طبیعی آن	۴/۰۸	۰/۹۹۰	۰/۸۶۶
	D5	جاذبه‌های طبیعی این شهر نماد اصلی این شهر است	۴/۰۰	۰/۹۸۰	۰/۷۵۵
		کل	۳/۹۳	۰/۷۹۱	
برندسازی شهر خلاق	E1	آشنایی با برند شهر خلاق خوراک شهر رشت	۲/۶۷	۱/۲۹۲	۰/۷۲۱
	E2	مطلوب بودن عنوان برند شهر خلاق خوراک و غذا برای این شهر	۳/۳۲	۱/۲۶۶	۰/۸۴۷
	E3	علاقه به برند خلاقیت این شهر	۳/۳۳	۱/۰۹۵	۰/۸۵۱
	E4	انتخاب این شهر به‌عنوان مقصد گردشگری به‌دلیل برند بودن گردشگری شهر	۲/۹۲	۱/۱۶۰	۰/۸۳۵
	E5	توصیه این مقصد گردشگری به دیگران به دلیل برند خلاقیت این شهر	۳/۰۴	۱/۱۸۶	۰/۸۲۵
	E6	شایستگی این شهر در کسب برند شهر خلاق از سوی یونسکو	۳/۷۶	۱/۰۸۱	۰/۷۰۳
		کل	۳/۱۷	۰/۹۴۱	



شکل ۲. مدل ساختاری پژوهش
Figure 3. Structural model of the research

تعامل بیشتری با شاخص‌های خود نسبت به سازه‌های دیگر دارند بر همین اساس روایی واگرایی این مدل مورد تأیید قرار گرفته است. باتوجه به شکل ۳ و آزمون معناداری مدل پژوهش که همه مقادیر بدست آمده بزرگتر از ۲/۵۸ هستند، به جز شاخص جاذبه‌های طبیعی، در نتیجه آزمون معناداری این مدل با سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد قبول است.

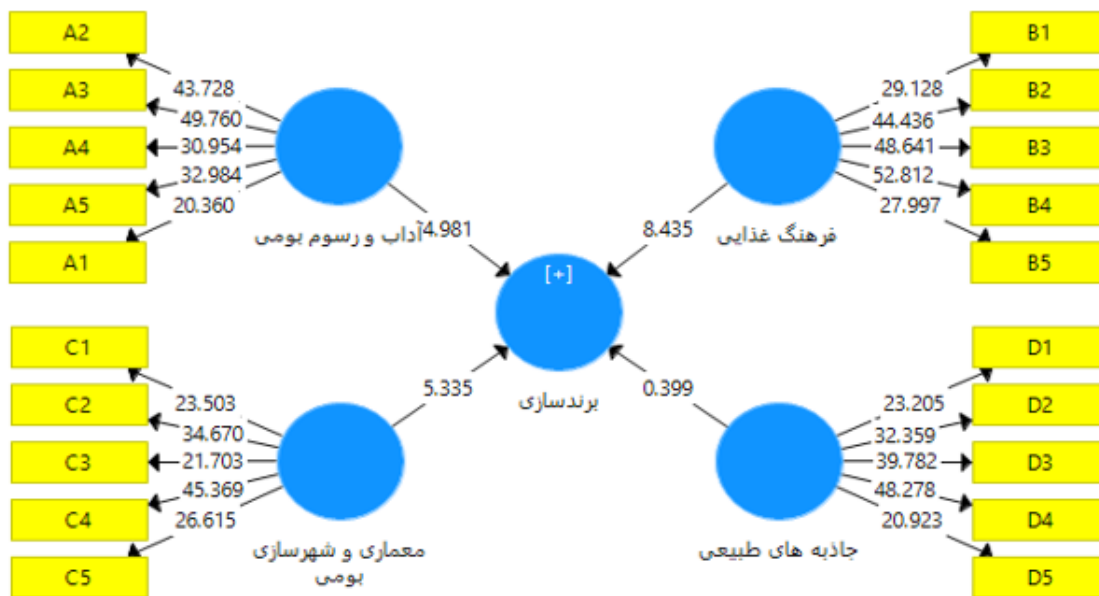
ساده‌تر، مقادیر موجود در قطر اصلی ماتریس باید از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند، بیشتر باشد. همانگونه که در جدول ۵ قابل مشاهده است، مقادیر موجود در قطر اصلی ماتریس اعدادی به مراتب بزرگ‌تر از مقادیر زیرین و سمت چپ قطر اصلی هستند؛ پس در نتیجه در پژوهش حاضر سازه‌ها در مدل،

جدول ۴. ضرایب پایایی
Table 4. Reliability coefficients

شاخص	CR (پایایی ترکیبی)	AVE	آلفای کرونباخ	Rho
برندسازی شهر خلاق	۰/۹۱۳	۰/۶۳۹	۰/۸۸۵	۰/۸۸۷
جاذبه‌های طبیعی	۰/۹۰۹	۰/۶۶۸	۰/۸۷۶	۰/۸۸۵
فرهنگ غذایی	۰/۹۰۸	۰/۶۶۵	۰/۸۷۳	۰/۸۷۵
آداب و رسوم بومی	۰/۸۸۵	۰/۶۰۸	۰/۸۳۶	۰/۸۳۶
معماری و شهرسازی بومی	۰/۸۷۲	۰/۵۷۸	۰/۸۱۶	۰/۸۱۸

جدول ۵. ماتریس مقایسه جذر AVE و ضرایب همبستگی سازه‌ها
Table 5. Comparison matrix of AVE root and correlation coefficients of constructs

معماری و شهرسازی بومی	فرهنگ و هویت بومی	فرهنگ غذایی	جاذبه های طبیعی	برندسازی شهر خلاق	
				۰/۷۹۹	برندسازی شهر خلاق
			۰/۸۱۷	۰/۳۵۴	جاذبه های طبیعی
		۰/۸۱۵	۰/۳۷۴	۰/۶۵۵	فرهنگ غذایی
	۰/۷۸۰	۰/۶۷۸	۰/۴۶۴	۰/۶۵۰	آداب و رسوم بومی
۰/۷۶۱	۰/۵۸۱	۰/۴۶۲	۰/۴۴۴	۰/۵۶۶	معماری و شهرسازی بومی



شکل ۳. آزمون معناداری مدل
Figure 4. Significance test of the model

بزرگتر باشد، مطلوب‌تر خواهد بود. در همین راستا مقادیر R^2 هر چه به عدد ۰/۶۷ نزدیک‌تر باشد مطلوب، و اگر نزدیک به ۰/۳۳ باشد، معمولی و اگر نزدیک به ۰/۱۹ باشد، ضعیف ارزیابی می‌شود. همچنین مقادیر مثبت شاخص اشتراکی بیانگر کیفیت مناسب مدل اندازه‌گیری و مقادیر بالای صفر شاخص افزونگی نشانگر توانایی بالای مدل ساختاری در پیش‌بینی است. باتوجه به جدول ۶، براساس مقادیر، R^2 و R^2 تعدیل یافته به ترتیب برابر ۰/۵۴۷ و ۰/۵۴۳ هستند که بر همین اساس مدل ساختاری

برازش کیفیت مدل تمقیق

کیفیت و قدرت پیش‌بینی ساختاری مدل تحقیق در Smart PLS به‌وسیله شاخص‌های ضریب R^2 ، شاخص افزونگی (Q2 یا validated redundancy) و شاخص اشتراکی (validated communality) قابل بررسی است. ضریب R^2 معیاری برای اتصال بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به‌کار می‌رود و مقدار آن بیان‌کننده تأثیری است که یک متغیر برونزا بر یک متغیر درونزا می‌گذارد. این مقدار از صفر تا یک متغیر است که هرچه این مقدار

جدول ۶. تاثیر بر متغیرهای درونزا
Table 6. Effect on endogenous variables

نتیجه	آماره T	ضریب مسیر	شاخص اشتراکی	شاخص افزونگی	R ² تعدیل یافته	R ²	مسیر
تایید	۸/۱۸۶	۰/۳۶۷	۰/۴۷۹ ۰/۴۸۱	۰/۳۲۴	۰/۵۴۳	۰/۵۴۷	مبدا: فرهنگ غذایی ↓ مقصد: برندسازی شهر خلاق
تایید	۵/۰۶۲	۰/۲۶۳	۰/۴۰۶ ۰/۴۸۱	۰/۳۲۴	۰/۵۴۳	۰/۵۴۷	مبدا: آداب و رسوم بومی ↓ مقصد: برندسازی شهر خلاق
رد	۰/۴۰۴	۰/۰۱۶	۰/۴۸۰ ۰/۴۸۱	۰/۳۲۴	۰/۵۴۳	۰/۵۴۷	مبدا: جاذبه‌های طبیعی ↓ مقصد: برندسازی شهر خلاق
تایید	۵/۴۷۰	۰/۲۵۱	۰/۳۶۷ ۰/۴۸۱	۰/۳۲۴	۰/۵۴۳	۰/۵۴۷	مبدا: معماری و شهرسازی بومی ↓ مقصد: برندسازی شهر خلاق

اندرس موراسکا (۲۰۱۵) که به اصل تنوع در خلاقیت و برندسازی شهر اشاره داشته‌اند، باید گفت که مؤلفه‌های هویتی برای ارتقاء برندسازی شهر خلاق رشت دارای ظرفیت‌های منحصر به فرد و متفاوتی است؛ همانگونه که در تحقیقی مشابه، محمودی آذر و داوودپور (۱۳۹۷)، مهم‌ترین قابلیت‌های ارومیه را زمینه‌های طبیعی و تاریخی برای تحقق رویکرد شهر خلاق معرفی کردند و به نتایج متفاوتی دست یافتند. بنابراین، مهم‌ترین نتیجه‌ای که می‌توان از یافته‌های این پژوهش در مقایسه با پیشینه‌های مطرح شده گرفت، این نکته است که ویژگی‌های منحصر به فرد هر مکان خصوصاً مؤلفه‌های هویتی و بومی که در هر شهر متفاوت و منحصر به فرد است، یک عامل مهم در راستای برندسازی شهر خلاق محسوب می‌شود.

با توجه به پرسش‌های مطرح شده در ابتدای پژوهش و نیز طبق یافته‌های پژوهش، میانگین تمامی شاخص‌ها بالاتر از حد متوسط (عدد ۳) بوده که نشان‌دهنده وضعیت مطلوب تمامی شاخص‌ها در شهر رشت است. در این بین، به ترتیب جاذبه‌های طبیعی و فرهنگ غذایی با کسب بالاترین میانگین، جذابیت بیشتری در بین گردشگران و بازدیدکنندگان این شهر داشته‌اند. در همین راستا با توجه به میانگین‌های به دست آمده برای تمامی گویه‌های پژوهش، میزان علاقه‌مندی به جاذبه‌های طبیعی این شهر و انتخاب این شهر به عنوان مقصد گردشگری به دلیل جاذبه‌های گردشگری آن بالاترین اهمیت را در بین گردشگران به خود اختصاص داده است. اما از سویی دیگر نتایج مدل‌سازی و تاثیر شاخص‌های مطرح شده در این تحقیق بر برندسازی شهر خلاق رشت، نشان از اهمیت و تاثیر بالای فرهنگ غذایی این

پژوهش دارای کیفیت و قدرت پیش‌بینی مناسبی است. با توجه به نتایج حاصل شده فرهنگ غذایی بیشترین اثرگذاری را بر برندسازی شهر رشت دارد. همچنین هردو شاخص آداب و رسوم بومی و معماری و شهرسازی بومی نیز تاثیر قابل توجهی بر برندسازی این شهر دارند که براساس آماره T مورد تایید قرار گرفته‌اند؛ در مقابل شاخص جاذبه‌های طبیعی با توجه به تاثیر ناچیزی که بر برندسازی دارد، معناداری این شاخص از دیدگاه گردشگران مورد تایید قرار نگرفت. که می‌توان این‌گونه استنباط کرد که شهر رشت علی‌رغم قرارگیری در اقلیم گیلان‌زمین، در بخش برندسازی و ایجاد خلاقیت برای جاذبه‌های طبیعی شهر همواره عملکرد ضعیفی داشته است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، نسبت به پژوهش‌های پیشین در زمینه برندسازی شهری، یک گام فراتر نهاده شد و از ادغام مبانی نظری رویکرد شهر خلاق، برندسازی شهری و مؤلفه‌های هویتی و بومی شهر (به‌عنوان ویژگی‌های بومی خاص و انحصاری شهر)، مدل مفهومی پژوهش تولید شد، و مهم‌ترین مؤلفه‌های بومی و هویتی یعنی، فرهنگ غذایی، آداب و رسوم محلی، معماری و شهرسازی بومی و جاذبه‌های طبیعی شهر شناسایی شدند. طبق پیشینه پژوهش، همانطور که کاواراتزس و هچ (۲۰۱۳) به تأثیر هویت در ارتقاء برندسازی مکان اشاره داشته‌اند، در این پژوهش سعی شد تا با شناسایی مؤلفه‌های هویتی و بومی شهر رشت، مشخص شود که کدام مؤلفه‌ها در وضعیت مطلوبی برای ارتقاء برندسازی شهر خلاق قرار دارند. بر اساس مطالعه‌ی **هرزنیاک و**

محدوده بر برندسازی شهر رشت دارد. همانگونه که **گاتن و همکاران (۲۰۲۰)** نشان داده‌اند که شبکه‌ها و فرهنگ‌های غذایی می‌توانند به برندسازی خلاق شهر، تقویت هویت محلی و توسعه اقتصادی کمک کنند، این موضوع با توجه به قابلیت‌های شهر رشت در دارا بودن فرهنگ غذایی متنوع، قابل بهره‌برداری در ارتقاء برندسازی شهر خلاق رشت است. باتوجه به شکل ۳، در راستای ارتقاء برندسازی شهر خلاق، بعد از شاخص فرهنگ غذایی، آداب و رسوم بومی، بیشترین اثرگذاری را بر برندسازی دارد و سپس معماری و شهرسازی بومی در جایگاه بعدی اثرگذاری بر برندسازی شهر رشت قرار می‌گیرد؛ اما در مقابل جاذبه‌های طبیعی این شهر باتوجه به مقدار ضریب مسیر بسیار پایین خود، تاثیر ناچیزی بر برندسازی این شهر دارد به عبارتی، علی‌رغم ظرفیت بالای جاذبه‌های طبیعی از دیدگاه گردشگران، به دلیل عدم توجه کافی به ظرفیت‌های طبیعی شهر، این شاخص تاثیر چندانی بر برندسازی شهر رشت به‌عنوان مقصدی برای گردشگری ندارد. از آن جایی که شهر رشت به‌عنوان شهر خلاق خوراک و غذا مطرح بوده است و این عنوان به نوعی برند شهر محسوب می‌شود، با بررسی‌های انجام شده در زمینه شاخص برندسازی شهر خلاق، مشخص شد که گردشگران، شهر رشت را شایسته این برند می‌دانند اما برند مقصد برایشان دلیلی برای بازدید نبوده است که میانگین ۲/۹۲ از حد متوسط منظر برند شهر برای مقصد گردشگری با میانگین ۲/۹۲ از حد متوسط پایین‌تر است. همچنین در بررسی شاخص آداب و رسوم بومی با توجه به نتایج آماری با اینکه بعد از جاذبه‌های طبیعی این مؤلفه به عنوان نماد اصلی شهر شناخته شده، اما میزان آشنابودن با آداب و رسوم شهر در سطح پایینی قرار دارد که می‌توان استنباط کرد که مدیریت شهری رشت در شناساندن و ارائه تصویر مطلوب از مؤلفه‌های بومی و فرهنگی شهر در سطح کشور و بروز خلاقیت‌های مرتبط با برند، در جهت افزایش تمایل به بازدید و توسعه گردشگری عملکرد ضعیفی داشته است. در نهایت می‌توان به این موضوع اشاره کرد که آداب و رسوم شهر رشت تا چه میزان می‌تواند بر ایجاد یک تصویر ذهنی مطلوب برای گردشگران یک محدوده تاثیرگذار باشد؛ تا جایی که آداب و رسوم بومی و محلی یک شهر که جزو آثار ناملموس و ذهنی محسوب می‌شوند، می‌توانند نقش پررنگ‌تری در برندسازی شهر نسبت به جاذبه‌های طبیعی و تاریخی (به‌عنوان آثار ملموس و عینی) داشته باشند.

با توجه به اهمیت آداب و رسوم بومی در ارتقاء برندسازی شهر خلاق پس از شاخص فرهنگ غذایی (که منجر به کسب برند شهر خلاق خوراک برای رشت شده است)، باید اشاره کرد که مؤلفه‌های بومی و هویتی شهر در این پژوهش در یک سطح کلان مورد بررسی قرار

گرفتند. در حالی که با توجه به میزان اهمیت این شاخص در ارتقاء برندسازی شهر خلاق از دیدگاه گردشگران و بازدیدکنندگان، می‌توان در سطح خردتر، آداب و رسوم بومی شهر رشت از جمله مشاغل باهویت شهر، صنایع دستی و کارگاهی بومی، موسیقی محلی و... (که همگی در این پژوهش به‌عنوان آداب و رسوم محلی انگاشته شدند) را در پژوهش‌های آتی مورد مطالعه و بررسی بیشتری قرار داد.

۱-۱- نقش نویسندگان

نویسنده مسئول دکتر علی اکبر سالاری بوده است. همچنین آرمان حمیدی، محمد نوری پور سدهی، محمد حسین مغرور و عرفان فانی در تمامی بخش‌های پژوهش مشارکت داشته‌اند.

۱-۲- تعارض منافع نویسندگان

نویسندگان به‌طور کامل از اخلاق نشر تبعیت کرده و از هرگونه سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز نموده‌اند و منافی تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسندگان در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت نکرده‌اند.

۱-۳- فهرست مراجع

۱. بسته‌نگار مهرنوش؛ و قمری، رضوان. (۱۳۹۹). شناسایی و اولویت بندی جاذبه های موسیقایی موثر در توسعه گردشگری کودک (مطالعه موردی: شهر خلاق سندانج)، *فصلنامه علمی پژوهشی گردشگری و توسعه*، ۱۰(۴)، ۲۹۵-۲۷۹.
۲. جعفری مهرآبادی، مریم؛ اکبری، مجید؛ عطایی، فرزانه؛ و رازقی، فرزانه. (۱۳۹۶). مدل یابی ساختاری تفسیری عوامل موثر بر توسعه گردشگری غذا (مطالعه موردی شهر رشت). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۲(۳)، ۶۹۸-۶۸۱.
۳. حمیدی، آرمان؛ سالاری پور، علی اکبر؛ و حسام، مهدی. (۱۴۰۰). ارزیابی سیاست‌های مدیریت شهری در بهره‌برداری از برند شهر خلاق (مطالعه موردی: رشت). *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۹(۲)، ۴۶۱-۴۳۹.
۴. دوستی، فرشته؛ زال، محمدحسن؛ و رمضان زاده لسبویی، مهدی. (۱۳۹۸). سنجش ظرفیت های گردشگری خلاق در کلان شهر تبریز. *فصلنامه گردشگری شهری*، ۶(۲)، ۱۳۱.
۵. سالاری پور، علی اکبر؛ حسام، مهدی؛ حمیدی، آرمان؛ و برادران سقرلو، آرش. (۱۳۹۹). تبیین راهبرد های توسعه گردشگری خلاق در رشت. *فصلنامه گردشگری شهری*، ۷(۳)، ۱۴۲-۱۲۷.
۶. فریدی فشتمی، عالییه؛ سالاری پور، علی؛ حسام، مهدی. (۱۳۹۹).

18. Ashworth, G. J., & Kavaratzis, M. (2015). *Rethinking the roles of culture in place branding*. In *Rethinking place branding* (pp. 119134). Springer, Cham.
19. Baeker, G., & Murray, G. (2008). *Creative City: Planning Framework. a Supporting Document to the Agenda for Prosperity: Prospectus for a Great City*. Pauline Couture, PCA Associates.
20. Barani, M. (2021). Creating a New Experience for Tourists through City Branding (Case Study: City of Shiraz in Iran). *Space and Culture, India*, 9(1), 138148.
21. Campbell, C. (2010). Creative tourism providing a competitive edge. *Tourism Insights*, (February).
22. Caneen, J. M. (2014). Tourism and cultural identity: The case of Polynesian Cultural Center. *Athens Journal of Tourism*.
23. Chen, C. F., & Phou, S. (2013). A closer look at destination: Image, personality, relationship and loyalty. *Tourism management*, 36, 269278.
24. DudekMańkowska, S., & Grochowski, M. (2019). From creative industries to the creative place brand: some reflections on city branding in Poland. *Place Branding and Public Diplomacy*, 15(4), 274287.
25. Ellisa, E. (2011). Enhancing City Branding through Public Spaces. In *12th International Conference on Quality International Research*, Bali, Indonesia.
26. Fahmi, F. Z., Ramadhani, D., Dwicahyani, A. A., & Aritenang, A. F. (2021). Informality and the branding of creative places: the case of Suci screenprinting kampong in Bandung, Indonesia. *International Development Planning Review*, 43(1), 89114.
27. Gatean, A., Aubry, F., & Tardif, M. (2020). The role of urban food networks in city branding: A qualitative inquiry. *Sustainability*, 12(19).
28. Gomez, M., Lopez, C., & Molina, A. (2015). A model of tourism destination brand equity: The case of wine tourism destinations in Spain. *Tourism management*, 51, 210222.
29. Greenberg, M. (2000). Branding cities: A social history of the urban lifestyle magazine. *Urban affairs review*, 36(2), 228263.
- تبیین عوامل موثر بر دل‌بستگی و وفاداری گردشگران به مقاصد گردشگری مطالعه موردی: شهر رشت. نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، ۲۵(۴)، ۸۳۷۱.
۷. لینچ، کوین. (۱۳۹۵). *سیمای شهر* (ترجمه منوچهر مزینی)، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۸. محمدپور زرنندی، حسین؛ حسینی، علی؛ و امینیان، ناصر. (۱۳۹۵). عوامل موثر بر برند شهری و اولویت بندی آنها از دیدگاه گردشگران بین‌المللی (مطالعه موردی: برج میلاد تهران). *فصلنامه اقتصاد و مدیریت*، ۱۴(۴)، ۱۱۵۱۳۵.
۹. محمودپور، محمد؛ گلیجانی مقدم، ندا؛ و خلیلی فر، سمانه. (۱۳۹۶). تأثیر عوامل جغرافیایی در شکل‌گیری و وجه تسمیه «رشت». پژوهش نامه تاریخ اسلام (فصلنامه انجمن ایرانی تاریخ اسلام)، ۱(۲۵)، ۱۱۱۹۷.
۱۰. محمودی آذر، شیرزاد؛ و داود پور، زهره. (۱۳۹۷). برندسازی شهری برای تحقق شهر خلاق؛ ارائه نظریه ای داده بنیاد (مطالعه موردی: شهر ارومیه). *توسعه محلی (شهری‌روستایی)*، ۱۰(۱)، ۱۳۶۱۱۵.
۱۱. محمودی آذر، شیرزاد؛ و داودپور، زهره. (۱۳۹۸). بررسی نقش برندسازی شهری در تحقق مفهوم شهر خلاق؛ (مورد مطالعه: ارومیه). *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۱۸(۶)، ۱۴۱۱۰۹.
۱۲. منوریان، عباس؛ ابوتی اردکان، محمد؛ پورموسوی، سیدموسوی؛ و رحیمیان، اشرف. (۱۳۹۲). مدل فرآیندی برندسازی شهری برای کلانشهرهای ایران. *چشم انداز مدیریت دولتی*، ۱۳، ۶۳۴۱.
۱۳. موسوی، سید نجم الدین؛ سپهوند، رضا؛ و شریعت نژاد، علی. (۱۳۹۶). تبیین مؤلفه های برندسازی شهری با تأکید بر صنعت گردشگری. *فصلنامه علمی پژوهشی گردشگری و توسعه*، ۶(۴)، ۱۷۹۱۶۰.
۱۴. مولائی، اصغر. (۱۳۹۸). *بازشناسی ظرفیت های رقابت پذیری شهری و منطقه ای هویت محور* (مطالعه موردی: شهر ارومیه). *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۹(۳۲)، ۱۵۵۱۲۸.
۱۵. وثوقی، لیلا؛ عبدلی، مریم؛ خزایی، فاطمه؛ و سارانی، مجید. (۱۳۹۹). *واکاوی ظرفیت برندسازی شهری و عناصر برند در مقصد گردشگری مبتنی بر رویکرد هویت مبنا*. *فصلنامه گردشگری شهری*، ۳(۳)، ۱۵۹۱۴۳.
۱۶. وثوقی، لیلا؛ یزدانی، محمدرضا؛ و توانایی، عاطفه. (۱۳۹۷). ارزیابی تأثیر هویت شهر بر رضایت و وفاداری گردشگران (مطالعه موردی: شهر کرمان). *نشریه گردشگری شهری*، ۵(۳)، ۳۱۱۷.
17. AlAbabneh, M. M. (2019). Creative cultural tourism as a new model for cultural tourism. *Journal of Tourism Management Research*, 6(2), 109118.

30. Grodach, C. (2017). Urban cultural policy and creative city making. *Cities*, 68(2017), 8291.
31. Herezniak, M., & AndersMorawska, J. (2015). City brand strategy evaluation: in search of effectiveness indicators. *Journal of Place Management and Development*. 8(3), 187205.
32. Jegdic, V., & Gradina, O. (2016). Cities as destinations of urban ecotourism: The case study of Novi Sad. *Acta Economica Et Turistica*, 2(2), 155166.
33. Kakiuchi, E. (2016). Culturally creative cities in Japan: Reality and prospects. *City, Culture and Society*, 7(2), 101108.
34. Kavartzis, M. (2017). *The participatory place branding process for tourism: linking visitors and residents through the city brand*. In *Tourism in the City* (pp. 93107).
35. Kavartzis, M., & Hatch, M. J. (2013). The dynamics of place brands: An identitybased approach to place branding theory. *Marketing theory*, 13(1), 6986.
36. Landry, C. (2006). *The Art of City Making*, earthscan.
37. Landry, C. (2012). *The creative city: A toolkit for urban innovators*. Routledge.
38. Lin, Y. C., Pearson, T. E., & Cai, L. A. (2011). Food as a form of destination identity: A tourism destination brand perspective. *Tourism and Hospitality Research*, 11(1), 3048.
39. Miftahuddin, A., Hermanto, B., Raharja, S. U. J., & Chan, A. (2021). City branding and its variables: The evidence from Indonesia. *Geo Journal of Tourism and Geosites*, 34(1), 240244.
40. Nagaynay, C., & Lee, J. (2020). Place branding and urban regeneration as dialectical processes in local development planning: A case study on the Western Visayas, Philippines. *Sustainability*, 12(1), 369.
41. Ongul, Z. (2012). Analysing the City Identity of Nicosia from a Historical Perspective: External Effects, Solutions Proposed. *ProcediaSocial and Behavioral Sciences*, 35, 284292.
42. Rehan, R. M. (2014). Urban branding as an effective sustainability tool in urban development. *Hbrc Journal*, 10(2), 222230.
43. Richards, G. (2014). Creativity and tourism in the city. *Current issues in Tourism*, 17(2), 119144.
44. Richards, G., & Wilson, J. (2006). Developing creativity in tourist experiences: A solution to the serial reproduction of culture?. *Tourism management*, 27(6), 12091223.
45. Rodrigues, C., & Schmidt, H. J. (2021). How the Creative Class Cocreates a City's Brand Identity: A Qualitative Study. *Journal of Creating Value*, 7(1), 1943.
46. Scott, A. J. (2006). Creative cities: Conceptual issues and policy questions. *Journal of urban affairs*, 28(1), 117.
47. Su, X., Li, X., Chen, W., & Zeng, T. (2020). Subjective vitality, authenticity experience, and intangible cultural heritage tourism: an empirical study of the puppet show. *Journal of Travel & Tourism Marketing*, 37(2), 258271.
48. Suna, B., & Alvarez, M. D. (2021). The role of gastronomy in shaping the destination's brand identity: an empirical analysis based on stakeholders' opinions. *Journal of Hospitality Marketing & Management*, 30(6), 738758.
49. Tsaour, S. H., Yen, C. H., & Yan, Y. T. (2016). Destination brand identity: scale development and validation. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 21(12), 13101323.

معماری معاصر ایران و مسئله هویت* بازنمایی رئالیستی از خوانش انتقادی پست‌مدرنیسم در معماری

امیرداود مصلحت‌جو^۱، مریم قاسمی سیچانی^۲، وحید قبادیان^۳، بیژن عبدالکریمی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸

چکیده

پست‌مدرنیسم، وجه غالب باور فرهنگی زمانه‌ای است که تمامی کنش‌ها را - دوباره - قالب‌ریزی می‌کند؛ تا آن‌جا که قدرت متمرکز، جای خود را به کثرت گسسته داده، جلوه‌ای از معاصریت هویت را آشکار می‌کند. این پژوهش کیفی داده‌بنیاد، با هدف تأویل هویت معماری معاصر ایران بر مبنای پست‌مدرنیته و اندیشه انتقادی، به دنبال پاسخ این پرسش است که هویت چگونه می‌تواند به مثابه رویکردی انتقادی، بر بازشناسی معماری پست‌مدرن، به ویژه در دوره ایران معاصر، تأثیر داشته باشد؟ یافته‌ها نشان می‌دهند پیامد جمع‌بندی متغیرهای علی پژوهش در شرایط میانجی وضعیت موجود، رویدادی را رقم می‌زند که در نگرشی بنیادی میان حقیقت (خودشیفتگی تا خودباختگی) و ماهیت (خودباوری) ایرانی، و در گفتمانی تاریخی میان بازخوانی آن چه هست و بازنمایی از آن چه باید باشد، به صورت سلبی (و نه ایجابی)، در خوانشی از یک رئالیسم انتقادی، در حال شدن است و در ارزیابی خودانعکاسی از تفسیری بازخوردی، نحوه بودن را بازمی‌آفریند.

واژه‌های کلیدی

هویت، رویداد، پست‌مدرنیسم، رئالیسم انتقادی، معماری معاصر ایران.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری امیرداود مصلحت‌جو با عنوان «تحلیل دیالکتیک هویت معماری معاصر ایران با تأکید بر خوانش انتقادی پست‌مدرنیسم» است؛ که با راهنمایی دکتر مریم قاسمی سیچانی و مشاوره دکتر وحید قبادیان و دکتر بیژن عبدالکریمی، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد انجام پذیرفته است.

** دانش‌آموخته دکتری تخصصی، گروه معماری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

Email: a.maslahatjoo@std.iaushk.ac.ir

*** دانشیار، گروه معماری، واحد اصفهان(خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: mghasemi@khuisf.ac.ir

**** دانشیار، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: v_ghobad@yahoo.com

***** دانشیار، گروه فلسفه، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: abdolkarimi12@gmail.com

مقدمه

سازنده هویت در معماری، به مدلی پارادایمی از هویت دست یابد؛ که حقیقت، ماهیت و واقعیت معماری معاصر ایران را بیان می‌نماید و در نگرشی بنیادی میان حقیقت (خودشیفتگی تا خودباختگی) و ماهیت (خودباوری) ایرانی، تکوین یافته و در گفتمانی تاریخی - میان بازخوانی از آن چه هست (بود، نمود، باز نمود) و بازنمایی از آن چه که باید باشد (نهاد، خود، فراخود) - به صورت سلبی (و نه ایجابی)، و در تضامن پاسخ‌گویی به عملکرد هنجاری نوین به مثابه رئالیسم انتقادی، بر پیچیدگی موسمی آن وضعیتی تأکید می‌ورزد که ناگزیر از وقوع رویدادی است! که - میان ایرانی بودن یا ایرانی ماندن - در حال شدن است!

ضرورت بازتعریف هویت در معماری معاصر ایران

جست‌وجو برای یافتن هویت می‌تواند ما را هم نسبت به محیط و هم نسبت به خود و جامعه، حساس نماید. این امر، بیش‌تر از آن که کوششی خودآگاهانه برای یافتن هویت به‌عنوان هدفی در خود باشد، محصول فرعی و جانبی حاصل از توجه به مشکلات واقعی است (کورثا، ۱۳۸۷). همه آفریده‌های فرهنگ ایران پیش از اسلام و در دوران اسلامی - در تمامی زمینه‌ها (به ویژه معماری) - به روشنی و به گونه‌ای خیره‌کننده، هویت ایرانی خود را بیان می‌دارند. در این میان، فرهنگ برخوردار آگاهانه با فرهنگ‌های دیگر و بهره‌جستن از آن‌ها به دور از غرق شدن و ازدست‌دادن هویت، از ویژگی‌های معماری ایرانی بوده است. از این رو است که برای دور شدن از فرهنگ تسلیم، حفظ هویت فرهنگی، امری ضروری است (ورجواند، ۱۳۸۶). بسیارهویتی معماری امروز - که در نگاه وحدت‌گرای جامعه، به بی‌هویتی تعبیر می‌گردد - هم اکنون می‌رود تا به بحرانی فرهنگی تبدیل گردد (حجت، ۱۳۸۴). این چندگانگی و عدم قطعیت، به نوعی باعث آن شده تا با از میان رفتن وحدت رویه، سویه کثرت، به سبب تنزل در محتوا و تقلیل در مراتب، به تضعیف هویت بیانجامد و در یکسان‌سازی تولیدات عینی و ذهنی، تمامی هویت‌ها و یک‌گی‌ها را از بین برده و با از بین رفتن این فواصل انتقادی و تغییر مفهوم زمان و مکان و بروز هم‌زمانی، ایجاد بحران هویت نماید (جاویدصباغیان و سیداحمدی زاویه، ۱۳۹۲). لذا در تأویل این سؤال که اصولاً هویت چگونه می‌تواند به مثابه رویکردی انتقادی، بر بازشناسی معماری پست‌مدرن به‌ویژه در دوره ایران معاصر تأثیر داشته باشد؟ چنین برمی‌آید:

۱. هویت، یک فرایند است، نه یک امر یافت‌شدنی؛ که تمدن در طول حرکت‌اش در تاریخ، از خود به‌جا می‌گذارد.
۲. هویت، به سبب فرایند بودنش نمی‌تواند مصنوع باشد.
۳. هویت، امری خودآگاه نیست (کورثا، ۱۳۸۷).

انسان همواره در پی عنصری بوده تا به کیستی و چیستی خویش راه یابد. لذا دگرگونی نگرش انسان به جهان، دگرگونی هویت‌ها را در پی داشته است. چنان‌که انسان مدرن آمده بود تا خود و جهان را آن‌گونه که می‌خواست بسازد؛ حال آن‌که انسان سنتی مذهبی، هویت خویش را خارج از جهان مادی جستجو می‌کرد و جهان را برهه‌ای می‌دانست میان بودن ازلی و ماندن ابدی (حجت، ۱۳۸۴). در واقع، هویت، مجموعه خصوصیتی است که همان اوئیت یا آئیت و به عبارتی این‌همانی فرد یا شیء است (عبادیان به نقل از علیخانی، ۱۳۸۳) و از آن‌جا که رابطه انسان با دیگران، ریزوموار است، انسان ناچار از هم‌زیستی با فرهنگ‌های گوناگون می‌باشد (شایگان، ۱۳۹۶). لذا هویت، حاصل (این) هم‌زیستی و دیالکتیک خود و دیگری است (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹)؛ که از طریق تغییر پیش‌فرض‌های فرد در مورد خود و دیگران، شکل می‌گیرد و با ابزار قیاس و تفسیر، باورهای ذهنی را مورد انتقاد و ارزیابی قرار می‌دهد و در حرکتی رفت و برگشتی مابین نقد پوزیتیویستی و نقد تفسیری، به شأن مستقلی از پدیده‌ای فرهنگی دست می‌یابد که ثابت نیست و هر آن ممکن است تغییر کند؛ حال یا در تکوین بافتار (از طریق تکنولوژی و عملکرد) و یا در پیچیدگی ساختار (از طریق روابط برنامه‌محور و کاربردی). گیدنز (۱۳۹۸) در تعبیر ماهیت هویت معتقد است بسیاری از اعتقادات و رویه‌های عرفی که برای تعریف هویت در جوامع سنتی استفاده می‌شده‌اند، اکنون دارای تأثیرپذیری کمتری هستند. از این رو، در جوامع معاصر، افراد مدرن، دائماً - در مورد جنبه‌هایی مانند مقصد، روابط، ظاهر و سبک زندگی - خودتأمل‌گر بوده و در مورد آن چه باید انجام دهند و این که چه کسی باید باشند، تصمیم‌گیری می‌کنند. بدین ترتیب، در پاسخی داده بنیاد به این پرسش که هویت چگونه می‌تواند به مثابه رویکردی انتقادی بر بازشناسی معماری پست‌مدرن به ویژه در دوره معاصر ایران تأثیر داشته باشد، به بنیادی نظری ناآل می‌گردند؛ که در تضامن پاسخ‌گویی به عملکرد هنجاری نوین، بر پیچیدگی موسمی آن وضعیتی تأکید می‌ورزد که ناگزیر از شیوه‌های مبتنی بر تکامل گونه‌ای از فرهنگ جهانی، از طریق بازسازی وضعیت‌های ناپایدار است و به واسطه ابهام، گشودگی و تعیین‌ناپذیری، به گذرگاهی موقتی میان وضعیت‌های آلترناتیو، منتج می‌شود؛ که بدیلی رادیکال بر رئالیسم انتقادی در بازگشت به واقعیتی سنتی است؛ که این پژوهش، از آن پدیده با عنوان رویداد نام می‌برد و با سازماندهی رویداد به مثابه فعالیت، برنامه‌ریزی و کاربرد، کارکرد این سطوح را در پیدایش هویت‌های نوپدید، موردبررسی قرار می‌دهد. این پژوهش سعی دارد تا با ترسیم نسبت میان معماری و هویت، ضمن ارزیابی مؤلفه‌های

مبانی نظری پژوهش

در چند دهه اخیر معماری، ساختمان‌ها و عمارت‌های مختلفی با هزینه‌های فراوان ساخته شده است؛ اما یا سازندگان مدعی هویت‌مندی آن هستند یا منتقدانش آن را بی‌هویت می‌دانند. در چنین شرایطی، نبود معیارهای لازم و تعریف اساسی از مفهوم هویت باعث شده که روشنفکران و روشنفکرمان‌بان - به طریقی - یا داعیه‌دار آن باشند و یا منتقدش. حتی گاهی نهادهای دولتی نیز در افسوس این واژه گرفتار می‌شوند و هزینه‌های سرسام‌آور ساخت‌وسازهای خود را به دست معماران و طراحانی می‌سپارند که مُبلِّغ هویت‌مندی سازه‌های خود هستند؛ اما در پایان، اثری از دل خاک سر برمی‌آورد که نه هویت دارد و نه حتی ساختاری معمارانه. در معماری فعلی ایران که (عموماً) برگرفته از نمونه‌های خارجی است، پرداختن به موضوع هویت، در بهترین شرایط، بیهوده است. معماری ایران در دوره‌هایی چنان شکوفا بوده که اکنون می‌توان آن را صاحب هویت دانست. لکن تعریف و معیار این هویت، گم شده است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۶). مفهوم هویت برای انسان سنتی (مذهبی) باوری است واحد و الهی؛ که به مدد ایمان به غیب، شکل می‌گیرد و سازنده و پردازنده پندار، کردار و رفتار او است. در حالی که انسان مدرن (سکولار)، خود به مدد خود، هویت متکثر و اکتسابی خویش را در جامعه ساخته است. در نگاه سنتی، هویت انسان مقدم بر وجود اوست و در نگاه مدرن، وجود انسان، مقدم بر هویت‌اش. بدین ترتیب، بسیاری هویتی معماری امروز - که در نگاه وحدت‌گرای جامعه، به بی‌هویتی تعبیر می‌گردد - هم اکنون می‌رود تا به بحرانی فرهنگی تبدیل گردد (حجت، ۱۳۸۴) و این چندگانگی و عدم قطعیت، به نوعی باعث آن می‌شود تا با از میان رفتن وحدت رویه، سبب کثرت، به سبب تنزل در محتوا و تقلیل در مراتب، به تضعیف هویت انجامد و در یکسان‌سازی تولیدات عینی و ذهنی، تمامی هویت‌ها و یکه‌گی‌ها را از بین برده و با از بین رفتن این فواصل انتقادی و تغییر مفهوم زمان و مکان و بروز هم‌زمانی، ایجاد بحران هویت نماید (جاویدصباغیان و سیداحمدی زاویه، ۱۳۹۲). فرهاد احمدی - معمار زمینه‌گرای معاصر - در پاسخ به این سؤال که «هویت، از کجا می‌آید؟»، آن را برآمده از محدودیت‌ها و فرصت‌هایی می‌داند که در بستر طبیعی وجود دارند و در قالب بینش و باورهای خاص، شکل گرفته‌اند. لذا هویت، نتیجه چالشی است که انسان‌ها در طول زمان، با (زیست) مکان‌شان داشته‌اند. از این رو ایرانی کسی است که در کویر و درون این فلات خشک، زندگی کرده و شش‌هزارسال تاریخ دارد و به نحوی زندگی خود را شکل و سامان داده است. بنابراین، بی‌هویتی نتیجه فقدان چنین چالشی است؛ اگرچه به ظاهر، معماران ایرانی از جریان معماری مدرن جدا نبوده و - احتمالاً - شیوه کار بسیاری از آن‌ها، مدرن است! انقلابی فراتر

از سلیقه! که نه چندان ابژکتیو (عینی) است و نه راسیونال (عقلی)! هویت، از عوامل پایدار موجود در بستر خود برمی‌خیزد. لذا به معنی فرعی بودن نحوی حضور و آگاهی در ساحتی ویژه است که عَرَضی نیست و در الگوپذیری از روند تاریخی و به مثابه الگوهای نشانه‌ای، دست به عصیان علیه هویت‌های متکثر (ناپایدار) دیگر می‌زند و بر اثر تکرار، تبدیل به یک نشانه انگیزنده می‌شود و چون وجودی است، گم نمی‌شود و اگر مجال بروز نیابد، راهی برای ظهور می‌یابد، صورتی دیگر می‌جوید و در بستری نو، جاری می‌شود. بنابراین، آنچه هویت را می‌سازد و بدان شکل می‌دهد، نحوه حضور و بودن است. از این رو، هویت، هست‌بودن است! (مصاحبه شخصی، ۴ بهمن ۱۳۹۸). این امر، مستلزم یک عملکرد (رفت و برگشتی) هویتی و تفسیر بازخوردی از بازخورد دیگران (ارزیابی خودانعکاسی) است؛ بر این فرض که افراد، مجموعه‌ای درونی شده از معانی مرتبط با شخصیت، نقش و هویت گروهی خود را دارند و تلاش می‌کنند تا دیگران، آن‌ها را به گونه‌ای ببینند که با این معانی سازگار است. تئوری هویت - در ابتدا - بر روی نقش هویت‌ها، متمرکز است؛ اما از آن به بعد، به حیطه هویت‌های اجتماعی یا گروهی و هم‌چنین هویت‌های فردی، گسترش می‌یابد. نقش‌های هویتی، موقعیت‌های اجتماعی است که فرد، مدعی آن در جامعه خود است و عضویت او را در یک دسته یا گروه بزرگ‌تر، با ویژگی‌های مشابه، مشخص می‌کند و از طریق آن، شخص، خود را به عنوان فردی منحصر به فرد در جامعه، تعریف می‌نماید. بدین ترتیب، موقعیت‌هایی را که این هویت‌های نقشی و اجتماعی/گروهی در آن جاسازی می‌شوند، در قالب هویت اصلی ارائه می‌کند؛ که در درون و در سراسر نقش و هویت‌های اجتماعی/گروهی، قرار می‌گیرد. نظریه هویت، چارچوبی قوی برای درک هنجارهای جدید اجتماعی، فراهم می‌کند و در عین حال که شرایط جدید یک جامعه را برای نظریه‌پردازی از هویت فراهم می‌آورد، امکان پذیربودن مفروضات موجود را بررسی می‌نماید (Stets & Serpe, 2016). مع‌ذک، از آن‌جا که جامعه ایرانی هنوز جامعه‌ای سنتی و ماقبل مدرن است، بی‌آن‌که نهادهای مدرن در آن شکل گرفته باشد و بی‌آن‌که جامعه، تجربه راستینی از مدرنیته، عقلانیت جدید، دموکراسی و ... داشته باشد - بی‌جهت - شاخصه‌های اصلی تفکر غربی را در خود تسری داده و تاریخ غرب را با تاریخ بومی و محلی جوامع غیر غربی یکسان گرفته، رواج بحران معنا یا نیهیلیسم غربی و دیگر شاخصه‌های نظام معنایی پست‌مدرن در جوامع فراصنعتی غربی به جامعه سنتی و ماقبل صنعتی، به وضعیت موجود جامعه معاصر، بدل گشته است. این انگاره، ناشی از نوعی نگاه جامعه‌شناسانه است که پست‌مدرنیسم را نه به‌منزله یک نظام معنایی، بلکه به‌منزله ساحتی اجتماعی و تقریباً

(به‌خصوص معماری پس از اسلام) در خود داشت؛ لکن برخورد آن با معماری گذشته ایران، چنان عمیق نبود و به خصوص که عناصر کلیشه‌ای معماری فرامردن نیز به وفور در این آثار، به کار گرفته شده بود (میرمیران، ۱۳۸۹، ۴۳). هم‌زمان که چشم معماران ایرانی بر روی ایده‌های خارجی گشوده می‌شد و بعضاً بدان متکی می‌گردید، جریان هویت ملی - که طرف‌دارانی در میان روشنفکران یافته بود - بر این نکته تأکید می‌کرد که معماری ایرانی باید بر شرایط محلی و اقلیمی و مصالح بومی منطبق و با سنت، سازگار باشد. تلاش جریان نوین معماری ایران بر آن بود تا نوعی معماری بیافریند؛ که در تداوم و تکامل معماری این سرزمین کهن باشد و بتواند جایگاه شایسته‌ای در معماری معاصر جهان به خود اختصاص دهد. ایران در مسیر تاریخ پرتلاطم خود به عصر مدرنیزاسیون رسیده بود؛ که با دوره اول جنگ‌های ایران و روس (۱۱۸۴ تا ۱۱۹۲ شمسی) آغاز و تا پایان عصر سلطنت پهلوی (۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ شمسی) ادامه می‌یافت. این دهه‌های پرآشوب، سرآغاز سلسله‌ای از تغییرات و تحولات اجتماعی و فرهنگی گردید؛ که نتیجه آن ظهور ایران مدرن بود. در اوایل دهه ۱۳۰۰ شمسی، معماری در ایران چندان تفاوتی با دهه‌های قبلی نداشت. هر چند تغییراتی در رسم متعارف معماری - به لحاظ سبک ساختمان و کاربرد مصالح در ایران - پدید آمد، اما عمده ساخت‌وسازها - به لحاظ طرح، مصالح و فنون - هنوز هیئت سنتی خود را حفظ کرده بود. در واقع، تا نیمه دوم دهه ۱۳۱۰ شمسی، معماران مدرنیست ایرانی، در جست‌وجوی چارچوبی نظری و عملی، به ستیز با سلطه معماری سنتی و کشف مسیرها و فرم‌های جدید در معماری برآمدند؛ تا آن‌جا که در اواخر دهه ۱۳۱۰ شمسی، معماری مدرنیستی، جای پای خود را در ایران استوار ساخت. پس از جنگ دوم جهانی و در فاصله سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۲ شمسی، ایران در معرض تغییراتی عمده در عرصه اجتماعی و شهری قرار گرفت. در این دوره، با رشد سریع طبقه متوسط شهری، احزاب تکنوکرات در عرصه سیاست پدید آمد و عمران و توسعه مدرن شهری آغاز گردید. از اوایل دهه ۱۳۵۰ شمسی، با افول اقتدار معماری مدرن در غرب (بعد از هفتاد سال)، معماری معاصر ایران نیز تحت تأثیر قرار گرفت: وحدت‌رویه‌ای که معماری مدرن در بخش عمده‌ای از معماری قرن بیستم میلادی در برابر معماران قرار داده بود، فرو پاشید و جای خود را به کثرت سبک‌های معماری و نظریه‌ها داد (بانی‌مسعود، ۱۳۹۹). به تبعیت از این جریان‌سازی، معماری دوره جمهوری اسلامی، به دو دوره مشخص تقسیم می‌شود:

دوره اول: از آغاز انقلاب ۵۷ تا پایان جنگ ایران و عراق؛ که در تیرماه ۱۳۶۷ شمسی پایان می‌یابد (دوران جنگ).

برابر با جامعه فراصنعتی، تلقی می‌کند. در این نگرش، دو مفروض مهم وجود دارد:

۱. تصور این‌که هنوز در دوران معاصر، می‌توان قائل به وجود ساخت‌ها و هویت‌های مستقل تاریخ‌های بومی و قومی بود.
۲. فهم خطی از تاریخ؛ گویی همه جوامع باید از مسیر مشخصی - که همانا تاریخ غربی است - عبور کنند (عبدالکریمی، ۱۳۹۸).

لیکن با وقوع انقلاب اسلامی ایران، سنت نهادینه‌شده تاریخی، به عنصری از عناصر قدرت، بدل گشت و قدرت سیاسی خواهان آن شد تا هم اسلام و هم فهم خاصی از سنت را در قالب نوعی فراواقعیت، بنمایاند. اما روشنفکران، خواهان ارائه تفسیر دیگری از جهان، تاریخ و واقعیت بودند. لذا سنت، در حاشیه مدرنیته و پست‌مدرنیته قرار گرفت. حال آن‌که، هم روشنفکران مخالف سنت با تأکید بر پذیرش آگاهی مدرن و پسامدرن، و هم روشنفکران دینی با تلاش به منظور نیل به سنتی عقلانی‌شده، و هم قدرت سیاسی به واسطه تقلیل سنت - جملگی - علی‌رغم همه منازعات، زمینه‌های ورود ایران به عالم پست‌مدرن را، با فروپاشی برخی ارزش‌های فرهنگی، از مدت‌ها پیش فراهم ساخته بودند (جهانبگلو، ۱۳۸۵). چنان‌که ایرج اعتصام - معمار معاصر و پیشکسوت معماری - معتقد است امروزه - از نظر کمی - حضور سبک‌های دیگر در مقابل معماری مدرن، بسیار ناچیز و قلیل است؛ هر چند که این سبک‌ها جدیدتر بوده و راه‌حل‌های نوین برای نیازها و معضلات کنونی ارائه می‌کند؛ لیکن در یکصد و پنجاه سالی که از عمر این معماری می‌گذرد، دو نوع معماری ظهور و گسترش یافته است:

نوع اول، سبک‌های مبتذل و پیش‌پا افتاده؛ که علی‌الخصوص از دهه ۱۳۳۰ شمسی تاکنون دوام داشته است.

نوع دوم، اثرات هر چند محدود معماران توانمند ایرانی؛ که در دوران مختلف تاریخ معاصر ایران - اعم از قاجاریه، پهلوی و دوره بعد از انقلاب اسلامی - آثار مهم، آموزنده و قابل تحسینی از خود به‌جای گذاشته‌اند (مصاحبه شخصی، ۷ دی ۱۴۰۰).

با شروع جریان‌های فرامردن در معماری (۱۹۸۵-۱۹۶۹ م. / ۱۳۶۴-۱۳۴۸ ش.) - که مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود - دو موضوع به موازات هم، دوره جدیدی از معماری را در ایران به وجود آورد: یکی این‌که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، معماران ایرانی سعی کردند معماری ایران را به‌سوی یک معماری با هویت مستقل متکی بر میراث گذشته خود هدایت کنند؛ و دیگری آن‌که مبانی معماری فرامردن نیز توجه جدی به معماری گذشته را مطرح می‌ساخت. این دو موضوع، آثاری در ایران به وجود آورد که سبک و سلیقه معماری فرامردن را با توجه به عناصر معماری گذشته ایران

دوره دوم: دوره تثبیت و بازسازی کشور؛ که از پایان جنگ تا زمان حاضر است (دوران سازندگی).

از دوره دوم معماری جمهوری اسلامی می‌توان با عنوان دوره شکوفایی معماری پست‌مدرن ایران نام برد. در این دوره ساختمان‌های مهم و ارزش‌مندی با عملکردهای مختلف، احداث شد. برخلاف این دسته از ساختمان‌ها، تعدادی ساختمان پست‌مدرن نیز در سنوات اخیر ساخته شد؛ که باید آن‌ها را سبک پست‌مدرن جهان سومی نامید. ساختمان‌های پست‌مدرنی که در آن‌ها معماری مدرن و معماری تاریخی با هم تلفیق شده‌اند؛ ولی هویت‌شان متعلق به ایران نیست و بیش‌تر جنبه کی‌پرداری بدون تعمق از معماری جهان دیگری - به نام جهان اول و یا جهان غرب - دارد (قبادیان، ۱۴۰۰).

پیشینه پژوهشی و سوابق مطالعاتی

(هر کسی از ظنّ خود شد یار من)

در اکثر کارهای معماران پست‌مدرن مشاهده می‌شود که آن‌ها سعی دارند تا از نشانه‌ها و نمادهایی استفاده کنند که در هر منطقه، مشخص‌کننده نوع کاربری آن ساختمان باشد. مانند خانه مادر و نتوری؛ که در طرح آن، از نمادهای یک خانه و آن‌چه که در غرب به عنوان خانه شناخته می‌شود، استفاده شده است. برخلاف ایده مطرح‌شده در ویلا ساووا (خانه، ماشینی برای زندگی) و یا خانه شیشه‌ای (کمتر، بیشتر است)، در خانه مادر و نتوری، ایده «خانه، خانه است» بیان می‌شود. به بیانی دیگر، اگرچه لوکوربوزیه در تفکر «به سوی یک معماری جدید» (۱۹۲۷)، نگاه معماران را به اتوموبیل، کشتی، و به طور خلاصه به تکنولوژی معطوف داشته، و نتوری و دیگر معماران پست‌مدرن، می‌خواهند نگاه معماران را به سمت فرهنگ، تاریخ، سنت و در یک کلام، آن چیزی که هویت انسان و محیط کالبدی پیرامون آن را شکل می‌دهد، برگردانند (قبادیان، ۱۴۰۱).

اما در ادبیات معماری معاصر ایران، این تعریف دارای روایت دیگری است ...

با شروع جریان‌های فرامدرن در معماری جهان - که هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود - دو موضوع به موازات هم، دوره جدیدی از معماری را در ایران به وجود آورد: یکی این‌که اصولاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی، معماران ایران سعی کردند معماری ایران را به سوی یک معماری با هویت مستقل متکی بر میراث گذشته خود هدایت کنند؛ و دیگر آن‌که مبانی معماری فرامدرن نیز توجه جدی به معماری گذشته سرزمین‌ها را مطرح می‌ساخت. این دو موضوع، دست به دست هم دادند و آثاری در ایران به وجود آوردند که سبک و سلیقه معماری فرامدرن را با توجه به عناصر معماری گذشته ایران

(به خصوص معماری پس از اسلام) در خود داشت؛ لکن برخورد آن با معماری گذشته ایران، برخورد چنان عمیقی نبود و به‌خصوص که عناصر کلیشه‌ای معماری فرامدرن نیز به وفور در این آثار، به کار گرفته شده بود (میرمیران، ۱۳۸۹). دوران پست‌مدرن، آغازگاه زمینه جدیدی در معماری گردید که ساختار ثبت‌شده آن، بیش‌تر ترکیبی التقاطی بوده و در آن، حس واکنش به دوران خردگرایی قبل، بیش‌تر از آن‌که دربرگیرنده نظریه جدید و قابل تبدیل کالبدی گردد که حاوی نگاه فلسفی باشد، دستورالعملی در گفتمان‌ها بود (دیبا، ۱۳۸۷). به اعتقاد قبادیان، معماری پست‌مدرن - معمولاً - التقاطی از سبک‌های معماری در زمان‌ها و مکان‌های مختلف است؛ چنان‌چه پیرنیا نیز در این خصوص معتقد است:

«شاید بتوان شیوه‌ای را نیز به نام شیوه انحطاط یا شیوه تهرانی نام برد؛ که از دوره قاجاریه و به‌خصوص زمان ناصرالدین‌شاه، تقلید شد و به طور مثال در ساختمان شمس‌العماره، با این‌که از بناهای آلمانی تقلید شده بود، ولی پلان آن ایرانی است.» (پیرنیا، ۱۳۷۰)

شیوه‌های معماری ایرانی پیرنیا (۱۳۷۰)، بعد از دو کتاب سیری در هنر ایران پوپ و اکرم (۱۳۸۵) و هنر ایران گذار (۱۳۵۸)، از اولین کتاب‌های تاریخ معماری ایران هستند که تاریخ معماری ایران را تا اواسط عصر قاجاریه، مورد بررسی قرار داده‌اند؛ ولی فراتر نرفته‌اند. از این رو، رجبی (۱۳۵۵)، بررسی معماری را در دوره پهلوی و با سه رویکرد معماری دولتی، معماری دولتمندان و معماری بی‌دولتان، دنبال کرد؛ تا این نوشتار، نخستین کتاب معماری دوران پهلوی باشد. معماری دارالخلافه ناصری (۱۳۸۲) - به عنوان رساله دکتری قبادیان - و معماری دوره پهلوی اول (۱۳۸۳) - به عنوان رساله دکتری کیانی - مبسوط‌ترین کتب معماری معاصر ایران است؛ که به شرح معماری در دوره ناصرالدین‌شاه و پهلوی اول با محوریت تهران می‌پردازد. این مبحث، توسط حبیبی (۱۳۸۳) ادامه یافت. او ضمن شرح جریان‌های فکری معماری معاصر در ایران، نظریه‌های حوزه معماری را از اواخر دوره ناصرالدین‌شاه تا سال ۱۳۸۳ شمسی، دسته‌بندی و بررسی نموده است.

جامع‌ترین کتاب در شرح حال معماران و ساختمان‌های مهم ایران از ابتدای عصر قاجاریه تاکنون، توسط امیر بانی‌مسعود با عنوان معماری معاصر ایران در تکاپوی سنت و مدرنیته (۱۳۸۸) به چاپ رسیده است. بانی‌مسعود در تکوین مطالعات نظری معماری معاصر، ضمن بررسی جریان‌های فکری معماری پست‌مدرن (۱۳۸۷)، به بازنویسی و واکاوی تازه‌ای از معماری معاصر در ایران از سال ۱۳۰۴ تا کنون (۱۳۹۹) می‌پردازد. مقدمات این شرح حال، با نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران و با تأکید بر عصر پهلوی، توسط باور (۱۳۸۸)، تبیین شده

است. از باور، ترجمه ارزشمند دیگری بر تاریخ معماری مدرن اثر **لئوناردو بنه ولو (۱۳۵۳)** موجود است. بنه ولو، تاریخ معماری مدرن را از سال ۱۷۶۰ تا پایان سال ۱۹۹۰ میلادی، به پنج دوره شهر صنعتی، آوانگاردها، نهضت مدرن، پس از جنگ، موج نو تقسیم می‌نماید. اسکندر مختاری طالقانی، در میراث معماری مدرن ایران (۱۳۹۰)، به توصیف مشروح ساختمان‌های دوره پهلوی (اول و دوم) و جمهوری اسلامی پرداخته است و در انتهای کتاب، مسائل حفاظت این بناها مورد بحث قرار می‌دهد.

داراب دیبا (۲۰۱۸)، معماری معاصر ایران را - در مجموعه‌ای (به زبان انگلیسی) که در آن به تجزیه و تحلیل معماری بیش از سیصد ساختمان شاخص ایران معاصر، پرداخته می‌شود - از منظر معرفی بناها و معماران به خواننده جهانی معرفی می‌نماید.

انصاری در تحلیلی بر معماری معاصر ایران (۱۳۹۵)، تمامی رویدادهای معماری معاصر ایران و وجه تمایز این دوره با رویدادهای دیگر در اعصار مختلف را حاصل مواجهه فرهنگ ایرانی با فرهنگ مغرب زمین می‌داند. مواجهه‌ای که دیگر نقش هم‌حضوری را بر عهده ندارد و در رویکردی معرفت‌شناسانه، به عرصه تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم، و حتی فراتر از آن، به اقتباس و تقلید کشانده شده است. نگاهی که سعید حقیر و حامد کامل‌نیا، در دو کتاب نظریه مدرنیته در معماری (۱۳۹۴) و نظریه مدرنیته در معماری ایران (۱۳۹۹)، به شرح این معرفت‌شناسی و اپیستمولوژی (شناخت‌شناسی) حاکم بر دنیای معماری امروز و جامعه ایران می‌پردازند.

از میان انبوه مطالعات و رسائلی که به توصیف موضوع هویت معماری پرداخته‌اند، **آشوری کفشگر (۱۳۹۶)**، دستیابی به فهم تاریخی چگونگی رویارویی سنت و مدرنیته در تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران در عصر پهلوی دوم را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری معماری معماران هویت‌گرای معاصر می‌داند. هم‌چنین در موضعی مشابه، **عابدی (۱۳۹۵)**، نوآوری را عامل ارتقاء هویت کالبدی فرآورده‌های معماری معاصر ایران برمی‌شمارد. لیکن هیچ‌یک از این دو، تفسیری از هویت معماری معاصر ایران ارائه نمی‌دهند و صرفاً به تحلیل تاریخی و کالبدی هویت از نگاه ابژکتیو می‌پردازند. در نزدیک‌ترین پژوهش به موضوع تحقیق، **طاهایی (۱۳۸۱)** در نگرشی فلسفی، بازشناسی و چگونگی تأثیرات معماری پست‌مدرن بر معماری معاصر ایران را مطرح می‌کند. اما علی‌رغم نگاه فلسفی محقق به پست‌مدرنیته، این محوریت معماری مدرن است که به نقدی پوزیتیویستی از آثار معماری ایران دست می‌یابد؛ و در نهایت منتج به نقدی تطبیقی از آثار معماری معاصر می‌گردد. لیکن شاید آن‌چه بیش از همه جلب توجه می‌کند این نکته باشد که اغلب این مطالعات، ساختمان‌محور هستند؛

چنان‌چه به کفایت و ضرورت، نتوانسته‌اند به صورت سیستماتیک، به نقد و تحلیل چپستی مبانی معماری معاصر ایران بپردازند. خاصه آن‌که ساختمان‌ها نیز بر اساس آن مبانی، گونه‌شناسی نشده‌اند.

از معدود رسالاتی که با رویکرد پدیدارشناسانه به موضوع معماری معاصر ایران پرداخته است، پایان‌نامه دکتر **مرتضی نیک‌فطرت کرم‌حله (۱۳۹۸)** با عنوان پدیدارشناسی ادراکات چندحسی در آثار معماری معاصر ایران (دهه هشتاد شمسی تاکنون) است. نیک‌فطرت با مرکزیت قراردادن انسان و اهمیت فضای تجربه‌گرا و چندحسی، به بررسی مؤلفه‌های تجربه زیسته مکان‌های خلق‌شده در مواجهه شخصی و ادراکی کاربران، به منظور بازتعریف مفهوم مکان در تجربه معماری موزه هنرهای معاصر تهران، می‌پردازد.

در میان انبوه مقالات پژوهشی با محور معماری معاصر ایران نیز **شایان و معمار دزفولی (۱۳۹۳)**، با نگاهی به معماری معاصر در ایران، به تقسیم‌بندی نسل‌های این دوره پرداخته‌اند:

۱. **نسل اول:** از اواسط عصر قاجاریه تا قبل پایان دوره پهلوی دوم؛ در دوره موسوم به شبه مدرنیسم ایرانی؛ با هدف ظهور معماری ایرانی جدید.

۲. **نسل دوم:** معماران متأخر بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شمسی؛ با هدف آشتی‌دادن سنت و تحولات معماری مدرن.

۳. **نسل سوم:** جریان ایده‌پرداز جوان در عصر حاضر؛ با هدف گذر از اهداف و جهان‌بینی مدرن و رسیدن به فرم جدید.

تعدادی مقاله دیگر نیز - بالاخص در دو دهه اخیر - در نشریات و مجلات مختلف معماری توسط دانش‌پژوهان و محققین، به رشته تحریر در آمده است؛ که به نظر، دارای یک خلأ اساسی است؛ از آن جهت که در آن‌ها، مبانی نظری معاری معاصر ایران - به صورت سیستماتیک و با توالی تاریخی - نقد و تحلیل نشده است. چنان‌که از این ادبیات برمی‌آید، جداسازی نقش خردگرایانه زبان (معماری) در مقابل تجربه احساسات (معمار)، اگر منجر به رویارویی ساده میان ذهن و عقل شود، بازی خسته‌کننده‌ای است. لذا تحلیل از غیرمادی‌بودن معماری در شکل هستی‌شناسانه آن، و در تجربه حسی آن، تفاوتی ندارد. گویی عدم امکان پرسش‌گری باعث آن می‌شود تا واقعیت معماری، بر تئوری معماری، پیروز گردد (**چومی، ۱۳۹۹**). حال آن‌که امروزه این مسئله ذهن ما را به خود مشغول داشته است که قرن گذشته چگونه شکل گرفته و ریشه‌های افکار آن دوران، چگونه در دل مردم، جایگزین شده است. بنابراین لازم است تا برای این کار، نقاط عطف گذشته نزدیک را در نظر گرفت (**باور، ۱۳۸۸**). از این رو ضروری است کسانی که معماری را تحلیل می‌کنند، با افکار

روزگار خود آشنایی (کامل) داشته باشند؛ تا از این طریق بتوانند به بررسی راه‌های گذر از گذشته و بحران‌های آن بپردازند.

روش‌شناسی پژوهش

امروزه استفاده از بازنمایی معماری به عنوان یک مفهوم محوری در ساخت واقعیت، بسیار مرسوم است. بازنمایی معماری روش‌های خود را در نظم و معنا بخشیدن به مفاهیم دارد؛ لذا برای معناکاوای آن در متون معماری، می‌باید از مفاهیمی که درک بازنمایی را آسان‌تر می‌کنند، استفاده نمود (شجاعی و متین، ۱۳۹۸). حال آن‌که در بازنمایی‌های معماری، می‌بایست مسئله تحقیق توسط یک روش پژوهشی، قبض و بسط داده شود و نظام معنایی آن، ارزیابی و تفسیر گردد و در این راستا و با شناخت از تفاوت‌های اساسی میان انواع بازنمایی معماری، نقش‌های کلی برای مفاهیم، فرض شود. از این رو، در بخش تحلیلی تحقیق، با رویکردی تفسیری، جداول استقرایی از آمیختن بازنمایی‌های معماری بر پایه هدف اصلی پژوهش، شکل گرفته است. بدین ترتیب، تفاسیر به‌دست‌آمده، ظرفیت‌های بازنمایی معماری در دوره معاصر را - خصوصاً در حوزه معنایی انتزاعی - ارتقاء می‌دهند؛ تا در نتیجه این دستاورد، بتوان اظهار داشت مهم‌ترین دلالت‌های ذهنی در شکل‌گیری بازنمایی‌های عینی در معماری معاصر - به ویژه معماری معاصر ایران - از تقابل و ترتیب زمانی، مشابهت ظاهری و مجاورت مکانی، و هم‌چنین تأثیر از کدام متون مرتبط دیگر، می‌تواند مورد نظر قرار گیرد. اگرچه برخی، نظریه داده بنیاد را فرایندی صرفاً قیاسی توصیف کرده‌اند، لکن مطابق با نظر اشتراوس، همه نظریه‌های علمی، پیش از آن‌که نیازمند به تصویر درآمدن باشند (قیاس)، به دقت در تشریح و صورت‌بندی (استقراء) و در نهایت به درستی‌سنجی (کنترل) وابسته‌اند (کوربین و اشتراوس، ۱۴۰۰). لذا روش تحقیق پیش رو، به روش کیفی آمیخته، و با رهیافت نظریه‌پردازی داده بنیاد یا گراند‌تئوری انجام شده است؛ تا به وسیله آن و با بهره‌گیری از دسته‌ای از داده‌ها - یک نظریه مستقل - تکوین یابد. در این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شیوه نظام‌مند یا سیستماتیک - که با تئوری اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) شناخته می‌شود - استفاده شده است؛ که بنا بر تقسیم‌بندی کوربین و اشتراوس (۱۴۰۰)، این شیوه دارای سه مرحله کدگذاری باز (مفاهیم)، کدگذاری محوری (شرایط علی، راهبردها، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدها) و کدگذاری انتخابی (گزینشی) است و این سه نوع کدگذاری، سطوح مختلفی از کدگذاری را نشان می‌دهند که هر یک به نکته متمایزی در بیان مقوله‌ها در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد می‌پردازد (دانایی فرد و اسلامی، ۱۴۰۰). در واقع، در فرایند کدگذاری، پس از کدگذاری اولیه - که

نخستین گام در منطقی‌کردن و انتزاعی‌کردن داده‌های خام به شمار می‌رود - با تأکید بیش‌تر بر کدهای مشترک، از ترکیب کدهای اولیه، کدهای (متمم‌کر) جدیدی به دست می‌آید و نیازمند تصمیماتی است که کدام کدها تحلیلی‌ترین منطق را برای یک طبقه‌بندی جامع، فراهم خواهد کرد (Charmaz, 2021).

روش گردآوری اطلاعات

این پژوهش، از مطالعات کتابخانه‌ای (منابع اسنادی و استنادی) و روش میدانی (مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه)، در گردآوری اطلاعات، استفاده کرده است. در این تحقیق، از نرم‌افزار تحقیقات کیفی MaxQDA نسخه ۲۰۲۰، در مراحل مختلف تحلیل، بهره‌گیری شده است. این نرم‌افزار، علاوه بر تسهیل فرایند کدنویسی، با ارائه خروجی‌های گرافیکی، فرایند تحلیل را نیز تسهیل می‌کند. توجه کنید علی‌رغم آن‌که نرم‌افزار به محقق کیفی در انجام وظایف خود کمک زیادی می‌کند، اما در واقع تحلیل را انجام نمی‌دهد و فرایند تحلیل و گزارش اطلاعات کیفی، به صورت دستی و توسط محقق، صورت می‌گیرد. از آن‌جا که مهم‌ترین ابزار گردآوری داده‌ها در تحقیقات کیفی، مصاحبه است و در این گفتگوی هدفمند، پژوهش‌گر تلاش می‌کند تا از طریق تعامل با مصاحبه‌شونده، اطلاعاتی درباره پدیده مورد نظر خود، به دست آورد (Flick, 2022). در گردآوری داده‌های این پژوهش نیز از روشی برای مصاحبه استفاده شده تا با راهبردها، اهداف، و سؤال‌های پژوهش، تناسب داشته باشد. داده‌های تحقیق، به روش مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته - به عنوان یکی از معمول‌ترین انواع مصاحبه در تحقیقات کیفی، در قالبی مابین دو حد نهایی مصاحبه‌های ساختاریافته و بدون ساختار (Brinkmann, 2022) - با اساتید و متخصصین معماری - که هم به صورت آکادمیک و هم به صورت حرفه‌ای مشغول به فعالیت هستند - گردآوری شده است. پروتکل مصاحبه شامل سؤالات از پیش اندیشیده‌شده و تعیین‌شده است؛ که در آن، از تمامی پاسخ‌گوها سؤالات مشابهی پرسیده می‌شود؛ لیکن پاسخ‌دهندگان آزاد هستند که پاسخ خود را به هر طریق که مایل‌اند، ارائه نمایند. در این مورد، مسئولیت رمزگردانی پاسخ‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها بر عهده پژوهش‌گر خواهد بود (Clark et al., 2021). پس از هر مصاحبه، با توجه به حجم بالای اطلاعات، نرم‌افزارهای تحلیل کیفی نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. نکته قابل توجه آن‌که ترتیب سؤالات در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، بنا بر مقتضیات مصاحبه، می‌تواند تغییر کند؛ تا از گسترش و تولید اطلاعات زائد، جلوگیری و مصاحبه حول محور پدیده اصلی، ادامه می‌یابد (لوینز و سیلور، ۱۳۹۹).

روایی و پایایی داده‌ها

(Mayring, 2021).

یافته‌های پژوهش

تأکید ویژه پژوهش، بر دیدگاه‌ها و آراء آن دسته از اساتید و متخصصین معماری است که هم به صورت آکادمیک و هم به صورت حرفه‌ای، مشغول به فعالیت‌اند. حال آن‌که در اولین برداشت از مجموع اطلاعات مصاحبه، مشاهده شد که دیدگاه‌های همه معماران برجسته و شاخص مقطع زمانی معاصر - که در مصاحبه مشارکت داشته‌اند - به شکل معناداری، در جریان معماری معاصر ایران، روزآمد نیست و تکیه اطلاعات و شناخت ایشان از معماری معاصر - صرفاً - به دوره فعالیت‌شان بازمی‌گردد. از این رو، به منظور تحلیل بهینه داده‌ها، تعدادی از مصاحبه‌ها از دایره تحلیل، حذف و فرایند مصاحبه در دو سطح اشباع نظری نسبی (در مفهوم اشباع هر یک از سؤالات، به تفکیک) و اشباع نظری مطلق (در مفهوم اشباع مجموع سؤالات)، مورد کفایت نظری قرار گرفت. در میان ۸ سؤال پرسشنامه مصاحبه، در مصاحبه ۱۷ ام، اشباع نسبی در بالاترین سطح اشباع، حاصل شد و به منظور اطمینان از داده‌های جمع‌آوری‌شده و دستیابی به اشباع مطلق، فرایند مصاحبه تا مصاحبه ۲۵ ام، ادامه یافت و جمع‌آوریداده‌ها، با ۲۵ مصاحبه به پایان رسید و بدین ترتیب - در نهایت - تعداد ۱۷ مصاحبه سطح کفایت نظری، مورد تحلیل کیفی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهند که با توجه به سؤالات پرسشنامه - که هر یک، منحصراً عهده‌دار تضامن پاسخ‌گویی به تفسیر اهداف تحقیق در تحلیل هویت معماری معاصر ایران بر مبنای پست‌مدرنیته و اندیشه انتقادی می‌باشند - در فرایند کدگذاری ۱۷ مصاحبه انجام‌شده، از مجموع ۳۱۷ کد به‌دست‌آمده، تعداد ۵۳ مقوله در ۸ طبقه، با طبقه

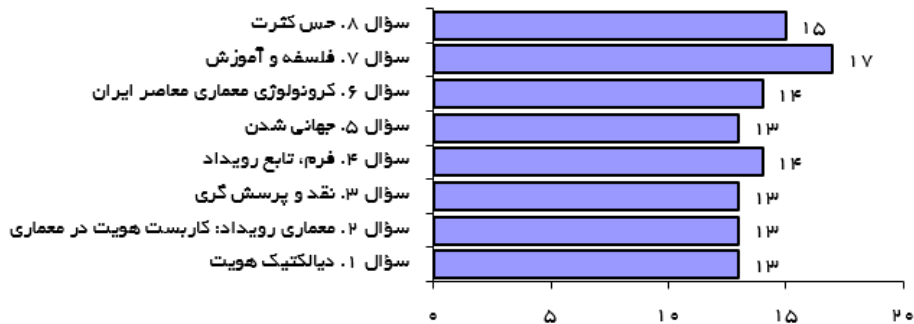
پس از پایان مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی گفتگوها و اشتراک‌گذاری متون و کدهای اولیه با هر یک از مشارکت‌کنندگان، شاخص اعتبار و قابلیت اطمینان، مورد ارزیابی قرار گرفته است. تأیید شاخص کیفیت پایایی تحقیق، به روش تعیین درصد توافق درون موضوعی، انجام شده است. میانگین قابلیت اطمینان میان محقق و مصاحبه‌شوندگان در ۱۷ مصاحبه مورد تحلیل، ۹۰.۳۷ درصد به دست آمد. هم‌چنین، قابلیت روایی حاصل از اعتبار داده‌ها نیز با همکاری محقق و دو همکار تحلیل‌گر کیفی (با درجه علمی دکتری مدیریت و آمار تحلیلی)، دو همکار پژوهشی هیئت علمی (با درجه دکتری معماری) و دو همکار پژوهشی نظریه‌پرداز داده‌بنیاد (با درجه علمی دانش‌آموخته مقطع دکتری در مرحله تدوین رساله با رهیافت نظریه‌پردازی داده‌بنیاد)، محاسبه گردیده است. میزان روایی مصاحبه‌های نهایی، میانگین ۷۸.۰۷۲۰ درصد را نشان داد. میانگین توافق ۹۰.۳۷ درصد، نشان از قابلیت اطمینان تقریباً کامل و میانگین ۷۸.۰۷۲۰ درصد سطح معیار کوهن و پوشش بیش از ۰.۶ ضریب کاپا، قابلیت اعتبار را ایده‌آل توصیف می‌نماید. لذا با توجه به آزمون‌های انجام‌شده، روایی و پایایی کیفی، مورد تأیید و نتایج به‌دست‌آمده، با بررسی معیارهای تطبیق، تعمیم، قابلیت فهم و کنترل، قابل ارزیابی و تفسیر می‌باشد. لازم به ذکر است که فرایند کدگذاری تا حصول توافق ۱۰۰ درصدی، به منظور حصول یک توافق کامل، مورد بازنگری و تصحیح واقع گردیده است. هم‌چنین، شاخص اعتبار و قابلیت اعتماد، بر پایه نقش‌گرایی نظام‌بنیاد هالیدی (۲۰۱۴)، و حجم نمونه بر اساس الگوی مایرینگ در انتخاب حداقل و حداکثر تعداد مصاحبه‌شوندگان پژوهش‌های کیفی، با استفاده از یک حجم نمونه ۵ تا ۲۵ آزمودنی، ارزیابی شد



شکل ۱. فرایند کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌های کیفی
Figure 1. Coding and classification process of qualitative data

جدول ۱. نسبت سطح اشباع در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان به تفکیک سؤالات مصاحبه و میزان فراوانی در کدگذاری
 Table 1. The ratio of the level of saturation in the responses of the interviewees by interview questions and the frequency of coding

Interview	Frequency	Segments	Questions	Codes & Memos	Saturation
P01	398	111	1	Identity Dialectic	13th
P02	423	116			
P03	371	104	2	Event Architecture	13th
P04	323	68			
P05	773	76	3	Criticism & Questioning	13th
P06	344	72			
P07	398	63	4	!Form, follows Event	14th
P08	347	67			
P09	228	58	5	Globalization	13th
P10	348	75			
P11	346	77	6	Chronology	14th
P12	249	69			
P13	349	73	7	Philosophy & Education	17th
P14	324	71			
P15	387	75	8	Sense of Plurality	15th
P16	366	73			
P17	391	89	8	8	17th
17	5969	1337			



شکل ۲. کفایت نظری سؤالات مصاحبه به تفکیک هر پرسش
 Figure 2. Theoretical adequacy of interview questions by each question

ایجاد پوشه‌های فرعی و تخصیص متغیرها به اسناد در کدگذاری فایل‌های مصاحبه، نرم‌افزار MaxQDA - به عنوان رایج‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نرم‌افزار تحلیل پژوهش‌های کیفی - آماده ارائه مدل‌های مختلف و متنوع داده بنیاد می‌باشد. شاخص‌ترین این مدل‌ها، مدل نمودار درختی با محوریت کدهای انتخابی کدگذاری شده است. نمودار درختی، معادل بصری روابط میان مفاهیم است؛ که با یک محور مرکزی آغاز می‌شود و این محور، در واقع همان

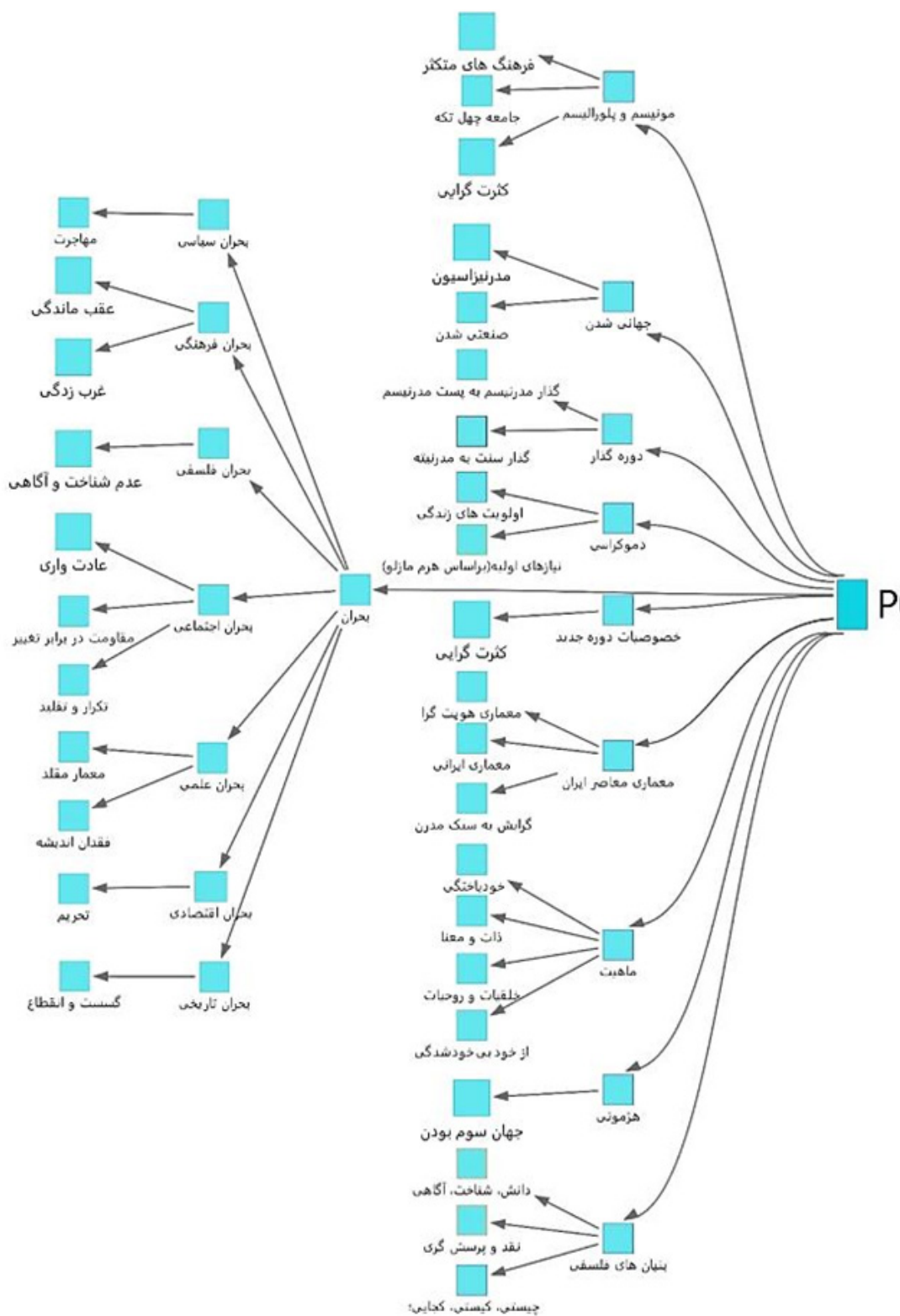
محوری هویت معماری معاصر ایران، مرتبط شده است. شکل ۱ به بیان بصری این موضوع می‌پردازد. همچنین جدول ۱ و شکل ۲، سطوح اشباع نظری سؤالات مصاحبه در پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان و میزان فراوانی کدگذاری به تفکیک هر مصاحبه را نمایش می‌دهد. لازم به ذکر است که در تفکیک ستون‌های این جدول، از اصطلاحات به‌کاررفته در نرم‌افزار MaxQDA نسخه ۲۰۲۰، استفاده شده است. پس از انجام چهار گام اساسی - فراخوانی داده‌ها، گروه‌بندی اطلاعات،

و نمایش شماتیک بصری کدهای مستخرج از یک مصاحبه، نمایش داده است. در ادامه، با توجه به اهمیت متغیرهای میانجی در اتخاذ تدابیر و راهبردهای تئوری داده‌بنیاد و ارائه راهکارهای مطلوب بر مبنای چالش‌های موجود، و بر اساس کدهای نهایی استخراج‌شده از مجموع ۱۷ مصاحبه، مدل تطبیقی متغیرهای میانجی پژوهش - شامل متغیرهای تعدیل‌کننده، کنترل و مداخله‌گر - در شکل ۴، ارائه و مدل پارادایمی هویت در معماری معاصر ایران در شکل ۵، در قالب عمومی و کلی تفسیر گردیده است. هم‌چنین، جدول ۳، به بیان نسبت عناصر مدل پارادایمی تحقیق با ادبیات پژوهش، پرداخته است.

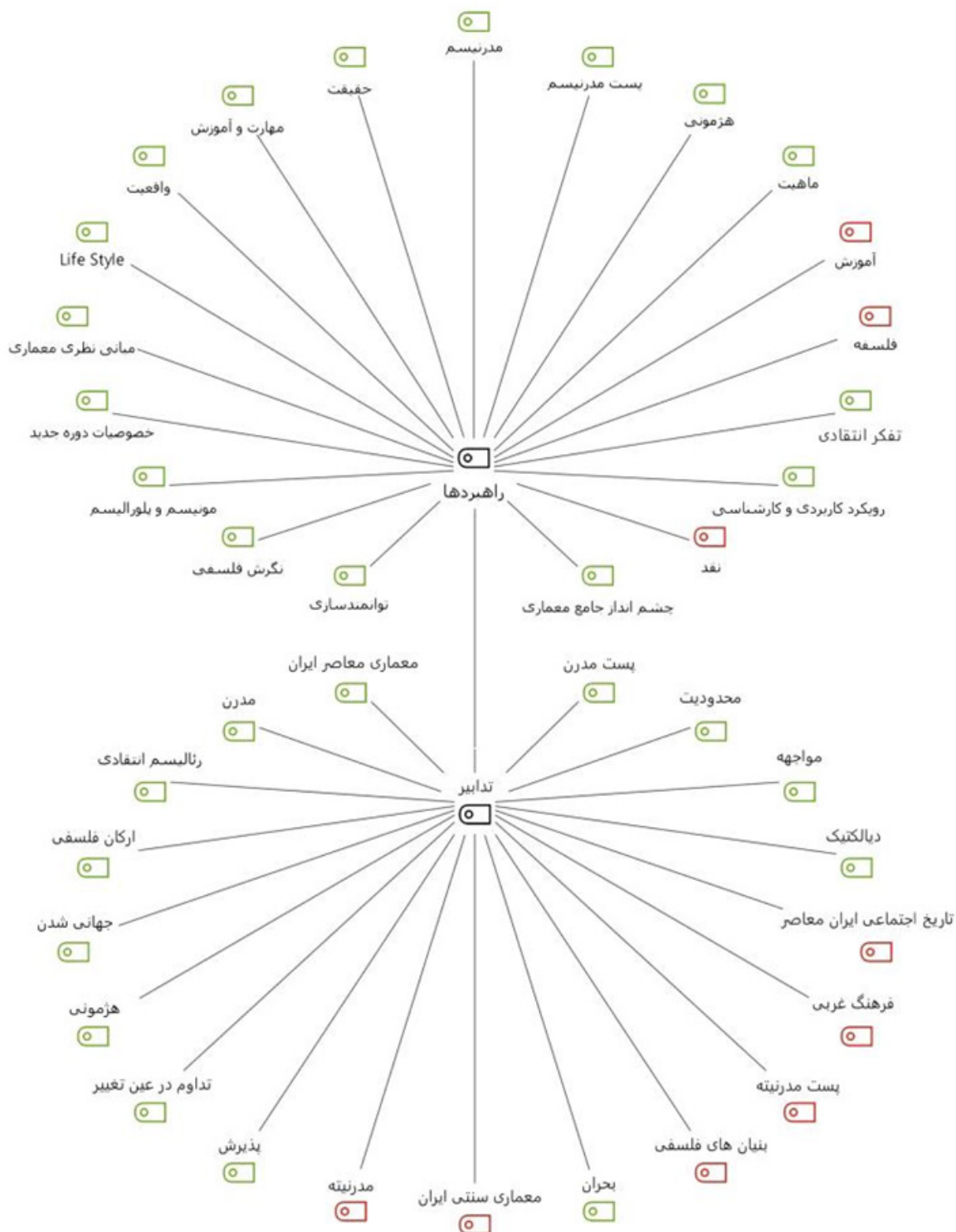
مسئله‌ای است که باید حل شود و یا ایده‌ای است که مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. از نمودار درختی می‌توان برای اتخاذ تدابیر یا تعیین پیامدها و راهبردها و یا تأثیرات فرعی دسته‌بندی‌ها یا رویدادها و رسیدن به سطوح پایین‌تری از جزئیات، استفاده کرد. این امر کمک می‌کند تا بتوان با دقت در پیچیدگی‌های جزئی مسئله، راه‌حل‌های موجود و مسیر تصمیم‌گیری را به یک تصویر بزرگ و جامع، تغییر داد. جدول ۲، عناصر سازنده هویت در معماری معاصر ایران را از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان و شکل ۳، نمودار درختی کدهای انتخابی مستخرج از تحلیل داده‌بنیاد نمونه‌مصاحبه (P01) را به منظور معرفی

جدول ۲. عناصر سازنده هویت در معماری از دیدگاه مشارکت‌کنندگان پژوهش
Table 2. Identity building elements in architecture from the perspective of research participants

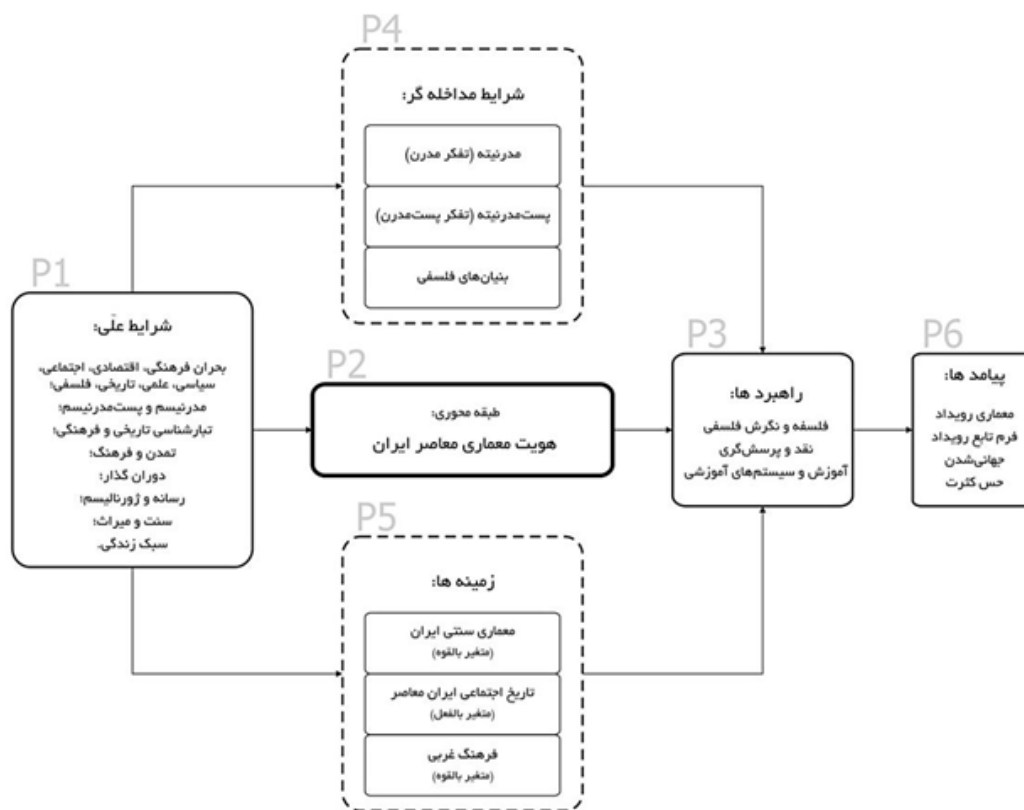
لامکانی و بیزمانی	چیستی، کیستی، کجایی	چگونگی بودن و چگونگی‌نبودن	تداوم در بودن و نحوه بودن	فرار از امر مشترک	توصیف شخصیت و تشخیص و نشانه‌های تشخیص	ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی	جهانبینی	جوهره و اصالت و اینهمانی	ماهیت شناخت و عامل شناسا	اشتراکات و افتراقات	تشابه و تفاوت	تفکیک و تمایز	
	*	*	*			*					*	*	P01
*	*	*	*			*		*		*	*	*	P02
*		*	*			*	*	*		*		*	P03
		*				*		*			*	*	P04
*	*	*	*			*		*	*	*	*	*	P05
					*	*		*		*	*	*	P06
		*			*	*		*		*	*	*	P07
	*	*	*			*		*		*	*	*	P08
			*		*	*		*		*	*	*	P09
		*		*	*	*		*	*	*	*	*	P10
*	*	*	*			*	*	*	*	*	*	*	P11
			*	*		*	*	*	*	*	*	*	P12
*		*			*	*		*	*	*	*	*	P13
		*	*		*	*	*	*	*	*	*	*	P14
*					*	*	*	*	*	*	*	*	P15
*		*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	P16



شکل ۳. نمودار درختی کدهای نمونه مصاحبه ۰۱
Figure 3. Tree diagram of sample codes-interview P01



شکل ۴. مدل تطبیقی پیامد مواجهه تدابیر و راهبردهای تئوری دیالکتیک هویت معماری معاصر ایران
 Figure 4. Comparative model of the encountering measures and strategies consequence of the Iran contemporary architectural identity dialectic theory



شکل ۵. مدل پارادایمی دیالکتیک هویت در معماری معاصر ایران
Figure 5. Paradigmatic model of the Iran contemporary architectural identity dialectic theory

معاصر ایران است.

(P5): بازشناخت مفاهیم و مضامین معماری گذشته ایران و تعریف استفاده بهینه از فرهنگ و تکنولوژی غربی، و بازآموزی مؤلفه‌های تأثیرگذار تاریخی اجتماعی و سیاسی مقطع معاصر، مقدمه دستیابی به موفقیت در معماری معاصر ایران است.

(P6): نتیجه کاربست مجموعه مؤلفه‌های مؤثر بر گفتمان هویتی در معماری معاصر ایران، بازنمایی ذهنی (معماری رویداد) و بازنمایی عینی هویت معماری معاصر ایران (فرم تابع رویداد)، دستیابی به مسیر جهانی‌شدن معماری ایرانی در فرهنگ جهانی و ایجاد یکپارچگی و وحدت در عین کثرت فرهنگ‌های متکثر خواهد بود.

بمبث

جهان هر کس، جهان اوست. هر کس همواره و به نحو اجتناب‌ناپذیری بر اساس مجموعه کثیری از ارزش‌ها، باورها، مفروضات پیشین، مواضع و جهت‌گیری‌ها، با پدیدارها مواجه می‌شود و پدیداری به

(P1): جریان مدرنیسم در بستر حاکم پست‌مدرنیسم، وضعیت موجود را با ایجاد بحران‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، تاریخی، فلسفی، به چالش کشیده و به سبک زندگی قالب دوره معاصر مبدل شده است. در این میان، مدیا و رسانه می‌تواند نقش مهمی در معرفی این هنجار نوین و حفظ ارزش‌های تمدن و فرهنگ ایرانی و سنت و میراث سرزمینی، در نقطه عطف این دوران گذار، ایفا نمایند.

(P2): ریشه بسیاری از ناکامی‌ها در فهم شرایط موجود معماری، در توانایی شناخت گفتمان تاریخی میان هویت‌های پیشین و هویت معاصر نهفته است.

(P3): کسب مهارت نقد و پرسش‌گری به مثابه اندیشه انتقادی، شناخت و نگرش فلسفی و اصلاح آموزش و شیوه‌های آموزشی می‌تواند به تحول در معماری معاصر ایران بیانجامد.

(P4): تفکر مدرن (مدرنیته)، تفکر پست‌مدرن (پست‌مدرنیته) و شناخت و آگاهی از بنیان‌های فلسفی، لازمه موفقیت در معماری

جدول ۳. نسبت عناصر مدل پارادایمی و ادبیات پژوهش
Table 3. The ratio of paradigmatic model elements and research literature

ادبیات و پیشینه موضوع	مدل پارادایمی هویت در معماری معاصر ایران
<p>آنتادیوپ (۱۳۶۱)؛ ادیب (۱۳۷۹، ۱۳۸۰)؛ اسمیت (۱۳۵۷)؛ بهنام و جهاننگلو (۱۳۸۲)؛ جیمسون (۱۳۷۹)؛ حبیبی (۱۳۸۵)؛ دالزوتو و لوگمایر (۱۳۹۷)؛ رابرتسون (۱۳۹۸)؛ رهبری (۱۳۸۱، ۱۳۸۵)؛ کاتز (۱۳۹۷)؛ گرین و تروپ (۱۴۰۰)؛ گیرتز (۱۳۹۹)؛ گیدنز (۱۳۹۸)؛ لئندولم (۱۳۹۷)؛ ملکیان (۱۳۸۸)؛ میرباباپور و ساجدی (۱۳۹۲)؛ ناری قمی (۱۳۹۵)؛ قاسمی سیپانی (۱۳۸۲، ۱۳۸۳)؛ ویویورکا (۱۳۷۸)؛ هارپر (۱۳۹۴)؛ هارکوپ (۱۳۹۳)؛ همسرلی (۱۴۰۰)؛ یارشاطر (۲۰۱۶)؛</p>	<p>شرایط علی:</p> <ul style="list-style-type: none"> بحران فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، تاریخی، فلسفی؛ مدرنیسم و پست مدرنیسم تبارشناسی تاریخی و فرهنگی تمدن و فرهنگ دوران گذار رسانه و ژورنالیسم سنت و میراث سبک زندگی
<p>آدورنو و هورکهایمر (۱۳۹۵)؛ آشنا و روحانی (۱۳۸۹)؛ احمدی (۱۳۹۳)؛ پاکزاد (۱۳۹۰)؛ پالم (۱۳۹۳)؛ حجت (۱۳۸۴، ۱۳۹۳)؛ سلطانزاده (۱۳۹۶)؛ سروش (۱۳۹۲)؛ شایگان (۱۳۹۶)؛ شریعتی (۱۳۹۴)؛ علیخانی (۱۳۸۳، ۱۳۸۴)؛ کورئا (۱۳۸۷)؛ گادامر (۱۳۹۸)؛ مصلحتجو (۱۴۰۰)؛ مهدویزاد و همکاران (۱۳۸۹)؛</p>	<p>طبقه محوری:</p> <ul style="list-style-type: none"> هویت در معماری معاصر ایران
<p>آبراهامیان (۱۳۸۴، ۱۳۹۰)؛ آبروشن (۱۳۹۲)؛ اشرف (۱۳۵۹، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۸۷، ۱۳۹۵)؛ جهاننگلو (۱۳۸۵، ۱۳۸۶)؛ خاتمی (۱۳۸۰، ۱۳۹۳)؛ رجایی (۱۳۹۵)؛ رضاقلی (۱۳۷۷)؛ رهبری (۱۳۸۶)؛ طبری (۱۳۵۴)؛ کسرائی (۱۳۸۴)؛ گیدنز (۱۳۹۷)؛ میرسیاسی (۱۳۹۸)؛ نفیسی (۱۳۹۰)؛ نقی‌زاده (۱۳۷۹)؛ ورجاوند (۱۳۸۶)؛ هنرمند (۱۳۴۷)؛ یارشاطر (۱۳۷۳)؛</p>	<p>زمینه‌ها:</p> <ul style="list-style-type: none"> معماری سنتی ایران تاریخ اجتماعی ایران معاصر فرهنگ غربی
<p>احمدی (۱۳۹۴)؛ انصاری (۱۳۹۵)؛ بانیمسعود (۱۳۸۴، ۱۳۸۹، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۹)؛ باور (۱۳۸۸)؛ بنه ولو (۱۳۵۳)؛ بلوگولوفسکی (۱۴۰۰)؛ جهاننگلو (۱۳۸۵)؛ دامیار و ناری قمی (۱۳۹۱)؛ حقدار (۱۳۸۰، ۱۳۹۵)؛ حقیر و کاملنیا (۱۳۹۴، ۱۳۹۹)؛ دلوز (۱۳۹۸)؛ کهون (۱۳۹۶)؛ ریکور (۱۳۹۷)؛ زیباکلام (۱۳۹۳)؛ عبدالکریمی (۱۳۹۵، ۱۳۹۶)؛ نوذری (۱۳۸۹)؛</p>	<p>شرایط مداخله‌گر:</p> <ul style="list-style-type: none"> مدرنیته پست مدرنیته بنیان‌های فلسفی
<p>Habermas, (1992); اتو (۱۳۹۴)؛ اریک برونر (۱۳۹۳)؛ افشارناردی (۱۳۷۷، ۱۳۸۰)؛ باتومور (۱۳۹۸)؛ براون و کیلی (۱۳۹۹)؛ بنیامین و همکاران (۱۳۹۵)؛ پوپ و اکرم (۱۳۸۵)؛ پیرنیا (۱۳۷۰)؛ پاکباز (۱۳۹۵)؛ تامپسون (۱۳۹۷)؛ ثبات ثانی (۱۳۹۶)؛ ریچارد و الدر (۱۴۰۰)؛ خوبی (۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۶)؛ دانایفرد (۱۳۸۳، ۱۳۸۸، ۱۳۹۸)؛ دانایفرد و همکاران (۱۳۸۳)؛ دیباج و سلطانزاده (۱۳۹۲)؛ دورانت (۱۳۸۴)؛ رجبی (۱۳۵۵)؛ رئیسی (۱۳۹۲)؛ شایان و معمار دزفولی (۱۳۹۳)؛ عبدالکریمی (۱۳۷۱، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۳۸۸)؛ قبادیان (۱۳۹۲، ۱۴۰۱)؛ کلنر (۱۳۹۴)؛ کیانی (۱۳۸۳)؛ گذار (۱۳۵۸)؛ مختاری طالقانی (۱۳۹۰)؛ معینی علمداری (۱۳۸۸)؛</p>	<p>راهبردها:</p> <ul style="list-style-type: none"> فلسفه و نگرش فلسفی نقد و پرسشگری آموزش و سیستم‌های آموزشی
<p>آیزمن و ایتوربه (۱۳۹۹)؛ ابل (۱۳۸۷)؛ احمدی (۱۳۸۱)؛ اردلان و بختیار (۱۳۸۰)؛ برادبنت (۱۳۷۵)؛ برمن (۱۳۹۲)؛ بمانیان و همکاران (۱۳۸۹)؛ جنکس (۱۳۹۷)؛ چومی (۱۳۹۹)؛ لیبسکیند (۱۴۰۰)؛ دیبا (۱۳۸۷، ۲۰۱۸)؛ رهبری (۱۳۸۰)؛ روحی (۱۳۹۹)؛ قبادیان (۱۳۹۵)؛ نوربرگ شولتز (۱۳۷۲)؛ ونتوری (۱۳۸۹)؛ هایبن (۱۴۰۰)؛ Hassan (1993); Jencks (1973, 1977, 1987, 1991, 1995, 1996, 2005, 2007, 2012); Jencks & Kropf (1997); Jencks & Silver, (2013);</p>	<p>پیامدها:</p> <ul style="list-style-type: none"> معماری رویداد فرم تابع رویداد جهانی‌شدن حس کثرت

و موضوع دیگری، یک بحث نظری محض باشد. بلکه هم طرح پرسش و هم معنای پرسش و هم پاسخ بدان، بستگی به این دارد که ما چه نسبتی با شرایط، موقعیت و جهان پیرامونی خویش داریم. به

نام پست‌مدرنیسم نیز از این اصل انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و هرمنوتیکی جدا نیست. بنابراین، چنین نیست که بحث از پست‌مدرنیسم در ایران و پرسش و پاسخ پیرامون آن، مثل هر بحث

میان ایرانی بودن یا ایرانی ماندن، تکوین یافته و در گفتمانی تاریخی - میان بازخوانی از آن چه هست (بود، نمود، باز نمود) و بازنمایی از آن چه که باید باشد (نهاد، خود، فراخود) - به صورت سلبی (و نه ایجابی)، در حال شدن است؛ حال، به شکل تغییر و تحول در تکوین فضا (از طریق تکنولوژی و عملکرد)؛ و یا به شکل تضادهای پویا و پیچیدگی‌های انتزاعی ساختار (از طریق روابط برنامه‌محور و کاربردی).

این پژوهش، با هدف کلی تحلیل و تأویل هویت معماری معاصر ایران بر مبنای پست‌مدرنیته و اندیشه انتقادی، و به دنبال پاسخ این پرسش که هویت چگونه می‌تواند به مثابه رویکردی انتقادی بر بازشناسی معماری پست‌مدرن به‌ویژه در دوره معاصر ایران تأثیر داشته باشد؟، بر آن بوده است تا در گفتمانی تاریخی، حقیقت و ماهیت معماری معاصر ایران را توصیف نماید و در کنار ابهام و سردرگمی حاصل از این واژگان، ناهم‌گونی آشوب‌برانگیزی را تفسیر کند که در پس اندیشه‌ها و این معانی پرمدها و تا حدی متناقض، توضیحی پیرامون منطق و دلیل کاربرد فراگیر مجموعه‌ای از سنت‌های قریب‌الوقوع به‌جامانده از باورها و شیوه‌های برخاسته از فرهنگ را تعیین می‌نماید؛ حال آن که خود - نامعین است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف کلی تحلیل و تأویل هویت معماری معاصر ایران بر مبنای پست‌مدرنیته و اندیشه انتقادی، به روش کیفی آمیخته، انجام و با بهره‌گیری از رهیافت نظریه داده‌بنیاد، واکاوی و در نهایت، منجر به تولید و ارائه تئوری دیالکتیک هویت در معماری معاصر ایران گردید؛ داده‌های پژوهش در قالب ۱۷ مصاحبه نیمه‌ساختار یافته، طبقه‌بندی و محتوای پاسخ‌ها، با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی MaxQDA نسخه ۲۰۲۰، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور استخراج مقوله‌های اصلی و فرعی، از پرسشنامه‌ای بر پایه اهداف پژوهش، استفاده شد. محتوای فایل‌های مصاحبه، در سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی)، استخراج و پس از پالایش، با یکدیگر ادغام و در نهایت، در طبقه‌بندی‌های معنادار، دسته‌بندی گردید. مراحل کدگذاری، در قالب جداول نظام‌یافته، گزارش و مقدار فراوانی متناظر با هر یک از کدها، ارزیابی، محاسبه و ارائه شد. بررسی شاخص‌های به دست آمده حاکی از آن است که آزمون روایی و پایایی، مورد تأیید است. لذا، با تکیه بر یافته‌ها و نتایج حاصل، به نظر می‌رسد جریان مدرنیسم در بستر حاکم پست‌مدرنیسم، وضعیت موجود را با ایجاد بحران‌های فرهنگی (غربزدگی، عقب ماندگی، از خودبیگانگی و تکنوپولی)، اقتصادی (تحریم)، اجتماعی (هرج و مرج، آشفتگی، تکرار و تقلید، مقاومت در برابر تقلید و عادت‌واری)، سیاسی (انقلاب و تخریب، سرکوب،

بیان ساده‌تر، بسته به نسبتی که انسان با عالم غرب، عصر روشنگری، مدرنیته، سنت، تفکر دینی، جهان‌بینی و ارزش‌های معنوی این عصر دارد، و این‌که از چه موضع و مفروضات فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژیک یا پروژه اجتماعی برخوردار است، نحوه مواجهه با پرسش مذکور و پاسخ بدان متفاوت خواهد بود (عبدالکریمی، ۱۳۹۸). پست‌مدرنیسم، وجه غالب باور فرهنگی زمانه‌ای است که تمامی فعالیت‌های هنری و فکری را - دوباره - قالب‌ریزی می‌کند و حاوی انگاره‌های متمایزی از تجربه و شرایط در عمیق‌ترین سطوح یا تمامی آن چیزی است که می‌توان درباره جهان معاصر دانست (Jameson, 2016). تا آن‌جا که قدرت متمرکز، جای خود را به کثرت گسسته داده است (Jencks, 1996).

یافته‌ها نشان می‌دهند پیامد جمع‌بندی متغیرهای علی پژوهش در شرایط میانجی وضعیت موجود، رویدادی را رقم می‌زند؛ که حقیقت، ماهیت و واقعیت معماری معاصر ایران را بیان می‌نماید؛ که بر گستره معماری پست‌مدرن ایرانی و آینده آن می‌نگرد و با ورود به معماری پست‌مدرن و جایگاه پست‌مدرنیسم در معماری معاصر ایران، از آن عبور می‌کند و در این مسیر، نحوه مواجهه معماری ایران معاصر را با معماری جهانی، به چالش می‌کشد؛ و با طرح مواضع پست‌مدرنیسم، سرنوشت خرد عصر جدید را در تداومی در عین تغییر معین می‌سازد. لذا در این راستا سعی می‌کند تا از گذشته خود برخیزد، به حال معاصر برسد و به آینده دست یابد.

تلاش این پژوهش بر آن بوده است تا با بازنمایی رئالیستی از خوانش انتقادی پست‌مدرنیسم در معماری، موقعیتی را رقم زند که ماهیت معماری معاصر ایران را توصیف نماید و در گفتمانی میان طیف‌های گسترده از شبکه‌های معنایی و ساختارهای فرهنگی از یک واقعیت جهانی، حقیقت باورهای ذهنی را مورد ارزیابی قرار داده و در چرخه‌ای استقرایی میان نقد پوزیتیویستی و تفسیری، به شأن مستقلی دست یابد که ثابت نیست؛ و هر آن، ممکن است - از طریق بازسازی وضعیت‌های آستانه‌ای - به گذرگاهی موقتی میان وضعیت‌های آلترناتیو، تغییر کند! و در تجلی تکامل (عینی و انتزاعی) از یک رویداد برنامه‌محور و کاربردی، نتیجه می‌گیرد که معماری معاصر ایران، بازنمایی از همان عملکردی است که با رویکردی واقع‌گرایانه و انتقادی، به هدایت این تحول بنیادین پرداخته است و در بحرانی خودانعکاسی از تغییرات مداوم وضعیت‌های آستانه‌ای و در تضامن پاسخ‌گویی به عملکرد هنجاری نوین به مثابه رئالیسم انتقادی، بر پیچیدگی موسمی آن وضعیتی تأکید می‌ورزد که ناگزیر از وقوع یک رویداد است! رویدادی که با مروری واقع‌بینانه در نگرشی بنیادی میان حقیقت (خودشیفتگی تا خودباختگی) و ماهیت (خودباوری) در تقابل

موقتی میان وضعیت‌های آلترناتیو، تغییر یابد و در تضامن پاسخ‌گویی به عملکرد هنجاری نوین به مثابه رئالیسم انتقادی، بر پیچیدگی موسمی آن وضعیتی تأکید می‌ورزد که ناگزیر از وقوع یک رویداد نوین است!

۱- نقش نویسندگان

بررسی و گردآوری ادبیات، جمع‌آوری اطلاعات، انجام مصاحبه، آزمون‌ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها، تهیه متن و ویرایش دست‌نوشته، توسط امیرداود مصلحت‌جو انجام شده است. مریم قاسمی سیچانی با بررسی ادبیات و نتایج، وحید قبادیان با تدقیق ادبیات معماری و بیژن عبدالکریمی با تدقیق فلسفی تحقیق، در انجام پژوهش یاری نمودند.

۲- تقدیر و تشکر

با تشکر از همه افرادی که در مشاوره علمی این مقاله نویسندگان را یاری نموده‌اند؛ این مقاله برگرفته از رساله دکتری امیرداود مصلحت‌جو با عنوان «تحلیل دیالکتیک هویت معماری معاصر ایران با تأکید بر خوانش انتقادی پست‌مدرنیسم»، با راهنمایی دکتر مریم قاسمی سیچانی و مشاوره دکتر وحید قبادیان و دکتر بیژن عبدالکریمی، در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، انجام پذیرفته است.

۳- تعارض منافع نویسندگان

نویسندگان به طور کامل از اخلاق نشر تبعیت کرده و از هرگونه سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز نموده‌اند و منافعی تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسندگان در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند.

۴- فهرست مراجع

۱. آبراهامیان، پرواند. (۱۳۸۴). *ایران بین دو انقلاب*. (احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، مترجمان). چاپ یازدهم. تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۲).
۲. آبراهامیان، ارواند. (۱۳۹۰). *تاریخ ایران مدرن*. (شهریار خواجهان، مترجم). تهران: نشر دات. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۸).
۳. آب‌روشن، مسعود. (۱۳۹۳). *آسیب‌شناسی مدرنیسم‌اسیون در ایران*. مجموعه مقالات سومین کنفرانس الگوی اسلامی پیشرفت و اکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت. جلد چهارم. تهران: الگوی پیشرفت.
۴. آدورنو، تئودور؛ و هورکهایمر، ماکس. (۱۳۹۵). *دیالکتیک*

مهاجرت)، علمی (فقدان تولید علم و نظریه‌پردازی، معمار مقلد در جایگاه معمار مؤلف)، تاریخی (عدم صورت‌بندی تاریخی، گسست و انقطاع، غفلت از وجود، جدایی از تاریخ، انحطاط)، فلسفی (نفی کلیت، عدم شناخت و آگاهی، فقدان اندیشه و تفکر، لفاظی)، به چالش کشیده و به سبک زندگی قالب دوره معاصر مبدل شده است. در این میان، مدیا و رسانه می‌تواند نقش مهمی در معرفی این هنجار نوین و حفظ ارزش‌های تمدن و فرهنگ ایرانی و سنت و میراث سرزمینی، در نقطه عطف این دوران گذار (گذر از مدرنیسم به پست‌مدرنیسم)، ایفا نمایند (P1). چراکه به نظر می‌رسد ریشه بسیاری از ناکامی‌ها در فهم شرایط موجود معماری، در توانایی شناخت گفتمان تاریخی میان هویت‌های پیشین و هویت معاصر نهفته است (P2). حال آن‌که کسب مهارت نقد و پرسش‌گری به مثابه اندیشه انتقادی، شناخت و نگرش فلسفی و اصلاح آموزش و شیوه‌های آموزشی می‌تواند به تحول در معماری معاصر ایران بیانجامد (P3). از این رو، تفکر مدرن (مدرنیته)، تفکر پست‌مدرن (پست‌مدرنیته) و شناخت و آگاهی از بنیان‌های فلسفی، لازمه موفقیت در معماری معاصر ایران است (P4). البته توجه به این نکته حائز اهمیت است که تحقق این امور، بدون بازشناسی مفاهیم و مضامین معماری گذشته ایران و تعریف معیار استفاده بهینه از فرهنگ و تکنولوژی غربی، و بازآموزی مؤلفه‌های تأثیرگذار تاریخی، اجتماعی و سیاسی مقطع معاصر، میسر نخواهد بود (P5). بنابراین ضروری است تا از این طریق، مسیر رسیدن به گفتمان تاریخی هویت در معماری معاصر ایران را هموار سازیم (P6).

مانیفست دیالکتیک هویت در معماری معاصر ایران

هویت معاصر ما یک واقعیت جهانی است؛ که در دیالکتیک میان حقیقت (خودشیفتگی تا خودباختگی) و ماهیت (خودباوری) ایرانی ما، تکوین یافته و در گفتمانی تاریخی - میان بازنمایی از آن چه هست (بود، نمود، بازنمود) و بازآفرینی از آن چه که باید باشد (نهاد، خود، فراخود) - به صورت سلبی (و نه ایجابی)، در حال شدن است. از این رو، هویت معماری معاصر، دیالکتیک میان حقیقت و ماهیت ما است؛ در یک واقعیت جهانی! بدین ترتیب، پیامد متغیرهای علی در شرایط میانجی وضعیت موجود، وقوع رویدادی را رقم می‌زند؛ که حقیقت، ماهیت و واقعیت معماری معاصر ایران را توصیف می‌نماید. لذا هویت، حاصل دیالکتیک خود و دیگری است؛ که در نگرشی بنیادی میان طیفی از شبکه‌های معنایی و ساختارهای فرهنگی، باورهای ذهنی را مورد انتقاد و ارزیابی قرار داده و در چرخه‌های میان نقد پوزیتیویستی و تفسیری، به شأن مستقلی دست می‌یابد؛ که ثابت نیست و هر آن ممکن است از طریق بازسازی وضعیت‌های آستانه‌ای، به گذرگاهی

- روشنگری. (مراد فرهادپور و امید مهرگان، مترجمان). چاپ چهارم. تهران: نشر هرمس. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۲).
۵. آشنا، حسام‌الدین و روحانی، محمدرضا. (۱۳۸۹). هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی. *تحقیقات فرهنگی*. ۳(۱۲)، ۱۸۴-۱۵۷.
۶. آنتادیوپ، شیخ. (۱۳۶۱). هویت فرهنگی؛ اجزاء تشکیل دهنده فرهنگ. پیام یونسکو. ۹(۱۴۹)، ۷۴.
۷. آیزمن، پیترو؛ و ایتوربه، الیسا. (۱۳۹۹). تأخر. (حسام عشقی صنعتی و مرتضی نیک‌فطرت، مترجمان). تهران: فکر نو. (نشر اثر اصلی ۲۰۲۰).
۸. آشوری کفشگر، رضا. (۱۳۹۶). چالش سنت و مدرنیته در معماری معاصر ایران (مطالعه انتقادی معماری نو تاریخ‌گرایی دوره پهلوی دوم). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۹. ابل، کریس. (۱۳۸۷). معماری و هویت. (فرح حبیب، مترجم). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۲).
۱۰. اتو، وین. (۱۳۹۴). معماری و اندیشه نقدانه. (امینه انجم‌شعاع، مترجم). چاپ سوم. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن، فرهنگستان هنر. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۸).
۱۱. احمدی، بابک. (۱۳۹۴). مدرنیته و اندیشه انتقادی. چاپ یازدهم. تهران: نشر مرکز.
۱۲. احمدی، حمید (۱۳۸۱). جهانی شدن؛ هویت قومی یا هویت ملی؟. *مطالعات ملی*. ۱۱(۳)، ۲۶۱-۳.
۱۳. احمدی، فرهاد. (۱۳۹۳). در نسبت هویت و محیط. معماری و فرهنگ. ۱۵(۵۳)، ۴۳-۳۷.
۱۴. ادیب، محمدحسین. (۱۳۷۹). بحران‌های اقتصاد ایران و راهکارهای برون رفت از آن. اصفهان: نشر آموزه.
۱۵. ادیب، محمدحسین. (۱۳۸۰). ایران و اقتصاد موج سوم. اصفهان: نشر مؤلف.
۱۶. اردلان، نادر؛ و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی. (حمید شاهرخ، مترجم). اصفهان: نشر خاک. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۳).
۱۷. اریک بروئر، استیون. (۱۳۹۳). نظریه انتقادی. (پرویز علوی، مترجم). تهران: نشر افق.
۱۸. اسمیت، آدام. (۱۳۵۷). ثروت ملل. (سیروس ابراهیم‌زاده، مترجم). تهران: پیام.
۱۹. اشرف، احمد (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران: دوره قاجاریه. تهران: زمینه.
۲۰. اشرف، احمد. (۱۳۷۱). هویت ایرانی. گفتگو. ۲(۳)، ۲۶۷.
۲۱. اشرف، احمد. (۱۳۷۲). چهار روایت از انقلاب مشروطه. ایران نامه. ۱۲(۴۳)، ۳۷۲-۳۶۳.
۲۲. اشرف، احمد. (۱۳۷۳). بحران هویت ملی و قومی در ایران. ایران نامه. ۱۳(۴۷)، ۵۵۰-۵۲۱.
۲۳. اشرف، احمد. (۱۳۸۷). هویت ایرانی به سه روایت، بخارا. ۴(۶۶)، ۱۲۷-۱۰۹.
۲۴. اشرف، احمد. (۱۳۹۵). هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی. (حمید احمدی، ترجمه و تدوین). تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۷).
۲۵. افشارنادری، کامران. (۱۳۷۷). ارزیابی وضعیت نظریه معماری در ایران امروز. *معمار*. ۲(۳)، ۳۶۲-۵.
۲۶. افشارنادری، کامران. (۱۳۸۰). آخرین تابو: مسئله پیشرفت، بحثی در مورد معیارهای داوری. *معمار*. ۵(۱۴)، ۱۷۱-۴.
۲۷. انصاری، حمیدرضا. (۱۳۹۵). تحلیلی بر معماری معاصر ایران. تهران: نشر سبزان.
۲۸. باتومور، تام. (۱۳۹۸). مکتب فرانکفورت. (حسینعلی نوذری، مترجم). چاپ هشتم. تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۵).
۲۹. بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۴). تاریخ معماری غرب از عهد باستان تا مکتب شیکاگو. اصفهان: نشر خاک.
۳۰. بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران در تکاپوی سنت و مدرنیته. تهران: هنر معماری قرن.
۳۱. بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۷). پست‌مدرنیته و معماری؛ بررسی جریان‌های فکری معماری معاصر غرب. چاپ پنجم. اصفهان: نشر خاک.
۳۲. بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۹). معماری غرب: ریشه‌ها و مفاهیم. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری معماری قرن.
۳۳. بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۴). معماری ایران معاصر: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. چاپ ششم. تهران: هنر معماری قرن.
۳۴. بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۵). پست‌مدرنیته و معماری؛ بررسی جریان‌های فکری معماری معاصر غرب. چاپ پنجم. اصفهان: نشر خاک.
۳۵. بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۹). معماری معاصر در ایران از سال ۱۳۰۴ تا کنون. مشهد: کتابکده کسری.
۳۶. باور، سیروس. (۱۳۸۸). نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران. تهران: نشر فضا.
۳۷. بنه ولو، لئوناردو. (۱۳۵۳). تاریخ معماری مدرن. (سیروس باور، مترجم). تهران: مؤسسه نشر و انتشارات دانشگاه تهران. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۷).
۳۸. بردبنت، جفری. (۱۳۷۵). واسازی (دکستروکسپین): راهنمای دانشجویان. (منوچهر مزینی، مترجم). تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران). (نشر اثر اصلی ۱۹۹۱).

۳۹. براون، ام. نیل؛ و کیلی، استوارت ام. (۱۳۹۹). *راهنمای تفکر نقادانه*: پرسیدن سؤاال‌های به‌جا. (کوروش کامیاب، مترجم). چاپ پانزدهم، تهران: مینوی خرد. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۷).
۴۰. برمن، مارشال. (۱۳۹۲). *تجربه مدرنیته: هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود*. (مراد فرهادپور، مترجم). چاپ نهم، تهران: طرح نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۲).
۴۱. بلوگولوفسکی، ولادیمیر. (۱۴۰۰). *مفنونین همیشگی*. (علی شامس و مهشید معتمد، مترجمان). جلد دوم. تهران: فکر نو. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۵).
۴۲. بمانیان، محمدرضا؛ لیلیان، محمدرضا؛ و امیرخانی، آریین. (۱۳۸۹). *نظم و بی‌نظمی در معماری*. تهران: نشر طحان.
۴۳. بنیامین، والتر؛ آدورنو، تئودور؛ و مارکوزه، هربرت. (۱۳۹۵). *زیبایی‌شناسی انتقادی*؛ گزیده نوشتار در باب زیبایی‌شناسی. (امید مهرگان، مترجم). چاپ پنجم، تهران: گام نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۳۶).
۴۴. بهنام، جمشید؛ و جهانگللو، رامین. (۱۳۸۲). *تمدن و تجدید (گفتگو)*. تهران: نشر مرکز.
۴۵. پاکباز، رویین. (۱۳۹۵). *دایره‌المعارف هنر (دوره ۳ جلدی)*. تهران: فرهنگ معاصر.
۴۶. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۰). *مقاله‌ای در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری*. چاپ سوم. تهران: آرمان شهر.
۴۷. پالمز، ریچارد ا. (۱۳۹۳). *علم هرمنوتیک*. (محمدسعید حنایی کاشانی، مترجم). چاپ هشتم. تهران: نشر هرمس. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۹).
۴۸. پل، ریچارد؛ و الدر، لیندا. (۱۴۰۰). *تفکر انتقادی، تدابیری برای آگاهانه زیستن و خوب آموختن*. (اکبر سلطانی و مریم آقازاده، مترجمان). چاپ چهارم. تهران: اختران. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).
۴۹. پوپ، آرتور؛ و اکرم‌ن، فیلیپ. (۱۳۸۵). *سیری در هنر ایران*. (نجف دریابندری، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۱).
۵۰. پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۰). *شیوه‌های معماری ایرانی*. تهران: نشر هنر.
۵۱. تامپسون، مل. (۱۳۹۷). *خودآموز فلسفه*. (بهرز حسن، مترجم). چاپ هفتم. تهران: فرهنگ نشر نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۸).
۵۲. ثبات ثانی، ناصر. (۱۳۹۶). *بازشناسی معماری دوره ۱۳۲۰-۱۳۵۷ هـ ش. در بناهای عمومی*. ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.
۵۳. جاویدصباغیان، مقداد؛ و سیداحمدی زاویه، سید سعید. (۱۳۹۲). *درآمدی بر مطالعات تطبیقی هنر در مقام یکی از گونه‌های مطالعاتی حوزه پژوهش هنر*. *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، ۴(۱۲)، ۲۷۵.
۵۴. جهانگللو، رامین. (۱۳۸۵). *ایران در جستجوی مدرنیته: بیست گفتگو در بی‌بی‌سی با صاحب‌نظران ایرانی*. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.
۵۵. جهانگللو، رامین. (۱۳۸۶). *موج چهارم*. (منصور گودرزی، مترجم). چاپ پنجم. تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۵).
۵۶. جنکس، چارلز؛ و کروپف، کارل. (۱۳۹۷). *نظریه‌ها و مانیفست‌های معماری معاصر*. (احسان حنیف، مترجم). تهران: فکر نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۷).
۵۷. جیمسون، فردریک. (۱۳۷۹). *پست مدرنیسم: منطق فرهنگی سرمایه داری متأخر*. (فرهنگ رجایی و همکاران، مترجمان). تهران: نشر هرمس. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۹).
۵۸. چومی، برنارد. (۱۳۹۹). *معماری و انفصال*. (حسام عشقی صنعتی و مرتضی نیک‌فطرت، مترجمان). تهران: فکر نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۴).
۵۹. حبیبی، محسن. (۱۳۸۵). *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر یا تأکید بر دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۳*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۶۰. حجت، عیسی. (۱۳۸۴). *هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری)*. *هنرهای زیبا*، ۱۰(۲۴)، ۶۲۵۵.
۶۱. حجت، عیسی. (۱۳۹۳). *سنت و بدعت در آموزش معماری*. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات.
۶۲. حقدار، علی‌اصغر. (۱۳۸۰). *فراسوی پست مدرنیته: اندیشه شبکه‌ای، فلسفه سنتی و هویت ایرانی*. تهران: انتشارات شفیعی.
۶۳. حقدار، علی‌اصغر. (۱۳۹۵). *تحولات فرهنگی و سیاسی ایران معاصر*. استانبول: نشر مؤلف.
۶۴. حقیر، سعید؛ و کامل‌نیا، حامد. (۱۳۹۴). *نظریه مدرنیته در معماری*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۶۵. حقیر، سعید؛ و کامل‌نیا، حامد. (۱۳۹۹). *نظریه مدرنیته در معماری ایران*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۶۶. خاتمی، سیدمحمد. (۱۳۸۰). *گفت و گوی تمدن‌ها*. تهران: طرح نو.
۶۷. خاتمی، سیدمحمد. (۱۳۹۳). *تاریخ اجتماعی معاصر ایران*. تهران: نشر پایا.
۶۸. خوبی، حمیدرضا. (۱۳۷۹). *نقد و شبه‌نقد: تأملی در مواضع منتقدین در نقد آثار معماری*. پایان نامه دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، تهران.
۶۹. خوبی، حمیدرضا. (۱۳۸۱). *صور نقد معماری در کتاب معماری و اندیشه نقادانه*. *خیال*، ۳(۱)، ۱۵۵۱۴۰.
۷۰. خوبی، حمیدرضا. (۱۳۸۲). *نقد آثار معماری در کارگاه معماری، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری و بررسی چالش‌ها، جستجوی راهکارها*. (به کوشش امیرسعید محمودی). تهران: نگاه امروز.
۷۱. خوبی، حمیدرضا. (۱۳۸۳). *نسبت دانش معماری با نقد آثار آن*. *خیال*، ۱۲(۱۲)، ۹۵۸۴.

۷۲. خویی، حمیدرضا. (۱۳۸۶). مقدماتی در باب نقد آثار معماری و شیوه‌های آن در دوره جدید. *پژوهشنامه فرهنگستان هنر*. ۲(۲)، ۶۱۴۶.
۷۳. دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۸۸). روش شناسی عمومی نظریه پردازی، روش شناسی علوم انسانی. ۱۵(۵۸)، ۷-۳۲.
۷۴. دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۸). *نظریه پردازی: مبانی و روش شناسیها*. چاپ پنجم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۷۵. دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، مهدی؛ و آذر، عادل. (۱۳۸۳). *روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت؛ رویکردی جامع*. تهران: صفار.
۷۶. دانایی‌فرد، حسن؛ و اسلامی، آذر. (۱۴۰۰). *کاربرد نظریه داده بنیاد در عمل؛ ساخت نظریه بی تفاوتی سازمانی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۷۷. دال زوتو، سینزیا؛ و لوگامیر، آرتور. (۱۳۹۷). *همگرایی رسانه ای*. (سمیه لبافی و امیر مختاری و محمده عقابایی، مترجمان). تهران: انتشارات دنیای اقتصاد. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۶).
۷۸. دامیار، سجاد؛ و ناری قمی، مسعود. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی مفهوم فضا در معماری بومی و معماری مدرن. *معماری و شهرسازی*. ۱۷(۱)، ۷۲۶۵-۷۲۶۸.
۷۹. دلوز، ژیل (۱۳۹۸). *نیچه و فلسفه*. (عادل مشایخی، مترجم). چاپ هفتم. تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۲).
۸۰. دورانت، ویل؛ و دورانت، آریل. (۱۳۸۴). *تاریخ تمدن: درآمدی بر تاریخ تمدن و درس های تاریخ*. (احمد بطحایی، مترجم). چاپ چهارم، تهران: سازمان انتشارات علمی و فرهنگی. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۸).
۸۱. دیبا، داراب (۱۳۸۷). *کنش معماری و فرهنگ*. معماری و فرهنگ. ۱۰(۳۲)، ۵۱۴۷.
۸۲. دیباچ، موسی؛ و سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۲). *فلسفه و معماری*. چاپ دوم. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۸۳. رابرتسون، الکسا. (۱۳۹۸). رسانه و سیاست در دنیای در حال جهانی شدن. (محسن گودرزی، مترجم). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۵).
۸۴. رجایی، فرهنگ. (۱۳۹۵). *مشکله هویت ایرانیان، ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ*. چاپ هفتم. تهران: نشر نی.
۸۵. رجیبی، پرویز. (۱۳۵۵). *معماری ایران در عصر پهلوی*. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۸۶. رضاقلی، علی. (۱۳۷۷). *جامعه شناسی نخبه‌کشی؛ قائم مقام/امیرکبیر/مصدق*. چاپ هفتم. تهران: نشر نی.
۸۷. روحی، پویان. (۱۳۹۹). *پیتر آیزنمن؛ یادداشت‌ها، گفت‌وگوها، مناظره‌ها*. مشهد: کتابکده کسری.
۸۸. رهبری، مهدی. (۱۳۸۰). *جهانی‌شدن. بازتاب اندیشه*. ۱۲(۲۱)، ۷۳۷۰-۷۳۷۱.
۸۹. رهبری، مهدی. (۱۳۸۱). بحران هویت فرهنگی در ایران معاصر. *نامه پژوهش*. ۱(۲۲۳)، ۸۴۵۳.
۹۰. رهبری، مهدی. (۱۳۸۵). معرفت و قدرت: هویت یگانه و یا چندگانگی هویتی. *پژوهشنامه علوم سیاسی*. ۱(۳)، ۹۸۷۳.
۹۱. رهبری، مهدی. (۱۳۸۶). *نخبگان و شکل‌گیری گفتمان توسعه در ایران*. پژوهش حقوق و سیاست. ۹(۲۲)، ۶۷۴۱.
۹۲. رئیس‌ی، ایمان. (۱۳۹۲). *نقد بازی: جستارهای نقد معماری*. مشهد: کتابکده کسری.
۹۳. ریکور، پل. (۱۳۹۷). *تاریخ و هرمنوتیک*. (مهدی فیضی، مترجم). تهران: نشر مرکز. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۸).
۹۴. زیباکلام، صادق. (۱۳۹۳). *سنت و مدرنیته: ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار*. چاپ هشتم. تهران: روزنه.
۹۵. سروش، عبدالکریم. (۱۳۹۲). *رازدانی و روشنفکری و دینداری*. چاپ نهم. تهران: صراط.
۹۶. سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). *هویت معماری، کتاب معماران ایران*. جلد ۱. تهران: تیس، انجمن مفاخر معماری ایران.
۹۷. شایان، حمیدرضا؛ و معمار دزفولی، سجاد. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی رویکردهای معماری معاصر ایران؛ بازشناسی نظریه در آثار سه نسل از معماران، نقش جهان. ۲(۴)، ۱۰۱.
۹۸. شایگان، داریوش. (۱۳۹۶). *افسون‌زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار*. (فاطمه ولیانی، مترجم). چاپ دوازدهم. تهران: فرزانه روز. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۵).
۹۹. شجاعی، مجتبی؛ و متین، مهرداد. (۱۳۹۸). تبیین نشانه‌شناختی رمزگان در روش‌های بازنمایی معماری. *آرمانشهر*. ۱۲(۲۹)، ۶۳-۴۵.
۱۰۰. شریعتی، علی. (۱۳۹۴). *بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی*. خراسان: سپیده باوران.
۱۰۱. طاهایی، سیدعطاالله. (۱۳۸۱). *تحلیل پدیده معماری پست‌مدرن و نسبت آن با معماری معاصر ایران*. پایان‌نامه دکتری، دانشکده معماری دانشگاه هنرهای زیبا، تهران.
۱۰۲. طبری، احسان. (۱۳۵۴). *فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه داری در ایران از آغاز تمرکز قاجار تا آستانه انقلاب مشروطیت*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰۳. عابدی، محمود. (۱۳۹۵). *نقش نوآوری در هویت کالبدی معماری معاصر ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۵۷)*. پایان‌نامه دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران.
۱۰۴. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۷۱). *سنت روشنفکری جدید*. کیان. ۸(۲)، ۱۷۱۱.

۱۰۵. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۸۳). *مونیسم یا پلورالیسم* (نقد افسون زدگی جدید). تهران: یادآوران.
۱۰۶. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۸۵). نقدی بر قرائت پست مدرن از اندیشه شریعتی. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. ۴۶(۲۳): ۸۰۶۱.
۱۰۷. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۸۸). دوران پست مدرن و فروپاشی نهادهای سنتی. *بازتاب اندیشه*. ۱۱۹(۱۰): ۱۰۹۱۰۳.
۱۰۸. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۹۶). *مونیسم یا پلورالیسم (واکوی هستی‌شناسی یک نظریه اجتماعی)*. تهران: نقد فرهنگ.
۱۰۹. عبدالکریمی، بیژن. (۱۳۹۸). *بازخوانی پرسش از پست‌مدرنیسم ایرانی*. تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی.
۱۱۰. علیخانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۳). *مبانی نظری هویت و بحران هویت*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۱۱. علیخانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). *هویت در ایران*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۱۲. قاسمی سیچانی، مریم. (۱۳۸۲). *معماری اصفهان در دوره پهلوی اول*. *معماری و فرهنگ*. ۵(۱۵۱۶): ۱۱۴۱۰۶.
۱۱۳. قاسمی سیچانی، مریم. (۱۳۸۳). *معماری اصفهان در دوره پهلوی دوم*. *معماری و فرهنگ*. ۶(۱۸۱۹): ۱۲۱۱۱۵.
۱۱۴. قبادیان، وحید. (۱۳۸۲). *معماری دارالخلافه ناصری: سنت و تجدد در معماری معاصر تهران*. تهران: پشوتن.
۱۱۵. قبادیان، وحید. (۱۳۹۲). *سیک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران*. تهران: مؤسسه علم معمار روپال.
۱۱۶. قبادیان، وحید. (۱۳۹۵). *ما میراث‌داران میراث‌خواریم*. *طراح امروز*. ۸(۶): ۸.
۱۱۷. قبادیان، وحید. (۱۴۰۰). *سیک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران*. چاپ چهارم. تهران: علم معمار.
۱۱۸. قبادیان، وحید. (۱۴۰۱). *مبانی و مفاهیم در معماری غرب*. چاپ سی و هفتم. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۱۹. کاتز، هلن. (۱۳۹۷). رسانه. *نفیسه حقیقت جوان*، مترجم. تهران: نشر افکار. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۳).
۱۲۰. کسرای، محمدسالار. (۱۳۸۴). *چالش سنت و مدرنیته در ایران*. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.
۱۲۱. کلنر، داگلاس. (۱۳۹۴). *نظریه انتقادی از مکتب فرانکفورت تا مکتب پسا‌مدرن*. (محمد مهدی وحیدی، مترجم). چاپ دوم، تهران: سروش؛ انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۹).
۱۲۲. کوربین، جولیت ام؛ و استراوس، آنسلم ال. (۱۴۰۰). *اصول تحقیق کیفی: شیوه‌ها و رویه‌های توسعه‌گراند تئوری*. (ناهد دهقان نیری و علی فخرموحدی و مریم اسماعیلی و تابنده صادقی و زهرا طیبی، مترجمان).
- تهران: اندیشه رفیع. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۸).
۱۲۳. کورثا، چارلز. (۱۳۸۷). *هویت در معماری: در جست‌وجوی هویت*. (ابوالفضل توکلی شان‌دیز، مترجم). *آینه خیال*. ۲(۹): ۸۳۸۲. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۳).
۱۲۴. کهون، لارنس. (۱۳۹۶). *از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم*. (عبدالکریم رشیدیان، مترجم). چاپ دوازدهم، تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۳).
۱۲۵. کیانی، مصطفی. (۱۳۸۳). *معماری دوره پهلوی اول: دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران ۱۳۲۰ - ۱۳۹۹*. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۱۲۶. گذار، آندره. (۱۳۵۸). *هنر ایران*. (بهرز حبیبی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۲).
۱۲۷. گرین، آنا؛ و تروپ، کاتلین. (۱۴۰۰). *خانه‌های تاریخ: خوانشی انتقادی از تاریخ و نظریه در سده بیستم*. (بهزاد کریمی، مترجم). تهران: نشر مرکز. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۹).
۱۲۸. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی: با تجدیدنظر کامل و روزآمد شده*. ویراست چهارم. (حسن چاوشیان، مترجم). چاپ سیزدهم، تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۶).
۱۲۹. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۸). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. (ناصر موفقیان، مترجم). چاپ یازدهم، تهران: نشر نی. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۲).
۱۳۰. گیرتز، کلیفورد. (۱۳۹۹). *تفسیر فرهنگ‌ها*. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: نشر ثالث. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۳).
۱۳۱. لوینز، آن؛ و سیلور، کریستینا. (۱۳۹۹). *راهنمای گام به گام استفاده از نرم‌افزار MAXqda2 در تحقیق کیفی*. (ابوالفضل رضانی، مترجم). چاپ دوم. تهران: نشر جامعه‌شناسان. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۷).
۱۳۲. لیبسکیند، دانیل. (۱۴۰۰). *لبه نظم*. (مرتضی نیک‌فطرت، مترجم). تهران: فکر نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۰).
۱۳۳. لیندولم، چارلز. (۱۳۹۷). *فرهنگ و هویت: تاریخ، نظریه و کاربرد انسان‌شناسی روان‌شناختی*. (محسن ثلاثی، مترجم). چاپ دوم، تهران: نشر ثالث. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۱).
۱۳۴. مختاری طالقانی، اسکندر. (۱۳۹۰). *میراث معماری مدرن ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۳۵. مصلحت‌جو، امیرداد. (۱۴۰۰). *هویت: ماهیت نهفته در معماری*. تهران: چشم ساعی.
۱۳۶. معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۸۸). *نظریه انتقادی جدید: فراسوی پست‌مدرنیسم و اندیشه انتقادی*. *پژوهش سیاست نظری*. ۱(۶): ۷۵-۶۱.
۱۳۷. ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۸). *سنت و سکولاریسم (مجموعه گفتار)*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات صراط.

۱۳۸. مهدوی‌نژاد، محمود؛ بمانیان، محمدرضا؛ و خاکسار، ندا. (۱۳۸۹). هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و فرامدرن، هویت شهر. ۴(۷)، ۱۱۳-۱۲۲.
۱۳۹. میرباباپور، مصطفی؛ و ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). دین و مدرنیته؛ بررسی رویکرد فروگاهشی به دین در نسبت با مدرنیته. معرفت کلامی. ۴(۱۰)، ۱۱۴۹۳.
۱۴۰. میرسپاسی، علی. (۱۳۹۸). تأملی در مدرنیته ایرانی: بحثی درباره گفتمانهای روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران. (جلال توکلین، مترجم). چاپ چهارم. تهران: طرح نو. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۰).
۱۴۱. میرمیران، هادی. (۱۳۸۹). ویژه‌نامه. شارستان. ۲۷(۷)، ۱۰۰-۱۴.
۱۴۲. ناری قمی، مسعود. (۱۳۹۵). پارادایم‌های مسئله در معماری: رویکردی به طرح مسئله فرهنگ گرا و کاربردمحور در معماری. تهران: مؤسسه علم رویال معمار.
۱۴۳. نفیسی، سعید. (۱۳۹۰). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، جلد اول. (به اهتمام عبدالکریم جریزه دار). تهران: انتشارات اساطیر.
۱۴۴. نقی‌زاده، محمد. (۱۳۷۹). رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی. هنرهای زیبا. ۱(۷)، ۹۱۷۹.
۱۴۵. نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۹). پست مدرنیته و پست مدرنیسم: تعریف، نظریه‌ها و کاربری‌ها. چاپ سوم. تهران: نقش جهان.
۱۴۶. نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۷۲). هایدگر و معماری پسامدرن. (کاوه میرعباسی، مترجم). کیهان فرهنگی. ۱۰(۱۰۱)، ۱۸۱۶. (نشر اثر اصلی ۱۹۸۳).
۱۴۷. نیک‌فطرت کرم‌حله، مرتضی. (۱۳۹۸). پدیدارشناسی ادراکات چندحسی در آثار معماری معاصر ایران (دهه هشتاد شمسی تاکنون)، پایان‌نامه دکتری، دانشکده عمران، هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
۱۴۸. ورجاوند، پرویز. (۱۳۸۶). حفظ هویت فرهنگی برای دورشدن از فرهنگ تسلیم، اطلاعات سیاسی - اقتصادی. ۲۲(۲۴۱-۲۴۲)، ۶۹۵۴.
۱۴۹. ونتوری، روبرت. (۱۳۸۹). پیچیدگی و تضاد در معماری. (علی رضا میرترابی و محمدرضا منوچهری، مترجمان). تهران: انتشارات سمیرا. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۷).
۱۵۰. ویویورکا، میشل. (۱۳۷۸). چالش‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (هوشنگ فرخجسته، مترجم). اطلاعات سیاسی - اقتصادی. ۶(۱۴۹۱۵۰)، ۸۹۸۲.
۱۵۱. هارپر، کریستوفر. (۱۳۹۴). رسانه‌های نوین. (علی اصغر کیا، مترجم). تهران: نشر علم. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).
۱۵۲. هارکوپ، تونی. (۱۳۹۳). ژورنالیسم: مفاهیم نظری و کاربردی. (داود حیدری، مترجم). تهران: انتشارات سروش. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۴).
۱۵۳. هاینز، هیلده. (۱۴۰۰). معماری و مدرنیته. (احسان حنیف، مترجم). تهران: فکر نو. (نشر اثر اصلی ۱۹۹۹).
۱۵۴. همسرلی، مارتین. (۱۴۰۰). مفهوم فرهنگ؛ تاریخچه و ارزیابی. (حجت‌اله خدری غریب‌وند و ولی‌اله نصیری، مترجمان). تهران: انتشارات نقد فرهنگ. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۹).
۱۵۵. هنرمند، منوچهر. (۱۳۴۷). دیالکتیک ناسیونالیته ایرانی در تاریخ ادبیات فارسی (مسیر ملیت در تاریخ ادبیات فارسی). تهران: انتشارات علمی.
۱۵۶. یارشاطر، احسان. (۱۳۷۳). هویت ملی ایران. نامه. ۱۲(۴۷)، ۴۳۰-۴۲۳.
۱۵۷. یارشاطر، احسان. (۲۰۱۶). حکمت تمدنی: گزیده آثار استاد احسان یارشاطر، ویراست دوم. (به کوشش و با پیشگفتار محمد توکلی طرقی و همایون کاتوزیان). تورنتو: کتاب ایران نامگ.
158. Brinkmann, S. (2022). *Qualitative Interviewing: Conversational Knowledge Through Research Interviews*. Oxford: Oxford University Press.
159. Charmaz, K. (2021). *The genesis, grounds, and growth of constructivist grounded theory*. London: Routledge.
160. Clark, T., Foster, L., Bryman, A., & Sloan, L. (2021). *Bryman's social research methods*. Oxford: Oxford University Press.
161. Diba, D. (2018). *Iran Contemporary Architecture*. Tehran: Ābān books pub.
162. Flick, U. (2022). *The SAGE Handbook of Qualitative Research Design: An introduction to qualitative research*. Newcastle upon Tyne: SAGE.
163. Habermas, J. (1992). *Postmetaphysical thinking: Philosophical essays*. Cambridge: mit Press.
164. Hassan, I. (1993). *Toward a concept of postmodernism*. Hong Kong: Flipbooks.
165. Jameson, F. (2016). *Postmodernism, or the cultural logic of late capitalism*. London: Routledge.
166. Jencks, Ch. (1973). *Modern Movements in Architecture*. London: Anchor Press.
167. Jencks, Ch. (1977). *The language of postmodern architecture*. New York: Rizzoli
168. Jencks, Ch. (1987). Postmodern and late modern: The essential definitions. *Chicago Review*, 35(4), 3158.

169. Jencks, Ch. (1991). *Postmodern vs. latemodern*. Indiana: Indiana University Press.
170. Jencks, Ch. (1995). *The architecture of the jumping universe: A polemic: How complexity science is changing architecture and culture*. London: Academy Editions.
171. Jencks, Ch. (1996). *What is postmodernism?* London: Academy Editions.
172. Jencks, Ch. (2005). *The iconic building*. New York: Rizzoli.
173. Jencks, Ch. (2007). Why Critical Modernism?. *Architectural Design*, 77(5), 140145.
174. Jencks, Ch. (2012). *The story of postmodernism: Five decades of the ironic, iconic and critical in architecture*. New York: John Wiley & Sons.
175. Jencks, Ch. & Kropf, K. (Eds.). (1997). *Theories and manifestoes of contemporary architecture* (Vol. 312). Chichester: Academy Editions.
176. Jencks, Ch. & Silver, N. (2013). *Adhocism; expanded and updated edition: The Case for Improvisation*. Mit Press.
177. Halliday, M., Alexander K., Matthiessen, C. M., Halliday, M., & Matthiessen, C. (2014). *An introduction to functional grammar*. London: Routledge.
178. Mayring, P. (2021). *Qualitative content analysis: A stepbystep guide*. *Qualitative Content Analysis*. Newcastle upon Tyne: SAGE.
179. Stets J. E., & Serpe, R. T. (2016). *New directions in identity theory and research*. (Eds.). Oxford: Oxford University Press.

بررسی هندسه حیاط دبستان‌های دخترانه شهر اصفهان با هدف تأمین بیشترین ساعت آسایش حرارتی*

مهندس غزاله چهرازی**، دکتر نرگس دهقان***، دکتر هانیه صنایعیان****، دکتر امیر گندمکار*****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

چکیده

حیاط مدارس مکانی است که دانش‌آموزان حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد زمان حضور خود در مدرسه را در آن سپری می‌کنند. تأمین آسایش حرارتی، یکی از نیازهای اساسی دانش‌آموزان در حیاط مدارس است. هدف این پژوهش بررسی نقش هندسه حیاط دبستان‌های دخترانه شهر اصفهان به گونه‌ای که بیشترین ساعات آسایش حرارتی را تأمین نماید است. برای دستیابی به این هدف الگوی هندسی آزمون‌ها تعیین شد، سپس عملکرد حرارتی الگوها با نرم‌افزار انوی‌مت شبیه‌سازی و با قیاس منطقی عملکرد حرارتی الگوها، الگوها با تأمین بیشترین ساعات آسایش حرارتی برای دانش‌آموزان تعیین شد. بر اساس نتایج، الگوی شکلی، جهت کشیدگی و نسبت اضلاع حیاط بر محدوده زمانی آسایش حرارتی دختران ۷ تا ۱۲ سال شهر اصفهان در حیاط مدارس تاثیرگذار است و حیاطهایی با کشیدگی شرقی-غربی و نسبت طول به عرض ۲.۵ به ۱ با ساختمان مرکزی از میان مدل‌های مورد بررسی عملکرد حرارتی بهتری داشته و بیشترین ساعات آسایش حرارتی را برای دانش‌آموزان تأمین می‌نماید.

واژه‌های کلیدی

هندسه حیاط، دبستان دخترانه، اصفهان، آسایش حرارتی فضای باز، انوی‌مت.

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان: «شناسایی کالبد و هندسه بهینه حیاط دبستان‌های دولتی دخترانه شهر اصفهان باهدف دستیابی به آسایش حرارتی» است که با راهنمایی دکتر نرگس دهقان و دکتر هانیه صنایعیان و مشاوره دکتر امیر گندمکار در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد در حال انجام است.

**دانشجوی دکتری، گروه معماری، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

Email: Gh.chehrrazi@gmail.com

***استادیار، گروه معماری، مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (مستول مکاتبات).

Email: dehghan@par.iaun.ac.ir

Orcid: 0000-0003-4496-2917

Email: Hanieh_sanayeayan@yahoo.com

****استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

Email: aagandomkar@gmail.com

*****دانشیار، گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

مقدمه

دلیل اصلی بروز این مشکل است (Ojaghloou & Khakzand, 2018, 117). هندسه حیاط نقش مهمی در عملکرد حرارتی آن دارد. نسبت‌های ارتفاع به طول و عرض، شکل، هندسه، اندازه، مساحت، تعداد طبقات، جهت‌گیری و استفاده از عناصر طبیعی با عملکردی چون ایجاد سایه از جمله عواملی است که تأثیر بسزایی در طراحی بهینه حیاط دارد. (Hasehzadeh Haseh et al., 2018, 2). عوامل دیگر مؤثر در آسایش حرارتی فضای باز، به مشخصات فردی مانند سن و جنسیت، فاکتورهای فیزیولوژیکی و روانی شامل تجربیات پیشین، انتظارات، توانایی سازگاری، سلامتی و همچنین جنبه‌های رفتاری مانند نوع پوشش، میزان فعالیت و مدت‌زمان حضور در فضای باز مربوط می‌گردد (Canan et al., 2019, 112). بر این اساس بررسی نقش مشخصات هندسی حیاط در مدارس می‌تواند برای طراحی اقلیمی و تامین شرایط مطلوبتر حرارتی برای دانش‌آموزان در حیاط مدارس و افزایش حضور مؤثر آن‌ها مؤثر باشد و لزوم توجه بیشتر معماران و شهرسازان به طراحی در راستای ارتقا شرایط حرارتی برای کاربران با گروه‌های سنی و جنسی متفاوت را بیان نماید. در ایران و در اقلیم گرم و خشک، پژوهشی در رابطه با آسایش حرارتی فضای باز مدارس و مؤلفه‌های طراحی معماری تأثیرگذار بر آن انجام‌نشده است و راهکارهای کافی برای افزایش آسایش حرارتی حیاط در اقلیم‌های مختلف ایران وجود ندارد. در این پژوهش سعی بر این است تا با بررسی هندسه و الگوی شکلی حیاط بر شرایط خرد اقلیم فضای باز مدارس ابتدایی به الگویی مناسب جهت طراحی اقلیمی مدارس دست‌یافت تا با ایجاد آسایش حرارتی در حیاط مدارس، از پتانسیل‌های فضاهای باز برای آموزش و رشد دانش‌آموزان بهره‌برد. از آنجایی که در ایران دانش‌آموزان دختر، از لحاظ پوشش محدودیت‌های بیشتری نسبت به پسران دارند و امکان فعالیتشان در محیط‌های باز شهری نیز به گستردگی همسالان پسر خود نیست، مدارس ابتدایی دخترانه شهر اصفهان، نمونه موردبررسی این پژوهش می‌باشد.

پیشینه پژوهش

آسایش حرارتی در فضای باز (OTC) یک زمینه تحقیقاتی نسبتاً جدید در مقایسه با مطالعات آسایش حرارتی برای فضاهای داخلی است. آسایش حرارتی فضای باز با بهبودبخشیدن به شرایط فیزیکی، محیطی و اجتماعی این فضاها زیست‌پذیری و سرزندگی این فضاها را افزایش می‌دهد (Lai et al, 2019). اصول طراحی و برنامه‌ریزی شهری می‌تواند خرد اقلیم راحت و سالم و کاهش تقاضای انرژی ساختمان‌های اطراف را منجر شود (Parker, 2021). بنابراین، بسیاری از مطالعات باهدف تجزیه‌وتحلیل عملکرد آسایش حرارتی

در طول چند دهه گذشته، محیط‌های شهری با سرعت قابل توجهی گسترش یافته‌اند. این رشد وسیع و بی‌برنامه شهرنشینی باعث کاهش کیفیت محیطی و افزایش مصرف انرژی شده است. مدارس به‌عنوان مهم‌ترین فضاهای تربیت‌کننده نیروی انسانی، نقش به‌سزایی در افزایش یادگیری افراد جامعه ایفا می‌کند. از این‌رو طراحی محیط‌هایی مناسب در راستای تکامل همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان، یک ضرورت است (عظمتی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۶). کودکان هر سال حدود ۱۸۰ روز را در مدرسه سپری می‌کنند و ۲۵ درصد از زمان حضور در مدرسه صرف فعالیت در فضای باز مدارس می‌شود (Nicosia & Datar, 2018). با توجه به حساسیت‌های جسمی کودک در سنین دبستان، فراهم آوردن محیطی که به لحاظ اقلیمی آزردهنده نباشد، در حیاط مدارس ابتدایی ضروری می‌نماید. به‌علاوه با در نظر گرفتن اشتیاق کودکان به حضور در حیاط مدرسه و نیز تأمین بخشی از نیازهای شناختی، حسی-اجتماعی و ذهنی کودک در فضای باز، فراهم آوردن محیطی با مطلوبیت اقلیمی که برانگیزاننده حضور فعال کودک در محیط است، حائز اهمیت می‌باشد. حیاط دبستان باید متناسب با اقلیم در نظر گرفته شود تا حداقل شرایط آسایش برای دانش‌آموزان فراهم شود (خاکی‌قصر، ۱۳۹۷، ۸). بنابراین، حیاط از جمله فضاهای مهم در مدارس به شمار می‌رود که علاوه بر عملکرد آموزشی، بایستی مکانی مناسب برای تفریح و استراحت دانش‌آموزان باشد. برای دستیابی به چنین هدفی حیاط مدارس باید تابع مشخصات خاصی باشد و به‌تمامی نیازهای دانش‌آموزان پاسخ دهد و شرایط آسایش را برای آن‌ها فراهم آورد تا رضایت آن‌ها از محیط حاصل گردد. بر اساس نتایج پژوهش‌های پیشین، ویژگی‌های معماری و کالبدی مکان‌ها تأثیر بسزایی در عملکرد و ادراک حرارتی کاربران آن‌ها دارد. در واقع رابطه متقابل و تنگاتنگی بین ساختمان و هر نوع عنصر انسان‌ساخت شهری دیگر و محیط پیرامون آن‌ها وجود دارد. هر عنصر مصنوع، وضعیت آب‌وهوای اطراف خود را تغییر می‌دهد. شکل، ارتفاع و اندازه بناها، جهت‌گیری خیابان‌ها و ساختمان‌ها و سطح فضاهای باز، پوشش سطح زمین عواملی هستند که بر خرد اقلیم شهری تأثیرگذارند (منتظری و همکاران، ۱۳۹۷، ۶۹). حیاط‌ها یکی از این خرد اقلیم‌های شهری هستند. شرایط بسیاری بر کارایی یک حیاط تأثیر دارد؛ نسبت منظر، جهت‌گیری، شرایط مرزی، درجه و مقدار گشودگی (زاویه رؤیت) و نوع دیوارهای آن مهم‌ترین پارامترهایی که کارایی یک حیاط را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۶، ۳۷۰). طراحی یکنواخت حیاط در آب‌وهوای متنوع ایران از نظر آسایش حرارتی مشکلات زیادی را به وجود آورده است. عدم آگاهی کافی از خصوصیات حرارتی حیاط‌ها

فضای خارجی و پیشنهاد استراتژی‌های برای کاهش اثرات منفی نارضایتی‌های حرارتی و استرس گرمایی در دهه‌های اخیر انجام گرفته‌اند.

فایسال الجوبرا و ماریالنا نیکولوپولو، آسایش حرارتی را شرایط ذهنی که رضایت از شرایط حرارتی محیط اطراف را بیان می‌کند تعریف می‌کنند که علاوه بر عوامل فیزیکی محیط بیرونی تحت تاثیر عوامل روانی و رفتاری است (Aljawabra & Nikolopoulou, 2010) از این رو دو دسته از عوامل برای دستیابی به آسایش حرارتی معرفی می‌گردد. دسته اول عوامل فیزیکی (عوامل هندسی و منظر) محیط مصنوع و دسته دوم رویکردهای مبتنی بر انسان که به ویژگی‌های فیزیولوژیکی و اجتماعی افراد تمرکز دارد. طبق مطالعات صورت گرفته مهمترین عوامل هندسی شهری که بر آسایش حرارتی فضای باز تاثیر می‌گذارد محصوریت، ضریب دید به آسمان و جهت قرارگیری فضای باز است (شعله و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۲-۱؛ Mazouz., 2023, 23-31 & Sedira ؛ Al Haddid & Al-Obaidi., 2022, 1-15). این عوامل در مقیاس‌های مختلف شامل خیابان‌ها (طاهباز و همکاران، ۱۳۹۱، ۵۹-۸۳؛ اسلامی و همکاران، ۱۳۹۵، ۳۳-۴۶). فضاهای باز شهری (اکبری و همکاران، ۱۴۰۰؛ خوشبخت و همکاران، ۱۳۹۹، ۱-۱۰) و محلات (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۱-۴۲). بررسی شده‌اند. بر اساس مطالعات گذشته، میزان محصوریت معابر می‌تواند تأثیر متفاوتی بر آسایش حرارتی ساکنین در فصول مختلف و اقلیم‌های متفاوت داشته باشد، به طوریکه در اقلیم گرم و خشک شهر فاس، مراکش، معابری که نسبت ارتفاع به عرض کمتر است، با وجود اینکه در تابستان دارای عملکردی حرارتی نامناسب است، اما در زمستان با هدایت بیشتر نور خورشید آسایش حرارتی را تأمین می‌کند (Johansson, 2006, 1326). همچنین، در پژوهشی دیگر در اقلیم گرم و مرطوب، عملکرد ارتفاع بیشتر ساختمان‌های اطراف حیاط در بهبود آسایش حرارتی، بهتر ارزیابی شد (Almhafdy et al., 2013, 170-180). از طرفی، علاوه بر میزان محصوریت حیاط، نوع محصوریت آن‌ها نیز بر آسایش حرارتی ساکنین مؤثر می‌باشد (منتظری و همکاران، ۱۳۹۷، ۶۳-۸۴)؛ چنانچه، طبق مطالعه ملکی و همکارانش در سال ۱۳۹۶ در شهر تهران، حیاط کاملاً محصور، بهترین عملکرد را در آسایش حرارتی نسبت به حیاط‌های باز یا نیمه‌باز دارد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۶، ۳۶۹-۳۸۰). همانطور که اشاره شد جهت‌گیری فضای باز از دیگر عواملی می‌باشد که بررسی آن در بحث آسایش حرارتی ضروری است. به طوریکه در نواحی مختلف، طراحی متفاوتی را شامل می‌شود (Almhafdy et al., 2013, 170-180)؛ خوشبخت و همکاران، ۱۳۹۹، ۱-۱۰). بنابر مطالعات پیشین به منظور طراحی حیاط در

اقلیم‌های متفاوت، باید به نکاتی از قبیل جهت‌گیری و کشیدگی بنا، نحوه‌ی استقرار فضای باز و بسته، فرم حیاط و نوع تقسیم‌بندی فضای باز، محصوریت، تناسبات، ابعاد، شکل و چرخش حیاط، جنس مصالح کف و جداره‌ها و میزان و نوع پوشش گیاهی و حضور آب، توجه نمود (Almhafdy et al., 2013; Berkovic et al., 2012, 1173-1186; Ghaffarianhoseini et al., 2015, 154-168; Johansson, 2006, 1326-1338; Kariminia et al., 2015, 718-727; دهناد و همکاران، ۱۴۰۰، ۲۱-۳۳؛ صمدپور شهرک و طاهباز، ۲۰۱۸، ۴۳-۶۸). منتظری و همکارانش در سال ۱۳۹۶ تراکم ساختمانی (تعداد طبقات)، جهت‌گیری ساختمان‌ها، مقعر و محدب بودن نماها، نوع و رنگ و جنس مصالح، الگوی ساخت، نسبت پر و خالی ساختمان‌ها را به‌عنوان عوامل مؤثر بر میزان آسایش حرارتی فضاهای باز معرفی کردند (منتظری و همکاران، ۱۳۹۷، ۸۳-۶۳). براین اساس، هندسه حیاط در تمامی اقلیم‌ها، عامل مهمی در تأمین آسایش حرارتی ساکنین، به شمار می‌آید (فتاحی و همکاران، ۱۴۰۰، ۶۹-۸۲) بر اساس مطالعات پیشین، علاوه بر هندسه فضاهای شهری، طراحی منظر با تکیه بر طراحی فضای سبز و فضای آبی (حضور آب) تاثیر بسیاری بر آسایش حرارتی فضای باز دارد. ژانگ و همکاران سال ۲۰۲۰، تاثیر طراحی منظر (فضای سبز و آبی) بر آسایش حرارتی را برای اقلیم‌های مختلف و فصول مختلف متفاوت و مؤثر بیان کردند (Zhang et al., 2020, 1-23) بر اساس مطالعات ولکر در سال ۲۰۱۳ تاثیر فضای سبز نسبت به حضور آب در ایجاد آسایش حرارتی بیشتر ارزیابی شد (Völker et al., 2013, 355-371) بر اساس مطالعات سالهای اخیر به کمک شبیه‌سازی خرد اقلیم‌ها با پوشش گیاهی درختان متفاوت درک بهتری از تاثیر فضای سبز بر آسایش حرارتی حاصل شده است، ارتفاع درختان، شاخص سطح برگ و ارتفاع تنه و نوع درختان و الگوی کاشت از مهمترین عوامل مؤثر بر بهبود آسایش حرارتی فضای باز معرفی شده است (Chen et al., 2022؛ اسلامی و همکاران، ۱۳۹۵، ۳۳-۴۶؛ Horrison & Steph, 2023, 1-1۰). همانطور که اشاره شد عوامل انسانی همچون جنسیت و سن نیز از عوامل تاثیرگذار بر آسایش حرارتی هستند لذا توجه به این نکته ضروری است که آسایش حرارتی دانش آموزان در مدرسه متفاوت از بزرگسالان است (زمردیان و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۷-۲۸). اکثر مطالعات مربوط به آسایش حرارتی دانش آموزان در مدرسه، مربوط به کلاس درس می‌باشد (Al-Rashidi et al., 2015, -210)؛ Saleem et al., 2014, 58-63؛ زمردیان و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۸-۱۷) حال آنکه فضای باز در مدارس معاصر ایران، به زمینی بدون فضای سبز و کیفیت فضایی مناسب، تقلیل یافته است که این می‌تواند یک

هویت شهر / شماره پنجم و پنجم / سال هفدهم / پاییز ۱۴۰۲

شد. سپس متغیرهای تأثیرگذار بر آسایش حرارتی حیاط مدارس بر اساس ادبیات موضوع تعیین و برای تعیین الگوهای مورد آزمون، الگوی شکلی حیاط دبستان‌های دخترانه دولتی شهر اصفهان به صورت میدانی برداشت گردید. در نهایت بر اساس فراوانی این الگوها و همچنین با در نظر گرفتن ضوابط و استانداردهای سازمان نوسازی مدارس و نیز متغیرهای به دست آمده از مطالعات پیشینه پژوهش (جدول ۱)، الگوهای نهایی انتخاب گردید. سپس، عملکرد حرارتی مدل‌ها به روش شبیه‌سازی با کمک نرم‌افزار انویمت نسخه ۴.۴.۵ و بر اساس شاخص ارزیابی آسایش حرارتی دمای معادل فیزیولوژیکی، تعیین شد. با تعیین تعداد ساعاتی که هر مدل در دو روز انقلاب تابستانی و انقلاب زمستانی در محدوده آسایش حرارتی دختران ۷ تا ۱۲ سال شهر اصفهان که بر اساس شاخص دمای فیزیولوژیک در پژوهش میدانی که سال ۱۴۰۰ توسط نگارندگان مقاله حاضر انجام و ۳۲-۱۳۶ سانتیگراد تعیین شد (چهرازی و همکاران، ۱۴۰۰)، قرار دارد و با تحلیل مقایسه‌ای نتایج، الگو با بیشترین ساعات آسایش حرارتی پیشنهاد گشت. روند انجام

افول در ساخت فضای باز مدارس باشد (علاقمند و همکاران، ۱۳۹۶، ۸-۹)، لذا در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا بر اساس محدوده آسایش حرارتی در فضای باز دانش آموزان ۷ تا ۱۲ سال دختر شهر اصفهان (چهرازی و همکاران، ۱۴۰۰، ۴۳-۵)، تأثیر مؤلفه‌های هندسه حیاط مدارس مستخرج از پیشینه پژوهش بر آسایش حرارتی دانش آموزان سنجیده و نقش هندسه حیاط در تأمین آسایش حرارتی این گروه بررسی گردد.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر سعی در بررسی تأثیر مشخصات هندسی حیاط مدارس بر شرایط آسایش حرارتی آن به عنوان یک خرد اقلیم است. روش این پژوهش از نوع کمی است که با کمک شبیه‌سازی و در نهایت استدلال قیاسی و منطقی نتیجه حاصل می‌گردد. در ابتدا داده‌های اقلیمی روزهای بحرانی سال (انقلاب تابستانی، انقلاب زمستانی) بر اساس دوره آماری ۱۰ ساله از ایستگاه سینوپتیک اصفهان جمع‌آوری



شکل ۱. روند اجرای تحقیق
Figure 1. Research process

جدول ۱. متغیرهای پژوهش
Table1. Research variables

متغیر وابسته	متغیر مستقل
آسایش حرارتی در حیاط مدرسه که با شاخص دمای معادل فیزیولوژیکی موردسنجی قرار گرفت.	نسبت طول به عرض حیاط جهت کشیدگی حیاط ارتفاع ساختمان مدرسه الگوی شکلی (پر و خالی مدرسه)
تعداد ساعاتی که هر مدل در محدوده آسایش حرارتی قرار دارد.	

۱.۱ بررسی تأثیر مشخصات هندسی میاط بر آسایش حرارتی

بر اساس مطالعات پیشین، هندسه میاط بر عملکرد حرارتی آن و آسایش حرارتی کاربران حیاطها، تأثیرگذار است. الگوی شکلی میاط نیز از عوامل مؤثر بر عملکرد حرارتی حیاطها است. یکی از دسته‌بندی‌های الگوی شکلی میاط، دسته‌بندی هاید است که به‌عنوان دسته‌بندی مناسب برای انواع هندسه میاطها شامل میاط تمام بسته، میاط نیمه‌بسته و میاط تمام باز، باتکیه بر کارایی آن، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۶، ۳۷۲). به‌طور کلی، هندسه میاط شامل الگوی شکلی میاط (میاط بسته، نیمه‌بسته، تمام باز)، جهت‌گیری، تعداد طبقات ساختمان‌های دربرگیرنده میاط و نسبت اضلاع میاط نسبت به یکدیگر است. مهم‌ترین این عوامل، نسبت طول به عرض میاط و نسبت ارتفاع دیوارهای محصورکننده میاط به عرض میاط است که تأثیر چشمگیری در عملکرد حرارتی میاطها و تأمین آسایش حرارتی در آن‌ها دارد. عوامل دیگری چون جنس مصالح کف میاط، دیواره‌های محصورکننده آن، میزان و نوع سبزی‌نگی موجود در میاط و حضور و یا عدم حضور آب در میاط نیز بر عملکرد حرارتی میاطها تأثیرگذارند (جدول ۲).

الگوی شکلی غالب میاط دبستان‌های دولتی دخترانه شهر اصفهان برای تعیین الگوی مورد بررسی در پژوهش حاضر، ابتدا الگوی شکلی دبستان‌های دولتی دخترانه شهر اصفهان برداشت شد و با بررسی فراوانی هر یک از الگوهای برداشت‌شده الگوهای غالب تعیین گردید (جدول ۳). با توجه به پراکندگی الگوها، یافتن الگوی غالب برای تعیین الگوی مورد بررسی در پژوهش حاضر تنها از طریق بررسی الگوهای موجود امکان‌پذیر نیست، بنابراین برای تعیین الگوهای نهایی پژوهش حاضر با بررسی پیشینه پژوهش و همچنین الگوهای برداشت‌شده از مدارس موجود و استانداردها و قوانین اجرایی سازمان نوسازی مدارس کشور الگوهای پژوهش تعیین می‌گردد.

۱.۲ الگوهای نهایی پژوهش

برای تعیین الگوهای پژوهش، متغیرهای الگوی شکلی، نسبت طول

پژوهش به‌صورت خلاصه در شکل ۱ آورده شده است.

معرفی متغیرهای پژوهش

در این پژوهش، متغیر مستقل شامل، نسبت طول به عرض میاط، جهت کشیدگی میاط، ارتفاع ساختمان مدرسه، الگوی شکلی (پر و خالی مدرسه) و متغیر وابسته شامل، آسایش حرارتی در میاط مدرسه که با شاخص دمای معادل فیزیولوژیکی ارزیابی گردید و همچنین تعداد ساعاتی که هر مدل در محدوده آسایش حرارتی قرار دارد می‌باشد. (جدول ۱)

۱.۳ شرایط اقلیمی اصفهان

شهر اصفهان در طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه و ۴۰ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۲ درجه و ۳۸ دقیقه و ۳۰ ثانیه شمالی در مرکز کشور ایران قرار دارد (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۴۰). بر اساس طبقه‌بندی اقلیمی دومارتن، این شهر دارای اقلیم فراهشک سرد است. بر اساس بررسی‌های بلندمدت آماری (۲۰۱۵ - ۱۹۵۱) میانگین سالانه دمای ایستگاه اصفهان ۱۶ / ۴ درجه سانتی‌گراد (درجه سلسیوس) و میانگین دما در سردترین ماه سال ژانویه ۳ درجه سانتی‌گراد و در گرم‌ترین ماه سال یعنی جولای ۲۹ / ۵ درجه سانتی‌گراد، است. میانگین سالانه سرعت بادهای غالب در اصفهان تقریباً ۲ / ۵ متر بر ثانیه است. همچنین جهت وزش بادهای غالب در تمامی فصول سال به‌غیر از تابستان، غربی و در فصل تابستان، شرقی است. میانگین ماهانه رطوبت نسبی هوا طبق آمار بلندمدت (۲۰۱۵ - ۱۹۵۱) در ایستگاه اصفهان ۳۸ / ۷ درصد و میانگین حداقل رطوبت نسبی تقریباً ۲۳ درصد و میانگین حداکثر آن ۵۷ / ۶ درصد، است (اداره کل هواشناسی استان اصفهان، ۱۳۹۴، ۱۶). همچنین، در ماه‌های اردیبهشت و خرداد، شرایط اقلیمی بیش از ۴۰٪ در محدوده آسایش قرار دارد؛ درحالی‌که در ماه‌های آذر تا بهمن، شرایط اقلیمی به‌طور کامل خارج از محدوده آسایش است و در ماه‌های آبان و اسفند، شرایط اقلیمی ثبت‌شده در محدوده آسایش بسیار ناچیز است (صبوری و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۵).

جدول ۲. عوامل مؤثر بر عملکرد حرارتی حیاط مدارس
Table 2. Factors affecting the thermal performance of school yards

حیاط تمام بسته	الگوی شکلی	هندسه حیاط	عوامل هندسی مؤثر بر عملکرد حرارتی حیاط مدارس
حیاط نیمه بسته			
حیاط تمام باز			
جهت گیری		نسبت ابعاد حیاط	
نسبت طول به عرض حیاط و مساحت حیاط			
نسبت ارتفاع دیوارهای محصور کننده حیاط به عرض حیاط			

جدول ۳. فراوانی الگوی شکلی حیاط دبستان‌های دولتی دخترانه شهر اصفهان
Table 3. Frequency of models shape in public elementary schools for girls in Isfahan city

فراوانی	هندسه حیاط	فراوانی	هندسه حیاط	فراوانی	هندسه حیاط	فراوانی	هندسه حیاط
۱		۳		۲		۱۶	
۱		۱		۱		۴	
۲		۱		۱		۳	
۱		۲		۱		۱۲	
۱		۱		۱		۱	
۱		۱		۱		۳	
۱		۱		۱		۳	
۱		۱		۱		۱	
۱		۱		۱		۱	
						۱	

مساحت حیاط بر نتایج پژوهش، هندسه مدل‌ها به‌گونه‌ای طراحی گردید که مساحت حیاط در تمام مدل‌ها عدد ثابت ۵۰۰ مترمربع گردد. الگوهای نهایی در جدول ۵، ارائه شده است. این الگوها در ارتفاع دوطبقه مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی عملکرد حرارتی حیاط‌های مدارس شهر اصفهان، الگوهای به‌دست آمده در دو روز انقلاب تابستانی و زمستانی در نرم‌افزار انوی-مت شبیه‌سازی شدند. داده‌های اقلیمی روزهای انقلاب تابستانی و زمستانی شهر اصفهان بر اساس میانگین آمار اقلیمی ۱۰ ساله انقلاب تابستانی و زمستانی برداشت شده از ۴ ایستگاه هواشناسی شهر اصفهان تعیین گردید و به‌عنوان ورودی داده‌های اقلیمی نرم‌افزار انویمت استفاده شد. به‌منظور مدل‌سازی، مدل‌های پژوهش (جدول ۶) در نرم‌افزار انویمت در شبکه‌ای به ابعاد ۲*۲*۲ مترمربع شبیه‌سازی شد، جنس مصالح ساختمان مدارس آجر و کف حیاط مدارس آسفالت (به عنوان مصالح غالب استفاده شده در مدارس شهر اصفهان) در نظر گرفته شد ابعاد مدل‌ها به‌گونه‌ای انتخاب گردید که مساحت تمام حیاط‌ها عدد ثابت ۵۰۰ مترمربع باشد. در نهایت، متوسط دمای معادل فیزیولوژیک در هر یک از حیاط مدل‌ها برای دختران ۷ تا ۱۲ سال شهر اصفهان و در ساعات حضور دانش‌آموزان در دبستان (بازه زمانی ۷ تا ۱۳) به کمک برنامه بایومت نرم‌افزار انویمت تعیین شد. برای تحلیل نتایج محدوده آسایش دختران ۷ تا ۱۲ سال شهر اصفهان در بازه زمانی ۹ ماه سال در فضای باز مدارس، دمای معادل فیزیولوژیک ۱۳.۶ تا ۳۲ درجه سانتی‌گراد در نظر گرفته شد (چهرازی و همکاران، ۱۴۰۰). بر این اساس، با شبیه‌سازی ۱۲۵ مدل در نرم‌افزار انویمت،

به عرض حیاط، ارتفاع ساختمان محصورکننده حیاط، نسبت مساحت ساخت به حیاط و جهت کشیدگی حیاط از پیشینه پژوهش و مطالعات میدانی (بررسی هندسه حیاط دبستان‌های دولتی موجود شهر اصفهان) برداشت گردید و در نهایت تعداد ۱۲۵ (جدول ۵) الگو حاصل گردید تا به کمک نرم‌افزار انویمت عملکرد حرارتی‌شان بررسی و الگو با بیشترین ساعات آسایش حرارتی معرفی گردد.

-الگوی شکلی

برای تعیین الگوهای شکلی قابل‌بررسی برای پژوهش حاضر، با بررسی حیاط دبستان‌های دخترانه دولتی شهر اصفهان (جدول ۳) و همچنین بر اساس مطالعات پیشین، الگوها در سه دسته حیاط تمام بسته (الگوی حیاط مرکزی)، حیاط نیمه‌بسته و حیاط تمام باز معرفی گردید (جدول ۴) در این تصاویر فضاهای پر با رنگ سیاه و حیاط‌ها با رنگ سفید مشخص شده‌اند.





-ارتفاع الگوهای پژوهش

پژوهش حاضر دبستان‌های ترکیبی دخترانه شهر اصفهان را مورد بررسی قرار می‌دهد که تعداد طبقه مجاز برای نمونه مورد بررسی در پژوهش حاضر ۲ و ۳ طبقه است (جدول ۴). بر اساس مطالعات میدانی و بررسی دبستان‌های دولتی دخترانه موجود شهر اصفهان، ارتفاع غالب دبستان‌های موجود ۲ طبقه است، بنابراین الگوهای مورد بررسی در پژوهش حاضر در ارتفاع دوطبقه انتخاب گردید.

-نسبت اضلاع الگوهای پژوهش

حداکثر نسبت مساحت ساخت به حیاط دبستان‌ها در شهرهای درجه‌یک، ۵۰ درصد و همچنین حداکثر نسبت طول به عرض حیاط دبستان‌ها نیز ۱ به ۲.۵ است (نشریه ۶۹۷، ۱۳۹۵: ۳۷). بر این اساس الگوهای شکلی (جدول ۴) بسط داده شد و برای ثابت نگه‌داشتن تأثیر

جدول ۴. مشخصات الگوهای پژوهش
Table 4. Specifications of research models

الگوی شکلی	تعداد طبقات ساختمان محصورکننده حیاط	نسبت مساحت ساخت به حیاط	نسبت عرض به طول حیاط	جهت قرارگیری حیاط	مساحت حیاط
	۲ طبقه	۵۰ درصد	۱ به ۱	چرخش در	۵۰۰ مترمربع
	۳ طبقه	(نشریه ۶۹۷، ۱۳۹۵: ۳۷)	۱ به ۱/۵	چهار جهت اصلی	
	(نشریه ۶۹۷، ۱۳۹۵: ۲۴)		۱ به ۲/۵		
			(نشریه ۶۹۷، ۱۳۹۵: ۳۷)		

نتیجه‌گیری

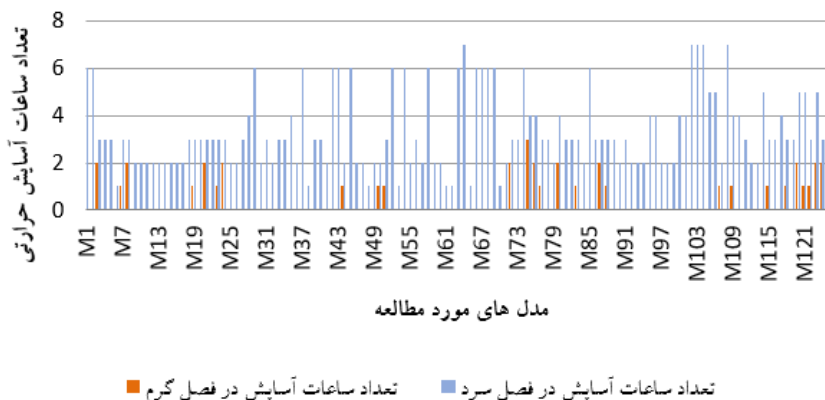
هندس‌ه حیاط نقش مؤثری بر عملکرد حرارتی آن دارد، لذا باتوجه‌به اهمیت تأمین آسایش حرارتی در حیاط مدارس برای حضور فعال دانش‌آموزان و تبدیل حیاط مدارس به فضایی آموزشی در این پژوهش سعی گردید، تأثیر هندسه حیاط دبستان‌های دخترانه شهر اصفهان باهدف تأمین بیشترین ساعات آسایش حرارتی بررسی گردد. نتایج پژوهش حاکی از تأثیر مؤثر الگوی شکلی، تناسب اضلاع و جهت‌گیری حیاط مدارس، بر شاخص ارزیابی آسایش حرارتی دمایی معادل فیزیولوژیک در روزهای بحرانی انقلاب تابستانی و زمستانی، به ویژه انقلاب زمستانی است، به‌طوری‌که ساعات آسایش حرارتی در حیاط‌ها با الگوهای متفاوت در فصل سرد که مدارس بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند، بین ۱ تا ۷ ساعت، بر اساس نسبت طول به عرض و الگوی شکلی و جهت کشیدگی حیاط متغیر است. طبق نتایج، در فصل سرد، از میان مدل‌های مورد آزمون، مدل‌هایی با نسبت

سعی شد هندسه حیاط با تأمین بیشترین ساعات آسایش حرارتی در حیاط مدارس تعیین گردد. نمونه‌ای از اطلاعات به‌دست‌آمده از این شبیه‌سازی در جدول ۶، آمده است.

برای مقایسه دقیق‌تر مدل‌ها تعداد ساعاتی که هر مدل در فصل سرد گرم در محدوده آسایش حرارتی قرار دارد بررسی گردید که نتایج در شکل ۲، ارائه شده است. بر اساس نتایج در فصل سرد مدل‌های M64، M104، M103، M102 و M108 در کل ساعات به مدت ۷ ساعت در محدوده آسایش حرارتی قرار دارند و در فصل گرم مدل M75 با ۳ ساعت بیشترین زمان قرارگیری در شرایط آسایش در فصل گرم را نشان داد و همچنین مدل‌های M102، M75، M64، M120، M108، M104، M103 و M123 با ۷ ساعت در فصل سرد گرم بیشترین ساعات قرارگیری در محدوده آسایش را فراهم می‌کنند (جدول ۷).

جدول ۵. مشخصات الگوهای پژوهش
Table 5. Characteristics of research models

نسبت اضلاع	فرم ساختمان	۱ به ۱	۱ به ۱/۵	۲ به ۱	۱ به ۲	۱ به ۲/۵	۲/۵ به ۱
به صورت مستطیل							
L شکل							
U شکل							
ساخت در دو طرف							
ساخت در مرکز							
حیاط مرکزی							
به صورت کوشک							



شکل ۲. تعداد ساعات آسایش حرارتی مدل‌های پیشنهادی حیاط دبستان‌های شهر اصفهان

Figure 2. The frequency of thermal comfort hours of the proposed models in the courtyards of elementary schools in Isfahan city

جدول ۶. نمونه‌ای از نتایج متوسط دمای معادل فیزیولوژیک مدل‌ها (منبع: نرم‌افزار انوی‌مت)

Table 6. An example of the average results of the physiological equivalent temperature of the models

مدل	الگوی شکلی	نسبت اضلاع	PET ۸ صبح انقلاب تابستانی	PET ۱۲ ظهر انقلاب تابستانی	PET ۸ صبح انقلاب زمستانی	PET ۱۲ ظهر انقلاب زمستانی
M1		۱ به ۱	۴۲/۱۶۱	۴۶/۴۰۴	۱۶/۴	۲۷/۸۰۱
M2		۱ به ۱	۴۱/۹۰۲	۴۶/۵۴۲	۱۶/۸۲۲	۲۸/۴۶۶
M3		۱ به ۱	۲۹/۹۲۲	۴۵/۶۲۲	۱۴/۲	۳۵/۱۱۱

جدول ۷. تعداد ساعت آسایش حرارتی مدل‌ها در فصل سرد و گرم

Table 7. The frequency of thermal comfort hours of the models in the cold and hot seasons

نتایج فصل گرم و سرد															
مدل	M123	M120	M108	M104	M103	M102	M75	M64	فصل		تعداد ساعات				
	۱ به ۲/۵	۱ به ۲/۵	۱ به ۲/۵	۱ به ۲/۵	۱ به ۲/۵	۱ به ۲/۵	۲ به ۱	۱ به ۲	سرد	گرم	سرد	گرم	۷	۰	هندسه مدل
									سرد	گرم	سرد	گرم	۷	۰	هندسه مدل
	سرد	سرد	سرد	سرد	سرد	سرد	سرد	سرد	سرد	سرد	سرد	سرد	۷	۰	فصل
	گرم	گرم	گرم	گرم	گرم	گرم	گرم	گرم	گرم	گرم	گرم	گرم	۷	۰	فصل
	۵	۵	۷	۷	۷	۷	۴	۷	۵	۵	۷	۷	۷	۷	تعداد ساعات

مناسب الگوی شکلی، جهت کشیدگی و تناسب اضلاع حیاط مدارس می‌توان به میزان قابل توجهی مدت‌زمان تأمین آسایش حرارتی را برای دانش‌آموزان افزایش داد و حیاط مدارس را به محیطی پویاتر تبدیل نمود، این مسئله نشان از اهمیت لزوم توجه معماران و شهرسازان به طراحی اقلیمی به کمک نرم‌افزارهای انرژی در راستای افزایش شرایط محیطی مطلوب و تأمین آسایش حرارتی برای کاربران و گروه‌های جنسیتی و سنی متفاوت دارد.

پی‌نوشت‌ها

1. Outdoor Thermal Comfort

نقش نویسندگان

بررسی ادبیات، مطالعات میدانی و پیشنهاد الگوهای مورد مطالعه، شبیه‌سازی کامپیوتری، تحلیل نتایج شبیه‌سازی و تهیه متن دست‌نوشته توسط غزاله پهرازی انجام گرفته است. نرگس دهقان با ویرایش و تعیین الگوهای نهایی، ویرایش دست‌نوشته و هانیه صنایعیان با ویرایش و تعیین الگوهای نهایی و تحلیل نتایج شبیه‌سازی نرم‌افزار انوی‌مت و امیر گندمکار با تهیه داده‌های اقلیمی مورد نیاز پژوهش در انجام پژوهش یاری نمودند.

تقدیر و تشکر

این پژوهش منتج از رساله دکتری با عنوان شناسایی کالبد و هندسه بهینه حیاط دبستان‌های دولتی دخترانه شهر اصفهان باهدف دستیابی به آسایش حرارتی و با حمایت دانشکده هنر، معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد انجام گرفته است. همچنین از مدیریت و کارکنان مدارس دخترانه اصفهان که ما را در روند جمع‌آوری داده‌های این پژوهش یاری نمودند، کمال تشکر را داریم.

تعارض منافع نویسندگان

نویسندگان به‌طورکامل از اخلاق نشر تبعیت کرده و از هرگونه سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز نموده‌اند و منافی تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسندگان در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند

فهرست مراجع

۱. اداره کل هواشناسی استان اصفهان. (۱۳۹۴). نمایه اقلیمی اصفهان.

<http://esfahanmet.ir/dorsapax/userfiles/file/Ozonsanji.pdf>

۲ به ۱ و ۲.۵ به ۱ با کشیدگی شرقی - غربی، بیشترین ساعات آسایش حرارتی را برای دانش‌آموزان تأمین می‌کنند، این مدل‌ها با داشتن بیشترین وسعت در ضلع جنوبی، بیشترین حرارت را در فصل سرد کسب نموده و از آنجایی که باد غالب شهر اصفهان در فصل سرد از سمت غرب می‌وزد، وسعت کم ضلع غرب موجب می‌گردد تا فضای باز این مدل‌ها، کمتر در معرض وزش باد سرد قرار گیرند و عملکرد حرارتی مناسب‌تری داشته باشند. همچنین بر اساس نتایج شبیه‌سازی در فصل سرد نقش الگوی شکلی حیاط‌ها در تأمین آسایش حرارتی دانش‌آموزان چشمگیر تعیین شد. به‌طوری که حیاط‌ها با ساختمان مستطیل‌شکل در مرکز زمین و همچنین، مدل‌هایی با ساختمان یو شکل (ساختمان در جبهه شمال، شرق و جنوب) و ساختمان ال‌شکل (ساختمان در جبهه شمال و غرب یا در جبهه جنوب و غرب)، در روز انقلاب زمستانی به مدت ۷ ساعت، در محدوده آسایش حرارتی قرار دارند که با توجه به اینکه بیشترین استفاده از مدارس ابتدایی از مهرماه تا اواسط اردیبهشت (فصول سرد) است، این مدل‌ها می‌تواند به‌عنوان الگوی شکلی حیاط مدارس ابتدایی دخترانه شهر اصفهان پیشنهاد گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد که با قراردادن موانعی مانند کاشت درختان یا مصنوعات ساختمانی در ضلع غرب، از ورود باد به فضای باز در فصل سرد جلوگیری گردد. به‌طور کلی با توجه به فراوانی مدل‌های برگزیده، از میان مدل‌های مورد آزمون، بیشترین ساعات آسایش حرارتی را مدلی با نسبت ۲.۵ به ۱ (کشیدگی شرقی - غربی) با ساختمان مرکزی، تأمین می‌نماید. از آنجایی که فضای باز ساختمان به‌نحوی که بیشترین ساعات آسایش حرارتی را فراهم سازد، مدلی است که در زمستان بیشترین مقدار حرارت و کمترین وزش باد و در تابستان نیز کمترین مقدار حرارت را از خورشید و بیشترین میزان وزش باد را از محیط اطرافش کسب نماید، بنابراین نتایج پژوهش حاضر از لحاظ منطقی قابل قبول است. از طرفی بر اساس نتایج شبیه‌سازی، فضای باز در مدل‌هایی با نسبت ۱ به ۲ یا ۱ به ۲.۵ که ساختمان به‌صورت مرکزی یا کوشکی قرار گیرند، در تابستان عملکرد حرارتی خوبی دارند؛ بدین صورت که دارای عرض کم در ضلع جنوبی بوده؛ بنابراین ساعات کمتری در معرض تابش خورشید و دریافت حرارت هستند. از طرفی با توجه به اینکه وزش باد غالب در شهر اصفهان، تابستان‌ها، از سمت شرق است، به دلیل وسعت زیاد ضلع شرقی، محیط بیشتر در معرض وزش باد بوده که می‌تواند در افزایش برودت هوای حیاط مؤثر باشد. انتظار می‌رود با کاشت چمن و درختچه‌های کوتاه در ضلع شرقی، به‌طوری که مانع ورود باد به فضای باز نشوند، موجب افزایش برودت هوا در فضای باز و بهبود عملکرد حرارتی حیاط‌ها در فصل گرم شود. بر اساس نتایج با انتخاب

۲. اسلامی، محمدامین؛ نوذری فردوسی، احمد؛ و طاهباز، منصوره. (۱۳۹۵). راهکارهای طراحی اقلیمی معابر فضای باز (مطالعه موردی: پیاده‌راه‌های دانشگاه کاشان). هویت شهر، ۱۰ (۲).
۳. اکبری، حسن؛ محمدی مقدم، سمیرا؛ رشیدکلوی، حجت‌الله؛ و حاتمی‌خانقاهی، توحید. (۱۴۰۰). بررسی شرایط آسایش حرارتی خانه‌های حیاط مرکزی در اقلیم گرم و خشک (نمونه موردی: خانه‌های شهر اصفهان). *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، ۱۱ (۴۴)، ۳۶-۲۱.
۴. چهرازی، غزاله؛ دهقان، نرگس؛ صنایعیان، هانیه؛ و گندمکار، امیر. (۱۴۰۰). تعیین محدوده آسایش حرارتی در فضای باز دبستان‌های دخترانه شهر اصفهان. *صفه*، ۳۱ (۳)، ۵۸-۴۳.
۵. حیدری، شاهین؛ و منعم، علیرضا. (۱۳۹۳). ارزیابی شاخصه‌های آسایش حرارتی در فضای باز. *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۱۱ (۲۰)، ۱۹۷-۲۱۶.
۶. خاکی قصر، آزاده. (۱۳۹۷). مدیریت مدارس سبز: الگوی همنشینی دبستان‌ها و بوستان‌ها. *مدیریت مدرسه*، ۲ (۶)، ۱۲۱-۱۰۰.
۷. خوشبخت، یاسر؛ مدی، حسین؛ و آزموده، مریم. (۱۳۹۹). بررسی هندسه بلوک‌های شهری در میزان آسایش حرارتی فضای باز در دوره گرم سال (مطالعه موردی: شهر همدان). *مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری*، ۱۱ (۳)، ۳۹-۲۸.
۸. دهناد، نازنین؛ کریمی، باقر؛ و مهدی‌نژاد، جمال‌الدین. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر مورفولوژی مجتمع‌های مسکونی بر آسایش حرارتی فضای باز. *مطالعات مدیریت شهری*، ۱۳ (۴۶)، ۳۳-۲۱.
۹. زمردیان، زهرا السادات؛ امینیان، سعید؛ و طاهباز، منصوره. (۱۳۹۵). ارزیابی آسایش حرارتی در کلاس درس در اقلیم گرم و خشک مطالعات میدانی: دبستان دخترانه در شهر کاشان. *هنرهای زیبا؛ معماری و شهرسازی*، ۲۱ (۴)، ۲۸-۱۷.
۱۰. شعله، مهسا؛ صادقی، علیرضا؛ و عبادی، مریم. (۱۴۰۰). سنجش تغییرات هندسه بافت شهری بر شرایط آسایش حرارتی بیرونی مطالعه موردی: بافت مسکونی قدیمی و میانی شیراز. *فصلنامه شهر پایدار*، ۴ (۲)، ۲۲-۱.
۱۱. صبوری، صابر، و رحیمی، لیل. (۱۳۹۶). تحلیل زمانی آسایش اقلیمی شهرها با رویکرد کاهش مصرف انرژی: مطالعه موردی شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، یزد و بندرعباس. *پژوهش‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری انرژی*، ۳ (۶)، ۳۵-۷.
۱۲. صمدپور شهرک، مهسا؛ و طاهباز، منصوره. (۲۰۱۸). بررسی راهکارهای ارتقای فضای باز مدارس ابتدایی دخترانه از نگاه دانش‌آموزان (نمونه موردی: شهر تبریز). *فناوری آموزش*، ۱۲ (۲)، ۱۰۸-۹۵.
۱۳. طاهباز، منصوره، جلیلیان، شهربانو، و موسوی، فاطمه. (۱۳۹۱). آموزه‌هایی از معماری اقلیمی گذرهای کاشان تحقیق میدانی در بافت تاریخی شهر. *مطالعات معماری ایران*، ۱۱ (۱)، ۸۳-۵۹.
۱۴. عظمتی، حمیدرضا؛ صباحی، سمانه؛ و عظمتی، سعید. (۱۳۹۱). عوامل محیطی موثر بر رضایتمندی دانش‌آموزان از فضاهای آموزشی. *نقش جهان*، ۱۲ (۱)، ۴۲-۳۱.
۱۵. علاقمند، سپیده؛ صالحی، سعید؛ و مظفر، فرهنگ. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی معماری و محتوای مدارس ایران از دوره سنتی تا نوین. *باغ نظر*، ۱۴ (۴۹)، ۱۸-۵.
۱۶. فتاحی، کارن؛ نصراللهی، نازنین؛ انصاری‌منش، مریم؛ خداکرمی، جمال‌الدین؛ و عمرانی پور، علی. (۱۴۰۰). بررسی نقش هندسه و نوع فضای باز شهری بر آسایش حرارتی و کیفیت محیطی (مطالعه موردی بافت تاریخی کاشان). *فصلنامه مطالعات شهری*، ۱۰ (۳۹)، ۸۲-۶۹.
۱۷. مجیدی، فاطمه السادات؛ حیدری، شاهین؛ قلعه‌نویی، محمود؛ و قاسمی سیچانی، مریم. (۱۳۹۷). تفاوت فصلی حدود آسایش حرارتی در محلات قدیم و جدید شهر اصفهان (مطالعه موردی: محلات جلفا و مرداوچ). *هنرهای زیبا؛ معماری و شهرسازی*، ۲۳ (۲)، ۳۱-۴۲.
۱۸. ملکی، سیدمحمدرضا؛ محمدکاری، بهروز؛ و معرفت، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی عملکرد حیاط و خصیصه‌های طراحی آن برای بهبود عملکرد گرمایی و آسایش حرارتی در شرایط آب‌وهوایی تهران. *مهندسی مکانیک مدرس*، ۱۷ (۴)، ۳۸۰-۳۶۹.
۱۹. منتظری، مرجان؛ جهانشاهلو، لعل؛ و ماجدی، حمید. (۱۳۹۷). تأثیر مؤلفه‌های فرم کالبدی شهری بر آسایش حرارتی فضاهای باز شهری (مطالعه موردی: اراضی پشت سیلو شهر یزد). *مطالعات محیطی هفت حصار*، ۶ (۲۳)، ۶۶-۴۹.
۲۰. نشریه ۶۹۷. (۱۳۹۵). *ضوابط طراحی ساختمان‌های آموزشی (برنامه‌ریزی معماری همسان مدارس ابتدایی و متوسطه)*. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
21. Al Haddid, H., & Al-Obaidi, K. M. (2022). Examining the impact of urban canyons morphology on outdoor environmental conditions in city centres with a temperate climate. *Energy Nexus*, 8, 100159.
22. Aljababra, F., & Nikolopoulou, M. (2010). Influence of hot arid climate on the use of outdoor urban spaces and thermal comfort: Do cultural and social backgrounds matter?. *Intelligent Buildings International*, 2(3), 198-217.
23. Al-Rashidi, K., Alazmi, R., & Alazmi, M. (2015). Artificial neural network estimation of thermal insulation value of children's school wear in Kuwait classroom. *Advances in Artificial Neural Systems*, 2015.

24. Almhafdy, A., Ibrahim, N., Ahmad, S. S., & Yahya, J. (2013). Courtyard design variants and microclimate performance. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 101, 170-180.
25. Zhang, L., Wei, D., Hou, Y., Du, J., Liu, Z. A., Zhang, G., & Shi, L. (2020). Outdoor thermal comfort of urban park—a case study. *Sustainability*, 12(5), 1961.
26. Berkovic, S., Yezioro, A., & Bitan, A. (2012). Study of thermal comfort in courtyards in a hot arid climate. *Solar Energy*, 86(5), 1173-1186.
27. Canan, F., Golasi, I., Ciancio, V., Coppi, M., & Salata, F. (2019). Outdoor thermal comfort conditions during summer in a cold semi-arid climate. A transversal field survey in Central Anatolia (Turkey). *Building and Environment*, 148, 212-224.
28. Chen, L., Zhang, Y., Luo, Z., & Yao, F. (2022). Optimization design of the landscape elements in the Lhasa residential area driven by an orthogonal experiment and a numerical simulation. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(10), 6303.
29. Ghaffarianhoseini, A., Berardi, U., & Ghaffarianhoseini, A. (2015). Thermal performance characteristics of unshaded courtyards in hot and humid climates. *Building and Environment*, 87, 154-168.
30. Hasehzadeh Haseh, R., Khakzand, M., & Ojaghrou, M. (2018). Optimal thermal characteristics of the courtyard in the hot and arid climate of Isfahan. *Buildings*, 8(12), 166.
31. Horrison, E., & Stephi, H. (2023, July). Impact of green cover on improving outdoor thermal comfort in Urban Residential Clusters. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science* (Vol. 1210, No. 1, p. 012037). IOP Publishing.
32. Johansson, E. (2006). Influence of urban geometry on outdoor thermal comfort in a hot dry climate: A study in Fez, Morocco. *Building and environment*, 41(10), 1326-1338.
33. Kariminia, S., Ahmad, S. S., & Saberi, A. (2015). Microclimatic Conditions of an Urban Square: Role of built environment and geometry. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 170, 718-727.
34. Lai, D., Liu, W., Gan, T., Liu, K., & Chen, Q. (2019). A review of mitigating strategies to improve the thermal environment and thermal comfort in urban outdoor spaces. *Science of the Total Environment*, 661, 337-353.
35. Nicosia, N., & Datar, A. (2018). Neighborhood environments and physical activity: a longitudinal study of adolescents in a natural experiment. *American journal of preventive medicine*, 54(5), 671-678.
36. Ojaghrou, M., & Khakzand, M. (2018). Comparative Study of Form and Features of Courtyards in Terms of Outdoor Thermal Comfort in Two Contrasting Climates of Iran. *Journal of Sustainable Development*, 11(2).
37. Parker, J. (2021). The Leeds urban heat island and its implications for energy use and thermal comfort. *Energy and Buildings*, 235, 110636.
38. Saleem, A., Abel-Rahman, A., Ali, A. H., & Ookawara, S. (2014). Experimental study on thermal comfort conditions in existing public primary schools buildings in Upper Egypt. *Sustainability in Energy and Buildings: Research Advances* ISSN 2054-3743(3), 58.
39. Sedira, S., & Mazouz, S. (2023). The effect of urban geometry on outdoor thermal comfort. *Application of the UTCI index in hot and arid climates*.
40. Völker, S., Baumeister, H., Claßen, T., Hornberg, C., & Kistemann, T. (2013). Evidence for the temperature-mitigating capacity of urban blue space—A health geographic perspective. *Erdkunde*, 355-371.

تحلیل دست‌نگاره‌های مفهومی دانشجویان معماری بر اساس تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعات در فرایند طراحی

دکتر فرهاد کاروان*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

مکیده

دست‌نگاره‌ها مهم‌ترین ابزار بیان ایده، بازنمای ایده‌های ذهنی و تفکر طراحان معماری است. ارتقاء دست‌نگاره‌ها، همواره مورد توجه متخصصان آموزش معماری هست. دست‌نگاره به قدرت شناختی طراح معماری در تفکر و پردازش شناختی وابسته است، لذا هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه دست‌نگاره‌های مفهومی دانشجویان معماری براساس تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعات در فرایند طراحی بود. روش پژوهش ترکیبی کمی (توصیفی-همبستگی) و کیفی (تحلیل نمونه دست‌نگاره‌های دانشجویان) است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشکده هنر و معماری دانشگاه‌های همدان بود. ۱۶۲ دانشجو به‌عنوان نمونه به شیوه‌ی در دسترس و هدفمند انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعات پاسخ دادند. دست‌نگاره‌های مفهومی نیز توسط دو داور ارزیابی شدند. داده‌ها با روش آمار توصیفی و همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر تحلیل شدند. نتایج نشان داد سبک پردازش تجربی توان پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی را ندارد، ولی سبک پردازش عقلانی و تفکر سیستمی توان پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی را دارند.

واژه‌های کلیدی

آموزش معماری، دانشکده هنر و معماری، دست‌نگاره‌های مفهومی، طراحی پژوهی، فرایند طراحی، همدان.

Email: f.karvan@iauh.ac.ir

*استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

مقدمه

دست‌نگاره‌ها به‌عنوان یکی از نمودهای آموزش معماری و بازگو کننده‌ی قدرت شناختی طراح است. به عبارتی، بازنمایی‌های تصویری در قالب دست‌نگاره‌ها^۱ مهم‌ترین ابزار بیان ایده و تولید مفاهیم برای طراحان و دانشجویان معماری است. بررسی انواع و شیوه ترسیم دانشجویان طراحی نمایانگر آن است که هر یک از روش و ساختار منحصر به فردی در ترسیم بهره می‌برند، و نیز بازنمای ایده‌های ذهنی و نمایشی از نحوه‌ی تفکر^۲ او است. با توجه به کاربرد وسیع دست‌نگاره‌ها در معماری، همواره رشد و ارتقای آن مورد توجه طراحان است. برای رسیدن به این منظور، بررسی عوامل مرتبط با آن ضروری است. از جمله متغیرهای مرتبط با آن، قدرت شناختی طراح یا دانشجوی معماری در تفکر و پردازش شناختی است. تفکر سیستمی^۳ یک مهارت تفکر سطح بالا و از فرایندهای شناختی پیچیده است که هدف آن، رشد دادن مهارت‌های شناختی متناسب با قرن ۲۱ است. داشتن تفکر سیستماتیک همراه با درک روابط بین عوامل و متغیرهای محیطی-اجتماعی، قدرت و این امکان را به دانشجویان می‌دهد تا از فرصت‌های یادگیری به‌طور بهینه استفاده نمایند، لذا دانشجویان برخوردار از تفکر سیستمی، توانمندی درک پیچیدگی‌های محیطی را دارند و نیازهای یادگیری خود را در محیط‌های پیچیده می‌شناسند. اجرای برنامه‌های درسی تفکر سیستمی به دانشجویان کمک می‌کند تا با درک مسائل محیطی-اجتماعی در جامعه پیچیده به سوی یادگیری مداوم حرکت کنند و به افرادی آگاه، خودراهنر و نوآور تبدیل شوند (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۷). از طرف دیگر، شیوه‌هایی که طراح با استفاده از آنها، اطلاعات را بازنمایی ذهنی می‌کند و نیز راهبردهایی را که برای پردازش شناختی به کار می‌گیرد و پردازش می‌کند، مهم است. به همین دلیل، با استفاده از برنامه‌های آموزشی چگونگی و نحوه پردازش اطلاعات افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد (Sternberg, 1986). هدف از انجام این پژوهش، بررسی سطح شناختی معمار به‌عنوان خالق سیستم است. به عبارتی، شناسایی مهم‌ترین عوامل شناختی مرتبط با ارائه ایده مانند تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعات^۴ در قالب دست‌نگاره، بسیار ضروری است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که چگونه دست‌نگاره‌های مفهومی دانشجویان معماری بر اساس تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعات در فرایند طراحی قابل پیش‌بینی است؟

پیشینه پژوهش

جنبه‌های شخصی و رفتار طراحان در فرایند طراحی در دهه‌های اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته است. با توجه به اهمیت

دست‌نگاره‌ها در فرایند طراحی، بررسی عوامل مرتبط با طراح جهت ارتقا و رشد دست‌نگاره‌ها همواره در نظام آموزش معماری مهم بوده و تحقیقات و پژوهش‌های زیادی در این خصوص انجام شده‌است. بر اساس مبانی نظری و پژوهش‌ها دست‌نگاره‌ها به انواع مختلفی طبقه‌بندی (Mekhriban, 2023) و بر اساس رویکردهای مختلفی بررسی شده‌است. در این پژوهش، دست‌نگاره همان فرآورده شناختی طراح است و بر این مبنا به بررسی متغیرهای مرتبط با آن به‌ویژه تفکر سیستمی و سبک پردازش اطلاعات می‌پردازد. در این خصوص پژوهش‌های زیادی در ارتباط با ویژگی‌های طراح و نقش آن بر دست‌نگاره انجام شده، مثلاً در پژوهش ندیمی و شریعت‌راد (۱۳۹۱) عوامل شناختی معطوف به طراح به‌عنوان یکی از منابع مهم ایده‌پردازی است. از آنجایی که شناخت دانشجویان و دانش آن‌ها از مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار بر فرایند آموزش است (سولتیس و فنسترمیچر، ۱۳۹۰). لذا در کارگاه‌های طراحی که مرکز آموزش معماری است، باید به تفاوت توانایی‌های افراد در آموزش توجه نمود (Salama, 2005). دست‌نگاره گویای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است و توانایی استدلال طراح در فرایند طراحی تأثیرگذار است (وحدت‌طلب، ۱۳۹۹). در ارتباط با نقش تفکر در طراحی مطالعات زیادی صورت گرفته و بیان می‌دارند که طراحی با تفکر طراح ارتباط دارد (Abdullayev & Shukhratovich, 2023). در پژوهشی دیگر به نقش مهارت‌های تفکر در طراحی اشاره شده (شریف و ندیمی، ۱۳۹۲) و نیز به تأثیر مهارت‌های تفکر بر مدل‌سازی تفکر واگرا و خلاقیت هنری تأکید شده است (Xinfa et al., 2015). اما در این پژوهش به جایگاه تفکر سیستمی به‌طور خاص در معماری و فرایند طراحی می‌پردازد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تفکر سیستمی با افزایش عملکرد در مسائل پیچیده ارتباط دارد (Viacheslave, 2018). همچنین تفکر سیستمی در سطوح شناختی بالا، پردازش تکالیف یادگیری و توان بالا در انجام فعالیت تأثیرگذار است (Abdyrov et al., 2016). سبک پردازش اطلاعات فرد در دریافت، ذخیره‌سازی، پردازش و انتقال اطلاعات مؤثر است (Lee & Kim, 2019). پژوهش حاضر به بررسی ارتباط دست‌نگاره‌ها با تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعات طراح می‌پردازد؛ بنابراین با وجود ادبیات نظری مرتبط تاکنون پژوهشی با در نظر گرفتن دست‌نگاره بر اساس تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعات دانشجو در فرایند طراحی معماری صورت نگرفته‌است و نیز با توجه به این‌که افزایش قدرت و مهارت دانشجو در کارگاه‌های طراحی از اهداف مهم آموزش معماری است؛ لذا شناسایی عوامل مرتبط با این مهارت ضروری است. پژوهش‌های مرتبط با این زمینه به‌طور اختصار در جدول ۱ آمده‌است.

جدول ۱. خلاصه سوابق پژوهشی مرتبط
Table 1. Summary of relevant research records

موضوع محتوایی	عنوان	نویسنده و سال	نتایج
	In the Pencil Drawing Features of Working with Sketches and Drawings	(Mekhriban, 2023)	اهمیت دست‌نگاره در تاریخ هنر طبقه‌بندی دست‌نگاره‌ها
دست‌نگاره در طراحی معماری	Evaluating individual cartographic skills using mental sketches	(Nieścioruk, 2022)	ارزیابی طراحی‌ها با استفاده از ویژگی‌های نقطه، خط توانایی‌های طراحی در دست‌نگاره
	Classification of children's drawing strategies on touch-screen of seriation objects using a learning hybrid model novel deep	Pysal & et al., (2019)	ارائه دو رویکرد برای مطالعه دست‌نگاره: فرایند ترسیم و فرآورده ترسیم
	Developing and validating a measurement of systems thinking: The systems thinking and metacognitive inventory (StMI).	Cabrera & et al., (2021)	قابلیت اجرایی شدن مهارت‌های DSRP تفکر سیستمی
	The Effect of Training in Systemic Thinking Skills on Performance and Perceived Mental Effort When Dealing with Difficult Tasks	Habashy & et al., (2021)	ساخت طرح‌واره و مدل ذهنی بر اساس تفکر سیستمی
جایگاه تفکر سیستمی	Skill mismatch and skill transferability: review of concepts and measurements.	Nedelkoska & Nef- (fke, 2019)	ارائه چهار مهارت تفکر سیستمی
	Systems thinking and collective problem-solving practices.	(Viacheslave, 2018)	ارتباط تفکر سیستمی با افزایش عملکرد در مسائل پیچیده
	On systems thinking and ways of building it in learning.	Abdyrov & et al., (2016)	نقش تفکر سیستمی در سطوح شناختی بالا، پردازش تکالیف یادگیری و توان بالا در انجام فعالیت
	تفکر سیستمی در شناسایی و حل مسئله	(اسماعیل‌زاده، ۱۴۰۱)	نقش تفکر سیستمی در درک روابط متقابل
	Eudaimonic well-being and coping with stress in university students: The mediating/moderating role of self-efficacy	Freire & et al., (2019)	تفاوت یادگیرندگان در روش‌های توجه، یادگیری، یادآوری و تفکر بر اساس سبک پردازش اطلاعات
پردازش اطلاعات- سبک‌های آن	Latent Profiles of Children's Relationships with Parents, Teachers, and Peers: Relations with Mental Health, Academic Stress, Academic Motivation, and Academic Achievement.	(Lee & Kim, 2019)	دریافت، ذخیره سازی، پردازش و انتقال اطلاعات بر اساس سبک پردازش اطلاعات
	The Impact of Motivation on the Relationship of Academic Stress and Psychological Well-being Among College Students.	Hunter & et al., (2018)	تفاوت افراد در مشاهده، تفکر و حل مسئله به دلیل سبک پردازش اطلاعاتی

مبانی نظری

و موضوعات مرتبط با تفکر و فرایندهای ذهنی در آموزش می‌پردازد. با توجه به ارتباط مهارت‌های تفکر با عملکرد در وظایف پیچیده فکری (Maani & Maharaj, 2004)؛ لذا به نظر می‌رسد دانشجویی که از مهارت‌های شناختی بالایی برخوردار باشد، بهتر می‌تواند ایده‌های ذهنی خود را در طراحی‌های کلاسی و حتی خلاقانه به تصویر بیاورد. تحقیقات و پژوهش‌های جدید در زمینه‌ی موضوعات طراحی و به ویژه عوامل مرتبط با طراح، همواره سعی کرده‌است به این موضوعات بپردازند. این پژوهش ضمن پرداختن به دست‌نگاره در فرایند طراحی به بررسی عوامل شناختی مرتبط با طراح مثل تفکر سیستمی (فرایند

نتایج مطالعات نیم‌قرن اخیر از دیدگاه روان‌شناسی شناخت‌گرایی تحت‌تأثیر رفتار انسان و فرایند ادراک و تفکر او در رابطه با محیط اطرافش، لزوم توجه به فرایند فکر کردن در حوزه‌ی آموزش طراحی معماری را روشن می‌سازد. زمینه‌های فکری و قدرت تفکر طراح در حین فرایند طراحی از جمله مباحثی است که امروزه تحت‌تأثیر روان‌شناسی شناخت‌گرایی مطرح می‌باشد (محمودی، ۱۳۸۳). در حالی که روش‌های تدریس هنوز در روش‌های محتوایی سنتی ریشه دارند (Akcaoglu & Green, 2018)؛ رویکرد شناختی به بررسی مفاهیم

شناختی) و سبک پردازش اطلاعات می‌پردازد.

دست‌نگاره‌ها در فرایند طراحی

بر اساس تاریخ هنر، دست‌نگاره‌ها، اساس هنرهای زیبا است و به توسعه هنر کمک می‌کنند. افکار، طرح‌ها و هنری که منجر به خلق اثری از تخیل آنها می‌شود، با دست به تصویر می‌آیند (Suvankulov & Soliyeva, 2023). دست‌نگاره‌ها، رسانه‌های ارتباطی قدرتمندی هستند که می‌توانند مفاهیمی فراتر از کلمات را منتقل کنند. دو رویکرد مختلف به‌طور سنتی برای مطالعه رفتار ترسیمی استفاده می‌شود: فرایند ترسیم و فرآورده ترسیم (Pysal et al., 2021). اصطلاحاتی مانند پیش‌نویس^{۱۱} (طرح کشیده‌شده برای مدت کوتاهی)، طرح اولیه^{۱۲} (مطالعه کامل تصویر از شی با جزئیات آن) و دست‌نگاره‌ها در کارهای آموزشی و خلاقانه بسیار استفاده می‌شود. دانش و مهارت‌های کسب‌شده در فرایند کار روی طرح‌های اولیه و پیش‌نویس‌ها را دست‌نگاره می‌گویند. بر اساس اهداف، دست‌نگاره‌ها به دو دسته طراحی کلاسی و خلاقانه تقسیم می‌شوند. طراحی کلاسی با هدف آموزش طراحی برای مدت طولانی با یادگیری اشکال و نمادهای مختلف و تسلط بر روش‌های طراحی انجام می‌شود. طراحی خلاقانه، یک اثر هنری تجسمی است که بازتابی از افکار و احساسات هنرمند است. مبنای شکل‌گیری دست‌نگاره‌ها بر اساس موقعیت متفاوت است: دست‌نگاره‌هایی از طبیعت (مشاهده یک شخص، شی یا موقعیت از بیرون)، دست‌نگاره‌هایی از حافظه (مشاهده و برداشت از موقعیت بیرونی و ترسیم آن بر اساس حافظه)، دست‌نگاره‌های تخیلی (تصویر یا ایده‌ای از تخیل و خیال)، دست‌نگاره‌های ترکیبی (تصاویر ترکیبی از چندین نوع طرح) (Mekhraban, 2023).

بازنمایی‌های تصویری در قالب دست‌نگاره‌ها مهم‌ترین ابزار بیان ایده و تولید مفاهیم برای طراحان و دانشجویان معماری است. کاربرد وسیع آن به دلیل سادگی ابزار و سرعت بیان همواره مورد توجه طراحان است. بررسی انواع و شیوه ترسیم دانشجویان طراحی نمایانگر آن است که هر یک از روش و ساختار منحصر به فردی در ترسیم بهره می‌برند. به‌عبارتی، طراح می‌تواند ورای الگوهای تصویری، الگوهای چندوجهی از عوامل مختلف را در ذهن خود گسترش دهد و با تکیه بر آن‌ها، فضاهایی زنده بیافریند (افتخارزاده، ۱۳۹۲).

اساس دانش و مهارت‌های کسب‌شده طراح جهت ایجاد دست‌نگاره‌ها فقط به عوامل موقعیتی و اکتسابی بستگی ندارد، بلکه یک طیف گسترده‌ای از دانش طراح منعکس‌کننده‌ی قدرت شناختی او است.

دست‌نگاره‌ها به‌عنوان یکی از نمودهای نقش طراح، نمایشی از نحوه تفکر است. هر چقدر میزان آگاهی، قدرت درک و فهم و تفکر طراح

بیشتر باشد، بهتر می‌تواند پیشرفت کند. به‌عبارتی وقتی طراح قدرت به‌کارگیری دانش خود در مسئله را پیدا می‌کند، ایده‌سازی بهتری دارد و این همان تولید خلاق است (کاروان، ۱۴۰۰). گونه‌های فکر کردن و رویکردهای اتخاذ شده از سوی طراح نقش مستقیمی در فرایند تفکر سیر از سؤال به جواب داشته و نتیجه آن در محصول طراحی مشهود می‌باشد (محمودی، ۱۳۸۳).

تفکر سیستمی

رفتار، ریشه در نظام فکری دارد، کسی که دارای تفکر سیستمی است، با موضوعات نیز برخورد سیستمی می‌کند و در رفتارهای خود به دنبال تشخیص عناصر تشکیل‌دهنده موضوع و پیوندهای موجود میان این عناصر می‌گردد. به این ترتیب فردی که سیستمی فکر می‌کند تنها در جستجوی، مجموعه‌ای از ویژگی‌های موضوع نمی‌گردد؛ بلکه تفکر سیستمی به او کمک می‌کند به مسائل به‌صورت جامع و نظام‌مند نگاه کند. تفکر سیستمی، فرایند شناخت مبتنی بر تحلیل و ترکیب در جهت دستیابی به درک کامل و جامع یک موضوع در محیط پیرامون خویش با در نظر گرفتن زمینه یا کل پیچیده‌ای که آن پدیده، جزئی از آن است (اسماعیل‌زاده، ۱۴۰۱). تفکر سیستمی، یک رویکرد خاص جهت حل مسئله است که در آن به مسائل مشخص به‌عنوان بخشی از سیستم‌های کلی نگریسته می‌شود. تفکر سیستمیک افراد را قادر می‌سازد تا یک طرح یا مدل ذهنی (طرح‌واره) برای پدیده مورد مطالعه شکل دهند و این طرح‌واره حاوی عناصر زیادی است که با هم مرتبط هستند و به بهبود سطح عملکرد کمک می‌کند. تفکر سیستمی با افزایش عملکرد در مسائل پیچیده (Viacheslave, 2018) و نیز با پردازش شناختی مهارت‌های اطلاعاتی در شکل‌گیری طرح‌های شناختی ارتباط دارد (Zhang & Cook, 2012). فراگیران دارای تفکر سیستمی، از سطوح شناختی بالا، قدرت پردازش تکالیف یادگیری، توان اجرایی فعالیت، توسعه شناختی، قابلیت در تحلیل‌های انتقادی، برخوردارند (Abdyrov et al., 2016).

حوزه تفکر سیستمی با کشف چهار مهارت شناختی اساسی که در تمام چارچوب‌های تفکر سیستمی وجود دارد، متحول شد. این مهارت‌های اساسی عبارتند از: تمایز خود و دیگری (D^۵)، سازماندهی ذهنی جزء و کل (S^۶)، شناخت روابط کنش و واکنش (R^۷) و بررسی نظرات و دیدگاه‌های دیگران (P^۸) (Nedelkoska & Neffke, 2019). این قوانین می‌توانند به آشکارسازی الگوهای ساختاری اساسی تفکر کمک کنند. به‌عبارتی، قوانین ساده DSRP به نحوه ساختار و سازماندهی اطلاعات برای معنا بخشیدن به نحوه تفکر اشاره دارد. برنامه DSRP فرایندی را

برای زیر سؤال بردن مدل‌های ذهنی پذیرفته شده ارائه می‌کند که بر نحوه‌ی دید فرد از جهان تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را به استفاده از ایده‌ها و دیدگاه‌های مختلف برمی‌انگیزد. ماهیت ساده جهانی این قوانین ساده باعث می‌شود DSRP برای همه قابل اجرا باشد (Cabrera et al., 2021). تفکر سیستمی با نقش مهم آن در پرداختن به وظایف پیچیده دارای ویژگی‌هایی است: کل‌نگری (درک موقعیت یا مشکل به روشی جامع و کلی)؛ درک روابط متقابل (درک روابط علی پیچیده با تأثیرات از روابط)؛ تدوین مدل (ساخت مدل‌هایی جهت تجزیه و تحلیل موقعیت و سپس ترکیب مجدد اجزای آن به‌طور انعطاف‌پذیر)؛ تفکر پویا (ارائه راه‌حل با توجه به تغییرپذیری موقعیت) و ارائه راه‌حل‌های بلندمدت (طراحی راه‌حل‌های هوشمندانه و پایدار در بلندمدت). تفکر سیستمی از فرایندهای شناختی پیچیده است که با برنامه‌های درسی مناسب و شایسته قابل آموزش است؛ و کسب مهارت‌های تفکر سیستمی در دانشگاه‌ها می‌تواند پایه‌های رشد تفکر و توانمندی درک پیچیدگی‌های جامعه کنونی را در افراد فراهم سازد؛ بنابراین، بسیاری از توصیه‌های مطرح شده حاکی از آن است که باید تفکر سیستمی را از طریق برنامه‌های آموزشی جدا از برنامه درسی با طراحی برنامه‌های آموزشی به‌صورت سیستمی (Habashy et al., 2021) و یا در بسیاری از سطوح، به‌عنوان یک فرایند شناختی آموزش داد (Tang, 2020).

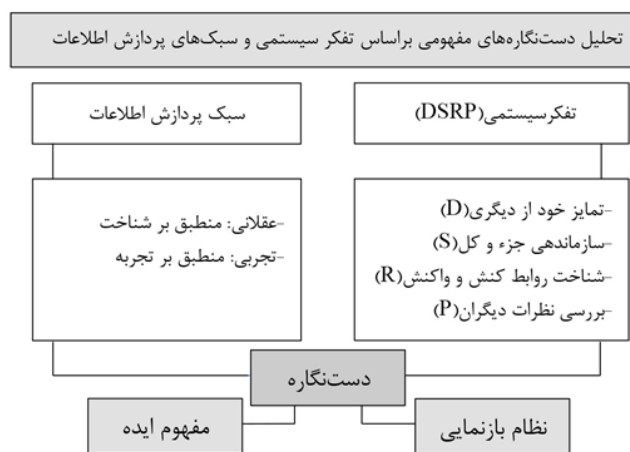
سبک‌های پردازش اطلاعاتی در فرایند شناخت و ادراک فرض بر آن است که مرحله‌ی دریافت اطلاعات از محیط تا پردازش اولیه‌ی آن‌ها و تشکیل الگوهای ادراکی

در مرحله‌ی شناخت بررسی می‌شوند (افتخارزاده، ۱۳۹۲). به‌عبارتی منظور از شناخت؛ شناسایی، تشخیص دادن، تمیزدادن یا بازشناختن بدان-گونه که در تشخیص الگو مورد بررسی قرار می‌گیرد، نیست. بلکه منظور شناخت حاصل از محاسبه، تفکر، آگاهی، دانش و پردازش آن‌هاست. پردازش اطلاعات به طریقه دریافت، ذخیره‌سازی، پردازش و انتقال اطلاعات توسط فرد گفته می‌شود (Lee & Kim, 2019). سبک پردازش اطلاعات به تفاوت افراد در مشاهده، تفکر و حل مسئله اشاره دارد (Hunter et al., 2018)، فرایندی درونی که بر اساس آن یادگیرندگان، روش‌های توجه، یادگیری، یادآوری و تفکر خود را انتخاب می‌کنند و تغییر می‌دهند (Freire et al., 2019). سبک‌های پردازش اطلاعات مانند بسیاری از توانایی‌های افراد حاصل تعاملات فرد با محیط پیرامونش در فرایند رشد و اجتماعی شدن است (Gadzella & Baloglu 2001). سبک‌های پردازش اطلاعات تابع مهمی از مؤلفه‌های شناختی؛ مانند حافظه، دریافت حسی، درک و انتقال اطلاعات است (Ja.ko et al., 2015). بر اساس نظریه‌ی شناختی-تجربه‌گرایی، دنیا از طریق دو نظام پردازش اطلاعات در افراد مفهوم‌سازی می‌شود: عقلانی^۱ و تجربی^۲. سبک عقلانی سطوح بالایی از منابع شناختی را می‌طلبد و بیشتر کلامی، تحلیلی، آگاهانه و نسبتاً کند است که از طریق قوانین منطقی استنتاج عمل می‌کند. در مقابل، سبک تجربی، فطری و انطباقی است و به فرد این امکان را می‌دهد تا از تجربه یاد بگیرد (حسینی‌مهدی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵).

با بررسی موارد فوق، شکل ۱ ساختار مفهومی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

سبک‌های پردازش اطلاعاتی

در فرایند شناخت و ادراک فرض بر آن است که مرحله‌ی دریافت اطلاعات از محیط تا پردازش اولیه‌ی آن‌ها و تشکیل الگوهای ادراکی



شکل ۱. ساختار مفهومی پژوهش

Figure 1: Conceptual structure of research

روش انجام پژوهش

این پژوهش با رویکردی ترکیبی کمی (روش توصیفی-همبستگی) و کیفی (تحلیل نمونه دست‌نگاره‌های دانشجویان) انجام گرفت. جامعه‌ی آماری پژوهش دانشجویان معماری دانشگاه‌های همدان بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند که با در نظر گرفتن افت آزمودنی‌ها نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۶۲ نفر به صورت در دسترس و هدفمند انتخاب شدند. جهت انتخاب نمونه با استفاده از نرم‌افزار جی‌پاور (Gpower v3) محاسبه شد. در تعیین حجم نمونه با نرم‌افزار دیگر تعداد جامعه مهم نیست؛ چون توان آزمون و سطح اطمینان را در نظر می‌گیرد. با توجه به اندازه اثر متوسط ۰/۱۵، سطح اطمینان ۰/۰۵، توان آزمون ۰/۹۹ تعداد نمونه ۱۶۱ نفر به دست آمد که با در نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه، ۱۸۰ پرسش‌نامه توزیع شد. ۱۸ مورد از پرسش‌نامه‌ها ناقص بوده و کنار گذاشته شدند. در نهایت داده‌ها با ۱۶۲ نفر تحلیل شدند.

ابزارهای مورد استفاده در بخش کمی این تحقیق شامل دو پرسش‌نامه تفکر سیستمی و سبک پردازش اطلاعات است. تمام سؤالات پرسش‌نامه‌ها در اختیار ۴ متخصص حوزه روان‌سنجی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا در یک طیف ۵ درجه‌ای از ۱ تا ۵ به آن‌ها نمره بدهند. در مرحله بعدی به نمرات، وزن داده شد. ۱ (کاملاً مناسب)، ۰/۷۵ (مناسب)، ۰/۵۰ (تاحدودی مناسب) و ۰/۲۵ (نامناسب) و صفر (کاملاً نامناسب) انجام شد. در ادامه اگر تعداد فراوانی داده شده به یک وزن (F)، در وزن داده شده (X) ضرب شود و سپس حاصل، تقسیم بر تعداد کل پاسخ‌ها (ΣF) شود، مقدار $P(x)$ معدل وزن به دست می‌آید. حال اگر معدل وزن در وزن هر گویه ضرب شود، وزن گویه‌ها برای یک متخصص به دست می‌آید. سپس میزان روایی همه متخصصان با هم جمع شده و بر تعداد متخصصان تقسیم می‌شود به این ترتیب روایی محتوایی پرسش‌نامه‌ها به روش وزن‌دهی محاسبه می‌شود. نتایج در جدول ۲ ارائه شده است.

$$P(x) = \frac{F \cdot X}{\Sigma F} \quad \text{(وزن داده شده \times فراوانی) / (تعداد کل پاسخ‌ها)}$$

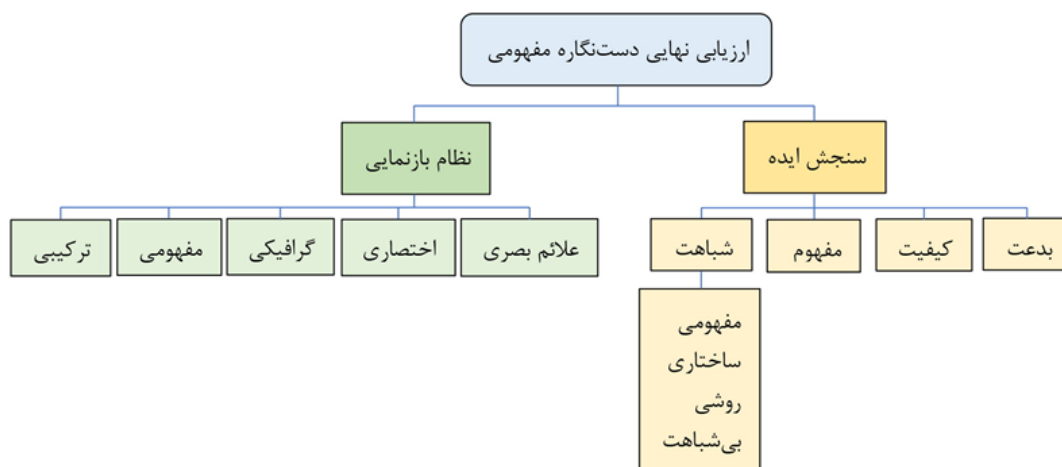
در تفسیر نمره روایی معمولاً محققان نمره بالاتر از ۰/۷ را قابل قبول می‌دانند. قابل ذکر است که امکان توافق کامل وجود ندارد و در صورتی که در میان مشاهده‌کنندگان ۸۰ تا ۹۰ درصد توافق وجود داشته‌باشد، روایی مناسب است. برای استانداردسازی پرسش‌نامه علاوه بر تعیین مقدار روایی به روشی که توضیح داده شد؛ لازم است پایایی (Reliability) آن نیز تعیین شود. برای این مرحله نیز بهترین

روش محاسبه مقدار آلفای کرونباخ است. روش آلفای کرونباخ از پرکاربردترین روش محاسبه میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری است که همسانی درونی ابزار را اندازه‌گیری می‌کند. در واقع همه سؤالات در این روش با سازه مورد نظر بررسی و اگر سؤالی با سازه همخوان نباشد و باعث پایین آمدن پایایی شود، حذف می‌گردد. میزان قابل قبول آلفای کرونباخ ۰/۷ به بالا است (دلاور، ۱۳۹۱). نتایج در جدول ۲ نشان می‌دهد همه پرسش‌نامه‌ها از همسانی درونی مناسبی برخوردار هستند (ضرایب آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ است) لازم به ذکر است محاسبات آلفای کرونباخ به صورت کامل توسط نرم‌افزار SPSS27 انجام گرفت. با توجه به توضیحات فوق، ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش به قرار زیر است:

- پرسش‌نامه تفکر سیستمی (Dolansky et al., 2020): این پرسش‌نامه به منظور سنجش تفکر سیستمی طراحی و تدوین شده است. پرسش‌نامه تفکر سیستمی دارای ۲۰ سؤال می‌باشد و بر اساس طیف لیکرت به سنجش تفکر سیستمی می‌پردازد. پایایی محاسبه شده در این پژوهش با روش آلفای کرونباخ و روایی نیز با استفاده از روایی محتوایی در جدول ۲ ارائه شده است.

- پرسش‌نامه سبک‌های پردازش اطلاعات (Epstein & Pacini, 1999): این پرسش‌نامه به منظور سنجش ترجیحات افراد در دو سبک عقلانی-تجربی پردازش اطلاعات تدوین شده است. شامل ۲۲ سؤال است و دو سبک پردازش اطلاعات تجربی (سؤالات ۱ تا ۱۱) و عقلانی (سؤالات ۱۲ تا ۲۲) را مورد سنجش قرار می‌دهد. از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود تا نظرشان درباره هر سؤال را روی یک مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) مشخص کنند. پایایی محاسبه شده در این پژوهش با روش آلفای کرونباخ و روایی نیز با استفاده از روایی محتوایی در جدول ۲ ارائه شده است.

- مقیاس ارزیابی دست‌نگاره‌های مفهومی ایده: داوری طرح‌های معماری را می‌توان به دو دسته شاخص‌های مربوط به فرایند طراحی و معیارهای مربوط به ارزشیابی نهایی تقسیم کرد (میاحی و همکاران، ۱۴۰۰). برای ارزیابی دست‌نگاره‌های مفهومی و دسته‌بندی ویژگی‌های آن، پژوهشگران شاخص‌های مختلفی را مبنای تحلیل دست‌نگاره در ابعاد چگونگی ترسیم، نوع ابزار مورد استفاده، شاخص‌های ایده و نظام بازنمایی معرفی کردند (وحدت‌طلب و کبودی، ۱۳۹۹). در این پژوهش، میزان عملکرد دانشجویان در طراحی با ترسیم یک واحد مسکونی با توجه به مقیاس‌های ارزیابی نهایی دست‌نگاره‌های مفهومی سنجیده می‌شوند. سنجش ایده (علی‌پور، ۱۳۹۸) و نظام بازنمایی (وحدت‌طلب و کبودی، ۱۳۹۹) از مؤلفه‌های اصلی این مقیاس است. هر دست‌نگاره توسط دو داور خبره ارزیابی می‌شوند. دست‌نگاره‌های



شکل ۲. مقیاس ارزیابی دست‌نگاره
Figure 2. Handwriting evaluation scale

فرضیه فرعی ۳. تفکر سیستمی توان پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی را دارد. ابتدا میانگین، انحراف معیار و آماره‌های کجی و کشیدگی توزیع متغیرها بررسی شد که نتایج آن در **جدول ۲** ارائه شده‌است. جدول ۲ میانگین و انحراف معیار سبک‌های پردازش اطلاعات، تفکر سیستمی و دست‌نگاره‌های مفهومی را نشان می‌دهد. نتایج کجی و کشیدگی در **جدول ۲** نشان می‌دهد توزیع متغیرها در دامنه نرمال قرار دارد (آماره کجی و کشیدگی بین +۱ و -۱ قرار دارد). برای بررسی رابطه سبک‌های پردازش اطلاعات و تفکر سیستمی با دست‌نگاره‌های مفهومی براساس مبانی و پیشینه این متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. محاسبه‌ی ارتباط خطی به‌عنوان پیش فرض و شرط اجرای رگرسیون نتایج همبستگی پیرسون در **جدول ۳** نشان داد بین متغیرها ارتباط خطی و همبستگی معنادار وجود دارد و شرایط اجرای رگرسیون و بررسی نقش متغیرهای پیش بین در تبیین دست‌نگاره‌های مفهومی برقرار است.

طبق نتایج **جدول ۳** بین سبک پردازش تجربی با تفکر سیستمی ($r = -0.20, p < 0.05$) رابطه منفی و معنادار و با دست‌نگاره‌های مفهومی ($r = -0.04, p > 0.05$) رابطه معناداری وجود ندارد. براساس یافته‌های پژوهش فرضیه اول مبنی بر توان پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی براساس سبک پردازش تجربی رد شد. بنابر این سبک پردازش تجربی نقش معناداری در پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی نداشت ($p > 0.05$).

طبق نتایج جدول ۳ بین سبک پردازش عقلانی با تفکر سیستمی ($r = 0.35, p < 0.01$) و با دست‌نگاره‌های مفهومی ($r = 0.42, p < 0.01$)

دانشجویان در بعد بازنمایی در پنج درجه کاربرد علائم بصری، اختصاری، گرافیکی، مفهومی و ترکیبی بر اساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ در هر مقیاس نمره-گذاری می‌شوند. سنجش ایده در سه شاخص بدعت، کیفیت و مفهوم در پنج رتبه بسیار ضعیف تا بسیار خوب و از نظر شاخص نوع شباهت ایده در پنج درجه شباهت مفهومی، شباهت ساختاری، شباهت روشی، شباهت سطحی و بی‌شباهت دسته‌بندی می‌شوند. خرده مقیاس‌های ارزیابی دست‌نگاره در **شکل ۲** آمده‌است. براساس مقیاس لیکرت نیز از ۱ تا ۵ در هر مقیاس نمره‌گذاری می‌شوند. به این ترتیب حداقل نمره ۹ و حداکثر نمره ۴۵ است. پایایی محاسبه شده در این پژوهش با روش آلفای کرونباخ و روایی نیز با استفاده از روایی محتوایی در **جدول ۲** ارائه شده‌است.

یافته‌ها

نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۶۲ نفر دانشجویان معماری با میانگین و انحراف معیار سنی $22/87 \pm 2/64$ بود. از نمونه مورد پژوهش ۵۸ نفر (۳۶ درصد) مرد و ۱۰۴ نفر (۶۴ درصد) زن بودند. این پژوهش به دنبال بررسی تأیید یا رد فرضیه اصلی مبنی بر این که می‌توان دست‌نگاره‌های مفهومی دانشجویان معماری را براساس تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعاتی در فرایند طراحی تحلیل کرد، است. اما فرضیه‌های فرعی دیگری نیز قابل بررسی است:

فرضیه فرعی ۱. سبک پردازش تجربی توان پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی را دارد.

فرضیه فرعی ۲. سبک پردازش عقلانی توان پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی را دارد.

جدول ۲: میانگین، انحراف معیار و آماره کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

Table 2: Average, standard deviation and skewness and elongation statistics of research variables

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	آلفای کرونباخ	روایی محتوایی
سبک پردازش تجربی	۳۲/۰۹	۶/۵۹	-۰/۱۴	۰/۷۲	۰/۷۸	۰/۹۲
سبک پردازش عقلانی	۳۴/۱۲	۵/۸۳	-۰/۱۷	۰/۳۵	۰/۷۱	۰/۹۴
تفکر سیستمی	۵۷/۳۴	۹/۴۹	۰/۹۳	۰/۷۲	۰/۰۶	۰/۸۸
دست‌نگاره‌های مفهومی	۲۹/۱۶	۲/۹۸	۰/۳۱	-۰/۲۸	۰/۳۱	۰/۸۵

جدول ۳: نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط سبک‌های پردازش اطلاعات و تفکر سیستمی با دست‌نگاره‌های مفهومی

Table 3: Results of Pearson's correlation test to investigate the relationship between information processing styles and systems thinking with conceptual drawings.

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱- سبک پردازش تجربی	-			
۲- سبک پردازش عقلانی	*-۰/۱۸	-		
۳- تفکر سیستمی	*-۰/۲۰	**۰/۳۵	-	
۴- دست‌نگاره‌های مفهومی	-۰/۰۴	**۰/۴۲	**۰/۵۳	-

**p<۰/۰۱، *p<۰/۰۵

معماری بر اساس تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعاتی در فرایند طراحی از رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

نتایج رگرسیون به روش همزمان در جدول ۴ نشان داد که ۳۴ درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی دست‌نگاره‌های مفهومی، می‌تواند توسط تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعاتی تبیین شود. با توجه به اطلاعات جدول ۴ از متغیرهای پیش‌بین در نظر گرفته شده، سبک پردازش عقلانی با ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۲۴ و سطح معناداری ۰/۰۱ و تفکر سیستمی با ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۴۶ و سطح معناداری ۰/۰۱ نقش مثبت و معناداری در پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی داشتند. شمای کلی نتایج پژوهش در شکل ۳ ارائه شده است.

با تحلیل دست‌نگاره‌های دانشجویان در بخش یافته‌های کیفی، نتایج کمی مورد تأیید قرار گرفت. شکل ۴ نمونه‌هایی از دست‌نگاره‌های

رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابر نتایج فرضیه دوم پژوهش یعنی توان پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی براساس تفکر سیستمی تأیید می‌شود.

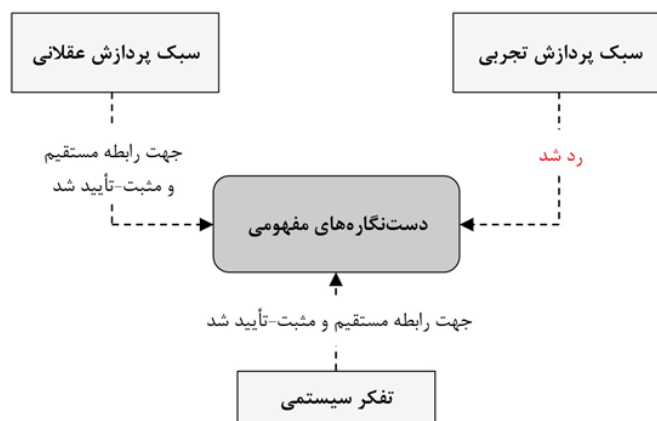
طبق نتایج جدول ۳ بین تفکر سیستمی و دست‌نگاره‌های مفهومی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابر نتایج فرضیه سوم پژوهش مبنی بر این که تفکر سیستمی توان پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی را دارد، تأیید می‌شود.

برای بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین-واتسون استفاده شد که نتایج نشان از عدم همبستگی بین خطاها دارد ($D.W=1/68$). دامنه بین ۱/۵ تا ۲/۵ قابل قبول است). برای بررسی هم خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین از عامل تورم واریانس (VIF) و تحمل (Tolerance) استفاده شد که نتایج نشان داد عدم هم خطی بین متغیرها برقرار است (دامنه VIF کمتر از ۳ و تحمل بالاتر از ۰/۱ به دست آمد). در ادامه برای تحلیل دست‌نگاره‌های مفهومی دانشجویان

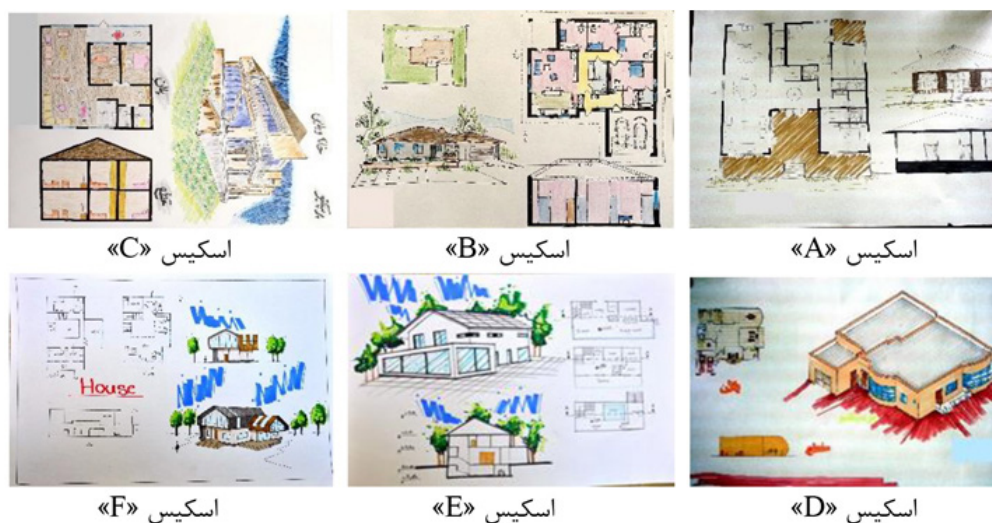
جدول ۴: ضرایب رگرسیون تاثیر تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعاتی بر دست‌نگاره‌های مفهومی

Table 4: Regression coefficients of the effect of systemic thinking and information processing styles on conceptual drawings

عامل	ضرایب غیر استاندارد		T	سطح معنی‌داری	نتایج مدل رگرسیون
	B	خطای استاندارد			
مقدار ثابت	۲۱/۴۸	۱/۱۳	۱۹/۰۱	۰/۰۱	$R^2=0/34, F=28/12$
سبک پردازش تجربی	-۰/۰۲۰	۰/۰۲۱	-۰/۰۹۸	۰/۳۲۶	$P=0/001$
سبک پردازش عقلانی	۰/۰۸۲	۰/۰۲۶	۳/۳۴	۰/۰۰۳	-
تفکر سیستمی	۰/۰۹۷	۰/۰۱۵	۶/۴۱	۰/۰۰۱	-



شکل ۳. نمودار کلی یافته‌های پژوهش
Figure 3. General diagram of research findings



شکل ۴. نمونه‌هایی از دست‌نگاره‌های مفهومی دانشجویان
Figure 4. Examples of students' conceptual sketches

از تفکر سیستمی هستند که در مقیاس دست‌نگاره، ارزیابی خوبی نداشتند.

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تبیین دست‌نگاره‌های مفهومی دانشجویان معماری بر اساس تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعات در فرایند طراحی بود. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان گفت ۳۴ درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی دست‌نگاره‌های مفهومی، می‌تواند توسط تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعاتی تبیین شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، سبک پردازش عقلانی (با ضریب رگرسیونی استاندارد شده ۰/۲۴) و تفکر سیستمی (با ضریب

دانشجویان را نشان می‌دهد. دست‌نگاره‌های دانشجویان A و B با سبک پردازش اطلاعاتی عقلانی و برخوردار از سطح بالای تفکر سیستمی هستند که بر اساس مقیاس ارزیابی دست‌نگاره در سطح مطلوب‌تری قرار دارند. برخورداری دانشجو از سبکی که بتواند در سطوح بالای منابع شناختی، تحلیلی و آگاهانه عمل کند (سبک عقلانی) و نیز تفکری با ویژگی‌های کل‌نگرانه، پویایی، دوام‌دار (تفکر سیستمی) کمک می‌کند به این که دانشجو دست‌نگاره‌ی بهتری از خود با توجه به شاخصه‌های ایده (بدعت، کیفیت، مفهوم و شباهت) و نظام بازنمایی (کاربرد علائم بصری، اختصاری، گرافیکی، مفهومی و ترکیبی) ارائه دهد. برعکس دست‌نگاره‌های دانشجویان C، D، E و F دانشجویان با سبک تجربی (نیاز به تمرین و تکرار) و سطوح پایین

بیان می‌کند، کل را فراتر از مجموع اجزاء آن می‌داند، و با محک‌زدن عادت‌های فکری گذشته، آن‌ها را زیر سؤال می‌برد و ایده‌های جدید می‌سازد؛ بنابراین، طراح با برخورداری از مهارت‌های تفکر سیستمی (تمایز خود و دیگری، سازماندهی ذهنی جزء و کل، شناخت روابط کنش و واکنش، و بررسی نظرات و دیدگاه‌های دیگران) از سطوح شناختی بالا، توان اجرایی فعالیت، توسعه شناختی و از قابلیت در تحلیل‌های انتقادی، برخوردار است، و این مسئله بر دست‌نگاره‌های او تأثیر می‌گذارد. همچنین این مهارت‌ها به افزایش عملکرد در مسائل پیچیده و شکل‌گیری طرح‌های شناختی کمک می‌کند. در راستای این یافته‌ی پژوهش که اهمیت تفکر سیستمی در فرایند طراحی را نشان می‌دهد؛ پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی‌های آموزشی جهت آموزش این نوع تفکر و سبک پردازشی اقدام شود و از آنجایی که تفکر سیستمی از فرایندهای شناختی پیچیده است، لذا با برنامه‌های درسی مناسب و شایسته قابل آموزش است. با اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر تفکر سیستمی به دانشجویان کمک شود تا به افرادی آگاه، خود راهبر و نوآور تبدیل شوند، کسب مهارت‌های تفکر سیستمی در دانشگاه‌ها می‌تواند پایه‌های رشد تفکر سیستمی و توانمندی درک پیچیدگی‌های آموزشی را در افراد فراهم سازد؛ بنابراین، بسیاری از توصیه‌های مطرح شده حاکی از آن است که باید تفکر سیستمی را از طریق برنامه‌های آموزشی جدا از برنامه درسی با طراحی برنامه‌های آموزشی به صورت سیستمی آموزش داد، و از آنجایی که تفکر سیستمی یک فرایند شناختی است، لذا روش‌های تدریس سنتی نمی‌تواند عامل رشد دهنده‌ی آن باشد. این مهارت‌ها برای بالا بردن کارایی افراد هنگام برخورد با مسائل و مشکلات دشوار و پیچیده‌ی آموزشی و حرفه‌ای، ضروری است. به عبارتی تفکر درباره سیستم‌های پیچیده از مهارت‌های پایه و اساسی برای یادگیری مادام‌العمر است و دانشجویان برای یادگیرنده مادام‌العمر شدن باید این مهارت‌ها را کسب کنند. این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود. یکی از این محدودیت‌ها، انتخاب جامعه محدود و نمونه به شیوه در دسترس بود که این امر می‌تواند در نتایج تأثیرگذار باشد؛ لذا باید در تعمیم آن به جوامع دیگر احتیاط کرد و نیز به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده به متغیرهای دیگر مرتبط با طراحی در فرایند طراحی بپردازند.

پی‌نوشت‌ها

1. Sketches

۲- سولسو، معتقد است که «تفکر فرایندی است که از طریق آن یک بازنمایی ذهنی جدید به وسیله تبدیل اطلاعات و تعامل بین خصوصیات ذهنی، قضاوت، انتزاع، استدلال و حل مسئله ایجاد می‌گردد» (سولسو، ۱۳۸۱).

رگرسیون استاندارد شده ۰/۴۶) نقش مثبت و معناداری در پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی داشتند، بنابراین فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر این که می‌توان دست‌نگاره‌های مفهومی دانشجویان معماری را بر اساس تفکر سیستمی و سبک‌های پردازش اطلاعاتی در فرایند طراحی تحلیل کرد، تأیید می‌شود. نتایج این پژوهش با یافته‌ها و مبانی نظری مورد بحث همسو می‌باشد.

همچنین نتایج نشان داد که سبک پردازش تجربی توان پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی را ندارد. بنابراین فرضیه فرعی اول پژوهش رد می‌شود. ولی فرضیه فرعی دوم پژوهش مبنی بر این که سبک پردازش عقلانی توان پیش‌بینی دست‌نگاره‌های مفهومی را دارد، تأیید می‌شود. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، بررسی انواع و شیوه ترسیم دانشجویان طراحی نمایانگر آن است که هر یک از روش و ساختار منحصر به فردی در ترسیم بهره می‌برند، و بازنمای ایده‌های ذهنی و نحوه تفکر آن‌ها است. سبک‌های پردازش اطلاعات به درک منسجم و اصولی‌تر کمک می‌کند و به یادگیرندگان فرصت می‌دهد تا ایده‌های ناقص اولیه خود را به خوبی ساماندهی کنند و مفاهیم آن را درک و بیان کنند؛ لذا دانشجویان برخوردار از سبک پردازشی عقلانی، توانمندی درک، شناخت و ایده‌پردازی بهتری دارند. افراد دارای سبک عقلانی از سطوح بالایی از منابع شناختی که بیشتر تحلیلی و منطقی است، سروکار دارند در مقابل، افراد دارای سبک تجربی، انطباقی هستند و بیشتر از تجربه یاد می‌گیرند. بر اساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش، اهمیت سبک پردازش اطلاعات عقلانی در فرایند طراحی به اثبات رسید؛ لذا در همین راستا پیشنهاد می‌شود، جهت بهینه‌سازی آموزش معماری و پرورش طراحان و ارتقای دست‌نگاره‌های مفهومی به آموزش این نوع سبک پردازش اطلاعات در کنار برنامه‌های آموزشی طراحی پرداخت. همچنین بر اساس یافته‌های به دست آمده می‌توان گفت فرضیه فرعی سوم مبنی بر این که دست‌نگاره‌های دانشجویان با توانمندی شناخت دانشجویان در تفکر سیستمی قابل پیش‌بینی است، تأیید می‌شود. در بررسی و تبیین این نتیجه می‌توان گفت؛ داشتن تفکر سیستماتیک همراه با درک روابط بین عوامل و متغیرهای محیطی، قدرت تصمیم‌گیری‌های بهینه در فعالیت‌های یادگیری دانشجویان را افزایش می‌دهد و بهتر می‌توانند از فرصت‌های یادگیری به طور بهینه استفاده نمایند و یک یادگیرنده مادام‌العمر شوند. به عبارتی، تفکر سیستمی، دربرگیرنده‌ی مجموعه بزرگ و بی‌شماری از روش‌ها، ابزارها و اصولی است که همه‌ی آن‌ها متوجه روابط متقابل میان اجزا و نیز دیدن آن‌ها، در بطن یک فرایند واحد است. فرد دارای تفکر سیستمی با دیدگاهی کلی ماهیت روابط اجزا یک کل را بررسی نموده، هر مورد را بر حسب شرایط محیطی آن

۷. شریف، حمیدرضا؛ و ندیمی، حمید. (۱۳۹۲). تعامل بین ایده یابی و پردازش ایده در تفکر طراحی معماری. *صفه*، ۲۳(۳)، ۱۹-۲۶.

۸. شفیعی، ناهید؛ بهروزی، ناصر؛ شهینی بیلاق، منیجه؛ و ابوالقاسمی، محمود. (۱۳۹۷). رابطه علی ادراک از محیط یادگیری سازنده‌گرا و تفکر سیستمی با گرایش به یادگیری مادام‌العمر از طریق میانجی‌گری انگیزش درونی دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. *علوم تربیتی*، ۲۵(۲)، ۱۰۹-۱۳۰.

۹. علی‌پور، لیلا. (۱۳۹۸). ارتقای ایده‌آفرینی در طراحی معماری مبتنی بر پیشینه‌ها به روش اقدام پژوهی. *نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۳۴(۳)، ۴۷-۶۰.

۱۰. کاروان، فرهاد. (۱۴۰۰). فرایند طراحی: از ایده تا عرضه بر اساس تفکر تأملی و سبک‌های یادگیری در هنرجویان معماری. *صفه*، ۳۱(۲)، ۲۳-۳۸.

۱۱. محمودی، سیدامیرسعید. (۱۳۸۳). تفکر در طراحی: معرفی الگوی تفکر تعاملی در آموزش طراحی. *هنرهای زیبا*، ۲۰(۲)، ۲۷-۳۶.

۱۲. میاچی، مائده؛ میرریاحی، سعید؛ مظهری؛ محمد ابراهیم؛ و مهرعلی زاده؛ یداله. (۱۴۰۰). بررسی تغییرات جهانی‌شدن آموزش عالی بر آموزش معماری و دآوری طرح‌های معماری در دانشگاه‌های ایران. *فصلنامه علمی کارافن*، ۱۸(۴)، ۲۶۵-۲۹۵.

۱۳. ندیمی، حمید؛ و شریعت‌راد، فرهاد. (۱۳۹۱). منابع ایده‌پردازی معماری جستاری در فرایند ایده‌پردازی چند معمار از جامعه حرفه‌ای کشور. *نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۱۷(۲)، ۱۴-۵.

۱۴. وحدت‌طلب، مسعود؛ و کبودی، مهدی. (۱۳۹۹). دست‌نگاره‌های مفهومی بازنمای شخصیت دانشجویان رشته معماری (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا). *فناوری آموزش*، ۱۴(۲)، ۳۱۴-۳۰۳.

15. Abdullayev, S., & Shukhratovich, S. (2023). The Role and Importance of Sketches and Drawings as a Driver of Modern, Creative Training of Future Artists-Pedagogues. *Web of Semantic: Universal Journal on Innovative Education*, 2(6).

16. Abdyrov, A., Galiyev, T., Yessekeshova, U., Aldabergenova, S., & Alshynbayeva, Z. (2016). On systems thinking and ways of building it in learning. *International Journal of Environmental and Science Educatio*, 11(18), 11149- 11161.

17. Akcaoglu, M., & Green, L. S. (2018). Teaching systems thinking through game design. *Educational Technology Research and Development*, 67, 1-19.

18. Cabrera, L., Sokolow, J., & Cabrera, D. (2021). *Developing and validating a measurement of systems thinking: The systems thinking and metacognitive inventory (StMI)*. *Routledge handbook of systems thinking*, 1-42.

3. System thinking

4. Information processing styles

5. The Identity-Other Distinctions Rule. (D)

6. The Part-Whole Systems Rule(S)

7. The Action-Reaction Relationships Rule(R)

8. The Point-View Perspectives Rule(P)

9. Rationalism

10. Empiricism

11. Draft

12. Etude

نقش نویسندگان

این مقاله از پژوهش مستقل نویسنده و با هزینه شخصی مستخرج شده است. کلیه فعالیت‌های مرتبط با پژوهش توسط نویسنده انجام شده است.

تقدیر و تشکر

از کلیه دانشجویان عزیزی که در این پژوهش شرکت کردند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

فهرست مراجع

۱. اسماعیل‌زاده، نیره. (۱۴۰۱). تفکر سیستمی در شناسایی و حل مسئله. *بهورز*، ۳۳(۱۱۴)، ۷-۹.

۲. افتخارزاده، ساناز. (۱۳۹۲). *از آشوب ادراک تا شناخت معماری: نظریه‌ای نوین برای آفرینش معماری انسان‌مدار براساس قوانین آشوب*. تهران: علم معمارروپال.

۳. حسینی‌مهدی‌آبادی، سیدمهدی؛ رستمی، چنگیز؛ و یاراحمدی، یحیی. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سبک‌های پردازش اطلاعات و ناگویی خلقی (مطالعه موردی زنان تحت پوشش کمیته امام خمینی (ره) شهر کرمانشاه). *علوم پزشکی زانکو*، ۱۷(۵۵)، ۳۲-۴۵.

۴. دلاور، علی. (۱۳۹۱). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد.

۵. سولتیس، جوناس؛ و فنس‌ترمیچر، گری‌دی. (۱۳۹۰). *رویکردهای تدریس* (هدایت‌الله اعتمادی‌زاده، فریدون شریفیان، احمدرضا نصر، محمدرضا نیلی، مترجمان). تهران: مهریستا.

۶. سولسو، رابرت ال. (۱۳۸۱). *روانشناسی شناختی*. (فرهاد ماهر، مترجم). تهران: انتشارات رشد.

19. Dolansky, M. A., Moore, S. M., Palmieri, P. A., & Singh, M. K. (2020). Development and validation of the Systems Thinking Scale. *Journal of general internal medicine*, 35(8), 2314-2320.
20. Epstein, S., & Pacini, R. (1999). *Some basic issues regarding dual-process theories from the perspective of Cognitive Experiential Self-theory*. In: Chaiken S, Trope Y, editors. *Dual-process theories in social psychology*. New York: Guilford Press, 462-82.
21. Freire, C., Ferrads MD., Néz JC., Valle A., & Vallejo G. (2019). Eudaimonic well-being and coping with stress in university students: The mediating/moderating role of self-efficacy. *International journal of environmental research and public health*, 16(1), 48.
22. Gadzella, B. M., & Baloglu, M. (2001). Confirmatory factor analysis and internal consistency of the Student-life Stress Inventory. *Journal of Instructional Psychology*, 28(2), 84-94.
23. Habashy, N. W., Saber, H. M., & Ahmad, G., A. (2021). The Effect of Training in Systemic Thinking Skills on Performance and Perceived Mental Effort When Dealing with Difficult Tasks, *Journal of Modern Research*, 3(1), 1-9.
24. Hunter, S., Fears, S. K., Jones, D., & Rennie, N. (2018). *The Impact of Motivation on the Relationship of Academic Stress and Psychological Well-being Among College Students*. Gainesville: Brenau University.
25. Ja.ko, K., Czernatowicz-Kukuczka, A., Kossowska, M., & Czarna, A.Z. (2015). Individual differences in response to uncertainty and decision making: The role of behavioral inhibition system and need for closure. *Motivation and Emotion*, 39(4), 541-52.
26. Lee, W. K., & Kim, M. (2019). Latent Profiles of Children's Relationships with Parents, Teachers, and Peers: Relations with Mental Health, Academic Stress, Academic Motivation, and Academic Achievement. *Korean Journal of Child Studies*, 40(3), 105-121.
27. Maani, K. E., & Maharaj, V. (2004). Links between systems thinking and complex decision making. *System Dynamics Review*, 20(1), 20- 48.
28. Mekhriban, B. (2023). In the Pencil Drawing Features of Working with Sketches and Drawings. *International Interdisciplinary Research Journal*, 2(4), 841-845.
29. Nedelkoska, L., & Neffke, F. (2019). *Skill mismatch and skill transferability: review of concepts and measurements*. Papers in Evolutionary Economic Geography (PEEG).
30. Nieścioruk, K. (2022). Evaluating individual cartographic skills using mental sketches. *Cartography and Geographic Information Science*, 50(3), 306-320.
31. Pysal, D., Abdulkadir, S. J., Shukri, S. R. M., & Alhussian, H. (2021). Classification of children's drawing strategies on touch-screen of seriation objects using a novel deep learning hybrid model. *Alexandria Engineering Journal*, 60(1), 115-129.
32. Salama, A. (2005). A Process Oriented Design Pedagogy: KFUPM Sophomore Studio. *CEBE Transactions*, 2(2), 16-31.
33. Sternberg, R. J. (1986). *Critical thinking: its nature, measurement, and improvement*. Washington: National institute of education.
34. Suvankulov, S. M., & Soliyeva, M. I. (2023). The role of pencil painting in architecture, applied and fine arts, its main laws. *International Journal of Education, Social Science & Humanities*, 11(5), 547-551.
35. Tang, M. (2020). *Systems thinking as a cognitive mode for knowledge organization and transformation*. Campus Denver: College of Engineering, Design and Computing University of Colorado.
36. MARACHA, V. (2018). Systems thinking and collective problem solving practices. In *System analysis in economics-2018* (pp. 269-272).
37. Xinfu, Y., Jonathan, P., & Guo, J. (2015). Modeling influences on divergent thinking and artistic creativity. *Journal of Thinking Skills and Creativity*, 16, 62-68.
38. Zhang, R., & Cook, A. (2012). Solving complex problems convergent approach to cognitive load. *Journal of Educational Technology*, 43(2), 233- 246.

ارزیابی مؤلفه‌های محیطی و غیرمحیطی موثر بر تاب‌آوری اجتماعی در محلات مسکونی (مطالعه موردی: محلات منتخب بابل)*

مهندس سوگند وثوقی**، دکتر روح‌اله رحیمی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

مکیده

تاب‌آوری اجتماعی شامل شرایطی است که تحت آن، افراد با تغییرات انطباق می‌یابند و در واقع بیانگر توان جامعه در پاسخ‌گویی به بحران‌هاست. پژوهش حاضر، در جهت تبیین مؤلفه‌های تاثیرگذار بر تاب‌آوری اجتماعی در محلات مسکونی و ارزیابی کیفیت آن در سه محله بابل صورت گرفته‌است. اطلاعات جمع‌آوری شده از ۳۸۴ پرسشنامه، تحت تحلیل عاملی اکتشافی، آزمون‌های T تک نمونه‌ای و آنالیز واریانس بررسی شده‌اند. مؤلفه‌های موثر یافت‌شده، از حیث خواستگاه و نحوه تاثیرگذاری به دو گروه مؤلفه‌های محیطی و غیرمحیطی تقسیم شدند. نتایج نشان می‌دهد، در بین مؤلفه‌های محیطی، «دلبستگی به مکان»، «حس امنیت» و «تعاملات اجتماعی» به ترتیب با مقادیر ویژه ۱۹۶/۳، ۹۵۲/۲ و ۹۳۷/۲ و در بین مؤلفه‌های غیرمحیطی، «آگاهی و دانش» با مقدار ویژه ۹۴۹/۱ بیشترین تاثیرگذاری را بر تاب‌آوری اجتماعی داشته‌اند. همچنین سطح تاب‌آوری اجتماعی به ترتیب در محله پیرعلم و برج‌بن با میانگین ۱۶۸/۳ و ۰۳۳/۳ وضعیت نسبتاً مطلوب و محله شهاب‌نیا با میانگین ۹۹۴/۲ وضعیت نامطلوبی دارد.

واژه‌های کلیدی

تاب‌آوری اجتماعی، مؤلفه‌های محیطی و غیرمحیطی، محلات مسکونی، شهر بابل.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان: «ارزیابی تاثیر محیط کالبدی بر تاب‌آوری اجتماعی در محلات مسکونی؛ طراحی مجموعه مسکونی در شهرستان بابل» است که با راهنمایی دکتر روح‌اله رحیمی در دانشگاه مازندران در حال انجام است.
** دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
*** استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (مسئول مکاتبات).
Email: Vosooghisogand@gmail.com
Email: r.rahimi@umz.ac.ir

مقدمه

مشارکت جامعه را ترویج کند، نداشته باشند. نکته قابل توجه دیگر آن است که سطح بالای تاب‌آوری اجتماعی می‌تواند ظرفیت افراد را برای یادگیری از تجربیات گذشته و به کارگیری هوشمندانده آن در تعاملات با محیط فیزیکی و اجتماعی افزایش دهد. با توجه به این اصل، تاب‌آوری اجتماعی ضروری است زیرا نقش مرکزی در تبدیل تغییرات به وجود آمده ناشی از بحران به شرایطی قابل تحمل برای ساکنان یک محله را دارد (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۶، ۶۱).

در ایران نیز با توجه به تغییرات روزافزون و وقوع بحران‌های پی‌درپی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... لزوم توجه به تاب‌آوری اجتماعی، امری حیاتی است. کیفیت بالای تاب‌آوری اجتماعی در محلات مسکونی، به عنوان واحدهای تشکیل دهنده یک شهر، می‌تواند متضمن ارتقا قابلیت بازگشت‌پذیری به شرایط پیش از بحران و در نهایت ارتقا کیفیت زندگی باشد. در این راستا تعیین شاخص‌هایی برای ارزیابی سطح تاب‌آوری اجتماعی محلات یکی از مهم‌ترین گام‌ها در ساخت جوامع تاب‌آور است. بنابراین پژوهش در جهت «تبیین مؤلفه‌های تاثیر گذار بر تاب‌آوری اجتماعی در محلات مسکونی» و «ارزیابی سطح تاب‌آوری اجتماعی در محلات شهاب نیا، برج بن و پیرعلم واقع در شهر بابل» صورت گرفته است. در این بین، مؤلفه‌های موثر یافت‌شده، از حیث خواستگاه و نحوه تاثیرگذاری به دو گروه مؤلفه‌های محیطی و غیر محیطی تقسیم شده‌اند. این رویکرد که تفاوت اساسی بین پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌های پیشین است به درک روشن‌تری از لایه‌های مختلف آن چه یک محله را تاب‌آور می‌کند؛ منجر می‌گردد. در ادامه نیز مؤلفه‌های محیطی با ارجاع به نظریه مکان تاب‌آور به سه گروه محیط فیزیکی، ادراکی و اجتماعی تقسیم می‌شوند. در حالی که تاب‌آوری اجتماعی مفهومی چترمانند است و حوزه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد، این دسته‌بندی نقطه ورود معماران و شهرسازان به موضوع را مشخص کرده و پیچیدگی رابطه میان مؤلفه‌های مختلف را تشریح می‌کند.

پیشینه پژوهش

حاتمی‌نژاد و همکارانش در سال ۱۳۹۹ به ارزیابی کیفیت تاب‌آوری اجتماعی در منطقه ۹ کلانشهر تهران پرداخته‌اند. مدل مفهومی ارائه شده توسط این پژوهشگران شامل ۴ مؤلفه اصلی «سرمایه اجتماعی»، «ارزش‌های اجتماعی»، «ساختار اجتماعی»، «برابری و تنوع اجتماعی» و «باورها و فرهنگ اجتماعی» است. نتایج پژوهش خاطر نشان می‌شود که جهت بهبود وضعیت توجه ویژه به «برابری و تنوع اجتماعی» و «باورها و فرهنگ اجتماعی» مورد نیاز است. دسترسی به پارک و بوستان، زمین ورزشی، مراکز بهداشتی، آتش‌نشانی و کتابخانه

تاب‌آوری، واژه‌ای است که همگام با توسعه پایدار به کار گرفته می‌شود و در زمینه‌ها و علوم مختلفی موضوعیت می‌یابد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹، ۷). یک شهر تاب‌آور و مقاوم در برابر بحران‌ها، شهری است که ساکنان آن براساس ظرفیت‌ها و منابع، همگام با مدیران شهری و شهرداری‌ها در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند. شهری است که مخاطرات آن شناسایی شده باشد و برنامه‌ریزی و اقدامات مناسب برای حفاظت و حمایت از جان و مال مردم، میراث فرهنگی و سرمایه‌های اجتماعی در آن صورت گرفته باشد (منوریان و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۱). درک عوامل تاثیرگذار بر تاب‌آوری شهرها، علاوه بر حفظ حیات بشری، منجر به کاهش هزینه‌های جوامع در هنگام حوادث و بحران‌ها می‌شود. به بیانی دیگر شناخت عمیق‌تر تاب‌آوری برای به وجود آوردن جوامع پایدار و ایمن، امری حیاتی است. گسترش شهرنشینی و شکل‌گیری نیازهای جدید، برنامه‌ریزی را از نگاهی فیزیکی کالبدی به سمت توجه بر جنبه‌های اجتماعی زندگی شهری معطوف نموده است (ابراهیم نیا و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۲۲). یکی از مهم‌ترین پارامترهای تاثیرگذار بر پایداری اجتماعی مسئله تعاملات اجتماعی است (موسوی و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۰۶)؛ نیاز انسان به تعامل عاطفی، شناختی و رفتاری با مکانی که در آن زندگی میکند از جمله مهم‌ترین ابعاد رابطه انسان و مکان است (رحیمی و رازانی، ۱۴۰۱، ۱۱۷). یکی از مؤلفه‌های تاثیرگذار بر تاب‌آوری، وجود شبکه‌های نیرومند اجتماعی می‌باشد. با وجود آن که شبکه‌های اجتماعی منجر به تاب‌آوری می‌گردند، محیط ساخته شده نیز پشتیبان و موثر بر بسیاری از شبکه‌های اجتماعی است (Rutten et al., 2010, 867). طراحی مناسب مؤلفه‌های فضایی و زیست محیطی، می‌تواند با برعهده گرفتن وظایف در فرآیند تاب‌آوری جوامع، به مؤلفه‌های اجتماعی نیز کمک کنند. این روند و گرایش روشنی برای تغییر پارادایم و تغییر اساسی در دیدگاه معماران و جامعه در مورد نحوه واکنش به حوادث ناگهانی و تغییرات مزمن است (Bejtullahu, 2016, 9).

سطح تاب‌آوری اجتماعی بالا در محلات مسکونی، کیفیت زندگی ساکنین را بهبود می‌بخشد. این محلات فرصت‌هایی را برای ایجاد تعاملات اجتماعی، رشد شخصی و احساس تعلق فراهم می‌کنند. از سوی دیگر، عدم وجود تاب‌آوری اجتماعی در محلات ممکن است منجر به بروز مشکلاتی برای ساکنین همچون کاهش احساس امنیت و اطمینان شود. این موضوع منجر به افزایش ترس از جرم، کاهش اعتماد به همسایگان و کاستن از همبستگی اجتماعی می‌شود. همچنین، این محلات ممکن است دسترسی به تسهیلات جامعه‌ای، حمل‌ونقل عمومی و منابع دیگر را که می‌تواند تعاملات اجتماعی و

عمومی نیز می‌تواند در ارتقا تاب‌آوری تاثیرگذار می‌داند (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۰).

ذکاوت و خشه‌چی، محله عودجولان در تهران را با هدف بررسی تجربه ساکنین و نحوه مواجهه آن‌ها با بافت فرسوده این محله، مورد بررسی قرار می‌دهند. محققین به دنبال آن هستند که علل ترک نشدن محل توسط ساکنین قدیمی را، علی‌رغم وجود کاستی‌ها و فرسودگی شدید کالبدی، بیابند. نتایج پژوهش نشان از تاثیر ژرف دو کیفیت ذهنی «حس تعلق» و «حس مکان» بر ارتقا سطح تاب‌آوری اجتماعی دارد. درواقع ساکنین قدیمی محله به سبب تجربه زیسته‌اشان در مکان، آینده‌جایگزینی را برای آن تصور می‌کنند و همین دید مثبت، آن مکان را برایشان به «خانه» تبدیل می‌کند؛ علتی که مانع از ترک آن‌ها از محله می‌شود (ذکاوت و خشه‌چی، ۱۳۹۹، ۲۵۵).

محمدپور لیما و همکارانش در پژوهشی جهت شناخت ویژگی‌های مملات شهری تاب‌آور، به بررسی اثر متقابل شبکه‌های اجتماعی و محیط کالبدی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش از پیوند میان محیط کالبدی و شبکه‌های اجتماعی و همچنین پیوند میان شبکه‌های اجتماعی و تاب‌آوری حمایت می‌کند. با تکیه بر این موضوع رابطه میان محیط کالبدی و تاب‌آوری به اثبات می‌رسد. جنبه‌های معینی از محیط کالبدی مانند امکانات اجتماعی که باعث تجمع شبکه‌های اجتماعی می‌شوند، گره‌های شهری و یا اماکنی که افراد بتوانند ارتباطات رسمی و غیر رسمی در آن داشته باشند، تاثیر بسزایی بر کیفیت تاب‌آوری اجتماعی خواهدداشت (محمدپور لیما و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۱۳).

منوریان و همکارانش مؤلفه‌های اثرگذار بر تاب‌آوری اجتماعی را به طور خاص در برابر حوادث طبیعی موردی بررسی قرار می‌دهند. مؤلفه‌هایی که در این پژوهش شناسایی شدند عبارتند از: ارتقاء آگاهی و دانش از طریق آموزش، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعلق و همبستگی اجتماعی سرمایه اجتماعی، باورها و اعتقادات دینی و امنیت اجتماعی. پژوهشگران، آموزش را جهت آمادگی در مقابله با حوادث، بسیار مهم تلقی می‌کنند و وقوع آن را از طرق مختلفی پیشنهاد می‌دهد (منوریان و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۳ و ۲۲).

پرتوی و همکارانش با تکیه بر این اصل که بین ویژگی‌های مکان و تاب‌آوری اجتماعی ارتباط نزدیکی وجود دارد، به ارزیابی محله جلفا در اصفهان پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که توجه به مؤلفه‌هایی همچون ارتقا کیفیت محیطی، انعطاف‌پذیری، فضاهای آموزش دهنده، هویت، تعاملات اجتماعی، سبب افزایش تاب‌آوری اجتماعی می‌شود (پرتوی و همکاران، ۱۳۹۵، ۹۹).

Fahlberga و همکارانش در ریودوژانیرو، در راستای پاسخ‌گویی به پرسش «مردم مناطق فقیرنشین چگونه زنده می‌مانند و سازگار

می‌شوند؟» دست به پژوهش زده‌اند. ساکنین این مناطق پیوسته با مسائلی همچون بلایای طبیعی، بیماری‌های شدید و عدم وجود خدمات پزشکی و یا تهاجم خشونت‌آمیز پلیس مواجه می‌شوند. درحالی که توزیع منابع و خدمات در این مناطق نیز به صورت عادلانه‌ای صورت نمی‌گیرد. نتایج حاصل از پژوهش نشان از تاثیر به‌سزای مشارکت اهالی در برنامه‌ریزی ارتقا تاب‌آوری و جلوگیری از مشکلات آتی در محله دارد (Fahlberga et al., 2020, 2523).

Larimian و همکارانش با هدف پرکردن شکاف‌های موجود در رابطه با تعریف و سنجش عوامل موثر بر تاب‌آوری اجتماعی دست به انجام پژوهشی در نیوزلند زدند. آنان معتقدند که تعاریف موجود از تاب‌آوری اجتماعی نسبتاً مبهم و گیج‌کننده هستند و غالباً بر بحران ناگهانی متمرکز شده‌اند و برپایه تاب‌آوری جامعه کلان شکل گرفته‌اند. پژوهش مذکور عواملی همچون حس تعلق و دلبستگی به مکان، مشارکت، شبکه اجتماعی و اعتمادسازی، پایداری مسکونی (به معنای علاقه به ادامه زندگی در محل)، حمایت جامعه محلی، عدالت اجتماعی، ایمنی و امنیت، تعمل و ظرفیت تطبیق‌پذیری را ۸ عامل موثر بر تاب‌آوری اجتماعی می‌دانند (Larimian et al., 2020, 15). Khalil و همکارانش پژوهشی را با هدف شناسایی و دسته‌بندی شاخص‌های تاثیرگذار بر تاب‌آوری اجتماعی در سه مرحله قبل از حادثه، واکنش و بهبودی، انجام می‌دهند. نتایج این پژوهش پارامترهای حس‌تعلق، اعتماد، مشارکت جامعه، تاثیرگذاری یا اثربخشی جمعی، سرمایه اجتماعی، وحدت اجتماعی، حمایت اجتماعی و یادگیری را از زیرشاخه‌های تاب‌آوری اجتماعی می‌داند (khalili et al., 2015). Show و همکارانش با انجام پژوهشی به بررسی دو مفهوم تاب‌آوری اجتماعی و آسیب‌پذیری اجتماعی می‌پردازند و از دو مفهوم تاب‌آوری مثبت و منفی سخن به میان می‌آورند. این محققان ادعا می‌کنند، تاب‌آوری مثبت آسیب‌پذیری را کاهش، و تاب‌آوری منفی آن را برجسته می‌کند. تاب‌آوری منفی در واقع به توهمی از تاب‌آوری اتلاق می‌شود؛ زمانی که فرد به گونه‌ای رفتار کند که گویی می‌تواند مقاومتی بیش از آن‌چه که در توان دارد از خود نشان دهد (Shaw et al., 2012, 2014).

مبانی نظری

تاب‌آوری اجتماعی و مکان

بعد اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی و مهم تاب‌آوری به ویژگی‌ها و تفاوت ظرفیت اجتماعی جوامع برمی‌گردد و به علت ساختار منحصره‌فرد هر جامعه و واکنش متفاوت نسبت به بحران‌ها، دارای پیچیدگی‌های خاصی می‌باشد. حیطة عملکردی فعالیت‌ها است

می‌شوند که بر آن چه ساکنین می‌توانند و یا نمی‌توانند در مکان انجام دهند تاثیر می‌گذارند (پرتوی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۰۲). درک عمومی از تاب‌آوری، این مفهوم را به بحران و حوادث ناگهانی مربوط می‌کند. اما ویرایش‌های نو از این مفهوم، با در نظرگیری جهانی همواره در حال تغییر، توجه به تمامی مقیاس‌های تاب‌آوری را مهم تلقی می‌کنند (coaffee, 2013, 333). این دیدگاه با در نظرگیری تغییرات کوچک و تدریجی، زمینه‌ساز استفاده عملی‌تر از تاب‌آوری اجتماعی در شهرها می‌شود (Satterthwaite, 2013, 390). زیرا تاب‌آوری صرفاً به معنای شکل‌گیری مقاومت در مقابل بحران‌های ناگهانی نیست؛ بلکه در مفهومی عمیق به معنای همیاری و همدلی، مشارکت و حضور فعال و سازنده در مکان است (موسویان و همکاران، ۱۳۹۸، ۶۱). در این راستا درک و انتظارات جوامع محلی نقشی مهم در ارتقا تاب‌آوری اجتماعی ایفا می‌کند (Ross & Berkes, 2014, 789). بر این اساس تاب‌آوری اجتماعی یک محله به عنوان بخشی از یک سیستم بزرگ‌تر شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد. یک سیستم محلی می‌تواند خود قابل انطباق و دگردیسی باشد و به تاب‌آوری کل شهر کمک کند (Mehmood, 2015, 710).

لیون (۲۰۱۴) معتقد است که می‌توان مکان را به سه زیرسیستم کوچک‌تر تقسیم کرد (شکل ۱). مکان مادی، دارایی‌های طبیعی و مصنوعی یک محل است. مکان غیرمادی خصوصیات فرهنگی اجتماعی موجود در محل و در آخر مکان ذهنی، به درک و تجربه ساکنین از محل اطلاق می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که مکان مادی و غیرمادی شرایط موجود در محل و مکان ذهنی، درک ساکنین از شرایط موجود است و براساس تجربه زیسته آنان شکل می‌گیرد (lyon, 2014, 1011).

که بر نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری حس تعلق به مکان تأکید می‌کند (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۱، ۸۸) به تعبیر ادگر، تاب‌آوری اجتماعی، توانایی گروه‌ها یا جوامع به جهت کنار آمدن با آشفتگی‌ها و استرس‌های خارجی که نتیجه تغییر محیطی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد، است. تلاش برای حفظ ارزش‌ها و میراث محلات، تامین مسکن، آموزش، آگاه‌سازی، سهولت دسترسی به خدمات بهداشتی، از جمله عواملی هستند که علاوه بر بهبود کیفیت زندگی در محل، به طور خاص منجر به افزایش تاب‌آوری اجتماعی یک مکان خواهند شد (عبدالذاه‌ملکی و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۷۹). در واقع وجود ظرفیت تغییر در این مؤلفه‌ها در برابر تغییرات ناگهانی و یا تدریجی، خواسته و یا ناخواسته، بر کیفیت زندگی در محل اثری مستقیم باقی می‌گذارد (محمودی‌کاظم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۹۹). از دیگر عوامل موثر بر این مهم، تحمل و ظرفیت تطبیق است. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که جوامعی که پذیرای قومیت‌ها و افراد با ویژگی‌های مختلف و خواستار مراقبت از ارزش‌های بومی و فرهنگی هستند، ظرفیت بیشتری در تحمل تغییرات و شوک‌های ناگهانی از خود نشان می‌دهند (Larimian et al., 2020, 23).

روابط اجتماعی در مکان شکل می‌گیرند و همچنین توسط ویژگی‌های مکان مورد تهدید و یا تشویق قرار می‌گیرند. ارزش‌های فردی و جمعی بر کیفیت حس مکان تأثیر می‌گذارد. حس مکان، به نوبه خود، بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به ویژه رفتارهای فردی و اجتماعی افراد در مکان موثر می‌باشد (Rahimi & Ansari, 2020, 47). بر این اساس طراحی ابزاری است که احتمال بروز رفتارها و یا عملکردهای خاصی را در یک مکان فراهم می‌کند. اگرچه ویژگی‌های کالبدی تنها عوامل موثر بر رفتار انسانی نمی‌باشند؛ اما به‌طور روشن موجب فرصت‌هایی



شکل ۱. تقسیم‌بندی مکان به زیرسیستم‌های کوچکتر (Source: lyon, 2014)
Figure 1. Division of space into smaller subsystems

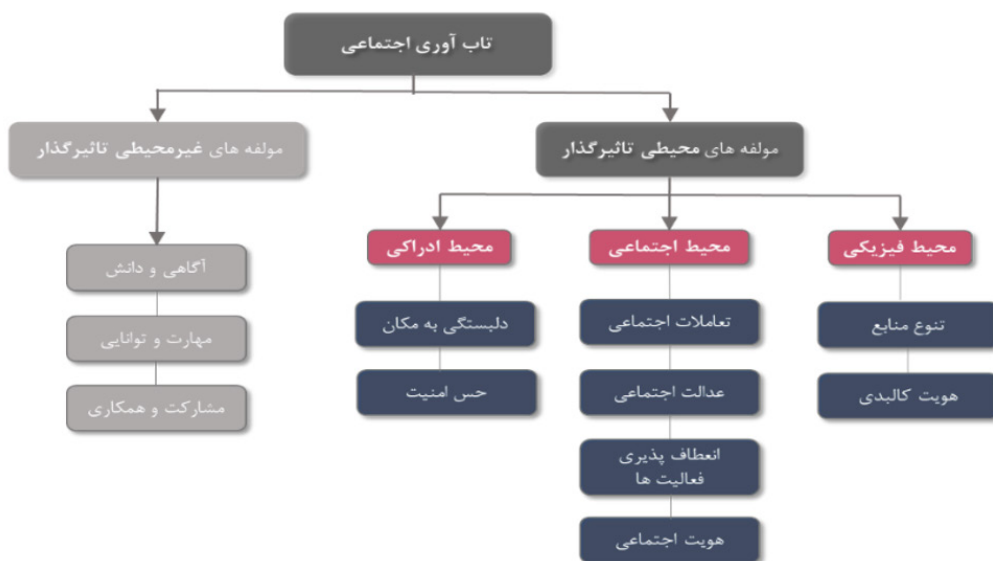
بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. تاب‌آوری مفهومی چند وجهی دارد و در حوزه‌های مختلف تاثیرگذار بر شهر مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین گذار از مفاهیم تئوری و تدوین چهارچوبی مناسب جهت ارزیابی آن امری چالش‌برانگیز است. ارزیابی این مفهوم به علت تاثیرات متقابل پویای مردم، محیط‌زیست و جوامع دولتی و محلی فرآیندی دشوار و پیچیده است. پس از بررسی پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته، روشن شد که با وجود تدوین چارچوب‌های تئوری متعدد در گذشته ولی مدلی غالب و رایج جهت ارزیابی تاب‌آوری وجود ندارد. در تاب‌آوری اجتماعی به‌طور خاص نیز، با وجود آن‌که مؤلفه‌های عنوان شده توسط پژوهشگران مختلف اشتراکات بسیاری دارند ولی مدلی مفهومی جامعی که بتواند ارتباطی مناسب مابین کالبد و تمامی مؤلفه‌های تاثیرگذار بر تاب‌آوری اجتماعی در محلات مسکونی ایجاد کند، یافت نمی‌شود. بنابراین اجماع مؤلفه‌های مطرح شده تاکنون و بازنویسی مدلی مفهومی و چارچوبی نظری جهت ادامه فرآیند پژوهش لازم به نظر می‌آید. جهت انتخاب نهایی مؤلفه‌های تاثیرگذار، توجه به دو نکته ضروری است: ۱. توجه بر مبنای ادبیات موجود و تایید تاثیرگذاری مؤلفه‌ها توسط نظریه‌پردازان پیشین. ۲. قابل دسترس بودن داده‌های مربوط به مؤلفه مدنظر.

از دیگر معیارهای تاثیرگذار بر انتخاب مؤلفه‌های اصلی و زیرشاخصه‌ها می‌توان به اعتبار، تکثیرپذیری، سادگی و تناسب، حساسیت و قدرتمندی نام برد. در این راستا مدل مفهومی پیش‌رو با اجماع نظریات پژوهشگران پیشین و همچنین مدل مکان تاب‌آور Lyon به دست آمده است (شکل ۲) و (جدول ۱).

در این مدل، مکان مادی می‌تواند شامل ساختمان‌ها، شبکه‌های ارتباطی، زیرساخت‌ها و ویژگی‌های جغرافیایی محل باشد که استخوان‌بندی فضایی محله را تشکیل می‌دهند (شفیعی‌دستجردی، ۱۴۰۰، ۶). مکان غیرمادی به منزله شرایط فرهنگی و میراث محلی است و شامل مواردی همچون سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، یادگیری و تجربه و سبک زندگی ساکنین می‌شود (ذکاوت و خشه‌چی، ۱۳۹۹، ۲۴۸). مکان ذهنی به‌طور کلی می‌تواند دربرگیرنده تجربیات زیسته ساکنین در محله و شامل دو مؤلفه حس مکان و تعلق خاطر به مکان باشد. حس مکان، درک افراد از محیط‌هایی است که نسبت به آن شناخت کامل و یا نسبی دارند. این مفهوم علاوه بر آن که باعث احساس راحتی کاربر از محیط می‌شود؛ از مفاهیم فرهنگی اجتماعی مورد نظر ساکنین و روابط اجتماعی آنان در آن مکان خاص حمایت می‌کند. تعلق خاطر به مکان در امتداد حس مکان به‌وجود می‌آید و ناشی از تجربیات زیسته در آن است (موسویان و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۱).

تبیین عوامل تاثیرگذار

بافت و ساختار شهرهای امروزی حاصل فرآیندی است که از سال‌های بسیار دور آغاز شده است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۳، ۸۹). یکی از مسائل اساسی در مطالعه تاب‌آوری، دستیابی به چارچوبی منطقی و مؤلفه‌های مناسب جهت سنجش آن است. این درحالی است که تاب‌آوری چهار بعد کلان کالبدی، اجتماعی، سازمانی/نهادی و اقتصادی را دربر می‌گیرد که جملگی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش (منبع: دهقانی، ۱۳۹۹)، (Kuhlicke et al)، (Arefi, 2011)، (Lyon, 2014)، (Larimian, 2020) (al, 2011)

Figure 2. Conceptual model of the research

جدول ۱. مؤلفه‌ها و گویه‌های تأثیرگذار بر تاب‌آوری اجتماعی (منبع: (دهقانی، ۱۳۹۹)، (Ram-، (Lyon, 2014)، (Larimian, 2020)، (Arefi, 2011)، (Kuhlicke et al., 2011)، (zanpour & Rahimi, 2023)

Table 1. Components and influential indicators on social resilience

مؤلفه‌ها	گویه‌ها
۱ دل‌بستگی به مکان	احساس تعلق خاطر. مناسب دیدن محله برای زندگی. علاقه به ادامه زندگی در محله. احساس جزئی از محله بودن.
۲ حس امنیت	معکوس میزان نزاع و درگیری خیابانی. میزان امنیت و ایمنی.
۳ تعاملات اجتماعی	ارتباط با همسایگان. اعتماد به همسایگان.
۴ آگاهی و دانش	آگاهی از احتمال وقوع بحران. آگاهی از پیامدهای ناشی از بحران. آگاهی از رفتارهای مناسب و اقدامات لازم در زمان بحران. آگاهی از اقدامات مناسب جهت آمادگی در مقابل بحران. آگاهی از وجود گروه‌های امدادی در محله. آگاهی از ضوابط و ایمنی مسکن در برابر بلایا.
۵ مهارت و توانایی	مهارت در کمک‌های اولیه. حفظ بودن شماره تلفن‌های اضطراری. توانایی حفظ آرامش روحی در زمان بحران.
۶ مشارکت	مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و امور محله. اعتماد به نهادهای دولتی در هنگام بحران. میزان همکاری مردم و نهادهای دولتی در هنگام بحران. اعطای حق مداخله در تصمیم‌گیری‌ها از نهادهای دولتی به شهروندان. کمک به نیازمندان ساکن در محله. وجود نهادهای مردمی. تمایل به فعالیت در نهادهای مردمی. کمک همسایگان به یکدیگر.
۷ عدالت اجتماعی	عدالت در توزیع امکانات بین محله‌ها. وجود فرصت شغلی و درآمدزایی در محله.
۸ انعطاف‌پذیری فعالیت‌ها	معکوس وجود فضاهایی برای فعالیت‌های مختلف شبانه‌روزی. معکوس وجود فضاهایی برای گردهمایی ساکنین
۹ هویت اجتماعی	تجربیات و خاطرات خوب از زندگی در محل. برگزاری مراسمات در محله. نزدیکی سطح فرهنگی ساکنین. هویت و جایگاه محله.
۱۰ هویت کالبدی	آسانی آدرس منزل. مکان یادآور محله
۱۱ تنوع منابع	دسترسی به مراقبت‌های اولیه و بهداشتی و مواد غذایی

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی است و نتایج حاصل از آن می‌تواند در بهبود شرایط محلات مورد مطالعه و یا در جهت طراحی یک بافت مسکونی تاب‌آور مورد استفاده قرار گیرد. به منظور ارزیابی سطح تاب‌آوری اجتماعی در محلات مورد مطالعه، از پرسشنامه به عنوان مهم‌ترین ابزار پژوهش استفاده شده است. پس از تدقیق چارچوب نظری پژوهش و عوامل موثر بر تاب‌آوری اجتماعی، پرسشنامه‌ای تهیه و به صورت پراکنده و تصادفی در سه محله پخش شده است. این پرسشنامه ۱۱ مؤلفه اصلی و ۳۷ زیرمؤلفه را با استفاده از سوالاتی به شکل طیف لیکرت (۵ امتیازی) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در نهایت ۳۸۴ پرسشنامه به طور کامل پر شده است. اطلاعات ناشی از پرسشنامه‌ها در قالب دو بخش تحلیل توصیفی و آمار استنباطی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای انجام این کار از نرم افزار SPSS26 استفاده گردید. در تجزیه و تحلیل توصیفی شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای تحقیق به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش آمار استنباطی به منظور بررسی سوالات پژوهش از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی و آزمون‌های T تک نمونه‌ای و آنالیز واریانس استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

بابل واقع در استان مازندران و یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای شمال کشور است. بر طبق سرشماری صورت گرفته در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر بابل ۲۵۰۲۱۷ نفر بوده است. این شهر در طی سالیان و با مهاجرت روستائیان به نواحی شهری، دستخوش تغییر و توسعه شده است. به همین علت بررسی در حوزه تاب‌آوری در این شهر اهمیت پیدا می‌کند. علی‌رغم توسعه و پیشرفت شهری، نواحی قدیمی نیز در بابل بسیار به چشم می‌خورند. به طوری که می‌توان شاهد شکل‌گیری نواحی توسعه‌یافته شهری در کنار بافت‌های قدیمی و فرسوده بود. در همین راستا، به منظور ارزیابی جامع‌تر شهر بابل، تصمیم بر آن شد تا محله‌های مورد مطالعه از بین نواحی قدیمی، میانه و جدید انتخاب شوند. بدین منظور سه محله پیرعلم، برج‌بن و شهاب‌نیا، به ترتیب به نمایندگی از محلات قدیمی تا جدید انتخاب شده‌اند (شکل ۳).

بررسی پایایی

پایایی پرسشنامه، بر اساس نظرات پاسخگویان و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. میزان آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳۰ بوده است که نشان‌دهنده همسانی درونی پرسشنامه می‌باشد.



شکل ۳. موقعیت محلات مورد مطالعه در شهر بابل
Figure 3. The location of the studied neighborhoods in the city of Babol

آزمون کفایت نمونه (بارتلت)

معناداری ۹۵ درصد معنادار است و انجام تحلیل عاملی مجاز است (جدول ۲).

در این پژوهش به منظور بررسی وجود شرایط لازم برای تحلیل عاملی، با فرض نرمال بودن جامعه از شاخص کفایت نمونه‌برداری KMO استفاده شده است. نتایج نشان داد که با توجه به کمتر بودن مقدار معنی‌داری از ۰/۰۵ می‌توان گفت که ماتریس همبندی نیست و شاخص KMO بزرگتر از ۰/۵ و نتایج آزمون بارتلت در سطح

یافته‌های پژوهش

مشخصات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان

پرسشنامه به دست‌آمده از چارچوب نظری، در سطح سه محله مورد

جدول ۲. بررسی کفایت مدل و آماره KMO
Table 2. Evaluation of the adequacy of the model and KMO statistic

نام متغیر	نام محله	تعداد گویه‌ها	آماره کای اسکوتر	معناداری آزمون بارتلت	آماره KMO
	کل	۳۷	۴۵۴۳/۰۲۵	۰/۰۰۰	۰/۷۸۳
شاخص‌های افزایش تاب‌آوری شهری	شهاب‌نیا	۳۷	۲۷۵۵/۴۷۷	۰/۰۰۰	۰/۶۵۸
	برج‌بن	۷۳	۱۹۲۲/۰۷۳	۰/۰۰۰	۰/۵۶۱
	پیرعلم	۳۷	۲۳۳۴/۶۰۷	۰/۰۰۰	۰/۳۲۵

در مجموع تمایل به فعالیت در نهادهای مردمی با بار عاملی ۰/۳۷۳ و آگاهی از پیامدهای ناشی از بحران با بار عاملی ۰/۸۳۵ دارای کمترین و بیشترین تاثیرگذاری بوده‌اند.

ارزیابی و مقایسه وضعیت تاب‌آوری اجتماعی در محلات

مورد مطالعه

جهت ارزیابی و مقایسه وضعیت تاب‌آوری اجتماعی در محلات شهاب‌نیا، برج‌بن و پیرعلم (شکل ۵) از آزمون آنالیز واریانس استفاده شده‌است (جدول ۵).

مطابق نتایج به‌دست‌آمده برای شاخص‌های تعاملات اجتماعی، آگاهی و دانش، مشارکت، انعطاف‌پذیری فعالیت‌ها، هویت اجتماعی، هویت کالبدی، مؤلفه‌های غیرمحیطی، محیط اجتماعی و مؤلفه‌های محیطی مقدار معناداری آزمون آنالیز واریانس کوچکتر از ۰/۰۵ به‌دست آمده‌است. بنابراین میانگین این شاخص‌ها در ۳ محله شهاب‌نیا، برج‌بن و پیرعلم تفاوت معناداری دارد. همچنین برای تدقیق و جمع‌بندی نتایج (شکل ۶)، مؤلفه‌ها در دسته‌بندی‌های کلی خود نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند (جدول ۶).

براساس نتایج به دست آمده می‌توان اذعان داشت وضعیت تاب‌آوری در مجموع محلات نزدیک به حد میانگین (عدد ۳) و نسبتاً مطلوب است. این ارزیابی به تفکیک محلات نیز برای محله شهاب‌نیا کمتر از حد میانگین و برای محلات برج‌بن و پیرعلم کمی بیشتر از حد میانگین است (جدول ۷).

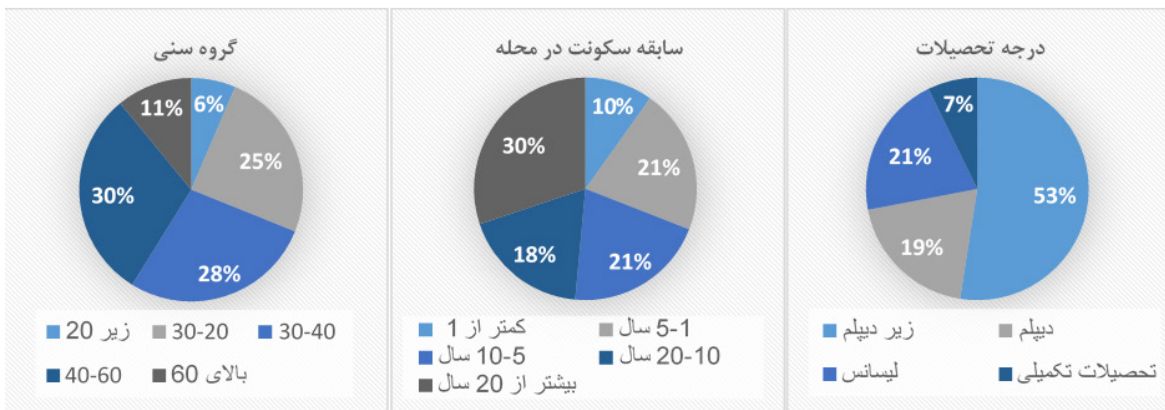
مطالعه، به صورت تصادفی و پراکنده توزیع شده‌اند. در نهایت تعداد ۳۸۴ پرسشنامه به طور کامل توسط اهالی پر شده‌اند تا وارد مرحله تحلیل آماری گردند. از مجموعه پاسخ‌دهندگان ۴۶.۱ درصد آن‌ها زن و ۵۳.۹ درصد مرد بوده‌اند. همچنین سابقه سکونت ۳۰ درصد از مجموع پاسخ‌دهندگان در محله، بیش از ۲۰ سال بود است (شکل ۴).

نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی

با تحلیل داده‌های موجود مشخص شده‌است که سهم عامل اول یعنی دلبستگی به مکان، با ارزش ویژه ۶/۲۴۳ و واریانس ۱۶/۸۷۳ بسیار چشمگیر بوده و از سهم بقیه عامل‌ها کاملاً متمایز است. تمامی شاخص‌های پرسشنامه جمعاً ۱۱ عامل اصلی را تشکیل می‌دهند و ۶۲/۵۷۸ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند (جدول ۳).

همچنین مؤلفه «تمایل به فعالیت در نهادهای مردمی» با بار عاملی ۰/۳۷۳ و «آگاهی از پیامدهای ناشی از بحران» با بار عاملی ۰/۸۳۵ دارای کمترین و بیشترین تاثیرگذاری بوده‌اند (جدول ۴).

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی حاکی از آن بود که در محله شهاب‌نیا، احساس جزئی از محله بودن با بار عاملی ۰/۴۱۴ و مناسب دیدن محله برای زندگی با بار عاملی ۰/۸۹۱ دارای کمترین و بیشترین تاثیرگذاری بوده‌اند. در محله برج‌بن، مهارت در کمک‌های اولیه با بار عاملی ۰/۴۳۳ و علاقه به ادامه زندگی در محله با بار عاملی ۰/۸۴۳ دارای کمترین و بیشترین تاثیرگذاری بوده‌اند. در محله پیر علم، کمک شما به همسایگان با بار عاملی ۰/۴۰۱ و مناسب دیدن محله برای زندگی با بار عاملی ۰/۸۹۳ دارای کمترین و بیشترین تاثیرگذاری بوده‌اند. و



شکل ۴. مشخصات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان
Figure 4. Demographic characteristics of the respondents

جدول ۳. مقادیر ویژه و واریانس تبیین‌شده عوامل استخراج‌شده از تحلیل عاملی اکتشافی
Table 3. Eigenvalues and explained variances of the extracted component from exploratory factor analysis

شماره عامل	مقادیر ویژه عوامل استخراج‌شده قبل از چرخش			مقادیر ویژه عوامل استخراج‌شده بعد از چرخش		
	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین‌شده	درصد تجمعی واریانس تبیین‌شده	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین‌شده	درصد تجمعی واریانس تبیین‌شده
۱	۶/۲۴۳	۱۶/۸۷۳	۱۶/۸۷۳	۳/۱۹۶	۸/۶۳۷	۸/۶۳۷
۲	۳/۲۶۸	۸/۸۳۳	۲۵/۷۰۶	۲/۹۵۲	۷/۹۸	۱۶/۶۱۷
۳	۲/۴۲۵	۶/۵۵۴	۳۲/۲۶	۲/۹۳۷	۷/۹۳۷	۲۴/۵۵۴
۴	۱/۸۹۹	۵/۱۳۴	۳۷/۳۹۴	۱/۹۴۹	۵/۲۶۸	۲۹/۸۲۳
۵	۱/۷۰۷	۴/۶۱۳	۴۲/۰۰۷	۱/۹	۵/۱۳۵	۳۴/۹۵۸
۶	۱/۴۹۱	۴/۰۳	۴۶/۰۳۷	۱/۷۹۲	۴/۸۴۴	۳۹/۸۰۲
۷	۱/۴۶۸	۳/۹۶۷	۵۰/۰۰۳	۱/۷۵۹	۴/۷۵۵	۴۴/۵۵۶
۸	۱/۲۷۸	۳/۴۵۴	۵۳/۴۵۸	۱/۷۳۷	۴/۶۹۴	۴۹/۲۵۱
۹	۱/۱۷۹	۳/۱۸۷	۵۶/۶۴۴	۱/۷۳	۴/۶۷۶	۵۳/۹۲۷
۱۰	۱/۱۵۶	۳/۱۲۴	۵۹/۷۶۸	۱/۶۳	۴/۴۰۴	۵۸/۳۳۲
۱۱	۱/۰۴	۲/۸۱۱	۶۲/۵۷۸	۱/۵۷۱	۴/۲۴۷	۶۲/۵۷۸

جدول ۴. شاخص‌های افزایش تاب‌آوری اجتماعی همراه با بار عاملی
Table 4. Indicators of increasing social accompanied by factor loadings

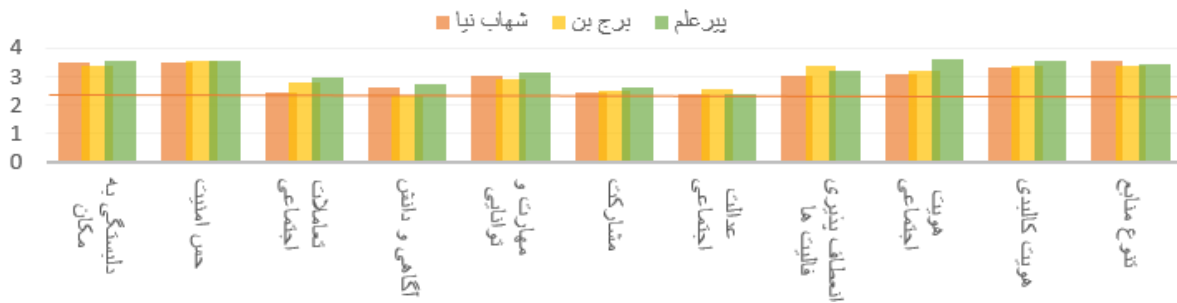
مؤلفه‌ها	گروه‌ها	شهاب‌نیا	برج‌بن	پیرعلم	کل
۱ دلبستگی به مکان	احساس تعلق خاطر	۰/۶۴۴	۰/۸۰۳	۰/۷۷۹	۰/۸۰۴
	مناسب دیدن محله برای زندگی	۰/۸۹۱	۰/۷۰۵	۰/۸۹۳	۰/۷۷۷
	علاقه به ادامه زندگی در محله	۰/۸۷۸	۰/۸۴۳	۰/۸۲۷	۰/۸۲
۲ حس امنیت	احساس جزئی از محله بودن	۰/۴۱۴	۰/۴۷۲	۰/۴۸۱	۰/۶۱۱
	معکوس میزان نزاع و درگیری خیابانی	۰/۵۲۶	۰/۷۰۶	۰/۷۳	۰/۴۳۳
۳ تعاملات اجتماعی	میزان امنیت و ایمنی	۰/۸۲۳	۰/۷۱۹	۰/۷۱۴	۰/۷۰۶
	ارتباط با همسایگان	۰/۶۹۲	۰/۶۲۴	۰/۷۳۶	۰/۷۰۲
	اعتماد به همسایگان	۰/۶۹۵	۰/۷۵۶	۰/۷۷۴	۰/۷۶۶
۴ آگاهی و دانش	آگاهی از احتمال وقوع بحران	۰/۷۷۳	۰/۵۴	۰/۸۲۷	۰/۷۹۹
	آگاهی از پیامدهای ناشی از بحران	۰/۷۷۶	۰/۶۵	۰/۶۹۸	۰/۸۳۵
	آگاهی از رفتارهای مناسب و اقدامات لازم در زمان بحران	۰/۷۸۳	۰/۷۴۱	۰/۷۰۹	۰/۶۸۸
	آگاهی از اقدامات مناسب جهت آمادگی در مقابل بحران	۰/۷۵۳	۰/۷۹۲	۰/۶۵۸	۰/۵۷۵
	آگاهی از وجود گروه‌های امدادی در محله	۰/۴۶۲	۰/۵۸۵	۰/۷۵۶	۰/۴۳۵
	آگاهی از ضوابط و ایمنی مسکن در برابر بلایا	۰/۶۶۷	۰/۶۳۶	۰/۷۶۸	۰/۶۳

ادامه جدول ۴. شاخص‌های افزایش تاب‌آوری اجتماعی همراه با بار عاملی
 Continue of Table 4. Indicators of increasing social accompanied by factor loadings

مولفه‌ها	گویه‌ها	شهاب‌نیا	برج‌بن	پیرعلم	کل
۵ مهارت و توانایی	مهارت در کمک‌های اولیه	۰/۶۸۴	۰/۴۳۳	۰/۷۷	۰/۵۸
	حفظ بودن شماره تلفن‌های اضطراری	۰/۵۱۱	۰/۶۰۷	۰/۵۶۳	۰/۶۶۲
	توانایی حفظ آرامش روحی در زمان بحران	۰/۴۲۴	۰/۷۳	۰/۴۷۳	۰/۷۶۱
۶ مشارکت	مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و امور محله	۰/۶۵۸	۰/۶۵۲	۰/۵۶۹	۰/۵۳
	اعتماد به نهادهای دولتی در هنگام بحران	۰/۷۶۹	۰/۷۶۳	۰/۶۹۵	۰/۶۹
	میزان همکاری مردم و نهادهای دولتی در هنگام بحران	۰/۵۸۳	۰/۸۲۲	۰/۷۴۱	۰/۷۹۹
	اعطای حق مداخله در تصمیم‌گیری‌ها از نهادهای دولتی به شهروندان	۰/۶۲۹	۰/۵۶۸	۰/۴۲۳	۰/۵۱۹
	کمک به نیازمندان ساکن در محله	۰/۷	۰/۵۵۴	۰/۷۱۲	۰/۵۵۳
	وجود نهادهای مردمی	۰/۵۵۶	۰/۵۷۵	۰/۴۷۲	۰/۴۹۴
۷ عدالت اجتماعی	تمایل به فعالیت در نهادهای مردمی	۰/۶۱۷	۰/۷۴۵	۰/۵۶۴	۰/۳۷۳
	کمک همسایگان به شما	۰/۶۴۲	۰/۷۹	۰/۷۱۹	۰/۸۲۱
	کمک شما به همسایگان	۰/۷۵	۰/۴۹۹	۰/۴۰۱	۰/۵۷۹
	عدالت در توزیع امکانات بین محله‌ها	۰/۴۵۷	۰/۵۸۴	۰/۵۷۶	۰/۷۰۸
۸ انعطاف‌پذیری فعالیت‌ها	وجود فرصت شغلی و درآمدزایی در محله	۰/۵۵۶	۰/۷۸۹	۰/۶۶۲	۰/۷۵۹
	معکوس وجود فضاهایی برای فعالیت‌های مختلف شبانه‌روزی	۰/۸۴	۰/۶۹۱	۰/۷۳۶	۰/۷۵۹
۹ هویت اجتماعی	معکوس وجود فضاهایی برای گردهمایی ساکنین	۰/۸۲۴	۰/۷۱	۰/۶۳۶	۰/۸۲
	تجربیات و خاطرات خوب از زندگی در محل	۰/۸۲۱	۰/۴۷۳	۰/۵۳	۰/۴۳۷
	برگزاری مراسمات در محله	۰/۵۱	۰/۷۴۸	۰/۴۲۱	۰/۷۱۹
۱۰ هویت کالبدی	نزدیکی سطح فرهنگی ساکنین	۰/۷۰۲	۰/۴۹۲	۰/۷۰۴	۰/۶۱۵
	هویت و جایگاه محله	۰/۷۲۸	۰/۷۵۷	۰/۵۱۵	۰/۵۹۵
۱۱ تنوع منابع	آسانی آدرس منزل	۰/۷۳۲	۰/۷۳۷	۰/۷۲۷	۰/۶۹۹
	مکان یادآور محله	۰/۸۰۷	۰/۵۵	۰/۷۸۲	۰/۶۷۶
	دسترسی به مراقبت‌های اولیه و بهداشتی و مواد غذایی	۰/۷۹۹	۰/۴۷۳	۰/۵۵۲	۰/۴۷۶

جدول ۵. ارزیابی و مقایسه وضعیت تاب‌آوری در محلات مورد مطالعه براساس ۱۱ مؤلفه اصلی
Table 5. Evaluation and comparison of resilience status in the studied neighborhoods based on 11 main components

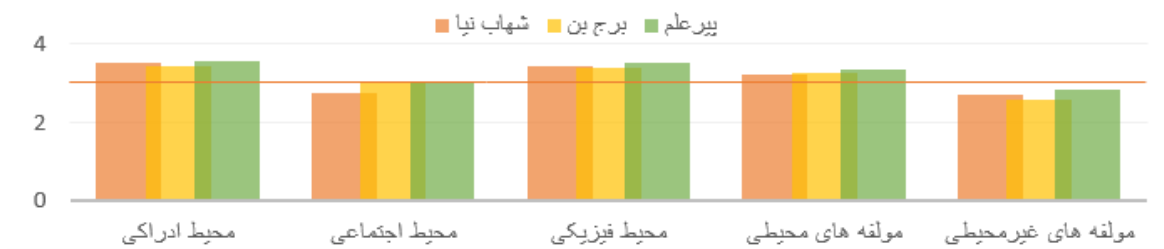
Sig.	آماره F	میانگین	تعداد	نام محله	مؤلفه های اصلی	
۰/۲۸	۱/۲۷۷	۰/۸۳۶	۳/۴۸۹	۱۳۹	شهاب‌نیا	۱ دلبستگی به مکان
		۰/۸۲۷	۳/۳۷۵	۱۰۸	برج‌بن	
		۰/۹۷۶	۳/۵۵۷	۱۳۷	پیرعلم	
۰/۸۸۸	۰/۱۱۹	۰/۷۹۱	۳/۵۲۲	۱۳۹	شهاب‌نیا	۲ حس امنیت
		۰/۹۷۹	۳/۵۳۲	۱۰۸	برج‌بن	
		۰/۷۸۹	۳/۵۶۹	۱۳۷	پیرعلم	
۰/۰۰۰	۹/۶	۰/۹۸۶	۲/۴۵	۱۳۹	شهاب‌نیا	۳ تعاملات اجتماعی
		۱/۰۱۵	۲/۸۱۵	۱۰۸	برج‌بن	
		۱/۰۳۲	۲/۹۷۱	۱۳۷	پیرعلم	
۰/۰۰۰	۹/۹۴	۰/۷۸۱	۲/۶	۱۳۹	شهاب‌نیا	۴ آگاهی و دانش
		۰/۷۴۳	۲/۳۱۸	۱۰۸	برج‌بن	
		۰/۶۴۶	۲/۷۲۹	۱۳۷	پیرعلم	
۰/۰۵۶	۲/۹۰۶	۰/۸۸۸	۳/۰۱۲	۱۳۹	شهاب‌نیا	۵ مهارت و توانایی
		۰/۸۳۴	۲/۸۹۲	۱۰۸	برج‌بن	
		۰/۸۱۹	۳/۱۵۳	۱۳۷	پیرعلم	
۰/۰۳۴	۳/۴۲	۰/۶۶۹	۲/۴۶۷	۱۳۹	شهاب‌نیا	۶ مشارکت
		۰/۵۷۵	۲/۵۰۷	۱۰۸	برج‌بن	
		۰/۶۲۴	۲/۶۵۶	۱۳۷	پیرعلم	
۰/۱۱۴	۲/۱۸۱	۰/۸۱۸	۲/۳۸۱	۱۳۹	شهاب‌نیا	۷ عدالت اجتماعی
		۰/۷۹۲	۲/۵۷۹	۱۰۸	برج‌بن	
		۰/۹۳	۲/۳۷۲	۱۳۷	پیرعلم	
۰/۰۴۴	۳/۱۵۷	۱/۰۸۳	۳/۰۳۶	۱۳۹	شهاب‌نیا	۸ انعطاف پذیری فعالیت‌ها
		۰/۹۳۵	۳/۳۵۶	۱۰۸	برج‌بن	
		۰/۹۶۶	۳/۲۰۸	۱۳۷	پیرعلم	
۰/۰۰۰	۲۳/۲	۰/۶۳۶	۳/۰۷۹	۱۳۹	شهاب‌نیا	۹ هویت اجتماعی
		۰/۶۴۳	۳/۱۹۷	۱۰۸	برج‌بن	
		۰/۷۲۶	۳/۶۰۸	۱۳۷	پیرعلم	
۰/۰۴۵	۳/۱۳۳	۰/۸۱۴	۳/۳۲	۱۳۹	شهاب‌نیا	۱۰ هویت کالبدی
		۱/۰۱۸	۳/۳۸۴	۱۰۸	برج‌بن	
		۰/۸۶۴	۳/۵۸	۱۳۷	پیرعلم	
۰/۳۷۵	۰/۹۸۳	۰/۹۸۵	۳/۵۷۶	۱۳۹	شهاب‌نیا	۱۱ تنوع منابع
		۱/۱۷۶	۳/۴۰۷	۱۰۸	برج‌بن	
		۰/۸۸۲	۳/۴۴۵	۱۳۷	پیرعلم	



شکل ۵. مقایسه وضعیت تاب‌آوری اجتماعی در محلات مورد مطالعه
Figure 5. Comparison of the social resilience status in the studied neighborhoods

جدول ۶. ارزیابی و مقایسه وضعیت تاب‌آوری در محلات مورد مطالعه براساس دسته‌بندی محیطی و غیرمحیطی بودن مولفه‌ها
Table 6. Evaluation and comparison of resilience status in the studied neighborhoods based on environmental and nonenvironmental categorization of factors

مولفه‌های اصلی	نام محله	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره F	Sig.
مولفه‌های غیر محیطی	شهاب‌نیا	۱۳۹	۲/۶۹۳	۰/۶	۷/۴۷۵	۰/۰۰۱
	برج‌بن	۱۰۸	۲/۵۷۲	۰/۵۲۱		
	پیرعلم	۱۳۷	۲/۸۴۶	۰/۵۳۵		
مولفه‌های محیطی	شهاب‌نیا	۱۳۹	۳/۲۳	۰/۴۱۲	۳/۵۲۵	۰/۰۰۳
	برج‌بن	۱۰۸	۳/۲۷۹	۰/۴۷۶		
	پیرعلم	۱۳۷	۳/۳۷۲	۰/۴۶۵		
محیط اجتماعی	شهاب‌نیا	۱۳۹	۲/۷۳۷	۰/۴۶	۱۶/۲	۰/۰۰۰
	برج‌بن	۱۰۸	۲/۹۸۷	۰/۴۵۹		
	پیرعلم	۱۳۷	۳/۰۴	۰/۴۸۴		
محیط فیزیکی	شهاب‌نیا	۱۳۹	۳/۴۴۸	۰/۶۳۶	۰/۸۴	۰/۴۳۳
	برج‌بن	۱۰۸	۳/۳۹۶	۰/۷۹۱		
	پیرعلم	۱۳۷	۳/۵۱۳	۰/۷۰۸		
محیط ادراکی	شهاب‌نیا	۱۳۹	۳/۵۰۵	۰/۶۴۲	۰/۸۱	۰/۴۴۶
	برج‌بن	۱۰۸	۳/۴۵۴	۰/۷۱۶		
	پیرعلم	۱۰۷	۳/۵۶۳	۰/۶۶۳		



شکل ۶. مقایسه وضعیت تاب‌آوری اجتماعی در محلات مور مطالعه براساس محیطی و غیرمحیطی بودن مؤلفه‌ها
Figure 6. Comparison of the social resilience status in the studied neighborhoods based on the environmental and nonenvironmental components

جدول ۷. وضعیت تاب‌آوری کل در محلات
Table 7. Overall resilience status in the neighborhoods

نام محله	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آمار F	Sig
شهاب‌نیا	۱۳۹	۲/۹۹۴	۰/۳۷۵	۴/۴۷۷	۰/۰۰۱
برج‌بن	۱۰۸	۳/۰۳۳	۰/۴۲		
پیرعلم	۱۳۷	۳/۱۶۸	۰/۳۷۹		

نتیجه‌گیری

بر اساس چهارچوب مفهومی پژوهش، ۱۱ مؤلفه اصلی و ۳۷ زیرمؤلفه به عنوان عوامل تاثیرگذار بر تاب‌آوری اجتماعی تعیین و در سه محله بابل مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. همچنین جهت تدقیق نحوه تاثیرگذاری، کلیه مؤلفه‌ها به دو دسته «عوامل محیطی» و «عوامل غیرمحیطی» و مؤلفه‌های محیطی نیز خود به سه دسته «محیط فیزیکی»، «محیط اجتماعی» و «محیط ادراکی» تفکیک شده‌اند. این رویکرد، تفاوت اساسی میان پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌های پیشین است و به درک روشن‌تری از لایه‌های مختلف آن چه یک محله را تاب‌آور می‌کند؛ منجر می‌شود. دسته‌بندی مذکور پیچیدگی رابطه میان مؤلفه‌های مختلف را تشریح می‌کند.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی، میزان تاثیرگذاری هر مؤلفه بر تاب‌آوری اجتماعی کل به دست آمده است. نتایج نشان می‌دهد، در بین مؤلفه‌های محیطی، «دلبستگی به مکان»، «حس امنیت» و «تعاملات اجتماعی» به ترتیب با مقادیر ویژه ۲/۹۵۲، ۳/۱۹۶ و ۲/۹۳۷ در بین مؤلفه‌های غیرمحیطی، «آگاهی و دانش» با مقدار ویژه ۱/۹۴۹ بیشترین تاثیرگذاری را در محلات مورد مطالعه داشته‌اند. تاثیر مؤلفه دلبستگی به مکان ناشی از تجربیات

زیسته در محله بر عدم تمایل مهاجرت از بافت‌های فرسوده شهری که در پژوهش‌های پیشین مورد بحث قرار گرفته‌است؛ تصدیقی مضاعف بر تاثیرگذاری بالای این مؤلفه بر تاب‌آوری اجتماعی است (ذکاوت و خشه‌چی، ۱۳۹۹، ۲۵۵).

همچنین تحلیل‌ها حاکی از آن است که سطح تاب‌آوری اجتماعی در دو محله برج‌بن و پیرعلم، نسبتاً مطلوب و در محله شهاب نیا نامطلوب است. البته نیاز به ارتقا کیفیت کالبدی اجتماعی در دو محله نخست نیز امری بدیهی است. و این بدان معناست که با ارزیابی صورت گرفته، می‌توان به طور مشخص‌تری مؤلفه‌های نیازمند ارتقا را شناسایی و بر تثبیت شرایط مؤلفه‌های مطلوب، تاکید داشت.

راهکارهای پیشنهادی و نکات حائز اهمیت در محلات مسکونی مورد مطالعه

ارتقا مشارکت درون محله از طریق احداث اماکنی که منجر به فعالیت‌های اجتماعی می‌شوند: نتایج، میزان مشارکت در محله پیرعلم را بیشتر از دو محله دیگر نشان می‌دهد. علت می‌تواند ناشی از وجود تکیه پیرعلم به عنوان گره فعالیتی اساسی در مرکز این محله باشد. ایجاد الگوی مشابه در دو محله دیگر نیز می‌تواند با افزایش

صورت گرفته است، می‌باشد. همچنین لازم است از تمامی ساکنین محلات مورد مطالعه که با پر کردن پرسشنامه، نویسندگان را در انجام پژوهش حاضر همراهی کردند تشکر به عمل آورد.

۱-۱- تعارض منافع نویسندگان

نویسندگان به‌طور کامل از اخلاق نشر تبعیت کرده و از هرگونه سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز نموده‌اند و منافی تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسندگان در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند.

۱-۲- فهرست مراجع

۱. ابراهیم نیا، وحیده؛ شهبازی، طاهره؛ و رحیمی، روح‌الله. (۱۴۰۱). تحلیل محیط کالبدی اثرگذار بر سرمایه اجتماعی در محلات شهر ساری. *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۹(۳)، ۱۲۱-۱۴۰.
۲. احمدی، مارال؛ عندلیب، علیرضا؛ ماجدی، حمید؛ و زرآبادی، زهرا السادات‌سعیده. (۱۳۹۹). بررسی تاب‌آوری کالبدی اجتماعی بافت فرسوده تاریخی با تاکید بر فرم شهری پایدار با روش میانگین فاصله از حد بهینه (نمونه موردی: محلات بافت تاریخی تهران). *مطالعات محیطی هفت حصار*، ۸(۳۲)، ۱۶۵.
۳. بهرامی، سیروان؛ سرور، رحیم؛ و اسدیان، فریده. (۱۳۹۶). تحلیلی بر وضعیت تاب‌آوری محلات شهر سهندج (مطالعه موردی: محلات سرتیوله، شالمان و حاجی‌آباد). *مطالعات محیطی هفت حصار*، ۶(۲۲)، ۶۲۴۵.
۴. پرتوی، پروین؛ بهزادفر، مصطفی؛ و شیرانی، زهرا. (۱۳۹۵). طراحی شهری و تاب‌آوری اجتماعی (بررسی موردی: محله جلفا اصفهان). *نشریه نامه معماری و شهرسازی*، ۹(۱۷)، ۱۱۶۹۹.
۵. حاتمی نژاد، حسین؛ پوراحمد، احمد؛ و زبردست، کوشیار. (۱۳۹۹). سنجش میزان تاب‌آوری اجتماعی در منطقه ۹ کلان‌شهر تهران. *مسکن و محیط روستا*، ۳۹(۱۷۱)، ۶۰۴۹.
۶. دهقانی، سیده شیمیا. (۱۳۹۹). *طراحی کالبد محلات شهری به منظور ارتقای تاب‌آوری اجتماعی (مورد پژوهشی محله خزانی بخارایی)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۷. ذکات، کامران؛ و خشه چی، الهام. (۱۳۹۹). تاب‌آوری در قالب یک تجربه: چه چیزی یک همسایگی را به خانه تبدیل می‌کند؟ (بررسی تجربه زیسته یک اجتماع از محدوده تاریخی عودجولان). *معماری و شهرسازی آرماتشر*، ۱۳(۳۰)، ۲۵۶۲۴۵.
۸. رحیمی، روح‌اله؛ حیدرنتاج، وحید؛ نجاری‌الموتی، یاسمن؛ و انوری فر،

تعاملات و فعالیت‌های اجتماعی منجر به ارتقا میل به مشارکت در امور محله گردد.

بستر عمومی محله باید فرصت حضور برای تمامی افراد جامعه را از لحاظ شرایط سنی، جنسیتی، عقیدتی و... مهیا کند. اگرچه وجود مرکز مذهبی فعال در پیرعلم، منجر به افزایش مشارکت در محله شده است؛ با این وجود گروهی از مردم تمایلی به ادامه زندگی در محل را نداشته و اذعان دارند که در صورت امکان اقدام به مهاجرت به نواحی دیگری می‌کنند. بنابراین احداث مراکز فعالیتی برای دیگر گروه‌های فرهنگی در این محله می‌تواند منجر به حضور فعال گروه‌های مختلف مردم و ارتقا میل به سکونت در محله شود.

نشانه‌گذاری در بستر محله: نشانه‌ها همان نقاط به یاد مانده در نقشه ذهنی ساکنین هستند. وجود نشانه‌ها در بستر محله می‌تواند منجر به افزایش خوانایی و تعلق خاطر به مکان شود و پس از بروز حوادث ناگهانی همچون زلزله، ساکنین را به صورت ناخودآگاه به سمت خود جذب کند. محله شهاب‌نیا با ساختار خطی و منظم، فاقد هرگونه نشانه شاخص دیداری و یا فعالیتی است. احداث یک پارک محلی (با توجه به آن‌که محله هیچ‌گونه فضایی برای حضور کودکان ندارد) می‌تواند به یک نشانه درون محله‌ای بدل شده و سه‌گزاره پیشین را محقق کند. افزودن المان‌های آموزشی در بستر عمومی محلات جهت ارتقا آگاهی در برابر بحران‌ها (فضاهای آموزش‌دهنده معمولاً به عنوان عناصر الزامی در طراحی شهری محسوب نمی‌شوند. در حالی که با افزودن این المان‌ها می‌توان با سرعت بیشتر، هزینه کمتر و همین‌طور به صورت دائمی و مستمر به آگاهی‌بخشی افراد پرداخت): این المان‌ها می‌توانند شامل کیوسک‌هایی دیجیتال همراه با بازی و نمایش اطلاعات مهم شهری باشند. لبه‌های ابتدایی محله برج‌بن به دلیل تلاقی با گره فعالیتی مرکزی شهر می‌تواند محل مناسبی برای استقرار این المان‌ها باشد.

۱-۳- نقش نویسندگان

نگارش اولیه مقاله، جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل و تهیه مدارک مورد نیاز توسط نویسنده اول انجام گرفته‌است. انجام اصلاحات مورد نیاز و تدقیق تحلیل‌ها و نتایج به یاری نویسنده دوم صورت گرفته‌است.

۱-۴- تقدیر و تشکر

این پژوهش منتج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «ارزیابی تاثیر محیط کالبدی بر تاب‌آوری اجتماعی در محلات مسکونی؛ طراحی مجموعه مسکونی در شهرستان بابل است» که در دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران

18. Arefi, M. (2011). *Design for resilient cities Reflection from a studio. Companion to Urban Design*, edited by Tridib Banerjee and Anastasia Loukaitou-Sideris, Routledge. Taylor & Francis Group.
19. Bejtullahu, F. (2016). Role of the architects in creating building and urban resilience. *UBT International Conference*, 60, 614.
20. Coaffee, J. (2013). Towards Next Generation Urban Resilience in Planning Practice: From Securitization to Integrated Place Making. *Planning Practice and Research*. 28(3), 323339.
21. Fahlberga, A., Vicinob, T. J., Fernandesc, R., & Potiguarad, V. (2020). Confronting chronic shocks: Social resilience in Rio de Janeiro's poor neighborhoods. *Cities*, 99.
22. Khalili, S., Harre, M., & Morely, P. (2015). "A temporal framework of social resilience indicators of communities to flood, case studies: Wagga wagga and Kempsey, NSW, Australia", *Journal of Disaster Risk Reduction*, 13, 248254.
23. Kuhlicke, C., Steinfuhrer, A., Begg, C., Bianchizza, C., Bruendl, M., Buchecker, M., De Marchi, B., Di Masso Tarditti, M., Hopmann, C., Komac, B., Lemkow, L., Luther, J., McCarthy, S., Pellizzoni, L., Renn, O., Scolobig, A., Supramaniam, M., Tapsell, S., Wachinger, G., Walker, G., Whittle, R., Zorn, M., & Faulkner, H. (2011). Perspectives on social capacity building for natural hazards: outlining an emerging field of research and practice in Europe. *Environmental Science & Policy*, 14, 804-814.
24. Larimian, T., Sadeghi, A., Palaigou, G., & Schmidt, R. 2020. "Neighbourhood Social Resilience (NSR): Definition, Conceptualisation, and Measurement Scale Development." *Sustainability*, 12(6363), 124.
25. Lyon, C. (2014). Place Systems and Social Resilience: A Framework for Understanding Place in Social Adaptation, Resilience, and Transformation. *Society & National Resources*. 27(10), 10091023.
26. Mehmood, A. (2015). Of Resilient Places: Planning for Urban Resilience. *European Planning Studies*. 24(2), 407419.
- شیرین. (۱۴۰۱). بررسی گردشگری سبز و توسعه فرهنگی جوامع محلی با احیای میراث معماری صنعتی مازندران. *نشریه علمی پژوهشی نقش جهان مطالعات نظری و فناوری های نوین معماری و شهرسازی*. ۱۲ (۱)، ۸۴۱۰۴.
۹. رحیمی، روح اله؛ و رازانی، فرناز. (۱۴۰۱). ارزیابی رابطه مؤلفه‌های کالبدی شفا بخش محیط‌های آموزشی و سلامت روان کاربران (نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه مازندران)، *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۲۴ (۸)، ۱۳۲۱۱۵.
۱۰. رحیمی، روح اله؛ محمدی، علی؛ و حسن زاده داوودی، شکرالله. (۱۳۹۳). الگوی هولوگرافیک در سیر تکاملی شهر (شهر مورد مطالعه: آمل). *باغ نظر*. ۱۱ (۳۱)، ۹۸۸۹.
۱۱. شفیعی دستجردی، مسعود؛ لک، آزاده؛ و غفاری، علی. (۱۴۰۰). تدوین مدل ارزیابی فرم شهری با رویکرد تاب آوری فضایی. *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، ۱۰ (۲)، ۲۷۱.
۱۲. عباداله زاده ملکی، شهرام؛ خانلو، نسیم؛ زیاری، کرامت اله؛ و شالی امینی، وحید. (۱۳۹۶). سنجش و ارزیابی تاب آوری اجتماعی جهت مقابله با بحران های طبیعی؛ مطالعه موردی: زلزله در محلات تاریخی شهر اردبیل. *مدیریت شهری*، ۴۸، ۲۷۹۲۶۲.
۱۳. محمدپور لیما، نغمه؛ بندرآباد، علیرضا و ماجدی، حمید. (۱۳۹۹). تاب‌آوری کالبدی و اجتماعی محلات مسکونی بافت تاریخی (نمونه موردی منطقه ۱۲ تهران). *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۲ (۲)، ۱۱۶۹۷.
۱۴. محمودی کاظم آبادی، لیلا؛ خانی زاده، محمد علی؛ و پوراحمد، احمد. (۱۳۹۹). سنجش و ارزیابی میزان تاب آوری جوامع شهری در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیط زیستی (مطالعه موردی: شهر شیراز). *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۲۲ (۸)، ۳۰۷۲۹۵.
۱۵. منوریان، عباس؛ امیری، مجتبی؛ و مهری کلی، سیمین. (۱۳۹۷). شناسایی مؤلفه های اثرگذار بر افزایش میزان تاب آوری اجتماعی محلات آسیب پذیر و دارای بافت فرسوده در مواجهه با حوادث طبیعی (شهر موردی: تهران). *مطالعات مدیریت شهری*، ۱۰ (۳۴)، ۲۶۱۳.
۱۶. موسویان، سیده عطیه؛ ذاکر حقیقی، کیانوش؛ و نقدی، اسدالله. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی نقش حس دل بستگی به مکان در ارتقای تاب آوری اجتماعی (نمونه های مورد مطالعه: آقاجانی بیگ، متخصصین و حصار امام شهر همدان)، *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۸ (۱۵)، ۶۶۳۷.
۱۷. موسوی، سید محسن؛ رحیمی، روح اله؛ و وثوقی، سوگند. (۱۴۰۲). ارزیابی رابطه گونه های همسایگی با شیوه تعاملات اجتماعی در مجموعه مسکونی ویلایی و آپارتمان میان مرتبه براساس نظریه یان گل (مطالعه موردی: آپارتمان سیب و شهرک ساحلی، شهرستان نور). *نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی ایران*، ۱۴ (۱)، ۱۱۶۱۰۳.

27. Rahimi, R., & Ansari, M. (2020). Recreating Place in Iranian Monuments Case Study: Hafez Garden Tomb (14521936 A.D.). *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 10(1), 4762.
28. Ramzanpour, M., & Rahimi, R. (2023). *Prioritization Physical Resilience Criteria for Affordable Housing Locating Based on An Analytic Hierarchy Process (AHP)*. (2023). Web of Science™ Core Collection (BKCI). IntechOpen.UK.
29. Ross, H., & Berkes, F. (2014). Research Approaches for Understanding, Enhancing, and Monitoring Community Resilience. *Society and Natural Resources*, 27(8), 787804.
30. Rutten, R., Westland, H., & Boekema, F. (2010). The Spatial Dimension of Social Capital. *European Planning Studies*, 18(6), 863871.
31. Satterthwaite, D. (2013). The Political Underpinnings of Cities' Accumulated Resilience to Climate Change. *Environment and Urbanization*. 25(2), 381391.
32. Shaw, D., Scully, J., & Hart, T. (2014). The paradox of social resilience: How cognitive strategies and coping mechanisms attenuate and accentuate resilience. *Global Environmental Change*. 25, 194203.

Evaluation of Environmental and Non-Environmental Components Affecting Social Resilience in Residential Neighborhoods (Case Study: Selected Neighborhoods of Babol)

Sogand vosoughi, M.A., Department of Architecture, Faculty of Arts and Architecture, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Rouhollah Rahimi, Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Arts and Architecture, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.*

Abstract

Social resilience refers to the ability of individuals to adapt to changes and represents the community's capacity to respond to crises. The location plays a significant role in the occurrence of social events, thus establishing a close relationship between social resilience and location characteristics. By properly designing spatial and environmental components, social elements can be supported in the process of community resilience. A resilient and resistant city is one where residents actively participate in decision-making processes alongside city managers and municipalities, based on their capacities and resources. It is a city that has identified its hazards and implemented appropriate planning and measures to safeguard and support people's lives, properties, cultural heritage, and social capital. Understanding the factors that influence city resilience not only preserves human life but also reduces community costs during emergencies and crises. In other words, a deeper understanding of resilience is crucial for creating sustainable and safe environments. The present study aims to explain the influential factors on social resilience in residential neighborhoods and evaluate its quality in three neighborhoods in Babol. In the first step of the research, we explored the influential factors on social resilience by reviewing the theories and perspectives of various theorists. This phase led to the identification of 11 main components and 31 sub-components. These influential factors were then divided into two groups: environmental and non-environmental components, based on their origins and impact. This approach, which distinguishes our study from previous ones, provides a clear understanding of the different dimensions that contribute to neighborhood resilience. Furthermore, the environmental components were further categorized into three groups: physical, perceptual, and social environments, in line with the theory of resilient places. While social resilience is a broad concept that encompasses various domains, this categorization helps architects and urban planners understand where to focus their efforts and highlights the complexity of the relationship between different components. Subsequently, based on these components, a questionnaire prepared that was distributed in three neighborhoods in Babol: Shahab Nia, Borj Bon and Pir Alam. collected data from 384 complete questionnaires, analyzed using exploratory factor analysis, one-sample t-tests, and analysis of variance. The results of the analyses confirm the influence of all components. Based on the results of analysis, the impact of each component on overall social resilience was determined. The results indicate that among the environmental components, "attachment to place," "sense of security," and "social interactions" had the highest specific values of 3.196, 2.952, and 2.937, respectively. Among the non-environmental components, "awareness and knowledge" had the highest impact with a specific value of 1.949 in the studied neighborhoods. Furthermore, the analyses suggest that the level of social resilience in the Borjban and Piralam neighborhoods is relatively desirable, while it is undesirable in the Shahabnia neighborhood. However, it is also evident that there is a need to improve the physical-social quality in the first two neighborhoods. This means that through the evaluation conducted, it is possible to identify the components that require improvement more clearly and emphasize the consolidation of desirable component conditions.

Keywords: Social Resilience, Environmental and Non-environmental Components, Residential Neighborhoods, Babol City.

* Corresponding Author Email: r.rahimi@umz.ac.ir

Analysis of Architectural students' Conceptual Sketches based on Systemic Thinking and Information Processing Styles in the Design Process

*Farhad Karvan**, Assistant Professor, Department of Architecture, College of Art and Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Abstract

Sketches are one of the manifestations of architectural education and tell the designer's cognitive power. In other words, visual representations in the form of sketches are the most important means of expressing ideas and generating concepts for designers and architecture students. Examining the types and methods of drawing of design students shows that each of them uses a unique method and structure in drawing, and it is also a representation of mental ideas. Due to the wide use of hand-drawings in architecture, its growth and improvement are always the attention of designers. To achieve this goal, it is necessary to examine the factors related to it. Among the variables related to it is the cognitive power of the designer or architecture student in thinking and cognitive processing. Systemic thinking is a high-level thinking skill and one of the complex cognitive processes whose goal is to develop cognitive skills appropriate for the 21st century. Having systematic thinking along with understanding the relationships between social-environmental factors and variables gives students the power and the possibility to use learning opportunities optimally, therefore, students who have systemic thinking, the ability to understand the intricacies. In order to deal with it, it is necessary to examine the cognitive power of the designer or architecture student in thinking and cognitive processing. The purpose of this research was to investigate the relationship between architectural students' conceptual sketches based on systemic thinking and information processing styles in the design process. The research method is a combination of quantitative (descriptive-correlation) and qualitative (analyzing samples of students' Sketches). The statistical population of this research included all students of the Faculty of Art and Architecture of Hamedan Universities. 162 students were selected as a sample in an accessible and purposeful way and answered the questionnaires of systemic thinking and information processing styles. Conceptual sketches were also evaluated by two judges. The data were analyzed by descriptive statistics (mean, standard deviation, skewness and skewness statistics) and inferential statistics (Pearson's correlation and path analysis). The results showed that experimental processing style cannot predict conceptual diagrams, but rationalist processing style and systemic thinking can predict conceptual diagrams. According to the findings of the research, the importance of rational information processing style in the design process was proved; Therefore, in this regard, it is suggested to teach this type of information processing style in addition to design education programs in order to optimize architectural education and train designers and promote conceptual sketches. In line with this research finding, which shows the importance of systemic thinking in the design process; It is suggested to teach this type of thinking and processing style in educational planning, and since thinking is a system of complex cognitive processes, it can be taught with suitable and competent curricula. By implementing curricula based on systemic thinking, students can be helped to become knowledgeable, self-directed and innovative people. Acquiring systemic thinking skills in universities can be the basis for the development of systemic thinking and the ability to understand complexity to provide training in people.

Keywords: Architecture Education, Faculty of Art and Architecture, Conceptual Sketches, Research Design, Design Process, Hamedan.

* Corresponding Author Email: f.karvan@iauh.ac.ir

Investigating the Geometry of the Courtyards of Girls' Primary Schools in Isfahan City with the purpose of Providing the Most Hours of Thermal Comfort

Ghazaleh Chehrazhi, Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

*Narges Dehghan**, Assistant Professor, Department of Architecture, Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Haniyeh Sanaieian, Assistant Professor, Architecture Department, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

Amir Gandomkar, Associate Professor, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Abstract

Schoolyards are places where students spend about 20 to 25% of their time there. When the schoolyard is designed to meet students' needs, it can become a dynamic place for entertaining and educating students. To maintain active participation in the schoolyard, students need thermal comfort. This research aims to determine the optimal geometry of the courtyards of girls' primary schools in Isfahan City to ensure students' comfort. For this purpose, the pattern of public schools for girls in Isfahan was examined. Moreover, previous studies and criteria of the School Renovation Organization were reviewed, as well as the dominant geometry of girls' schools in Isfahan City and the geometric pattern of the tests. The thermal simulation of the geometric patterns was carried out using Envi-met software in two 8-hour periods on June 21 (summer solstice) and December 21 (winter solstice). By comparing the thermal performances of the models, it was determined that the optimal model for students was determined by the number of hours of thermal comfort provided by each model. A model that obtains the maximum amount of heat from the sun and the surrounding environment in winter while obtaining the least amount of heat in summer provides the optimal shape and form of the open space in a building to provide the most hours of thermal comfort. Thus, Considering the importance of providing thermal comfort in the school yard for the active participation of students and turning the schoolyard into an educational space, the optimal geometry of the yard in this research of girls' primary schools in Isfahan city to determine the maximum hours' Thermal comfort was obtained. When the building is placed centrally or in a summerhouse, open spaces have good thermal performance in summer since they have a small width on the south side, so they are exposed to sunlight and receive heat for fewer hours. In addition, since the prevailing wind direction in Isfahan City in summer is from the east, the eastern side of the yard is more exposed to the wind, resulting in greater cooling. The simulation results indicate that models with a ratio of 2.5 to 1, which are U-shaped buildings (those with north, east, and south fronts) and L-shaped buildings (those with north and west fronts or north and west fronts), have good thermal performance. In the cold season, they have an east-west elongation with a ratio of 2.5 to 1, which indicates the extent of the south side of the building, which receives the most heat in the cold season and can provide comfortable conditions for students in schoolyards. Since the prevailing wind in the cold season blows from the west, the small size of the west side causes the open space of the proposed models to be less exposed to the wind. It is also suggested to prevent the wind from entering the open space in the cold season by using obstacles, such as planting trees or building artifacts on the west side.

Keywords: Yard geometry, Girls' elementary school, Isfahan City, Outdoor thermal comfort, Envi-met.

* Corresponding Author Email: dehghan@par.iaun.ac.ir

Iran Contemporary Architecture and the Problem of Identity (A Realistic Representation of the Post-Modernism Critical Reading in Architecture)

Amir Davood Maslahatjoo, Department of Architecture, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

*Maryam Ghasemi Sichani**, Associate Professor, Department of Architecture, Isfahan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Vahid Ghobadian, Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Bijan Abdolkarimi, Department of Philosophy, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Post-modernism is the dominant aspect of the cultural belief of the time that re-frames all actions and constructs distinct ideas of experiences and conditions at the deepest levels and everything that can be known about the contemporary world; As long as the centralized power gives way to a discrete plurality, and bring to the fore a manifestation of contemporary identity in the current era. This research - which has been done using the qualitative method and the grounded theory approach - with the general purpose to analyze and interpret the identity of Iran contemporary architecture based on post-modernity and critical thought, looking for an answer to this question, How can identity, as a critical approach, have an effect on the recognition of post-modern architecture - especially in the Iran contemporary era? In this research, the systematic approach known as Strauss and Corbin's theory (2019) was used to analyse the data. According to the classification of Corbin and Strauss (2022), the systematic approach has three stages of open coding (concepts), axial coding (Casual Conditions, Actions & Interactions, Context, Intervening Conditions and Consequences) and selective coding. In the collection and extraction of the main categories and sub-categories, from the documentary and citation resources and the interview tools have been used. The special emphasis of the research is on the views and opinions of those professors and architects who work both academically and professionally. Hence, the research data has been compiled and analysed in semi-structured interviews. The responses at the highest saturation level reached relative saturation in the 17th interview. The interview process is continued until the 25th to ensure the data and obtain absolute saturation. The content of data was coded by Strauss and Corbin coding method in three stages (open, central and selective). In the coding process of 17 interviews, the frequency of the 5969 coded items, was reduced to 317 open codes from the frequency ratio of 1337 codes after refining and merging. The obtained codes, in the number of 53 axial categories and 8 selective categories, were related to the axial theme of Iran Contemporary Architecture Identity. The Observations Percentage Agreement of 90.37% indicates relatively complete reliability and coverage of criterion level of more than 0.6 of Kappa coefficient, describing validity as ideal. Therefore, the research quality index is acceptable, and the reliability and validity of the research are confirmed. The research results can be valuable and interpreted by examining the criteria of matching, generalization, understanding, and control. The findings show that the result of summarizing the causal variables of the research in the mediating conditions of the existing situation, provides an event that in a fundamental attitude, between the (narcissism to self-defeat) truth and (self-belief) Iranian essence, and in a historical discourse, between a re-reading of what exists and a re-presentation of what should exists, in a Preventive (and not Mandatory) form and in a reading of a critical realism and feedback interpretation of self-reflection evaluation from the feedback of others, they recreate the way of being.

Keywords: Identity, Event, Dialectic, Critical Realism, Iran Contemporary Architecture.

* Corresponding Author Email: mghasemi@khuisf.ac.ir

The Role of Native and Local Identity in Promoting Creative City Branding (Case Study: Rasht City)

*Ali Akbar Salaripour**, Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Art, Gilan University, Gilan, Iran.

Arman Hamidi, Ph.D. Candidate, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Art, Gilan University, Gilan, Iran.

Mohammad Nouripour Sedehi, M.A. in Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Art, Gilan University, Gilan, Iran.

Mohammad Hossein Maqroun Porkar Abatari, M.A. in Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Art, Gilan University, Gilan, Iran.

Erfan Khani Kolsarki, M.A. in Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Art, Gilan University, Gilan, Iran.

Abstract

The aim of the present research is to identify the most effective indigenous identity components in order to brand the creative city of Rasht. The method used in this research is descriptive-analytical, and data collection was done through a survey. Five (5) indicators were extracted from the theoretical foundations. The statistical population in this research was the tourists of Rasht City. In calculating the sample size, Cochran's formula was used, and its number was calculated as 384. Also, the information obtained from the questionnaire has been analyzed using SPSS and Smart PLS3 software. The findings of the research indicate that the average of all indicators is higher than the average (number 3), and among them, natural attractions and food culture had the highest averages, making them more attractive to tourists. In this regard, according to the averages obtained for all research subjects, the level of interest in the natural attractions of this city and choosing this city as a tourist destination is of the utmost importance considering its tourist attractions and it has been assigned to itself among tourists. On the other hand, the results of modeling and the impact of the indicators mentioned in this research on the branding of Rasht City indicate the importance and high impact of the food culture of this area on the branding of Rasht City. Based on this, in order to promote the branding of the creative city, after the index of food culture, native customs have the greatest effect on branding, and then local architecture and urbanism are also placed in the next place of influence on the branding of Rasht City; in contrast to the natural attractions of this city, due to its very low route coefficient, it has a very small effect on the branding of this city, which is very significant from the point of view of tourists, despite the high capacity of natural attractions, due to not paying enough attention to the natural capacities of the city, this index does not have much effect on the branding of the city of Rasht. Since the city of Rasht has been mentioned as a creative city of food and food and this title is considered as a brand of the city, it was determined by the surveys conducted in the field of branding index that the citizens consider the city of Rasht worthy of this title. They know the brand, but the brand of the destination has not been a reason for them to visit. Also, in the investigation of the index of the local custom, according to the statistical results, although this component is known as the main symbol of the city after the natural attractions, the level of familiarity with the customs and The customs of the city is at a low level, which can be concluded that the management of the city of Rasht has performed poorly in introducing and presenting a favourable image of the native and cultural components of the city at the national level.

Keywords: Urban branding, Native identity, Creative city, Tourism, Rasht City

* Corresponding Author Email: Salaripour@guilan.ac.ir

Exploring the Impact of the Structural Pattern of Residential Areas (Villas and Apartments) on (Face to Face) Neighborly Interactions in Neighborhoods (Case Study: Naft Sector, New Site, Zaytoun Karmandin and Kianpars in Ahvaz City)

*Hamed Hayati**, Assistant Professor, Department of Architecture, Technical and Engineering Faculty, Qom University, Qom, Iran.

Neda Arzani Birgani, Ph.D. Candidate in Architecture, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Abstract

Human beings are inherently social creatures, driven by the innate desire to engage with a diverse range of individuals. Human beings are inherently social creatures, driven by the innate desire to engage with a diverse range of individuals and actively participate within their communities. Neighborhoods and neighborhood units are a reflection of this approach. These neighborhood units, established with the objective of fostering a sense of community and enhancing social connections, assume a paramount significance in cultivating and refining this indispensable attribute. The neighborhood and the interaction of neighbors in the neighborhood have been one of the most fundamental concepts in architecture and urban planning for a long time. The lack of neighborhood interactions and the change in lifestyle and behavioral patterns of residents in cities have established the basic structure of this research. This research aims to examine the relationship between the physical structure or framework of the neighborhood and the amount of face-to-face interactions in the neighborhood. The existing research is descriptive-analytical and quantitative-qualitative in terms of its applied purpose, nature, and data collection methods, and a correlational research method has been used. Data collection was done through library research and field methods (questionnaires). According to Morgan's table, questionnaires were distributed among 394 people in four neighborhoods of Ahvaz city (Shahrek Naft, Newsite, Zeitoun Karmanani, Kianpars), which were presented in closed form and Likert scale. The data collected for this study was analyzed using SPSS software. To measure the adequacy of the sample, KMO and Bartlett tests were employed. The findings were also examined using statistical methods such as Cronbach's alpha correlation coefficient, variance test, and Pearson test. The results of the variance test indicate a significance level of 0.001, suggesting a significant difference between the questionnaire findings in villa neighborhoods (New Site, Shahrak Naft) and apartment neighborhoods (Zeitoun Karmandi and Kianpars). A Pearson correlation coefficient of 0.586 indicates that there is a direct relationship between two variables. Specifically, the face-to-face relationships increase in villa neighborhoods, while they decrease in apartment areas.

Keywords: Neighborhoods, residential contexts, neighborhood relations, Ahvaz metropolis

* Corresponding Author Email: hamed.hayaty@yahoo.com

An Investigation into Geometric-Formal Pattern of Isfahan Naghsh-E Jahan Complex in order to Identify the Motional Structure of Layers From the Aspect of Formalism Doctrine

Hirad Hosseinian, Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

*Jamaledin Soheili**, Associate Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Fariba Alborzi, Associate Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Abstract

Introduction: Formal-Geometric pattern is considered as a component which gives sense to the formation of shapes in a generality like geometry making it possible to create a purposeful situation regarding the composition of shapes from the aspect of geometric relations. Hence, it should be born in mind that this paradigm shall be definable based on formability of shapes from the perspective of formalism, in such a manner that given the structure of productive systems on the basis of a range of formal principles, it would be feasible to achieve certain relations based on formalism doctrine such as Dorand who defined the initial constituents of mold (frame) so that the intersection of combined criteria of shapes brought about by the aspect Carrier and Herdeg counting the basic elements including point, line, surface and volume to analyze these principles, in such wise the presence of such visual tools in formation the formal structure.

Method: Thus, the aim was to analyze the geometric relations of the complex by benefitting from the interpretive-historical nature of investigation as well as understand the relations among them through inference of the components brought about by investigation variables, Afterwards, the relations of existing variables shall be discovered in terms of the mentioned tables by taking advantage of analyzing the tables resulted from the formal-geometric pattern of the complex and eventually attain to the details of this geometric-formal pattern using a type of analogical reasoning as well as a coding method of motional structure of layers within complex, in such a manner that a scrutinized description to understand this method towards the recognition of formation process of the complex in different eras shall be obtained.

Results: shall lead to produce a motional structure from the perspective of formal principles expressing a method through understanding and formulations certain principle towards its identification including the coding of formal-motional structure of layers in Naghshe- Jahan Complex, justifying the milestone of formation procedure of the complex by identifying the mentioned codes in diverse eras.

Conclusion: through which it might be possible to provide a proper response to an equivalence towards advancement of form and performance of Naghsh-e Jahan Complex by posing the following question: "How it might be possible to obtain the advancement of form and performance in Naghshe Jahan Complex through the investigation of geometric pattern and Motional-Formal structure brought about by it? so, it is possible to arrive at a new classification of the layered performance of the layers from the past to the present, which leads to the simultaneous advancement of the form and function in Isfahan Naghsh-e Jahan Complex.

Keywords: Naghshe-Jahan Square, Formalism, Formal-Geometric, Shape-Geometric Structure.

* Corresponding Author Email: soheili@qiau.ac.ir

The Study of Place Attachment Perception based on Identity Elements of Residential Building of the Pahlavi II Period between Citizens of Tehran

Masoumeh Gheimati, Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

Iraj Etessam, Department of Art & Architecture, Faculty of Architecture, Science and Research Azad Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

Ali Alaei, Department of Architecture, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

Abstract

Today, with the rise of technology and the dramatic increase in mass communication, human definitions of psychological and cognitive issues have largely changed hands. Spatial identity is one of these concepts related to environmental sciences, particularly architecture and urban planning. The role of emotions and semantic relationships in shaping spatial identity is discussed and the effects of these include the creation of self-esteem and a sense of community. The identity of a place that has gradually developed over time will create an inextricable link between one's feelings and personal characteristics with the place in which one lives. The Second Pahlavi period was the beginning of the modern movement and the transformation of architectural styles into modern styles and presenting new patterns in it. This has led to the design and implementation of prominent and prominent architectural monuments, especially in residential architecture, which still has physical, semantic, and functional attractions after decades of implementation. In this regard and expressing the importance of spatial identity, this study seeks to read the citizens' mental perceptions of their spatial attachment based on the identity elements of the second Pahlavi era residential architecture. The main purpose of this research is to find out the mechanism and mechanisms that characterize the identity of the Pahlavi era residential architecture in the mind of today's citizens of Tehran. In other words, extracting the most critical mental paths of identity structures from these structures using structural equation modeling techniques is considered. To achieve this, the conceptual model of how to understand spatial attachment and spatial identity is explained and defined using a review of research literature and then by using a questionnaire survey method and equation modeling software. Structurally, this model has been examined. The method of this research is descriptive-analytical, which is the main purpose of the analysis, investigation of the mechanism, and mechanism of formation of attachment to residential buildings of the second Pahlavi period. Data collection was done through both documentary and quantitative survey, using a questionnaire. Descriptive statistics and inferential statistics of the present study were used by SPSS and Smartpls software using structural equation modeling. The results showed that the most critical path in shaping the factors related to spatial attachment in the buildings under consideration is in terms of perceptions of Tehranian citizens, the path of functional perceptions of Pahlavi architecture-spatial dependence-spatial identity-spatial attachment. Moreover, based on these findings, it seems that the first step in understanding the monuments in question is their functional properties, which in turn will influence the place-dependency factor in their mental imagery, and later stages of formation. Identity and place attachment lead. Therefore, it seems that efficiency and performance and meeting the expectations and needs of these buildings are the most important factors in creating the related variables of identity and attachment in citizens. The second path that has led to the formation and creation of spatial attachment in Tehranian citizens in the buildings under study is the semantic path of Pahlavi architecture-cultural capital-social understanding of Pahlavi architecture-spatial identity-spatial attachment.

Keywords: Place attachment, Place identity, Place dependence, Pahlavi II architecture, Structural equation.

* Corresponding Author Email: i.etessam@srbiau.ac.ir

GUIDELINES FOR AUTHORS

The journal of Hoviatshahr is the official Scientific 2quarterly Publication of the Faculty of Art and Architecture Science and Research branch of (Islamic Azad University) and aims at publishing the results of scientific research and experiences in architecture, urban planning, urban design and urban development. Research and analytical papers as well as scientific reports are accepted for publication after review by referees and the editorial board.

Manuscripts submitted for publication should have neither been previously published nor be under consideration elsewhere.

■ Manuscripts may be submitted in Persian and should be written according to sound grammar and proper terminology. Irrespective of the language, the paper should be accompanied with both English and Persian abstracts.

■ The manuscript should include an abstract, introduction, methodology, literature review, research body covering the results, endnotes, and references. The total should be between 712 pages of the journal.

■ The "introduction" should point to the research questions, objectives and a general overview of the paper.

■ The "results" section should succinctly and logically clear out the research findings.

■ The guidance and contributions of others can be acknowledged briefly in a separate section.

■ The endnotes should be numbered and included before the references.

■ Citations should follow the international convention as follows:

(a) Author's name, date, and page should be referenced in parenthesis, following the related text.

(b) If the paper is in Farsi but the literature cited is in Latin, the above information should be in Farsi and the Latin equivalent can be included in the footnote on the same page.

And the Latin equivalent can be included in the footnote on the paper in alphabetical order.

■ Full references should be included at the end of the paper in alphabetical order.

■ References should follow the following style:

● Articles: Author(s), full article title, journal's name, volume, number, year of publication.

● Book: Author(s), book title, translator, publisher and location, year of publication.

■ The first page should include Author's full name, title and affiliation, address, telephone, Fax, and email. Also, if the paper is based on a grant or student thesis, it should be noted according on the first page. The second page should begin with the paper's title, abstract, and keywords. Note that the title should be short, succinct, and relevant to the text.

■ "Keywords" should include between four to six major words relevant to the article.

■ The abstract should be in both English and Farsi. It should point to the problem statement, objectives, methodology, and major findings. The abstract should be about 150 words in Farsi and 500 words in English, typed on two separate pages.

■ If the paper has more than one author, one must be represented as the author corresponding.

■ Manuscripts, not following the above guidelines, will be returned to the author(s).

■ Scientific reports in related fields are accepted for consideration and publication.

■ All text should be presented in **four printed** and **one digital copies** typed on A4 paper in word format with 3cm margin at each side. The text and the cover letter to the Journal's editor should be sent to: The editor, Journal of Hoviatshahr

Faculty of Art and Architecture

Science and Research Branch Islamic Azad University, Punak, Hesarak

Tehran, Islamic Republic of Iran.

■ All rights reserved. No parts of this publication may be published elsewhere without the Journal of Hoviatshahr permission.

■ The editorial boards reserve the right to accept or reject any article after reviewed by referees.

Contents

The Study of Place Attachment Perception based on Identity Elements of Residential Building of the Pahlavi II Period between Citizens of Tehran	5
Masoumeh Gheimati, M.A. Iraq Etessam, Ph.D. Ali Alaei, Ph.D.	
An Investigation into Geometric-Formal Pattern of Isfahan Naghsh-E Jahan Complex in order to Identify the Motional Structure of Layers From the Aspect of Formalism Doctrine	19
Hirad Hosseinian, M.A. Jamaledin Soheili, Ph.D. Fariba Alborzi, Ph.D.	
Exploring the Impact of the Structural Pattern of Residential Areas (Villas and Apartments) on (Face to Face) Neighborly Interactions in Neighborhoods (Case Study: Naft Sector, New Site, Zaytoun Karmandin and Kianpars in Ahvaz City)	35
Hamed Hayati, Ph.D. Neda Arzani Birgani, M.A.	
The Role of Native and Local Identity in Promoting Creative City Branding (Case Study: Rasht City)	51
Ali Akbar Salaripour, Ph.D. Arman Hamidi, M.A. Mohammad Nouripour Sedehi, M.A. Mohammad Hossein Maqrour Porkar Abatari, M.A. Erfan Khani Kolsarki, M.A.	
Iran Contemporary Architecture and the Problem of Identity (A Realistic Representation of the Post-Modernism Critical Reading in Architecture)	65
Amir Davood Maslahatjoo, Ph.D. Maryam Ghasemi Sichani, Ph.D. Vahid Ghobadian, Ph.D. Bijan Abdolkarimi, Ph.D.	
Investigating the Geometry of the Courtyards of Girls' Primary Schools in Isfahan City with the purpose of Providing the Most Hours of Thermal Comfort	87
Ghazaleh Chehrazi, M.A. Narges Dehghan, Ph.D. Haniyeh Sanaieian, Ph.D. Amir Gandomkar, Ph.D.	
Analysis of Architectural students' Conceptual Sketches based on Systemic Thinking and Information Processing Styles in the Design Process	99
Farhad Karvan, Ph.D.	
Evaluation of Environmental and Non-Environmental Components Affecting Social Resilience in Residential Neighborhoods (Case Study: Selected Neighborhoods of Babol)	111
Sogand vosoughi, M.A. Rouhollah Rahimi, Ph.D.	